



چشم انداز کی مہارت حکومت

نجم الدین طبسی

پوسٹل کیٹیگری

(استاذان و تدریسیات اسلامی حوزہ علم عالی)

چشم اندازی به
حکومت مهدی (عج)

ویرایش دوم

نجم الدین طوسی

بوته کتب

انشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۰

طیبی، نجم الدین، ۱۳۳۴ -

چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) / نجم الدین طیبی . - ویرایش ۲ . - قم : بوستان
کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ، ۱۳۸۰ .
۲۲۴ ص . - (بوستان کتاب قم ؛ ۹۱۸)

ISBN 964 - 371 - 056 - 4 : ریال ۱۱/۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

پشت جلد به انگلیسی : Najm Al-Din Tabasi. Cheḡmandāzi be Ḥokūmate

Mahdī [An Outlook on the Mahdī's government]

چاپ قبلی : سازمان تبلیغات اسلامی ، مرکز چاپ و نشر ، ۱۳۷۳ .

کتابنامه : ص . [۲۱۶] - ۲۲۴ ؛ همچنین به صورت زیر نویس .

۱ . مهدویت . ۲ . محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۶ ق . - الف . بوستان

کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) . ب . عنوان .

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴ / ط ۲

۱۳۸۰

۶ مسلسل انتشار : ۱۷۸۲

شابک : ۹۶۴-۳۷۱-۰۵۶-۴ / ISBN: 964 - 371 - 056 - 4

بوستان کتاب

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)

نویسنده : نجم الدین طیبی

ناشر : بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

لیتوگرافی ، چاپ و صحافی : چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ : سوم (اول این ناشر) / ۱۳۸۰

شمارگان : ۳۰۰۰

بها : ۱۱۵۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی : قم ، خیابان شهدا (صفائیه) بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) .

ص پ ۹۱۷ ، تلفن : ۷۷۴۲۱۵۵ - ۷ ، شماره : ۷۷۴۲۱۵۴ ، پخش : ۷۷۴۳۴۲۶ ، فروشگاه مرکزی : قم چهار راه شهدا

فروشگاه شماره ۲ : تهران ، خیابان انقلاب ، خیابان فلسطین جنوبی . کوچه دوم دست راست (پشت) ، پلاک ۲۲/۳ ، تلفن ۶۴۶۰۷۳۵

نشانی الکترونیک : <http://www.hawzah.net/M/M.htm> - 1

<http://www.bulagh.org> - 2

پست الکترونیک : Bustan-e-Ketab@noor.net

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با قدردانی

از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

ویراستار: سید مجید حسن زاده .

کنترل ویرایش: محمد نقویان .

حروف نگار: مرگان فرمائی .

اصلاحات حروف نگاری: داود آوریده .

صفحه آرا: احمد اُخلی .

کنترل فنی صفحه آرای: حسین محمدی .

نمونه خوانی: محسن نوروزی، علی نوروزی، محمد جواد مصطفوی، جلیل حبیبی
و بیژن سهرابی .

کنترل نمونه خوانی: ولی الله قربانی و عبدالهادی اشرفی .

طراح جلد: محمد علی سید ابراهیمی .

پی گیر چاپ: سیدرضا محمدی .

بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

پاییز / ۱۳۸۰

فهرست موضوعات

پیش‌گفتار.....	۱۳
بخش اول: دورنمایی از جهان پیش از ظهور	
فصل اول: حکومت.....	
الف) استبداد حکومت‌ها.....	۲۱
ب) ترکیب دولت‌ها.....	۲۳
ج) نفوذ زنان بر حکومت‌ها.....	۲۳
د) فرمانروایی کودکان.....	۲۴
ه) تزلزل حکومت‌ها.....	۲۴
و) ناتوانی قدرت‌ها از اداره کشورها.....	۲۵
فصل دوم: وضعیت دینی مردم.....	
الف) اسلام و مسلمانان.....	۲۶
ب) مساجد.....	۲۷
ج) فقیهان.....	۲۷
د) خروج از دین.....	۲۸
ه) دین‌فروشی.....	۲۸
فصل سوم: اخلاق پیش از ظهور.....	
الف) سردی عواطف انسانی.....	۲۹

۳۰	ب) فساد اخلاقی
۳۱	ج) گسترش اعمال منافی عفت
۳۲	د) آرزوی کمی تعداد فرزندان
۳۳	ه) افزایش خانواده‌های بی سرپرست
۳۴	فصل چهارم: امنیت پیش از ظهور
۳۴	الف) هرج و مرج و ناامنی
۳۵	ب) ناامنی راه‌ها
۳۵	ج) جنایات هولناک
۳۷	د) آرزوی مرگ زندگان
۳۸	ه) به اسارت رفتن مسلمانان
۳۹	و) فرورفتن در زمین
۳۹	ز) افزایش مرگ‌های ناگهانی
۴۰	ح) ناامیدی جهانیان از نجات
۴۰	ط) نداشتن دادرس و پناه
۴۱	ی) جنگ، کشتار و فتنه‌ها
۴۶	فصل پنجم: وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور
۴۶	الف) کمبود باران و باریدن باران‌های بی‌موقع
۴۷	ب) خشک شدن دریاچه‌ها و رودها
۴۷	ج) شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت
۴۹	د) مبادله زنان در مقابل مواد غذایی
۵۰	فصل ششم: روزنه‌های امید
۵۰	الف) مؤمنان حقیقی
۵۱	ب) نقش عالمان و دانشمندان (شیعه)
۵۲	ج) نقش شهر قم در آخرالزمان
۵۲	قم حرم اهل بیت
۵۳	شهر قم حجّت بر دیگران

۵۴ مرکز نشر فرهنگ اسلامی
۵۵ (د) تأیید خط فکری قم
۵۶ یاوران مهدی (عج)
۵۶ ایران، کشور امام زمان
۵۷ تمجید از ایرانیان
۵۸ زمینه سازان ظهور

بخش دوم: انقلاب جهانی مهدی (عج)

۶۳ فصل اول: قیام امام زمان (عج)
۶۴ الف) اعلان ظهور
۶۵ ب) شعار پرچم قیام
۶۶ ج) خرسندی جهانیان از قیام
۶۷ د) نجات محرومان
۶۸ ه) نقش زنان در قیام امام (عج)
۶۹ بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب‌های تاریخی
۷۰ ۱. صیانه
۷۱ ۲. أم ایمن
۷۲ ۳. زبیده
۷۲ ۴. شمیّه مادر عمار یاسر
۷۳ ۵. أم خالد
۷۳ ۶. حبابه والیه
۷۵ ۷. قنواء دختر رشید هجری
۷۶ نقش زنان در دوران پیامبر ﷺ
۸۰ فصل دوم: رهبر قیام
۸۰ الف) خصوصیات جسمی
۸۰ ۱. سن و چهره

۸۲ ۲. مشخصات بدنی
۸۲ ب) کمالات اخلاقی
۸۳ ۱. ترس از خدا
۸۳ ۲. زهد
۸۴ ج) لباس
۸۵ د) اسلحه
۸۵ ه) چهره شناسی امام
۸۶ و) کرامات
۸۸ ۱. سخن گفتن پرنده
۸۸ ۲. جوشش آب و آذوقه از زمین
۸۹ ۳. طی الارض و نداشتن سایه
۸۹ ۴. وسیله انتقال
۹۰ ۵. کندی حرکت زمان
۹۰ ۶. قدرت تکبیر
۹۱ ۷. عبور از آب
۹۲ ۸. شفای بیماران
۹۲ ۹. عصای موسی در دست
۹۲ ۱۰. ندای ابر
۹۳ فصل سوم: سپاهیان امام (عج)
۹۳ الف) فرماندهان سپاه
۹۳ ۱. حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۹۴ ۲. شعیب بن صالح <small>رضی الله عنه</small>
۹۵ ۳. اسماعیل فرزند امام صادق <small>علیه السلام</small> و عبدالله بن شریک
۹۵ ۴. عقیل و حارث
۹۵ ۵. جبیر بن خابور
۹۶ ۶. مفضل بن عمر

۹۶	۷. اصحاب کهف
۹۶	ب) ملیت سپاهیان
۹۷	۱. ایرانیان
۹۹	قم
۹۹	خراسان
۱۰۰	طالقان
۱۰۰	۲. عرب‌ها
۱۰۱	۳. پیروان ادیان گوناگون
۱۰۳	۴. جابلقا و جابرسا
۱۰۵	ج) تعداد سپاهیان
۱۰۵	۱. نیروهای مخصوص
۱۰۷	۲. ارتش مهدی (عج)
۱۰۸	۳. گارد حفاظت
۱۰۹	د) اجتماع سپاهیان
۱۱۰	ه) شرایط پذیرش و آزمایش سپاهیان
۱۱۲	و) ویژگی‌های سپاهیان
۱۱۲	۱. عبادت و پارسایی
۱۱۳	۲. عشق به امام و فرمانبرداری از او
۱۱۴	۳. سپاهیان قدرتمند و جوان
۱۱۶	۴. سپاهیان محبوب
۱۱۶	۵. عاشقان شهادت
۱۱۷	فصل چهارم: جنگ‌های حضرت
۱۱۷	الف) پاداش مجاهدان و شهیدان
۱۱۸	ب) تجهیزات جنگی
۱۱۹	ج) جهان‌گشایی امام برای نجات بشر
۱۲۶	د) سرکوبی شورش‌ها

۱۲۸	ه) پایان جنگ‌ها
۱۳۰	فصل پنجم: امدادهای غیبی
۱۳۰	الف) رعب و ترس، سلاح امام
۱۳۱	ب) فرشتگان و جنیان
۱۳۳	ج) فرشتگان زمین
۱۳۵	د) تابوت موسی <small>علیه السلام</small>
۱۳۷	فصل ششم: شیوه رفتار امام <small>علیه السلام</small> با دشمنان
۱۳۷	الف) قاطعیت امام <small>علیه السلام</small> در رویارویی با دشمنان
۱۳۸	۱. جنگ و کشتار
۱۳۹	۲. اعدام و تبعید
۱۴۰	۳. قطع دست
۱۴۱	ب) برخورد با گروه‌های مختلف
۱۴۱	۱. قوم عرب
۱۴۲	۲. اهل کتاب
۱۴۴	۳. فرقه‌های باطل و منحرف
۱۴۵	۴. مقدس نماها
۱۴۶	۵. ناصبی‌ها
۱۴۷	۶. منافقان
۱۴۸	۷. شیطان
۱۴۹	فصل هفتم: احیای سنت محمدی <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۵۱	الف) احکام جدید
۱۵۱	۱. اعدام زناکار و منع کننده از زکات
۱۵۲	۲. قانون ارث
۱۵۳	۳. کشتن دروغگویان
۱۵۳	۴. پایان حکم جزیه
۱۵۴	۵. انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small>

۱۵۵	۶. حکم رهن و وثیقه
۱۵۵	۷. سود تجارت
۱۵۵	۸. کمک برادران دینی به یک دیگر
۱۵۵	۹. حکم قطایع
۱۵۶	۱۰. حکم ثروت‌ها
۱۵۶	ب) اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد
۱۵۶	۱. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن
۱۵۷	۲. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف
۱۵۷	۳. ویران کردن مناره‌ها
۱۵۸	۴. تخریب سقف مساجد و منبرها
۱۵۸	۵. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی
۱۵۹	ج) قضاوت
۱۶۰	د) حکومت عدل
۱۶۰	نظر مرحوم طبرسی

بخش سوم: حکومت

۱۶۵	فصل اول: دولت حق
۱۶۸	الف) حکومت بردل‌ها
۱۶۹	ب) پایتخت حکومت
۱۷۰	ج) کارگزاران دولت مهدی (عج)
۱۷۳	د) مدت حکومت
۱۷۶	فصل دوم: رشد دانش و فرهنگ اسلامی
۱۷۸	الف) شکوفایی دانش و صنعت
۱۸۱	ب) گسترش فرهنگ اسلامی
۱۸۲	۱. آموزش قرآن و معارف اسلامی
۱۸۳	۲. ساختن مساجد

۱۸۳	۳. رشد معنویت و اخلاق
۱۸۸	فصل سوم: امنیت
۱۸۸	الف) امنیت عمومی
۱۹۱	ب) امنیت راه‌ها
۱۹۳	ج) امنیت قضایی
۱۹۶	فصل چهارم: اقتصاد
۱۹۷	الف) شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی
۱۹۷	۱. تقسیم اموال و بخشش داری‌ها
۱۹۸	۲. ریشه کن شدن فقر از جامعه
۲۰۰	۳. رسیدگی به محرومان و مستضعفان
۲۰۱	ب) عمران و آبادانی
۲۰۳	ج) کشاورزی
۲۰۴	۱. فراوانی باران
۲۰۵	۲. فراوانی محصولات کشاورزی
۲۰۷	۳. گسترش دام پروری
۲۰۸	۴. بازرگانی
۲۰۹	فصل پنجم: بهداشت و درمان
۲۱۰	الف) گسترش بیماری‌ها و مرگ‌های ناگهانی
۲۱۱	ب) بهداشت
۲۱۲	ج) درمان
۲۱۳	شهادت یا رحلت امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۵	چگونگی شهادت امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۶	فهرست منابع

پیش‌گفتار

منطقه شوش دانیال تازه از چنگال کافران بعثی آزاد شده بود و مردم کم کم به شهر باز می‌گشتند. من که در آن زمان افتخار حضور در جمع عزیزان رزمنده را داشتم، در آن فرصت در مسجد جامع آن شهر تاریخی، درس‌هایی را درباره امام زمان (عج) بر اساس کتاب بحار الانوار علامه مجلسی بیان کردم.

در آن هنگام بدین نکته توجه کردم که درباره امام زمان (عج) گرچه مباحث گوناگونی، مانند: راز طول عمر، فلسفه غیبت، عوامل ظهور و ... مطرح شده است، ولی درباره چگونگی قیام، سیستم حکومتی و شیوه زمامداری آن حضرت، آن‌چنان‌که شایسته است، تحقیق و پژوهشی به عمل نیامده است. از این رو، بر آن شدم تحقیقی در این زمینه داشته باشم؛ شاید بتوانم برای سؤالاتی که کم و بیش برای همگان مطرح است، پاسخی بیابم.

یکی از پرسش‌هایی که ذهن بیش‌تر انسان‌ها را به خود مشغول داشته، آن است که امام (عج) چگونه نظام‌های سیاسی گوناگون را - که دارای افکار و توانایی‌های مختلفی هستند - از میان برمی‌دارد و نظام واحد جهانی تشکیل می‌دهد؟

سیستم و برنامه حکومتی آن حضرت چگونه است که در آن ظلم و ستمی در جهان نخواهد بود؛ فساد صورت نمی‌گیرد و گرسنه‌ای یافت نمی‌شود؟

این اندیشه چهار سال مرا به تحقیق و پژوهش در موضوع یاد شده واداشت، و نتیجه آن، کتابی شد که در پیش روی دارید.

در بخش نخست این کتاب، اوضاع جهان پیش از ظهور امام (عج) - که آکنده از جنگ و کشتار، ویرانی و قحطی، مرگ و بیماری، ظلم و ستم و ناامنی و تجاوز است - مورد بررسی قرار گرفته، نتیجه‌گیری می‌شود که مردم در آن هنگام از مرام‌ها، مکتب‌ها و حکومت‌های گوناگون - که هر کدام

ادعای رعایت حقوق بشر، سعادت انسان و نجات آنان را داشته‌اند - مایوس شده، از بهبود اوضاع نابسامان جهان ناامید گشته‌اند و در انتظار ظهور مصلحی به سر می‌برند تا نجات بخش آنان باشد. بخش دوم کتاب، به چگونگی قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) می‌پردازد؛ نهضتی که از کنار کعبه با اعلام آن حضرت آغاز می‌گردد. یاران و پیروان حقیقی از سراسر جهان به او می‌پیوندند. ستاد فرماندهی شکل می‌گیرد، سپاهیان منظم شده، فرماندهان منصوب می‌شوند و عملیات در سطح وسیعی آغاز می‌گردد.

امام مهدی (عج) ظهور می‌کند و به ریشه کن کردن ستم و ستمگر از جامعه می‌پردازد. این جامعه، محدود به سرزمین حجاز، خاورمیانه و آسیا نیست؛ بلکه به وسعت کره زمین است. اصلاح چنین جامعه‌ای که پر از ظلم و فساد است، کاری بس دشوار و مدعی - آن در حقیقت - ادعای معجزه‌ای بزرگ دارد و این معجزه به دست او تحقق می‌یابد.

سومین بخش کتاب، به حکومت آخرین امام علیه السلام اشاره دارد. آن حضرت برای اداره جهانی رهیده از ستم و فساد و نیز تحقق حاکمیت اسلام، دولتی قوی و کارآمد، از یاران توانمند زمان خویش و بزرگانی چون حضرت عیسی علیه السلام، سلمان فارسی، مالک اشتر، صالح و ... از سلف صالح تشکیل می‌دهد. هر چند نقش آنان را در براندازی حکومت‌های جور نمی‌توان نادیده گرفت، ولی نقش اصلی آنان در سازندگی و اصلاح جهان در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است.

آن چه در این پیش‌گفتار به اختصار ذکر شد، با بهره‌گیری از ده‌ها کتاب از - شیعه و سنی - و بررسی صدها روایت، به صورت مبسوط و مستدل در کتابی که در پیش رو دارید، آمده است.

امید است این کتاب که دورنمایی - هر چند نارسا - از جامعه اسلامی پس از ظهور عدالت‌گستر آل محمد علیهم السلام را ترسیم کرده است، مقبول امام زمان (عج) و مورد استفاده مسلمانان ایران و منتظران واقعی امام زمان (عج) قرار گیرد و آنان را برای فراهم کردن زمینه ظهور آن حضرت آماده سازد.

از خداوند بزرگ خواهانیم که مرجع بزرگوار امام خمینی علیه السلام را که جلوه‌ای از حکومت مهدی (عج) را در ایران به ما نشان داد با انبیا و معصومین محشور فرماید و خادمان به اهل بیت و مملکت اهل بیت را موفق و در حراست از این ام القرای اسلام مؤید بدارد. در این جا تذکر چند نکته ضروری است:

۱. ما مدعی آن نیستیم که در این کتاب مطلب تازه‌ای ارائه کرده‌ایم؛ زیرا روایات آن را عالمان گذشته جمع‌آوری نموده، در برخی موارد، نتیجه‌گیری نیز کرده‌اند؛ اما ویژگی این کتاب، در این است که سعی شده به دور از اصطلاحات خاص و نزاع‌های دینی، مطالب را در قالبی نو، ساده و درخور فهم عموم ارائه کند.

۲. برداشت‌هایی که از روایات صورت گرفته و به جایی استناد داده نشده است، نظر شخصی نویسنده می‌باشد. از این رو، ممکن است که با دقت و تحقیق بیشتر و مقایسه روایات با یکدیگر، مطالب دیگری برداشت شود.

۳. هم‌چنین مدّعی نیستیم که تمامی روایات مورد استناد در این کتاب، صحیح و غیر قابل‌خدشه است؛ بلکه سعی بر این بوده است که آن چه محدّثان و مؤلفان معتبر در کتاب‌های‌شان آورده‌اند، نقل شود. هم‌چنین جز در پاره‌ای از موارد، از سند روایات بحثی به میان نیامده است؛ زیرا در مقام اثبات یا نفی آن نبوده‌ایم. علاوه بر آن که در بسیاری از موارد، با تواتر اجمالی به صدور روایت قطع پیدا می‌کنیم؛ به ویژه در روایاتی که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام رسیده است.

۴. روایات این کتاب پیش از تألیف و تدوین کتاب معجم احادیث^۱ الامام المهدی علیه‌السلام جمع‌آوری شده است. از این رو، مشتاقان به تحقیق بیشتر در این زمینه را به آن کتاب که بحمدالله پس از این کتاب موفق به جمع‌آوری و تألیف و نشر آن شدم ارجاع می‌دهیم.

۵. در بسیاری از روایات کلمه الساعه و القیامه به ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است. از این رو، روایاتی که به عنوان شرایط یا علائم الساعه و القیامه آمده، در این کتاب به عنوان علائم ظهور آورده شده است.

۶. برخی از مطالب کتاب نیاز به تحقیق بیشتر دارد؛ هر چند سعی شده درباره آنها توضیح داده شود. امید است با عنایات الهی کتاب را در چاپ‌های بعدی با تحقیق بیشتر تری منتشر نمایم. در خاتمه به مصداق من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، لازم است از برادران و دوستان به ویژه از دو برادر بزرگوارم، حجج اسلام محمد جواد و محمد جعفر طبسی برای رهنمودهای‌شان و از حجج اسلام علی رفیعی و سید محمد حسینی شاهرودی برای بازنویسی و تنظیم مطالب کتاب، تشکر و قدردانی کنم.

قم - نجم الدین طبسی

۱۳۷۳ ه. ش

۱. این‌جانب با همکاری چند تن از فضلاء حوزه این کتاب را در پنج جلد تألیف کردم و بنیاد معارف اسلامی قم آن را در ۱۴۱۱ قمری به چاپ رساند و در آینده نزدیک - إن شاء الله - به بازنگری آن خواهیم پرداخت.

بخش اول

دورنمایی از جهان پیش از ظهور

>

آن‌گاه که در روشنائی قرار داریم، از ارزش آن کم‌تر آگاه می‌گردیم و زمانی به ارزش واقعی آن پی می‌بریم که در ظلمت و تاریکی قرار گرفته باشیم. هنگامی که خورشید جهان افروز در پهنه آسمان می‌درخشد، کم‌تر بدان توجه داریم، ولی آن‌گاه که در پس ابرها قرار گیرد و برای مدتی نور و گرما را از موجودات دریغ ورزد، به ارزش آن، آگاه می‌گردیم.

ضرورت ظهور خورشید ولایت را آن‌گاه احساس خواهیم کرد که از شرایط و اوضاع نابسامان پیش از ظهور آگاه شویم و شرایط سخت روانی آن دوران را درک کنیم. ترسیمی کلی از آن دوران - که برگرفته از روایات است - به شرح زیر می‌باشد:

پیش از ظهور امام زمان (عج) فتنه و آشوب، هرج و مرج، نابسامانی، ناامنی و ظلم و بیداد، نابرابری و اجحاف، قتل و کشتار و تجاوز، همه‌جا را فرا می‌گیرد و زمین سرشار از ستم و بی‌عدالتی می‌شود.

جنگ‌های خونین میان ملت‌ها و کشورهای جهان آغاز شده، زمین از کشته‌ها انباشته می‌گردد. کشتار ناحق به حدی زیاد است که هیچ‌خانه و خانواده‌ای یافت نمی‌شود که یک یا چند عزیز خود را از دست ندهد. مردان و جوانان بر اثر جنگ‌ها از بین می‌روند، تا آن‌جا که هر سه نفر، دو نفر کشته می‌شوند.

امنیت مالی و جانی از میان ملت‌ها رخت بر می‌بندند، راه‌ها و جاده‌ها ناامن می‌گردد، ترس، وحشت و هراس بشر را فرا می‌گیرد، مرگ‌های زودرس و ناگهانی فراوان می‌شود. کودکان معصوم با بدترین شکنجه‌ها، به دست فرمانروایان ستمگر کشته می‌شوند، در خیابان‌ها و معابر عمومی به زنان باردار تجاوز می‌گردد، بیماری‌های واگیر و مرگ‌بار - شاید بر اثر تعفن پیکر کشته شدگان یا به کارگیری سلاح‌های میکروبی و شیمیایی -

گسترش می‌یابد. کمبود مواد غذایی، گرانی و قحطی، زندگی مردم را فلج می‌کند و زمین از پذیرش بذر و رشد و شکوفایی سر باز می‌زند. باران‌ها قطع شده، یابی هنگام فرو می‌آید و زیان می‌رساند. بر اثر قحطی، زندگی چنان سخت می‌شود که برخی از مردم برای تأمین قوت لایموت خود، زنان و دختران خود را در برابر اندکی غذا واگذار می‌کنند.

در آن شرایط دشوار، ناامیدی، بشر را فرا می‌گیرد و مرگ بهترین هدیه الهی به انسان‌ها تلقی می‌شود و تنها آرزوی مردم، پایان یافتن زندگی است. در آن هنگام چون شخصی از میان پیکر کشته شدگان و از کنار گورستان‌ها بگذرد، آرزو می‌کند: کاش یکی از آنان بود تا از زندگانی ذلت‌بار آسوده می‌گشت.

در آن هنگام هیچ قدرت و سازمان و تشکیلاتی وجود ندارد که بتواند آن همه نابسامانی، تجاوز و کشتار را مهار کند و ستمکاران و قدرتمندان را به سزای کردار ننگینشان برساند. هیچ فریادی برای رهایی مردم به گوش نمی‌رسد. همه مدعیان نجات بشر، خائن و دروغ‌گو از کار در می‌آیند و انسان‌ها تنها ظهور مصلحی الهی و معجزه‌ای خدایی را انتظار می‌کشند.

در آن هنگام که ناامیدی همه را فرا گرفته است، لطف و رحمت الهی، مهدی موعود را، پس از سال‌ها غیبت و انتظار، برای نجات انسانیت ظاهر می‌کند و سرورش آسمانی در همه جهان به گوش می‌رسد که: «ای اهل عالم! دوران فرمانروایی ستمگران به سر آمد و حکومت عدل الهی فرارسید و مهدی ظهور کرد». این ندای آسمانی، روح امید را در پیکره بی‌رمق انسان‌ها می‌دمد. و به محرومان و ستمدیدگان مژده رهایی می‌دهد.

آری، با درک این زمینه‌هاست که می‌توان، به ضرورت ظهور مصلح الهی پی برد، و اهمیت و ارزش حکومت عدالت‌گستر مهدی (عج) را درک کرد.

در این جا اوضاع نابسامان پیش از ظهور امام علیه السلام را در پنج فصل، از دیدگاه روایات بررسی می‌کنیم.

حکومت

قوانین ادیان و مکتب‌ها، هنگامی در جامعه اجرا می‌شود که حکومتی از آن پشتیبانی کند. از این رو، هر گروهی در پی به دست آوردن حکومت، برای اجرای اهداف خویش است. اسلام نیز - که برترین آیین آسمانی است - در پی تشکیل حکومت اسلامی بوده، پیدایش و حفظ حکومت حق را از بزرگ‌ترین فرایض می‌داند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ همه کوشش‌های خویش را برای تشکیل حکومت اسلامی به کار گرفت و در شهر مدینه به پایه ریزی آن پرداخت. پس از رحلت آن حضرت - هر چند امامان معصوم علیهم‌السلام و عالمان، آرزوی تشکیل حکومت اسلامی را داشته‌اند - جز در موارد انگشت‌شماری، حکومت‌ها الهی نبوده است و تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام نیز بیش‌تر حکومت‌ها بر باطل خواهند بود.

در روایاتی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده است، چشم‌انداز عمومی حکومت‌ها، پیش از قیام مهدی (عج) ترسیم شده است که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

الف) استبداد حکومت‌ها

یکی از مسائلی که جامعه بشری پیش از ظهور امام علیه‌السلام از آن رنج می‌برد، بیدادگری و ستمی است که به وسیله حکومت‌ها بر مردم می‌رود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «زمین از ستم و بیداد پُر می‌شود؛ تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ وارد می‌گردد».^۱

۱. ابن ابی شیبیه، مصنف، ج ۱۵، ص ۸۹؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می گردد؛ تا آن که ترس و اندوه در هر خانه ای وارد شود»^۱.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم علیه السلام قیام نمی کند، مگر در دورانی پر از بیم و هراس»^۲.

این بیم و ترس چیزی است که غالباً از حکومت زمامداران ستمگر و خودسر جهان سرچشمه می گیرد؛ زیرا پیش از ظهور آن حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می کنند.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد»^۳.

ابن عمر می گوید: مرد شرافتمند و دارای مال و فرزند (در آخر الزمان) به سبب رنجها و گرفتاری هایی که از سوی فرمانروایان می بیند، آرزوی مرگ می کند.^۴

نکته قابل توجه این است که پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها از تجاوز و هجوم قدرت های بیگانه رنج نمی برند، بلکه از سوی حکومت های خودکامه و مستبد خودشان نیز در فشار و رنجند؛ آن چنان که زمین با همه گستردگی اش بر آنان تنگ می شود و به جای احساس آزادی، خود را در زندانی بزرگ احساس می کنند. هم اکنون در جهان اسلام جز ایران - که با عنایت خداوند و امام زمان (عج) در آن فقیه عادل حکومت می کند - باقی رهبران کشورهای اسلامی با اسلام و مسلمانان میانه خوبی ندارند و با آنان بیگانه اند.

در روایات، در این زمینه چنین آمده است:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «در آخر الزمان بلای شدیدی - که سخت تر از آن شنیده نشده باشد - از سوی فرمانروایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد؛ به گونه ای

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۷.

۲. شجرى، امالى، ج ۲، ص ۱۵۶.

ر.ک: نعمانی، غیبه، ص ۲۵۳؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴، اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۱۲؛

اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰؛ حلیة الأبرار، ج ۳، ص ۶۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳؛ بشارة الاسلام، ص ۸۲؛

عقد الدرر، ص ۶۴؛ القول المختصر، ص ۲۶؛ متقی هندی، برهان، ص ۷۴؛ سفارینی، لوائح، ج ۳، ص ۸.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۷.

۴. عقد الدرر، ص ۳۳۳.

که فراخنای زمین بر آنان تنگ خواهد گشت و زمین از بیداد و ستم لبریز گردد؛ آن چنان که مؤمن برای رهایی از ستم، پناهگاهی که بدان پناهنده شود، نمی یابد»^۱.

در پاره‌ای از روایات به ابتلای مسلمانان به رهبران خودکامه تصریح گشته، در پی حکمرانی آن فرمانروایان ستمگر، ظهور مصلح کل، نوید داده شده است. در این دسته از روایات، از سه گونه حکومت - که پس از رسول گرامی اسلام بر سر کار می آیند - سخن به میان آمده است. این سه گونه حکومت عبارتند از: خلافت، امارت و ملوک و پس از آن، جباران حاکم می شوند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «پس از من خلفایی بر سر کار خواهند آمد؛ بعد از خلفاء، امرایی و پس از امراء، پادشاهان و پس از آنان جباران و ستمگران؛ سپس مهدی (عج) ظهور می کند»^۲.

ب) ترکیب دولت‌ها

هنگامی مردم در آسایش و راحتی به سر می برند که کارگزاران حکومت، افرادی صالح و کاردان باشند؛ ولی وقتی که افراد ناشایست بر مردم فرمانروا شدند، طبیعی است که انسان‌ها از رنج و عذاب به ستوه آیند؛ درست همان وضعیتی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) پیش می آید. در این هنگام، دولت‌ها را افرادی خیانتکار، فاسق و ستمکار تشکیل می دهند.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «زمانی خواهد آمد که فرمانروایان، ستم پیشه؛ فرماندهان، خیانتکار؛ قاضیان، فاسق و وزیران، ستمگر می گردند»^۳.

ج) نفوذ زنان بر حکومت‌ها

یکی دیگر از مسائلی که در حکومت‌های آخرالزمان مطرح است، سلطه و نفوذ زنان

۱. حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۶۵؛ عقد الدرر، ص ۴۳؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۴.

۲. المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۵؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۲۱؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۵۶؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۶.

۳. شجری، امالی، ج ۲، ص ۲۲۸.

می باشد که یا به گونه مستقیم بر مردم فرمانروایی می کنند و یا فرمانروایان را به زیر سلطه خود می برند. این مطلب، پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «زمانی خواهد رسید که افراد فاسد و زناکار به ناز و نعمت می رسند و فرومایگان مقام و موقعیتی پیدا می کنند و انسان های با انصاف ضعیف می شوند». سؤال شد: این دوره در چه وقت خواهد بود؟ فرمود: «هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و خردسالان به فرمانروایی برسند».^۱

د) فرمانروایی کودکان

حاکمان باید افرادی باتجربه و مدیر باشند تا مردم در راحتی و آسایش قرار گیرند. اگر به جای آنان، کودکان یا کوته فکران، سرپرستی کارها را در دست گیرند، باید از شر فتنه ای که رخ می دهد، به خدا پناه می برد.

در این باره به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «از اوّل سال هفتاد و حکومت کودکان، به خدا پناه ببرید».^۲
سعید بن مسیب می گوید: «فتنه ای رخ می دهد و ابتدای آن بازی کودکان خواهد بود».^۳

ه) تزلزل حکومتها

حکومتی قادر است به مردم کشورش خدمت کند که دارای ثبات سیاسی باشد؛ زیرا در صورتی که در حال تغییر باشد، قادر به انجام کارهای بزرگ در کشور نیست. حکومتها در آخرالزمان در حال تزلزلند و گاهی حکومتی در آغاز روز بر سر کار می آید، ولی هنگام غروب از کار برکنار می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «چگونه خواهید بود، هنگامی که بدون امام هدایتگر و بدون علم و دانش بمانید و از یک دیگر بیزاری جوید؟ [و این] زمانی باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد شما از هم جدا گردند و غربال و زیر و رو شوید. آن وقت که شمشیرها در رفت و آمد باشد و جنگ

۱. کافی، ج ۸، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵.

۲. احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۲۶، ۳۵۵، ۴۴۸.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۰.

شعله ور. حکومتی در آغاز روز، روی کار می آید و با کشتار در آخر روز بر کنار و سرنگون می شود.^۱

و) ناتوانی قدرت‌ها از ادارهٔ کشورها

پیش از ظهور امام زمان (عج) حکومت‌های ستمگر به ضعف می‌گرایند و این زمینه‌ای می‌شود تا حکومت جهانی حضرت مهدی را بپذیرند. امام سجاد علیه السلام دربارهٔ آیهٔ شریفهٔ ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾^۲ تا آن‌گاه که ببینند، آن چه وعده داده شده است و به زودی خواهند دانست چه کسی یاوران کم‌تری دارد و ناتوان‌تر است. ﴿...﴾، فرمود: «وعدای که در این آیه داده شده است، مربوط به حضرت قائم علیه السلام و اصحاب و یاوران و دشمنانش است. آن‌گاه که امام زمان علیه السلام قیام کند، دشمنانش ناتوان‌ترین دشمنان خواهند بود و کم‌ترین نیروها و تجهیزات را خواهند داشت.»^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲. جن (۷۲) آیه ۲۴.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۳۱؛ نورالشفیقین، ج ۵، ص ۴۴۱؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۹؛ منابع الموده، ص ۴۲۹؛ المحجّه، ص ۱۳۲.

وضعیت دینی مردم

در این فصل به بررسی وضعیت دینی مردم پیش از ظهور امام زمان (عج) می‌پردازیم. از روایات فهمیده می‌شود که در آن روزگار، از اسلام و قرآن جز نامی بر جای نمی‌ماند، مسلمانان تنها به نام، مسلمان هستند. مساجد، دیگر جای ارشاد و موعظه مردم نیست. فقهای آن زمان بدترین فقهای روی زمینند و دین با کالای کم ارزش و بهای اندکی معاوضه می‌شود.

الف) اسلام و مسلمانان

اسلام به معنای تسلیم بودن در برابر دستورات الهی است. اسلام برترین و بهترین ادیان است که خوش بختی بشر را در دنیا و آخرت تضمین می‌کند؛ ولی آن چه ارزش دارد، عمل کردن به دستورات اسلام و قرآن است. در آخر زمان همه چیز بر عکس می‌شود؛ یعنی از اسلام جز نامی بر جای نمی‌ماند. قرآن در جامعه حضور دارد؛ ولی تنها خطوطی است که بر برگ‌ها نقش بسته است و مسلمانان تنها از نام مسلمانی برخوردارند و از اسلام نشانی ندارند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «دورانی بر امت من می‌آید که در آن، از اسلام جز نامی نماند و از قرآن اثری جز نقش و تصویری نباشد. مسلمانان به نام، مسلمان خوانده می‌شوند؛ ولی نسبت به اسلام از هر کس بیگانه‌ترند»^۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به زودی دورانی فرارسد که مردم خدا را نشناسند و معنای

۱. ثواب الاعمال، ص ۳۰۱؛ جامع الاخبار، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

توحید را ندانند تا این که دجال خروج کند».^۱

ب) مساجد

مسجد جای پرستش خداوند و تبلیغات دینی و ارشاد و هدایت مردم است. در صدر اسلام، حتی کارهای مهم حکومتی در مساجد انجام می شد. جهاد در مساجد برنامه ریزی می شد و انسان از مسجد به معراج می رفت؛ ولی در آخرالزمان مساجد ماهیت خود را از دست می دهند و به جای آموزش و تبلیغات و ارشاد دینی، بر تعداد مساجد و تجمعات آن افزوده می شود. در صورتی که مساجد از مؤمنان تهی است. پیامبر خدا می فرماید: «مسجدهای آن زمان آباد و زیباست؛ ولی از هدایت و ارشاد در آن خبری نیست».^۲

ج) فقیهان

عالمان و دانشمندان اسلامی، حافظان دین خدا در روی زمینند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است. آنان با تحمل زحمات، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده، در دسترس مردم قرار می دهند؛ ولی در آخرالزمان وضع دگرگون می شود و عالمان آن روزگار بدترین عالمان خواهند بود. رسول خدا ﷺ در این باره می فرماید: «فقیهان آن روزگار، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند. فتنه و آشوب، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد».^۳ شاید بتوان گفت: منظور، عالمان درباری و وابسته‌ای هستند که جنایات پادشاهان ستمگر و فرمانروایان خودسر را توجیه می کنند و به آن رنگ اسلامی می دهند؛ آنانی که حاضرند با هر مجرم و جنایت پیشه‌ای، کنار آیند؛ مانند وعاظ السلاطین وابسته به وهابیت، که مبارزه با آمریکا و اسرائیل را خلاف شرع می دانند. آنان که در برابر جنایات اسرائیل دم برنیاوردند و جنایات وهابیان را در کشتن زائران خانه خدا توجیه کردند و برایش آیه و روایت آوردند. آری، باید گفت: آنان بدترین فقیهانند که فتنه‌ها از آنان شروع شده، به آنان نیز باز می گردد.

۱. تفسیر فرات، ص ۴۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. ثواب الاعمال، ص ۳۰۱؛ جامع الاخبار، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

د) خروج از دین

یکی دیگر از علائم آخرالزمان این است که مردم از دین خارج می‌شوند. روزی امام حسین علیه السلام به نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد. گروهی در گرداگرد حضرت علیه السلام نشسته بودند. ایشان به آنان فرمود: «حسین پیشوای شماست. رسول خدا او را سید و سرور نامیده است. از نسل او مردی ظهور خواهد کرد که در اخلاق و چهره، شبیه من است. او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که [پیش از آن] پر از ستم و جور شده است». سؤال شد: این قیام در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «افسوس! هنگامی که از دین خارج شوید؛ هم‌چنان‌که زن برای شوهرش از لباسش خارج می‌شود».^۱

ه) دین‌فروشی

انسان مکلف است که اگر جانش به خطر افتاد، از مالش بگذرد تا جانش محفوظ بماند و اگر دینش را خطری تهدید کرد، از جانش مایه بگذارد تا خطر متوجه دینش نشود؛ ولی در آخرالزمان دین را به بهای کمی می‌فروشند و انسان‌هایی که صبح مؤمن بوده‌اند، بعد از ظهر کافر می‌گردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «وای بر عرب از شری که به آنان نزدیک شده است. فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تاریک و ظلمانی. صبح‌گاهان مرد مؤمن است و به هنگام غروب کافر. گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می‌فروشند. کسی که در آن روز به دین خود چنگ زده و پای بند است، همانند کسی است که گلوله‌ای از آتش را در دست گرفته یا بوته‌ای از خار را در دست می‌فشرد».^۲

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۴.

۲. احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۹۰.

اخلاق پیش از ظهور

سست شدن بنیان خانواده، خویشاوندی، دوستی، و سردی عواطف انسانی و بی‌مهری از ویژگی‌های بارز آخرالزمان است.

الف) سردی عواطف انسانی

رسول گرامی اسلام ﷺ وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می‌دارد: «در آن روزگار، بزرگ‌تران به زبردستان و کوچک‌تران رحم نمی‌کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌نماید. در آن هنگام، خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می‌دهد.^۱ نیز آن حضرت می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که زمانی فرارسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی‌دهند. همسایه از همسایه خود کمک می‌طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می‌دهد؛ ولی همسایه کمکش نمی‌کند.»^۲

نیز آن حضرت می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت، بدرفتاری با همسایه و گسستن پیوندهای خویشاوندی است.»^۳

از آن‌جا که در برخی از روایات «الساعة» به ظهور حضرت تأویل شده است^۴، روایات

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰ و ج ۳۶، ص ۳۳۵.

۲. شجرى. امالى، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۲۷۴؛ فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۵؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰؛ جمع الجوامع، ج ۱، ص ۸۴۵؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۴. ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵؛

«أشراط الساعة» را به نشانه‌های ظهور تفسیر کردیم.

ب) فساد اخلاقی

هرگونه انحراف و فسادی ممکن است به گونه‌ای قابل تحمل باشد، جز فساد جنسی که برای انسان‌های غیرتمند و شرافتمند، بسیار ناگوار و غیرقابل تحمل است. از انحراف‌های بسیار زشت و خطرناکی که جامعه پیش از ظهور امام زمان (عج) به آن گرفتار می‌شود، بی‌امنی خانوادگی و ناموسی است.

در آن روزگار، فساد و بی‌بند و باری اخلاقی، به‌طور گسترده‌ای گسترش می‌یابد. قبح و زشتی کردارهای حیوانی گروهی انسان نما، بر اثر گسترش فساد و تکرار آن از بین می‌رود و حالت عادی و طبیعی به خود می‌گیرد. فساد چنان فراگیر می‌شود که کم‌تر کسی می‌تواند و یا می‌خواهد از آن جلوگیری کند.

جشن‌های دو هزار و پانصد ساله سلطنتی در سال ۱۳۵۰ شمسی و در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی، با عنوان جشن هنر شیراز که در آن صحنه‌های بسیار زشتی از زندگی حیوانی نمایش داده شد، اعتراض و خشم جامعه اسلامی ایران را برانگیخت؛ ولی در روزگار پیش از ظهور، خبری از این اعتراض‌ها نیست و تنها اعتراض، این است که چرا در وسط چهارراه‌ها چنین اعمال زشتی صورت می‌گیرد. این بالاترین نهی از منکری است که انجام می‌شود و چنین شخصی، عابدترین فرد زمان خود است.

اینک نظری به روایات می‌افکنیم تا عمق فاجعه از بین رفتن ارزش‌های اسلامی و گسترش فساد در آن روزگار را درک کنیم. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «قیامت بر پا نمی‌شود تا آن که زنی را در روز روشن و به‌طور آشکار (و در پیش روی همگان از چنگ صاحبش) گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند؛ ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید. بهترین آن مردم، کسی است که می‌گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می‌رفتی و کارت را انجام می‌دادی.»^۱

→ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۰؛ شافعی، البیان، ص ۵۲۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۲.

برای بررسی واژه‌های یوم الظهور، یوم الکتزه و یوم القیامه به تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸ رجوع کنید.

۱. عقد الدرر، ص ۳۳۳؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۹۵.

هم چنین حضرت می فرماید: «سوگند به آن که جان محمد ﷺ در دست اوست، این امت از بین نمی روند تا آن که مرد بر سر راه زنان می ایستد (و چون شیر درنده) به آن تجاوز می کند. بهترین آن مردم، کسی است که می گوید: ای کاش او را پشت این دیوار پنهان می کردی و در ملاء عام، این عمل را انجام نمی دادی».^۱

در بیانی دیگر می فرماید: «آن مردمان چون حیوانات، در وسط راه بر هم می شورند و با هم می ستیزند و آن گاه یکی از آنان به مادر، خواهر و دختر او در وسط راه و در حضور همگان تجاوز می کند، سپس آنان را در معرض تعدی دیگران قرار می دهد و یکی پس از دیگری عمل زشت را انجام می دهند؛ ولی کسی این کردار زشت را نکوهش نمی کند و تغییر نمی دهد. بهترین آنان کسی است که می گوید: اگر از جاده و از نظر مردم دور می شدید، بهتر بود».^۲

ج) گسترش اعمال منافی عفت

محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: «هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آن گاه که مردان به مردان اکتفا کنند [یعنی لواط کنند] و زنان به زنان».^۳ روایت دیگری به همین مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است.^۴ ابوهریره نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: «قیامت برپا نمی گردد تا آن که مردان برای انجام عمل زشت بر یک دیگر سبقت بگیرند؛ چنان که نسبت به زنان چنین می کنند».^۵ روایات دیگری نیز به همین مضمون آمده است.^۶

۱. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۱۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۱؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۱۷.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۰۱.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۴. مختصر اثبات الرجعه، ص ۲۱۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

۵. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۶؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۹.

۶. الف) عن الصادق علیه السلام: «إذا رأيت الرجل يُعطيّ على إتيان النساء» كافي، ج ۸، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷؛

بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

ب) «إذا صار الغلام يعطي كما تعطي المرأة، ويعطي قفاة لمن ابتغى» كافي، ج ۸، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

(د) آرزوی کمی تعداد فرزند

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «رستاخیز بر پا نمی شود، تا آن که کسی که پنج فرزند دارد، آرزوی چهار فرزند کند و آن که چهار فرزند دارد، می گوید: کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد و آن که دو فرزند دارد، آرزوی یک فرزند نماید و کسی که یک فرزند دارد، آرزو کند که: کاش فرزندی نداشت»^۱.

در روایت دیگری می فرماید: «روزگاری خواهد آمد که غبطهٔ مرد کم فرزند را بخورید، چنان که امروز غبطهٔ فرزند و ثروت زیادتر را می خورید؛ تا آن جا که یکی از شما، از کنار قبر برادرش می گذرد و خود را بر قبر او می غلطانند؛ آن گونه که حیوانات خود را بر خاک چراگاه می غلطانند و می گوید: ای کاش من به جای او بودم و این سخن نه به سبب شوق دیدار خداوند و یا به دلیل اعمال نیکی است که از پیش فرستاده است؛ بلکه به جهت بلاها و گرفتاری هایی است که بر او فرود می آید»^۲.

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت بر پا نمی شود، مگر آن که فرزند کم گردد»^۳. در این روایت «الولد غیضاً» آمده است که معنای آن سقط جنین و جلوگیری از بارداری است؛ ولی کلمه «غیظاً» که در روایت دیگری آمده است به معنای غم و مشقت و محنت و غضب است.

یعنی مردم در آن دوران با سقط جنین و جلوگیری از افزایش فرزند، مانع زیاد شدن

→ (ج) «یزف الرجال للرجال كما تزف المرأة لزوجها» بشارة الاسلام، ص ۷۶؛ الزام الناصب، ص ۱۲۱.

(د) قال الصادق عليه السلام: «بتمشط الرجل كما تتمشط المرأة لزوجها، و يعطي الرجال الأموال على فروجهم و يتنافس في الرجل و يفار عليه من الرجال، و يبذل في سبيل النفس و المال» کافی، ج ۸، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۷.

(ه) قال الصادق عليه السلام: «تكون معيشة الرجل من دبره، و معيشة المرأة من فرجها» کافی، ج ۸، ص ۳۸.

(و) قال الصادق عليه السلام: «عندهما يفار على الغلام كما يفار على الجارية (الشابة) في بيت أهلها». بشارة الاسلام، ص ۳۶، ۱۳۳، ۷۶.

(ز) قال النبي صلى الله عليه وآله: «كأنك بالدنيا لم تكن إذا ضيعت أمّتي الصلاة و اتبعت الشهوات و غلت الأسعار و كثرت اللواط». بشارة الاسلام، ص ۲۳؛ الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۱. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷.

۲. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۲.

۳. الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۵۱؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۱؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۴۱.

فرزندان می شوند. یا فرزند داشتن موجب غم و اندوه و خشم خواهد بود و شاید این به علت مشکلات سخت اقتصادی، گسترش بیماری‌ها در کودکان و نبودن امکانات، تبلیغ و تشویق به کنترل جمعیت و یا عامل دیگر باشد.

ه) افزایش خانواده‌های بی سرپرست

رسول خدا ﷺ می فرماید: «از نشانه‌های قیامت این است که مردان کم می شوند و زنان بسیار. تا آنجا که هر پنجاه زن یک سرپرست خواهند داشت».^۱

شاید این وضعیت بر اثر افزایش تلفات جانی مردان باشد که در جنگ‌های پی در پی و طولانی صورت می گیرد.

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت بر پا نمی شود، مگر آن که روزگاری فرارسد که به دنبال یک مرد، حدود سی زن به راه افتد و هر کدام از او تقاضا کند که با او ازدواج نماید».^۲ حضرت در روایت دیگری می فرماید: «خداوند دوستان و برگزیدگان خود را از دیگران جدا می کند تا این که زمین از منافقان و گمراهان و فرزندان آنان پاک شود. زمانی فرارسد که پنجاه زن با یک مرد روبه رو شده، یکی می گوید: ای بنده خدا! مرا بخر و دیگری می گوید: به من پناه ده».^۳

انس می گوید: پیامبر ﷺ فرمود: «قیامت بر پا نمی شود، مگر آن که زمانی فرارسد که (بر اثر تلفات مردان و کثرت زنان) زنی کفشی را در راه بیابد و (از روی دریغ و افسوس) گوید: این کفش از آن مردی بوده است؛ در آن روزگار، برای هر پنجاه زن، یک سرپرست خواهد بود».^۴

انس می گوید: آیا نمی خواهید حدیثی را که از پیامبر ﷺ شنیدم، نقل کنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: «مردان از بین خواهند رفت و زنان باقی می مانند».^۵

۱. طیالسی، مسند، ج ۸، ص ۲۶۶؛ احمد، مسند، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۴۹۱؛ ابویعلی، مسند، ج ۵، ص ۲۷۳؛ حلیه الاولیاء، ج ۶، ص ۲۸۰؛ دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۴۳؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰.
۲. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۰۹.
۳. مفید، امالی، ص ۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.
۴. عقد الدرر، ص ۲۳۲؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۵.
۵. احمد، مسند، ج ۳، ص ۳۷۷.

اهمیت پیش از ظهور

الف) هرج و مرج و ناامنی

بر اثر تجاوز قدرت های بزرگ، امنیت از میان حکومت های کوچک و ملت های ضعیف رخت بر خواهد بست و دیگر آزادی و امنیت مفهومی نخواهد داشت. قدرت های حاکم بر جهان آن چنان عرصه را بر ملل ضعیف تنگ می کنند و تجاوز به حقوق ملت ها را تا آن جا گسترش می دهند که مردم اجازه نفس کشیدن هم نمی یابند. پیامبر اکرم ﷺ آن دوران را چنین ترسیم می کند: «به زودی امت ها (پیروان دیگر آیین ها و مکاتب) بر ضد شما وارد عمل خواهند شد؛ آن گونه که گرسنگان به ظروف غذا حمله ور می شوند». شخصی گفت: از آن جهت که در آن زمان در اقلیت به سر می بریم، این گونه مورد هجوم قرار خواهیم گرفت؟ پیامبر فرمود: «تعداد شما در آن زمان بسیار خواهد بود، ولی چون خس و خاشاک روی سیل خواهید بود. خداوند، مهابت و عظمت شما را از دل دشمنانتان خارج ساخته، بر دل های تان سستی خواهد افکند». کسی پرسید: ای رسول خدا! این وهن و سستی به علت چیست؟ فرمود: «دنیا دوستی و ناخوش داشتن مرگ».^۱ این دو خصلت زشت که رسول مکرم از آن یاد کرده است، کافی است که ملتی را از رسیدن به آزادی و دفاع از ارزش های خود باز دارد و آنان را به زندگی ذلت بار تحت هر شرایطی انس دهد؛ هر چند با از دست دادن دین و اصول مکتب باشد. رسول خدا ﷺ می فرماید: «ظهور مهدی (عج) هنگامی خواهد بود که دنیا آشفته و پُر از

۱. طرابلسی، مستد، ص ۱۳۳؛ ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۱۱؛ المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۰۱.

هرج و مرج گردد و گروهی به گروه دیگر یورش برند^۱؛ نه بزرگ به کوچک رحم کند و نه نیرومند بر ضعیف ترخم نماید. در چنین هنگامی خداوند به او اجازه قیام می‌دهد.^۲

ب) ناامنی راه‌ها

دامنه هرج و مرج و ناامنی به راه‌ها نیز کشیده خواهد شد و بی‌رحمی گسترش می‌یابد. در این زمان خداوند، مهدی را بر خواهد انگيخت و دژهای گمراهی را به دست توانمند او فتح می‌کند. مهدی موعود (عج)، تنها به گشودن قلعه‌های استوار نمی‌پردازد؛ بلکه دل‌های بسته به روی حقایق و معنویت را نیز می‌گشاید و برای قبول حقایق آماده می‌سازد.

رسول خدا ﷺ خطاب به دختر گران قدرش می‌فرماید: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برانگيخت، به راستی مهدی این امت از نسل حسنین ﷺ است. هنگامی که جهان را هرج و مرج و نابسامانی فراگیرد و فتنه‌ها (یکی پس از دیگری) آشکار گردد. جاده‌ها و راه‌ها ناامن شود و برخی بر عده‌ای هجوم برند؛ نه بزرگ بر کوچک ترخم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد؛ در چنین هنگامه‌ای خداوند، شخصی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین ﷺ) را برمی‌انگیزد تا دژهای گمراهی را (درهم شکند و) فتح کند و دل‌هایی را که پرده جهل و ناآگاهی آنها را فرو پوشانده (و از درک حقایق محجوب ساخته است) بگشاید. او در آخر الزمان به پا می‌خیزد - همان گونه که من در اول زمان به پا خواستم - و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است».^۳

ج) جنایات هولناک

جنایات ستمگران و جالادان در طول تاریخ بسیار سهمگین و وحشتناک بوده است. صفحات تاریخ پر از ستم‌ها و ظلم‌ها و جنایاتی است که فرمانروایان ستمگر و خون‌آشام بر ملت‌های محروم روا داشته‌اند که چنگیز، هیتلر و آتیلان نمونه‌هایی از آنان هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۵؛ ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۳. عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ۲۶۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ الاربعون حدیثاً، (ابونعیم)

ذخائر العقبی، ص ۱۳۵؛ بنایع الموده، ص ۴۲۶.

اما جنایاتی که پیش از ظهور امام مهدی (عج) در جهان رخ می دهد، از هولناک ترین جنایاتی است که می توان تصور کرد. اعدام کودکان خردسال به وسیله چوبه های دار، سوزاندن کودکان و فرو بردن آنان در مایعات گداخته، قطعه قطعه کردن آدم ها بااره و میله های آهنی و آسیاب ها، حوادث تلخی است که پیش از برپایی حکومت عدل جهانی، به وسیله حکومت هایی که خود را مدافع حقوق بشر می دانند، رخ می دهد. با بروز چنین وحشی گری هایی است که اهمیت حکومت حضرت مهدی (عج) - که به تعبیر روایات، پناه محرومان است - آشکار می گردد.

علی علیه السلام حوادث تلخ آن روزگار را چنین ترسیم می کند: «همانا سفیانی، گروهی را مأمور می کند تا کودکان را در محلی جمع کنند؛ آن گاه روغن را برای سوزاندن آنان داغ می کند؛ کودکان می گویند: اگر پدران ما با تو مخالفت کردند، گناه ما چیست، که باید سوزانده شویم؟ او دو تن به نام های حسن و حسین را از میان کودکان بیرون می کشد و به دار می آویزد. پس از آن به سوی کوفه می رود و همان رفتار (وحشتناک پیشین) را با کودکان آن جا انجام می دهد و دو کودک به همان نام ها را بر در مسجد کوفه به دار می زند و از آن جا بیرون می رود و باز جنایت می کند و در حالی که در دستش نیزه ای قرار دارد، زنی باردار را دستگیر می کند و آن را به یکی از یارانش می سپارد و فرمان می دهد که در وسط خیابان به او تجاوز کند. او پس از تجاوز، شکم زن را می درد و جنینش را بیرون می آورد و هیچ کس نمی تواند چنین وضعیت هولناکی را تغییر دهد»^۱.

امام صادق علیه السلام در خبر لوح می فرماید: «... خداوند رحمت خویش را به وسیله فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله کامل می گرداند؛ همان کسی که کمال موسی، ابهت عیسی و صبر و استقامت ایوب پیامبر را داراست. دوستان من، در دوران (پیش از ظهور) او خوار و ذلیل باشند و سرهای شان، همانند سرهای اهالی ترک و دیلم (برای حکام و ظالمان) هدیه برده می شود. آنان کشته شوند و سوزانده گردند و ترسان، وحشت زده و هراسناک باشند. زمین از خونشان رنگین شود و ناله و فریاد در میان زنانشان زیاد گردد. آنان دوستان واقعی من هستند. او به وسیله آنان هر فتنه کور و تاریکی را دفع می کند و زلزله ها

(ونا آرامی‌ها) را بر طرف می‌سازد و زنجیرها و بندهای اسارت را از ایشان بر می‌دارد. درود خداوند بر آنان باد که ایشان همان هدایت شدگانند.^۱

ابن عباس می‌گوید: «سفیانی و فلانی خروج می‌کنند و با هم می‌جنگند؛ به گونه‌ای که (سفیانی) شکم زنان را می‌درد و کودکان را در دیگ‌های بزرگ می‌گدازد و می‌سوزاند».^۲

ارطاط می‌گوید: سفیانی هر کس را که با او مخالفت کند، می‌کشد. باره‌ها مخالفانش را به دو نیم می‌کند و با دیگ‌ها آنان را نابود می‌سازد. این ستم‌ها، شش ماه به طول می‌انجامد.^۳

د) آرزوی مرگ زندگان

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا به پایان نمی‌رسد تا آن که زمانی فرا رسد که مرد به هنگام عبور از گورستان، خود را روی قبر انداخته، می‌گوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم. در حالی که مشکل او بدهکاری نیست؛ بلکه گرفتاری‌ها و فشار روزگار و ظلم و جور است».^۴

از ذکر کلمه رجل در روایت، دو مطلب استفاده می‌شود: یکی این که گرفتاری‌ها و مشکلات آن دوران و به دنبال آن آرزوی مرگ، به طایفه، ملت و گروه خاصی اختصاص ندارد و همه از حوادث ناگوار در رنج و عذاب خواهند بود. دوم این که تعبیر مرد نشان دهنده شدت فشار و سختی آن روزگار است؛ زیرا غالباً مرد در برابر مشکلات و نابرابری‌ها بیش‌تر از زن مقاومت می‌کند و از این که مردان تاب و تحمل مشکلات و رنج‌های آن روزگار را ندارند، استفاده می‌شود که مشکل بسیار بزرگ و کمر شکن است.

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ابا حمزه! حضرت قائم (عج) قیام نمی‌کند، مگر در دورانی که خوف و ترس شدید و مصیبت‌ها و فتنه‌ها (بر جامعه) حاکم

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۹۷؛ اعلام الوری، ص ۳۷۱؛ اثبات الوصیه، ص ۲۲۶.
۲. ابن حماد، فتن، ص ۸۳؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۱.
۳. حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۲۰، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۵؛ منتخب کثر العمال، ج ۶، ص ۳۱ (حاشیه مسند احمد)؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۳.
۴. احمد، مسند، ج ۲، ص ۶۳۶؛ مسلم، صحیح، ج ۴، ص ۲۲۳۱؛ المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۴۱۰؛ مصابیح السنه، ج ۲، ص ۱۳۹؛ عقد الدرر، ص ۲۳۶.

باشد و گرفتاری و بلا دامنگیر مردم شود و پیش از آن، بیماری طاعون شیوع یابد، درگیری شدید و مهلکی میان عرب اتفاق افتد، اختلاف شدیدی بین مردم حاکم شود، از هم گسیختگی در دین و آیین آنان رخ دهد و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که هر آرزومندی هر شب و روز - از آن چه که از درنده خویی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می بیند - آرزوی مرگ می کند»^۱.

حذیفه صحابی، از پیامبر ﷺ نقل می کند: «به یقین زمانی بر شما فرامی رسد که انسان در آن روزگار، آرزوی مرگ می کند؛ بدون آن که از جهت فقر و تنگ دستی در فشار باشد»^۲. ابن عمر می گوید: به یقین زمانی بر مردم بیاید که مؤمن در اثر شدت گرفتاری ها و بلاهای روی زمین، آرزو کند که ای کاش که خود و خانواده اش بر کشتی سوار می شدند و در دریا به سر می بردند.^۳

ه) به اسارت رفتن مسلمانان

حذیفه بن الیمان می گوید: پیامبر ﷺ ضمن بر شمردن مشکلاتی که مسلمانان با آن رو به رو خواهند شد، فرمود: «در اثر فشارهایی که بر آنان وارد می شود، آزاده ها را می فروشند و زنان و مردان به بردگی اقرار می کنند. مشرکان، مسلمانان را به استخدام و مزدوری خود درمی آورند و آنان را در شهرها می فروشند و کسی بر این امر دل گیر نمی شود؛ نه نیکان و نه بدان و فاجران.

ای حذیفه! گرفتاری بر اهل آن دوران ادامه می یابد؛ به گونه ای که مایوس می شوند و به فرج و گشایش گمان بد می برند. در این موقع خداوند، مردی از پاکان عترت من و نیکان فرزندانم را که عادل، مبارک و پاک می باشد، می فرستد و از ذره ای چشم پوشی و اغماض نمی کند. خداوند دین، قرآن، اسلام و اهل آن را به کمک او، عزیز و شرک را ذلیل می کند. او همواره از خداوند بیمناک است و هرگز به خویشاوندی خود [یا من] مغرور نمی شود؛

۱. نعمانی، غیبه، ص ۲۳۵؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸؛ اثبات الهداة،

ج ۳، ص ۵۴۰؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بشارة الاسلام، ص ۸۲.

۲. ابن ابی شیبہ، مصنف، ج ۱۵، ص ۹۱؛ مالک، موطأ، ج ۱، ص ۲۴۱؛ مسلم، صحیح، ج ۸، ص ۱۸۲؛ احمد، مسند، ج ۲،

ص ۲۳۶؛ بخاری، ج ۹، ص ۱۷۳؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۱.

۳. عقد الدرر، ص ۳۳۴.

سنگی را روی سنگ نمی‌گذارد و احدی را شلاق نمی‌زند، مگر به حق و برای اجرای حد. خداوند به سبب او، بدعت‌ها را محو و فتنه‌ها را نابود می‌کند و در حق را باز و درهای باطل را می‌بندد و اسیران مسلمان را - در هر نقطه‌ای که هستند - به وطن خودشان باز می‌گرداند.^۱

و) فرورفتن در زمین

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «به یقین، بر این امت، روزگاری فرارسد که روز را به شب رسانند، در حالی که از یک دیگر پرسند، زمین امشب چه کسانی را فرو برد، هم‌چنان که از یک دیگر می‌پرسند از فلان قبیله چه کسانی زنده مانده‌اند و آیا از فلان خاندان کسی زنده مانده است؟»^۲

شاید این سخنان کنایه از جنگ و کشتار در آخر زمان باشد که با استفاده از سلاح‌های پیشرفته و کشتار جمعی، هر روز تعداد زیادی کشته می‌شوند و شاید بر اثر کثرت گناه، زمین اهلش را فرو می‌برد.

ز) افزایش مرگ‌های ناگهانی

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «از نشانه‌های رستاخیز، بیماری فلج و مرگ ناگهانی است»^۳. نیز می‌فرماید: «قیامت بر پا نمی‌گردد، تا این که مرگ سفید ظاهر شود». گفتند: یا رسول الله! مرگ سفید چیست؟ فرمود: «مرگ ناگهانی»^۴.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) مرگ سرخ و سفید وجود دارد ... مرگ سفید طاعون است»^۵.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم (عج) قیام نمی‌کند، مگر در روزگاری که ترس

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۲.

۲. المطالب العالیه، ج ۴، ص ۳۴۸.

۳. شجری، امالی، ج ۲، ص ۲۷۷.

۴. الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱.

۵. نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۲؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛

الفصول المهمه، ص ۳۰۱؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

شدید حاکم باشد و پیش از آن نیز طاعون شیوع یابد».^۱

ح) ناامیدی جهانیان از نجات

رسول خدا ﷺ می فرمود: «ای علی! ظهور مهدی در هنگامی است که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف می شوند و از فرج و ظهور مهدی مأیوس می گردند. در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر می گردد».^۲

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «قیام و ظهور مهدی (عج) به هنگام ناامیدی و یأس مردم از گشایش در کارها و فرج حضرتش می باشد».^۳

علی علیه السلام در این باره می فرماید: «به یقین از اهل بیت من، کسی به جانشینی من خواهد نشست و جانشینی او پس از دورانی سخت و مصیبت بار خواهد بود؛ دورانی که بلا و گرفتاری در آن شدت می یابد و امیدها از بین می رود».^۴

ط) نداشتن دادرس و پناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بلا و گرفتاری چنان بر این امت فرود می آید که انسان هیچ پناهگاهی که از ظلم به آن پناه برد، نمی یابد».^۵

نیز می فرماید: «در آخرالزمان بلای شدیدی بر امت من از سوی حکومت های شان نازل می شود؛ به گونه ای که مؤمن پناهی نمی یابد که از ستم به آن پناه آورد».^۶

در روایت دیگری می فرماید: «بر شما بشارت باد به مهدی از فرزندان فاطمه. وی از جانب مغرب ظاهر می شود و زمین را از عدل پر می کند». گفته شد: ای رسول خدا! (این ظهور) در چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «هنگامی که قاضیان رشوه گیر و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۲. منابع الموده، ص ۴۴۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۴. ابن المنادی، ملاحم، ص ۶۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۶؛ المسترشد، ص ۷۵؛ مفید، ارشاد،

ص ۱۲۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۲؛ غایة المرام، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۴؛

منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۳۵.

۵. شافعی، بیان، ص ۱۰۸.

۶. عقد الدرر، ص ۴۳.

مردم فاجر شوند». عرض شد: مهدی چگونه خواهد بود؟ فرمود: «از اهل و خاندان خود (جدا شده) تنهایی اختیار می‌کند و از وطن خود دور می‌باشد و در غربت زندگی می‌کند».^۱ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «آن چه که به انتظارش هستید، نخواهید دید، مگر زمانی که چون (ماده) بُز مرده‌ای شوید که در زیر چنگال‌های درنده‌ای قرار گرفته است که برایش فرق نمی‌کند بر کجا دست گذارد. در آن هنگام نه محلی دور دست از تجاوز دارید که به سوی آن بالا روید و نه پناهی دارید که به آن تکیه دهید».^۲

ی) جنگ، کشتار و فتنه‌ها

از روایات استفاده می‌شود که پیش از قیام حضرت مهدی (عج) جنگ و کشتار همه جا را فرا می‌گیرد. برخی از روایات سخن از فتنه‌ها دارد، تعدادی از روایات، از جنگ‌های پیاپی خبر می‌دهد و روایاتی درباره کشتار انسان‌ها به وسیله جنگ و بیماری‌های ناشی از آن چون طاعون، سخن به میان می‌آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پس از من چهار فتنه به شما خواهد رسید: در فتنه اول، خون‌ها مباح شمرده می‌شود و کشتار زیاد می‌گردد. در فتنه دوم، خون‌ها و اموال حلال می‌شود و قتل و غارت اموال بسیار می‌گردد. در فتنه سوم، خون‌ها و مال‌ها و نوامیس مردم مباح شمرده می‌شود و علاوه بر قتل و غارت، ناموس انسان‌ها نیز در امان نمی‌ماند. در فتنه چهارم، - که فتنه‌ای است کر و کور و بسیار سخت و چون کشتی متلاطم و مضطرب در دریا - هیچ کس از آن فتنه پناهی نمی‌یابد. فتنه از شام به پرواز درمی‌آید و عراق را فرا می‌گیرد و دست و پای جزیره - حجاز - به آن آغشته می‌شود. گرفتاری‌ها مردم را از پای درمی‌آورد و چنان می‌شود که کسی توانایی چون و چرا ندارد و از هر سویی که فروکش می‌کند از سوی دیگر شعله ور می‌گردد».^۳

در حدیث دیگری می‌فرماید: «پس از من فتنه‌هایی پدید می‌آید که راه نجاتی از آن نخواهد بود. در آنها جنگ، فرار و آوارگی است. پس از آن فتنه‌هایی خواهد بود که از

۱. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۷۹

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۲۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱

فتنه‌های پیشین شدیدتر است. هنوز فتنه‌ای فروکش نکرده که فتنه دیگری شعله‌ور می‌شود تا جایی که هیچ خانه‌ای از خانه عرب‌ها باقی نمی‌ماند که این آتش در آن نرفته باشد و هیچ مسلمانی نمی‌ماند که آن فتنه به او نرسیده باشد. آن‌گاه مردی از خاندان من ظهور می‌کند.^۱

نیز می‌فرماید: «به زودی پس از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که اگر از هر سو آرام گیرد، از دو سوی دیگر گسترش می‌یابد تا این که منادی از آسمان فریاد می‌زند: امیر و فرمانده شما حضرت مهدی است.»^۲

در این روایات سخن از فتنه‌ای است که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) فراگیر خواهد شد، ولی در روایات دیگر با صراحت از جنگ‌های خانمان سوز سخن به میان آمده است که به ذکر آن می‌پردازیم.

عمار یاسر می‌گوید: پیام و دعوت اهل بیت پیامبران در آخرالزمان این است که از هر گونه درگیری پرهیز کنید تا زمانی که رهبران از اهل بیت را ببینید؛ آن‌گاه که ترک‌ها با رومیان مخالفت کنند و جنگ‌ها در زمین بسیار شود.^۳

تعدادی از روایات، از قتل و کشتاری سخن می‌گویند که پیش از ظهور مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد. برخی از این روایات، تنها کشتار را یادآور می‌شود و برخی وسعت کشتار را نیز مشخص می‌کند.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور امام زمان (عج) کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد.»^۴

ابوهریره می‌گوید: در شهر مدینه کشتاری خواهد شد که در آن، منطقه «احجار الزيت»^۵ از هم می‌پاشد و فاجعه «حَرّه»^۶ در برابر آن، مانند ضربه تازیانه‌ای بیش نیست؛ آن‌گاه که - پس از کشتار - به اندازه دو فرسنگ از مدینه دور شوند،

۱. عقد الدرر، ص ۵۰.

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۵؛ احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۷۱.

۳. طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

۴. قرب الاسناد، ص ۱۷۰؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۱.

۵. محله‌ای در شهر مدینه که محل اقامه نماز استسقا (باران) بود؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۶. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و قیام مردم مدینه علیه یزید، اهل مدینه به دستور یزید قتل عام شدند و در آن واقعه بیش از ده هزار نفر کشته شدند و این محل همان «حَرّه واقم» است؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۴۹.

با حضرت مهدی (عج) بیعت می شود.^۱

ابوقبیل می گوید: شخصی از بنی هاشم زمام حکومت را به دست می گیرد و تنها بنی امیه را قتل عام می کند؛ به طوری که جز عده اندکی، کسی از آنان بر جای نمی ماند. پس از آن، فردی از بنی امیه خروج می کند و در مقابل هر نفر، دو تن را می کشد؛ چنان که جز زنان کسی باقی نمی ماند.^۲

رسول خدا ﷺ چنین می فرماید: «سوگند به خدایی که جانم در دست (قدرت) اوست، دنیا پایان نمی یابد تا این که زمانی فرا رسد که نه قاتل بداند برای چه دست به قتل زده است و نه علت کشته شدن مقتول مشخص باشد و هرج و مرج همه جا را فرا می گیرد؛ در چنان زمانی، قاتل و مقتول به جهنم می روند.»^۳

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) جهان دچار دو نوع مرگ می شود: مرگ سفید و سرخ. مرگ سرخ با شمشیر (اسلحه) است و مرگ سفید با طاعون است.»^۴ امام باقر علیه السلام می فرماید: «برای قائم آل محمد، دو غیبت است که یکی طولانی تر از دیگری است. در آن دوران، مردم را مرگ و کشتار فرا می گیرد.»^۵ جابر می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در چه زمانی این امر (قیام مهدی (عج)) روی خواهد داد؟ امام در پاسخ فرمود: «ای جابر! چگونه این امر تحقق یابد در حالی که هنوز بین حیره^۶ و کوفه تعداد کشته ها زیاد نشده است.»^۷

امام صادق علیه السلام فرمود: «پیش از ظهور قائم (عج) دو نوع مرگ پدیدار می گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید. به اندازه ای از انسان ها کشته می شوند که از هر هفت نفر، پنج تن نابود می گردند.»^۸

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۱.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ مفید، ارشاد، ص ۳۵۹؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷. صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

۵. نعمانی، غیبه، ص ۱۷۳؛ دلائل الامامه، ص ۲۹۳؛ تقریب المعارف، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۶.

۶. شهری در سه میلی (شش کیلومتری) کوفه است؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۸.

۷. طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۴۴۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.

۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۵؛ العدد القویه، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی (عج) ظهور نمی‌کند، مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند».^۱

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: «آیا برای ظهور حضرت مهدی (عج) علامت و نشانه‌ای است؟ فرمود: «نعم، قتل فطیع و موت سریع و طاعون شنیع».^۲

و به نقل ارشاد القلوب^۳: «قتل ذریع» یعنی با سرعت و عالمگیر.

و به نقل مدینه المعاجز^۴: «قتل رضیع» یعنی لثیم و پست.

و به نقل حلیة الابرار^۵: قتل «فضیع» یعنی ناگوار.

معنای روایت چنین است:

«آری، برای ظهور حضرت علیه السلام نشانه‌هایی است، از جمله کشتارهای عالمگیر و ناگوار و پست و مرگ‌هایی سریع و پی‌در پی و شیوع طاعون».

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «امام زمان ظهور نمی‌کند، مگر این که دو سوم مردم جهان از بین بروند». عرض شد: اگر دو سوم مردم کشته شوند، پس چه تعداد خواهند ماند؟ فرمود: «آیا راضی نیستید (و دوست ندارید) از یک سوم باقی مانده باشید؟».^۶

امام صادق علیه السلام فرموده است: «امر (ظهور) تحقق نمی‌یابد تا این که نه دهم ($\frac{۹}{۱۰}$) مردم نابود شوند».^۷

علی علیه السلام می‌فرماید: «... در آن روزگار از مردم جز یک سوم ($\frac{۱}{۳}$) آنان، کسی بر جای نمی‌ماند».^۸

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۸؛ احتقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹.

۲. حصینی، هدایه، ص ۳۱.

۳. ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.

۴. مدینه المعاجز، ص ۱۳۳.

۵. حلیة الابرار، ص ۶۰۱.

۶. طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۳۳۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۲۰۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حنّاد، فتن، ص ۹۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۷؛ متقی هندی، برهان،

ص ۱۱۱.

۷. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۸۷، ۱۳۶؛ عقد الدرر، ص ۵۴، ۵۹، ۶۳-۶۵، ۲۳۷؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۲۴۲.

۸. حصینی، هدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «از هر ده هزار نفر، نه هزار و نه صد تن به قتل می‌رسند و جز تعداد اندکی، جان سالم به در نمی‌برند».^۱

ابن سیرین می‌گوید: حضرت مهدی (عج) ظهور نمی‌کند تا این که از هر نه نفر، هفت تن کشته شوند.^۲

از مجموع روایات نکات زیر استفاده می‌شود:

۱. پیش از ظهور مهدی (عج)، کشتارهایی رخ می‌دهد و تعداد زیادی از انسان‌ها کشته می‌شوند و افرادی که باقی می‌مانند کمتر از کشته شدگان هستند.

۲. تعدادی از کشته شدگان در جنگ کشته می‌شوند و تعدادی دیگر به واسطه بیماری‌های مسری که به احتمال قوی از کشته‌های به‌جا مانده جنگ، تولید شده است، جان می‌سپارند. هم‌چنین احتمال دارد که این گروه به وسیله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی که بیماری تولید می‌کنند، جان دهند.

۳. در میان اقلیتی که باقی می‌مانند، شیعیان و دوست داران امام زمان (عج) هستند؛ زیرا آنان هستند که با مهدی (عج) بیعت می‌کنند. نیز در سخن امام صادق علیه السلام آمده بود که آیا راضی نیستید از یک سوم باقی مانده باشید؟

۱. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۸۸.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۸.

وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور

از روایات این فصل استفاده می‌شود، که بر اثر گسترش فساد و تباهی‌ها و از بین رفتن رحم و عاطفه و ایجاد جنگ، جهان از نظر اقتصادی در وضعیت بدی به سر خواهد برد؛ به طوری که آسمان نیز بر آنان رحم نمی‌کند و نزول باران که رحمت الهی است نیز برای آنان به غضب تبدیل شده، ویرانگر می‌شود.

آری، در آخر الزمان باران کم می‌شود و یا در غیر موسم فرود می‌آید و باعث نابودی کشاورزی می‌گردد. دریاچه‌ها و رودخانه‌ها خشک می‌گردد و زراعت‌ها به بار نمی‌نشینند و تجارت از رونق می‌افتد. فقر و گرسنگی گسترش می‌یابد تا آنجا که افراد برای سیر کردن شکم خود، دختران و زنانشان را به بازار می‌آورند و آنان را با کمی غذا عوض می‌کنند.

الف) کمبود باران و باریدن باران‌های بی‌موقع

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «زمانی بر مردم فرارسد که خداوند باران را در فصل و موسم حرام می‌گرداند و باران نازل نمی‌شود و آن را در غیر موسمش فرو می‌فرستد».^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «... باران در فصل گرما و تابستان می‌بارد».^۲

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور حضرت قائم (عج) سالی

۱. جامع الاخبار، ص ۱۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱ ص ۳۷۵.

۲. دوحه الانوار، ص ۱۵۰؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۱.

خواهد بود که باران‌های بسیاری می‌بارد و میوه‌ها را از بین می‌برد و خرماها را بر نخل‌ها فاسد می‌کند؛ پس در آن دوران دچار شک و شبهه نشوید».^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «... باران‌ها کم می‌شود تا جایی که نه زمین بذری را می‌رویاند و نه آسمان بارانی می‌بارد؛ در این هنگام مهدی (عج) ظهور می‌کند».^۲

عطاء بن یسار می‌گوید: «از نشانه‌های قیامت این است که باران می‌بارد، ولی زراعتی نخواهد روید».^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... زمانی که حضرت قائم (عج) و اصحابش قیام کنند، آب بر روی زمین نایاب است و مؤمنان با ناله و زاری از درگاه الهی، آب طلب می‌کنند تا آن که خداوند بر آنان آب نازل می‌کند و آنان می‌نوشند».^۴

ب) خشک شدن دریاچه‌ها و رودها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «شهرهای مصر در اثر خشکی رود نیل، ویران می‌شوند».^۵ اوطات می‌گوید: «در آن هنگام، فرات، رودخانه‌ها و چشمه‌ها خشک می‌شوند».^۶

نیز آمده است: «آب دریاچه طبرستان خشک می‌شود و نخل‌های خرما ثمر نمی‌دهد و آب چشمه «زعر» - که در شام است - به زمین فرو می‌رود».^۷

هم‌چنین آمده است: «... رودخانه‌ها خشک می‌شوند و گرانی و قحطی سه سال، به درازا می‌کشد».^۸

ج) شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت

مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! قیامت چه وقت بر پا خواهد شد؟ فرمود:

۱. مفید، ارشاد، ص ۳۶۱؛ طوسی، غیبة، ص ۲۷۲؛ اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۴؛ ابن طاووس، ملاحم.

ص ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۴.

۳. عبدالرزاق، مصنف، ج ۳، ص ۱۵۵.

۴. دلائل الامامة، ص ۲۴۵.

۵. بشارة الاسلام، ص ۲۸.

۶. ابن حنّاد، فتن، ص ۱۴۸.

۷. بشارة الاسلام، ص ۱۹۱؛ الزام الناصب، ص ۱۶۱.

۸. بشارة الاسلام، ص ۹۸.

«کسی که مورد سؤال قرار گرفته (خود پیامبر) از سؤال کننده (آن مرد) در این زمینه آگاه‌تر نیست، ولی قیامت دارای نشانه‌هایی است: یکی از آنها تقارب بازارهاست». پرسید: تقارب بازارها چیست؟ فرمود: «کساد بازارها و تجارت و بارش باران بدون آن که گیاهان و محصولات بروید».^۱

امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: «تجارت و معاملات زیاد می‌شود، ولی بهره‌ای اندک نصیب مردم می‌گردد و پس از آن قحطی سختی رخ می‌دهد».^۲

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «پیش از ظهور حضرت قائم (عج) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه‌هایی است». گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند؛ آن نشانه‌ها کدام است؟ فرمود: «آنها همان گفته خداوند است که فرمود: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۳ و شما (مؤمنان) را (پیش از ظهور قائم (عج)) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم؛ پس صابران را مژده ده علیه السلام». آن‌گاه فرمود: «خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت‌شان می‌آزماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت‌هاست و منظور از کمی دارایی‌ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان‌ها، مرگ‌های فراوان و سریع و پی‌در پی است و مراد از کمبود میوه‌ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور قائم (عج) در آن هنگام».^۴

و به نقل از اعلام الوری، قلة المعاملات به معنای کساد بازار و کمی داد و ستد است.^۵ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... در آن هنگام که سفیانی خروج می‌کند، مواد غذایی کم شده، قحطی به مردم می‌آورد و باران کم می‌بارد».^۶

۱. الترغیب و الترہیب، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۲۵.

۳. سوره (۲۱) آیه ۱۵۵.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰؛ نعمانی، غیبة، ص ۲۵۰؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۱؛ اعلام الوری، ص ۴۵۶؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۸.

۵. اعلام الوری، ص ۴۵۶.

۶. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۳.

ابن مسعود می‌گوید: هنگامی که تجارت‌ها از بین برود و راه‌ها ویران گردد، مهدی (عج) ظهور می‌کند.^۱

شاید وضعیت بد بازار در آن زمان، معلول ویرانی مراکز تولید و صنعت، کم شدن نیروی انسانی، کاهش قدرت خرید، قحطی، ناامنی راه‌ها و ... است.

در مسند احمد آمده است: پیش از ظهور مهدی (عج) سه سال مردم دچار گرسنگی شدید می‌شوند.^۲

ابوهریره می‌گوید: وای بر اعراب از شری که به آنان نزدیک می‌شود؛ گرسنگی شدیدی رخ می‌دهد و مادران از گرسنگی فرزندان خود، به گریه می‌افتند.^۳

(د) مبادله زنان در مقابل مواد غذایی

عمق فاجعه قحطی و گرسنگی پیش از ظهور به اندازه‌ای است که گروهی مجبور می‌شوند دختران خود را برای خوراک اندکی معامله کنند.

ابو محمد از مردی از اهل مغرب روایت می‌کند: مهدی ظهور نمی‌کند تا آن که شخص (از شدت فقر و تنگ دستی) دختر یا کنیز زیبای خود را به بازار می‌آورد و می‌گوید: کیست که این دختر را از من بخرد و در برابر آن خوراک بدهد؟ در این شرایط است که مهدی (عج) ظهور می‌کند.^۴

۱. الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۰، متقی هندی، برهان، ص ۱۴۲؛ عقد الدرر، ص ۱۳۲.

۲. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۳.

۳. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۴۹.

۴. ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۹.

روزنه‌های امید

در بحث‌های گذشته با بخشی از روایات درباره وضعیت جهانی پیش از ظهور امام عصر علیه السلام آشنا شدیم. هر چند در این روایات سخن از نابسامانی‌ها و مشکلات است - به حدی که شاید انسان‌هایی را به یأس بکشاند - اما روایات دیگری نیز وجود دارد که به نکات روشن و روزنه‌های امید برای شیعیان و انسان‌های مؤمن و متعهد اشاره دارد. برخی از این روایات درباره مؤمنانی است که هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نمی‌شود و آنان در شرایط سخت پیش از ظهور نیز در سراسر جهان حضور دارند. تعدادی از روایات به نقش دانشمندان اسلامی و عالمان در زمان غیبت اشاره می‌کند که هر چندگاه باعث دگرگونی در جامعه می‌شوند و آنان را به عنوان حافظان دین معرفی می‌کند. در بعضی از سخنان معصومین علیهم السلام از نقش ویژه شهر قم پیش از ظهور امام زمان (عج) یاد شده است و روایاتی نیز از حضور فعال ایرانیان، پیش و پس از ظهور امام سخن می‌گویند.

الف) مؤمنان حقیقی

گاهی باروایاتی رو به رو می‌شویم که در پاسخ کسانی آمده است که گمان می‌کرده‌اند، روزگاری پیش خواهد آمد که جامعه از وجود انسان‌های مؤمن تهی می‌شود. امام علیه السلام این گمان را نفی کرده، از وجود مؤمنان در هر روزگاری خبر داده است. زید زراء می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: می‌ترسم ما از مؤمنان نباشیم. امام فرمود: «چرا چنین فکر می‌کنید؟» گفتم: زیرا می‌بینم در میان ما کسی نیست که

برادرش را بر درهم و دینار مقدم دارد؛ ولی این را می بینم که درهم و دینار را بر برادر دینی - که ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ما را دور یک دیگر گرد آورده - ترجیح می دهیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «این چنین نیست که می گویی، شما اهل ایمان هستید؛ اما ایمان شما کامل نمی شود مگر هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام کند؛ در آن هنگام خداوند خرد شما را کامل می کند و شما مؤمنان کامل می شوید.

سوگند به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست، در سراسر جهان، انسان هایی هستند که همه دنیا در نظرشان با پر پشه ای برابری نمی کند»^۱.

ب) نقش عالمان و دانشمندان (شیعه)

در هر روزگاری که پرده های سیاهی و جهل، سایه خود را بر جوامع بشری می گستراند این دانشمندان و عالمان دینی بودند که مسئولیت خود را در جهت زدودن جهل و نادانی از اندیشه ها و فساد و تباهی از دامن مردمان به خوبی انجام می دادند و از روایات فهمیده می شود که عالمان در آخر الزمان نیز این نقش را به خوبی ایفا می کنند.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «اگر در دوران غیبت قائم آل محمد علیه السلام دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دین دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیروانش رهایی و از شر ناصبی ها (و دشمنان اهل بیت) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجا نمی ماند و همه مرتد می شدند؛ ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند؛ چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد. بنابراین، آنان نزد خدا، والاترین انسان ها هستند»^۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره زنده کننده دین در هر قرن می فرماید: «خداوند بزرگ برای امت اسلام در آغاز هر قرن، شخصی را بر می انگیزاند تا دین را زنده نماید»^۳.

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۵۱.

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۴۴؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۶۰؛ منیة المرید، ص ۳۵؛ محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۲؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۴۵۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۶؛ العوالم، ج ۳، ص ۲۹۵.

۳. عن النبی صلی الله علیه و آله: «إن الله تعالى یبعث لهذه الأمة علی رأس کل مائة سنة من یجدد لها دینها» ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۹.

این دو روایت و روایاتی از این گونه، با صراحت به نقش عالمان در روزگار غیبت اشاره دارد و خنثا شدن، توطئه شیطان‌ها و تجدید حیات دین را به دست دانشمندان می‌داند.

البته اثبات این مطلب در روزگار ما به دلیل و برهان نیازی ندارد؛ زیرا نقش حضرت امام خمینی علیه السلام برای از بین بردن نقشه‌های شوم دشمنان - که اساس دین را در جهان معاصر در معرض خطر قرار داده بودند - بر کسی پوشیده نیست. بدون شک عزتی که اسلام در این عصر یافته است، به برکت انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌گذار آن، حضرت امام خمینی علیه السلام است.

ج) نقش شهر قم در آخرالزمان

آن‌گاه که جامعه بشری به سوی انحطاط و تباهی پیش می‌رود، روزنه امید نمایان می‌گردد و مردمی پرچمدار نور در دل آن تاریکی‌ها می‌گردند؛ شهر قم در آخرالزمان این نقش را به عهده دارد.

روایات بسیاری وجود دارد که این شهر مقدس و انسان‌های وارسته آن را - که وجود خود را از چشمه زلال مکتب اهل بیت سیراب کرده و رسالت ابلاغ پیام را به عهده گرفته‌اند - می‌ستایند.

امامان معصوم علیهم السلام سخنان گوناگونی درباره قم و نقش آن در نهضت فرهنگی زمان غیبت امام زمان (عج) دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

قم حرم اهل بیت

از برخی روایات استفاده می‌شود که قم و اهل آن رمز و الگوی تشیع و ولایت می‌باشند.

از این رو، هر کس را که می‌خواستند، دوست دار اهل بیت و علاقه‌مند به آنان معرفی کنند، او را قمی خطاب می‌کردند.

→ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۲۲؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۱؛ جامع الاصول، ج ۱۲، ص ۶۳؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۹۳ و تا آن‌جا که تتبع کردم مدرکی از کتاب‌های شیعه برای آن نیافتم.

گروهی خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدند و گفتند: ما از مردم ری هستیم. حضرت فرمود: «آفرین به برادرانمان از اهل قم». آنان چندبار تکرار کردند. ما از ری خدمت شما رسیده‌ایم و حضرت نیز سخن نخست خود را تکرار کرد. آن‌گاه فرمود: خداوند حرمی دارد که در مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حرمی است و آن در مدینه است. کوفه حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است و حرم ما (اهل بیت) شهر قم است و به زودی دختری از فرزندانم به نام فاطمه، در آن دفن می‌شود. هر کس او را (با معرفت) زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود».

راوی گوید: امام صادق علیه السلام این سخن را هنگامی بیان کرد که هنوز امام کاظم علیه السلام متولد نشده بود.^۱

صفوان می‌گوید: روزی نزد ابا الحسن - امام کاظم علیه السلام - بودم و سخن از مردم قم و علاقه و میل آنان به حضرت مهدی (عج) به میان آمد؛ امام هفتم علیه السلام فرمود: «خداوند آنان را رحمت کند و از آنان خشنود باشد. آن‌گاه ادامه داد، بهشت هشت در دارد که یکی از آنها برای مردم قم است. در میان شهرها و کشورها، آنان نیکان و نخبگان شیعیان ما هستند. خداوند ولایت و دوستی ما را، با طینت و سرشت آنان آمیخته است».^۲ از این روایت استفاده می‌شود که ائمه معصومین علیهم السلام شهر قم را پایگاه عاشقان اهل بیت و حضرت مهدی (عج) می‌دانسته‌اند و شاید دری از بهشت که به شهر قم اختصاص دارد، باب المجاهدین یا باب الاخیار (درب نیکان) باشد، چنان‌که در روایت نیز به اهل قم، نیکان شیعه گفته شده است.

شهر قم حجت بر دیگران

خداوند در هر زمان، انسان‌هایی دارد که بر دیگران حجت می‌باشند و چون آنان در راه خدا قدم برداشته، برای اعتلای کلمه الله مبارزه می‌کنند، خداوند یاور آنان خواهد بود و شر دشمنان را از آنان دور می‌کند. در زمان غیبت امام عصر (عج) قم و مردم آن بر دیگر انسان‌ها حجت هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۲. همان، ص ۲۱۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گرفتاری‌ها و مشکلات از قم و مردمش به دور است و روزگاری خواهد رسید که قم و مردم آن، حجّت بر همه مردمان باشند و آن هنگام در زمان غیبت قائم ما تا به هنگام ظهور حضرتش می باشد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرو می برد.

به یقین فرشتگان، گرفتاری‌ها را از قم و مردمانش دور می کنند و هیچ ستمگری قصد قم را نمی کند، مگر آن که خداوند، کمرش را می شکند و او را گرفتار درد، مصیبت یا دشمن می گرداند. خداوند نام قم و مردم آن را از یاد ستمگران می برد؛ چنان که آنان خدا را فراموش کرده اند.»^۱

مرکز نشر فرهنگ اسلامی

یکی دیگر از موارد قابل توجه در روایات این است که شهر قم در روزگار غیبت به عنوان مرکزی برای رساندن پیام اسلام به گوش مستضعفان زمین در خواهد آمد و عالمان و دانشمندان دینی آن، حجّتی بر جهانیان خواهند شد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می گردد و علم و دانش از آن جا رخت بر می بندند و چون ماری که در گوشه‌ای چنبره زده است، محدود می گردد و از شهری که آن را قم می نامند، ظهور می کند و آن جا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می گردد؛ به گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی ماند که از دین آگاهی نداشته باشد؛ حتی زنان پرده‌نشین، و این زمان، نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود.

خداوند، قم و مردمش را جانشین حضرت حجّت قرار می دهد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرو می برد و حجّتی بر زمین نمی ماند. بنابراین، علم و دانش از شهر قم به شرق و غرب جهان سرازیر می شود و حجّت بر جهانیان تمام می گردد؛ به گونه‌ای که هیچ شخصی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن‌گاه حضرت قائم (عج) ظهور می کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می آید؛ زیرا خداوند، از بندگان

انتقام نمی‌گیرد، مگر هنگامی که حجّت بر آنان تمام شده باشد».^۱
در روایت دیگری آمده است: «اگر مردم قم نبودند، دین از بین می‌رفت».^۲

د) تأیید خط فکری قم

از برخی روایات فهمیده می‌شود که، ائمه معصومین علیهم‌السلام، شیوه عالمان قم را مورد تأیید قرار داده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بر فراز قم فرشته‌ای است که دو بال خود را بر آن به حرکت درمی‌آورد و هیچ ستمگری به آن قصد سوئی نمی‌کند؛ مگر آن که خداوند، او را همانند نمک در آب ذوب می‌کند».

حضرت آن‌گاه به عیسی بن عبدالله قمی اشاره کرد و فرمود: «درود خداوند بر قم! پروردگار جهان، سرزمینشان را از باران سیراب و برکاتش را بر آنان نازل می‌گرداند و گناهانشان را به حسنات مبدل می‌سازد. آنان اهل رکوع، سجود، قیام و قعودند؛ چنان‌که آنان فقیه، دانشمند و اهل درک و فهم هستند. آنان اهل درایت و روایت و بینش عبادت‌کنندگان نیکی هستند».^۳

هم‌چنین آن امام در پاسخ شخصی که گفت: می‌خواهم از تو چیزی بپرسم که کسی پیش از من نپرسیده باشد و پس از من نخواهد پرسید، می‌فرماید: «شاید می‌خواهی از حشر و نشر سؤال کنی؟»

گفت: آری، سوگند به آن که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بشارتگر و هشدار دهنده، مبعوث کرد. حضرت فرمود: «حشر همه مردمان به سوی بیت المقدس است؛ مرگ بقعه‌ای در سرزمین جبل که آن را قم می‌نامند و آمرزش الهی شامل حالشان می‌گردد».
آن مرد، در حالی که نیم‌خیز شد، گفت: ای فرزند رسول خدا! آیا این اختصاص به مردم قم دارد؟

امام پاسخ داد: «آری؛ آنان و هر کس که هم عقیده ایشان باشد و سخن آنان را بگوید».^۴

۱. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۳؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲ و ۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۴. همان، ص ۲۱۸.

یاوران مهدی (عج)

نکته قابل توجه و دقت، این است که در روایات از مردم قم به یاوران مهدی (عج) و کسانی که برای گرفتن حق اهل بیت قیام می‌کنند، نام برده شده است. عفان بصری می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می‌دانی، چرا قم را قم نامیده‌اند؟» گفتم: خداوند و رسولش و شما بهتر می‌دانید. فرمود: «قم را بدین جهت به این اسم نامیدند که اهل آن گرد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله جمع می‌گردند و با حضرتش قیام می‌کنند و در این راه، پایداری از خود نشان می‌دهند و آن حضرت را یاری می‌نمایند».^۱

صادق آل محمد علیه السلام در روایت دیگری در این باره چنین می‌فرماید: «خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما و ما از آنان هستیم. ستمگری قصد بد به آن نمی‌کند، مگر این که در کيفر او تعجیل می‌گردد. البته این تا زمانی است که به برادران خود خیانت نکنند و اگر چنین کردند، خداوند، ستمکاران بدکردار را بر آنان مسلط می‌کند؛ اما مردم قم، یاران قائم ما و دعوت‌کنندگان به حق ما هستند».

آن‌گاه امام علیه السلام سر به آسمان بلند کرد و چنین دعا فرمود: «خداوند! آنان را از هر فتنه‌ای حفظ فرما و از هر هلاکتی نجات بخش».^۲

ایران، کشور امام زمان

روایاتی که درباره شهر قم گفته شد، تا اندازه‌ای نقش ایرانیان را، پیش و هنگام ظهور مهدی موعود (عج) روشن می‌سازد؛ ولی با کمی دقت در سخنان معصومین علیهم السلام به این نتیجه می‌رسیم که آنان، نسبت به ایران و مردم آن توجه خاصی داشتند و در موقعیت‌های مختلف از نقش آنان در یاری رساندن به دین و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی (عج) سخن گفته‌اند. در این جا به ذکر چند روایت درباره تمجید از ایرانیان و زمینه‌سازان ظهور، بسنده می‌کنیم:

۱. همان، ص ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۱۸.

تمجید از ایرانیان

ابن عباس می‌گوید: خدمت پیامبر ﷺ از فارسیان، سخن به میان آمد، آن حضرت فرمود: «اهل فارس - ایرانیان - جمعی از ما اهل بیت هستند».^۱

هنگامی که از موالی یا اعاجم^۲، نزد پیامبر ﷺ یاد شد، حضرت رسول ﷺ فرمود: «سوگند به خدا که من به آنان بیش تر از شما اطمینان دارم».^۳

ابن عباس می‌گوید: «زمانی که پرچم‌های سیاه به سوی شما روی آوردند، فارسیان را گرامی بدارید؛ زیرا دولت شما با آنهاست».^۴

روزی اشعث به علی رضی الله عنه با اعتراض گفت: ای امیرالمؤمنین! چرا این عجم‌ها پیرامون تو گرد آمده، بر ما پیشی گرفته‌اند؟ حضرت خشمگین شد و در پاسخ فرمود: «چه کسی مرا معذور می‌دارد که در مقابل این آدم‌های بزرگ جثه بی‌خیر که هر کدام از آنان چون دراز گوش بر بستر خود می‌غلطند و به خاطر آوازه و فخر فروشی از قومی روی گردان می‌شوند؛ آیا به من فرمان می‌دهید تا آنان را از خود دور سازم؟ هرگز، من آنان را کسار نمی‌زنم^۵ تا از جاهلان گردم. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آفریدگان را آفرید، آنان برای بازگرداندن شما به دین اسلام، با شما به نبرد برمی‌خیزند؛ چنان‌که شما برای

۱. ذکر اصبهان، ص ۱۱.

۲. موالی و مولی، در لغت‌شناسی، واژه‌های گوناگونی دارد. علامه امینی در جلد اول الغدیر، بیست و دو واژه را نقل فرموده‌اند و در اصطلاح، در آیه و حدیث، پنج معنا دارد: ولاء عتق، ولاء اسلام، ولاء حلف، ولاء قبیله، ولاء. در برابر عرب و مراد غیر عرب است و این معنا غالباً مقصود عالمان علم رجال است. ر. ک: التقریب و التیسیر، ج ۲، ص ۳۳۳. راز این که این کلمه را بر ایرانیان تطبیق می‌دهند، شاید به حکم غلبه وجودی و یا استعمالی باشد. چنان‌که بعضی این معنا را مدعی شده‌اند.

علاوه بر این در نوشته‌های عالمان قدیم و معاصر، این چنین تفسیر شده است و ما به پیروی از آنان چنین تفسیر کرده‌ایم. ولی بر آن پافشاری نداریم.

«فارس» به سرزمین‌هایی می‌گفتند که در برابر کشور روم بود و شامل ایران امروز و بخش دیگری از سرزمین‌هایی بود که جزء قلمرو ایران آن زمان بود.

۳. ذکر اصبهان، ص ۱۲؛ ر. ک: الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۸۲.

۴. رموز الاحادیث، ص ۳۳.

۵. با توجه به این که بازار کوفه اکثراً فارس و ایرانی بودند و با زبان فارسی سخن می‌گفتند (چنان‌که از مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۰، حدیث ۴، فهمیده می‌شود) به خوبی روشن می‌شود، که موالی مورد اعتراض اشعث و مورد دفاع امیرمؤمنان، همان ایرانیان بودند.

اسلام آوردن در میانشان شمشیر می کشید».^۱

زمینه سازان ظهور

بخش عمده‌ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی (عج) آمده است، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند: اهل فارس، عجم، اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان، اهل ری و... بیان شده است.

با بررسی مجموع این روایات، به این نتیجه می‌رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور امام زمان (عج)، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین علیهم‌السلام بر پا می‌گردد که مورد نظر امام زمان (عج) است و نیز مردم ایران، نقش عمده‌ای در قیام آن حضرت دارند که در بخش قیام به آن می‌پردازیم. در این جا به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی علیه‌السلام فراهم می‌سازند».^۲

نیز می‌فرماید: «پرچم‌های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن است؛ پس هر کس از حرکت آنان، آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند؛ هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند».^۳

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «گویا قومی را می‌بینم که در مشرق قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند؛ ولی حق را به آنان نمی‌دهند. بار دیگر طلب می‌کنند؛ ولی باز به آنان واگذار نمی‌کنند. در این حالت، شمشیرها را از نیام کشیده، بر شانه می‌گذارند که در این هنگام، دشمن خواسته آنان را می‌پذیرد؛ ولی آنان نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و حق را واگذار نمی‌کنند، مگر به صاحب امر. کشتگان آنان شهید هستند و اگر من آنان را درک می‌کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده می‌کردم».^۴

۱. الغارات، ج ۲۴، ص ۴۹۸؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۴.
 ۲. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰۰؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.
 ۳. عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ شافعی، بیان، ص ۴۹۰؛ منابع الموده، ص ۴۹۱؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
 ۴. نعمانی، غیبه، ص ۳۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۶۴.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «یاران حضرت قائم (عج) سی صد و سیزده نفر و از فرزندان عجم هستند»^۱.

هر چند عجم به غیر عرب گفته می شود، ولی به طور حتم ایرانیان را در بر می گیرد و با توجه به روایات دیگر، در بین نیروهای ویژه حضرت مهدی (عج) تعداد زیادی از ایرانیان حضور دارند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «به زودی پس از شما، اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان جمع می شود - طی الارض می کنند - و درهای دنیا بر روی آنان گشوده می گردد و آنان را مردان و زنان فارس خدمت می کنند. زمین زیر گام های شان پیچیده می شود؛ به گونه ای که هر یک از آنان بنخواهد، فاصله شرق تا غرب را در یک ساعت می پیماید. نه آنان خود را به دنیا فروخته اند و نه اهل دنیا بند و نه دنیا در آنان حظ و نصیبی دارد»^۲.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خوشا به حال طالقان؛ زیرا خداوند در آن جا گنج هایی دارد که نه از طلا و نه از نقره اند، بلکه مردان با ایمانی هستند که خدا را به حق شناخته اند و آنان یاوران مهدی آل محمد (عج) در آخر الزمان خواهند بود»^۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره خراسان می فرماید: «در خراسان گنج هایی است؛ امانه از طلا و نقره؛ بلکه آنان مردانی هستند که خدا و رسولش آنان را دوست می دارند»^۴.

۱. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

۲. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳. شافعی، بیان، ص ۱۰۶، متقی هندی، برهان، ص ۱۵۰؛ کتذ العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱؛ ینابیع الموده، ص ۴۹۱؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۶.

۴. کتذ العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱.

بخش دوم

انقلاب جهانی مهدی (عج)

قیام امام زمان (عج)

روایات مختلفی درباره روز قیام حضرت مهدی (عج) وجود دارد. در برخی، از نوروز به عنوان روز آغاز قیام، یاد شده است. برخی احادیث دیگر روز عاشورا را روز آغاز قیام ذکر کرده است. در تعدادی از روایات روز شنبه و در تعدادی دیگر، جمعه، روز قیام تعیین شده است. در هم زمانی نوروز، با عاشورا اشکالی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نوروز طبق سال شمسی و عاشورا بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود و یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است. آن چه مشکل و متعارض به نظر می‌رسد، ذکر دو روز از هفته به عنوان روز قیام است؛ ولی می‌توان این دسته از روایات را نیز توجیه کرد؛ زیرا اگر سند این روایات صحیح باشد، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت، تعیین کرده است، بر روز قیام و ظهور حمل می‌شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، بر استقرار و تثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر شود.

باید توجه داشت که روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، از نظر سند مورد تأمل است؛ ولی روایاتی که جمعه را ذکر کرده است، از این نظر ایرادی ندارد.

اینک به روایاتی در این باره توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما اهل بیت، در روز جمعه ظهور می‌کند».^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «گویا حضرت قائم را می‌بینم که در روز عاشورا، روز شنبه،

۱. اثبات الهداة، ص ۴۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل نیز جلوی حضرتش ایستاده است و مردم را به بیعت با او فرامی خواند.^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم علیه السلام روز شنبه که روز عاشورا است، قیام می کند؛ روزی که امام حسین علیه السلام شهید شد.^۲ نیز آن حضرت می فرماید: «آیا می دانید که این روز -عاشورا- چه روزی است؟ همان روزی است که خداوند توبه آدم و حوا را پذیرفت؛ روزی است که خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و پیروانش را غرق کرد و موسی بر فرعون پیروز شده؛ روزی است که ابراهیم علیه السلام متولد شد؛ روزی است که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت؛ روز تولد حضرت عیسی است و روزی است که حضرت قائم در آن روز قیام می کند.^۳

روایت دیگری نیز به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نقل شده است؛ ولی در این روایت وثاقت ابن بطائنی که در سلسله سند آن است، مورد بحث است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در شب بیست و سوم، به نام حضرت مهدی (عج) ندا داده می شود و در روز عاشورا، روز شهادت حسین بن علی علیه السلام، قیام می کند.^۴ هم چنین آن حضرت می فرماید: «روز نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت در آن روز ظهور می کند.^۵

الف) اعلان ظهور

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می گردد، آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می کند.

-
۱. طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
 ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ التهذیب، ج ۴، ص ۳۳۳؛ ملاذ الاخیار، ج ۷، ص ۱۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
 ۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
 ۴. التهذیب، ج ۴، ص ۳۰۰؛ ابن طاروس، اقبال، ص ۵۵۸؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۸؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۴؛ ملاذ الاخیار، ج ۷، ص ۱۱۶.
 ۵. طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
 ۶. التهذیب البار، ج ۱، ص ۱۹۴؛ خاتون آبادی، اربعین، ص ۱۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «هنگامی که منادی از آسمان ندا می دهد: حق از آل محمد است، شما اگر طالب هدایت و سعادت هستید، به دامن آل محمد علیهم السلام چنگ زنید، حضرت مهدی (عج) ظهور می کند».^۱

نیز امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می آورد: ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنتان در برابر خدا (در روز قیامت) متذکر می شوم؛ در حالی که حجّتش را (در دنیا) بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نورزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آن چه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آن چه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرارسیده و نفخه و داع سر داده است.

من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم. آن گاه در میان سی صد و سیزده نفر از یارانش ظهور می کند».^۲

ب) شعار پرچم قیام

هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می شود و قیامها و انقلابها نیز از پرچم مخصوصی برخوردارند که آرم آن تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیز پرچم مخصوصی دارد و بر آن شعاری نقش بسته است. البته هر چند درباره شعار پرچم آن حضرت اختلاف است، ولی نکته ای در همه اقوال مشترک است و آن این که مردم را به فرمانبری از حضرتش دعوت می کند.^۳

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

۲. ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ عقد الدرر، ص ۱۴۵؛ سفارینی، لوائح، ج ۲، ص ۱۱؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. امام باقر علیه السلام به ابو حمزه فرمود: «گویا قائم اهل بیت را می بینم که وارد نجف می شود و هنگامی که به بالاترین نقطه نجف

اینک به ذکر چند نمونه در این باره بسنده می‌کنیم:
 در روایتی آمده است: «بر روی پرچم حضرت مهدی (عج) نوشته شده است:
 «گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید».^۱
 در جای دیگری می‌خوانیم: «شعار پرچم مهدی (عج) «البيعة لله؛ بیعت برای خدا
 می‌باشد».^۲

ج) خرسندی جهانیان از قیام

از روایات فهمیده می‌شود که قیام مهدی (عج) موجب خرسندی انسان‌ها می‌شود. این شادی و رضایت به اشکال گوناگونی بیان شده است. در بعضی روایات، سخن از شادی اهل زمین و آسمان است و در برخی دیگر از شادی مردگان سخن به میان آمده است. در روایتی، از استقبال مردم از قیام بحث شده است و در روایت دیگر از آرزوی مردم برای زنده شدن مردگانشان پرده بر می‌دارد.

در این جا با ذکر چند روایت، نمونه‌هایی از آن را بازگو می‌کنیم:
 رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا، از ظهور حضرت مهدی (عج) شاد و خرسند می‌شوند».^۳
 امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند، نام مبارکش بر سر زبان‌ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه‌ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می‌کنند».^۴

→ رسید، پرچم رسول خدا ﷺ را می‌گشاید. زمانی که پرچم باز شد، فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند، بر او فرود می‌آیند. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۰۳؛ نعمانی، غیبة، ص ۳۰۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
 ۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.
 ۲. ابن حماد، فتن، ص ۹۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸، القول المختصر، ص ۲۴؛ ینابیع المودة، ص ۴۳۵؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۲۱۰.
 ۳. عقد الدرر، ص ۸۴، ۱۴۹؛ البیان، ص ۱۱۸؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۳۱؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰؛ نور الابصار، ص ۱۷۰؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۵۰.
 ۴. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

در روایت تعبیر «یشربون حبه؛ محبتش را می نوشند»، آمده است که در آن، علاقه به حضرت را به آب یا مایع نوشیدنی گوارایی تشبیه کرده است که مردم با کمال میل آن را می نوشند و عشق به مهدی در وجودشان نفوذ می کند.

حضرت رضا علیه السلام ضمن بر شمردن حوادث تلخ و فتنه های پیش از ظهور، درباره گشایش و فرج پس از ظهور می فرماید: «در آن هنگام فرج و گشایش بر مردم می رسد؛ به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می کنند».^۱

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «گویا قائم (عج) را می بینم که بر فراز منبر کوفه نشسته است و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر تن دارد». آن گاه برخی از حالات حضرتش را بازگو کرد و در ادامه فرمود: «هیچ مؤمنی در قبر نمی ماند، مگر آن که آن شادی و سرور در قبرش وارد می شود؛ به گونه ای که مردگان به دیدار یکدیگر می روند و ظهور حضرتش را به هم دیگر تبریک می گویند».

در برخی از روایات عبارت «تلك الفرجة آمده است؛ یعنی گشایشی در امور» برزخیان نیز به برکت ظهور حضرت پدید می آید و طبق این نقل، عظمت نهضت و رهبری قیام به اندازه ای است که بر ارواح نیز تأثیر می گذارد.^۲

د) نجات محرومان

شکی نیست که قیام حضرت مهدی (عج) موجب برقراری عدالت و ریشه کن شدن همه محرومیت ها از جامعه بشری می گردد؛ در این قسمت به اقداماتی که حضرت به هنگام قیام برای ستمدیدگان و محرومان انجام می دهد، به گونه ای که باعث پناه آوردن محرومان به او می شود خواهیم پرداخت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مهدی (عج) از امت من، ظهور می کند؛ خداوند او را به عنوان فریاد رس انسان ها می فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد».^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فریادرسی را محدود به طایفه یا ملیت خاصی نکرده است؛ بلکه

۱. خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۹؛ طوسی، غیبة، ص ۲۶۸.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۰.

۳. عقد الدرر، ص ۱۶۷.

با تعبیر کلمه ناس (مردم)، آن حضرت را رهایی بخش همه انسان‌ها می‌داند. از این رو، پیش از ظهورش، شرایط به گونه‌ای می‌شود که همه انسان‌های جهان آرزوی ظهورش را دارند.

جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی در مکه ظهور می‌کند ... خداوند سرزمین حجاز را (به دست او) می‌گشاید و حضرت زندانیان بنی‌هاشم را از زندان آزاد می‌سازد».^۱

ابو ارقط می‌گوید: حضرت مهدی (از مکه) عازم مدینه می‌شود و زندانیان بنی‌هاشم را رهایی می‌بخشد. آن‌گاه به کوفه می‌رود و زندانیان بنی‌هاشم را آزاد می‌سازد.^۲

شعرانی می‌گوید: هنگامی که حضرت مهدی (عج) به مغرب زمین می‌رسد، مردم اندلس به سوی او رفته، می‌گویند: ای ولی الله (و حجت خدا)! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده‌اند.^۳

ه) نقش زنان در قیام امام علیه السلام

با بررسی روایات درباره نقش زنان پیش و پس از ظهور حضرت مهدی (عج) به نکات قابل توجهی دست می‌یابیم. هر چند طبق بعضی از روایات، اکثر پیروان دجال را یهود و زنان تشکیل می‌دهند،^۴ ولی در کنار آنان، زنانی مؤمن و عفیف نیز هستند که در حفظ عقیده خود سخت کوش بوده، از اوضاع پیش از ظهور بسیار متأثرند.

برخی از زنان از ثبات قدم و روحیه جهادگرانه‌ای برخوردارند و هر جا که می‌روند با جنگ تبلیغاتی علیه دجال، ماهیت ضد انسانی او را آشکار می‌سازند.

بر پایه برخی از روایات چهارصد زن هنگام قیام مهدی (عج)، آن حضرت را همراهی می‌کنند و اکثر آنها در بخش بهداشت و درمان مشغول فعالیت می‌باشند. البته در روایات درباره تعداد زنانی که به هنگام قیام حضرت با او خواهند بود، اختلاف وجود دارد. برخی از روایات از سیزده زن نام می‌برند که هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) با

۱. ابن حماد، فتن، ص ۹۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱؛ القول المختصر، ص ۲۳.

۲. ابن حماد، فتن، ص ۸۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷؛ منقح هندی، برهان، ص ۱۱۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴.

۳. قرطبی، مختصر تذکره، ص ۱۲۸؛ احتقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

۴. احمد، مسند، ج ۲، ص ۷۶؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۲۴؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۵.

حضرتش می‌باشند و شاید آنان از کسانی هستند که از نیروهای ابتدایی مهدی (عج) می‌باشند. برخی از روایات نیز عدد زنانی را که به حضرت یاری می‌رسانند، هفت هزار و هشت صد نفر ذکر کرده است و آنان زنانی هستند که پس از قیام، حضرت را همراهی می‌کنند و در کارها به آن حضرت کمک می‌کنند.

در کتاب فتن از ابن حمّاد آمده است: تعداد مؤمنان به هنگام خروج دجال، دوازده هزار مرد و هفت هزار و هفت صد یا هشت صد زن هستند.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «عیسی بن مریم در بین هشت صد مرد و چهار صد زن فرود می‌آید که آنان از بهترین ساکنان روی زمین و از صالح‌ترین مردمان گذشته هستند».^۲

امام باقر ﷺ می‌فرماید: «به خدا سوگند سی صد و اندی نفر خواهند آمد و پنجاه زن نیز در میان آنان است».^۳

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق ﷺ فرمود: «همراه حضرت قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم: آنان چه می‌کنند و چه نقشی خواهند داشت؟ فرمود: «زخمی‌ها را مداوا می‌کنند و از بیماران پرستاری می‌نمایند؛ هم‌چنان‌که همراه رسول خدا ﷺ بودند». گفتم: آن سیزده نفر را نام ببرید؟ فرمود: «قنوا دختر رشید، أمّ ایمن، حبابه و البیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، أمّ خالد احمسیه، أمّ سعید حنفیه، صیانه ماشطه و أمّ خالد جهنیه».^۴

در کتاب منتخب البصائر از دو زن به نام وتیره و احبشیه نام برده شده است که از اصحاب و یاوران حضرت قائم (عج) شمرده شده‌اند.^۵ برخی از روایات نیز تنها به همراه بودن زنان با حضرت اکتفا کرده، و تعدادشان را ذکر نکرده‌اند.

بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب‌های تاریخی

در روایات مفضل بن عمر به روشنی تعداد زنانی که با حضرت قائم (عج) خواهند بود، سیزده نفر ذکر شده است؛ ولی از این تعداد تنها نه نفر به اسم و مشخصات

۱. ابن حمّاد، فتن، ص ۱۵۱.

۲. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۳۸؛ التصريح، ص ۲۵۴.

۳. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۵؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۹.

۴. دلائل الامامه، ص ۲۵۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵.

۵. بیان الأئمه، ج ۳، ص ۳۳۸.

معرفی شده‌اند. تأکید امام صادق علیه السلام بر این نام‌ها ما را بر آن داشت تا درباره زندگی نامه و ویژگی‌های آنان بررسی کنیم و پس از تحقیق، به نکاتی دست یافتیم که پاسخ قانع‌کننده‌ای بر راز تأکید امام صادق علیه السلام است.

این افراد هر کدام شایستگی‌هایی دارند، اما اکثر آنان در جهاد با دشمنان خدا، از خود لیاقت نشان داده‌اند. برخی از آنان هم چون صیانه، مادر چند شهید بوده، خود نیز با وضعی جان سوز به شهادت رسید. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده، تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده‌اند و گروهی دیگر هم چون ام خالد نعمت تن درستی پیکر را برای حفظ اسلام، بر خود حرام کردند و جانباز شدند. گروهی دیگر همانند زُبَیْدَه، زرق و برق دنیا و توانگری مادی، هرگز آنان را از اسلام باز نداشت؛ بلکه بر عکس، از آن امکانات در راه عقیده استفاده کرده، به برپایی حج که یکی از مظاهر مهم اسلامی و از ارکان دین می‌باشد، کمک نمودند. بعضی دیگر، افتخار دایگی رهبر امت اسلامی و تربیت فرزندان لایق را داشتند و خود نیز از معنویتی برخوردار بودند که زبانزد خاص و عام گردیدند. جمعی دیگر از خانواده شهیدانی هستند که خود پیکر نیمه جان آنان را حمل کرده، و با آنان سخن‌ها گفته‌اند. آری، آنان دل سوختگانی هستند که با انجام آن رشادت‌ها ثابت کرده‌اند که می‌توانند گوشه‌ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلام را بر دوش کشند.

اکنون به معرفی تعدادی از آنان می‌پردازیم:

۱. صیانه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: در دولت مهدی (عج) سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده گشته، به دنیا باز می‌گردند که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است و شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه‌دار وی بوده است و به گفته او، حزقیل، مؤمن خاندان فرعون است و به پیامبر زمانش، موسی علیه السلام، ایمان آورد.^۱

۱. ریاحین الثریعه، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه، ص ۳۴۳.

پیامبر ﷺ فرمود: «در شب معراج، در سیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشامم رسید که هرگز مانند آن را نبوییده‌ام. از جبرئیل پرسیدم که این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا ﷺ! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می‌کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد و بی اختیار گفت: «بسم الله». دختر فرعون گفت: آیا پدر مرا ستایش می‌کنی؟ گفت: نه؛ بلکه آن کسی را ستایش می‌کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد. دختر فرعون شتابان نزد پدرش رفت و گفت: زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد. فرعون او را احضار کرد و به او گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صیانه گفت: هرگز، من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم و تو را پرستش نمی‌کنم. فرعون دستور داد، تنور مسی را برافروختند و چون آن تنور سرخ شد، دستور داد همه بچه‌های آن زن را در حضور او در آتش انداختند.

زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش افکنند، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان از دین اظهار برائت و بیزاری کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: اصبری یا أمّاه إنَّک علی الحق؛ ای مادر صبر کن که تو راه حق را می‌پیمایی. فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکندند و سوزاندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این زمین استشمام می‌شود...»^۱

او از زنانی است که زنده می‌شود و به دنیا باز می‌گردد و در رکاب حضرت مهدی (عج) انجام وظیفه می‌کند.

۲. أم ایمن

نام او برکه است. وی کنیز پیامبر ﷺ بود که از پدر بزرگوارش، عبدالله، به آن حضرت به ارث رسیده بود و پرستاری رسول خدا ﷺ را بر عهده داشت.^۲

۱. منهاج الدعوی، ص ۹۳.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷؛ حلبی، سیره، ج ۱، ص ۵۹.

حضرت او را مادر خطاب می کرد و می فرمود: هذه بقية أهل بيتي؛ او باقی مانده از خاندان من است. وی فرزندی از همسر اولش، عبید خزرجی، به نام ایمن داشت. ایمن از مهاجران و مجاهدان بود و در جنگ حنین به شهادت رسید.

ام ایمن شخصیتی است که وقتی در راه مکه و مدینه تشنگی بر او غلبه کرد و نزدیک بود از پای درآید، دلو آبی از آسمان بر او فرود آمد و از آن نوشید و هرگز پس از آن تشنه نشد.^۱

او به هنگام رحلت پیامبر بسیار می گریست؛ چون از او علت گریه اش را پرسیدند، در پاسخ گفت: به خدا سوگند می دانستم که ایشان رحلت خواهد کرد، ولی گریه من برای آن است که وحی قطع شد.^۲

فاطمه زهرا علیها السلام در مسأله فدک او را به عنوان شاهد و گواه معرفی کرد و سرانجام او در روزگار خلافت عثمان رحلت کرد.

۳. زبیده

وی همسر هارون الرشید و از شیعیان بوده است. هنگامی که هارون از عقیده او آگاه گشت، سوگند یاد کرد که او را طلاق دهد. او به انجام کارهای نیک معروف بود. در زمانی که یک مشک آب در شهر مکه یک دینار طلا ارزش داشت، او، حُجاج و شاید هم مردم مکه را سیراب کرد. او باکندن کوه ها و احداث تونل ها، آب را از خارج حرم - از فاصله ده میلی - به حرم آورد. زبیده صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام موظف بودند که یک دهم قرآن را بخوانند؛ به گونه ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن، همانند زمزمه زنبورهای عسل بلند بود.^۳

۴. سُمیه مادر عمار یاسر

او هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و به همین سبب بدترین شکنجه ها را بر او

۱. عبدالرزاق، مصنف، ج ۴، ص ۳۰۹؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۳۲.

۲. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۷۸.

روا داشتند. گاهی که گذر پیامبر ﷺ به عمار و پدر و مادرش می افتاد و می دید که آنان در گرمای سوزان مکه روی زمین های داغ در حال شکنجه هستند، می فرمود: ای خاندان یاسر! صبر کنید؛ بدانید که وعده گاه شما بهشت است.

سرانجام سمیه با نیزه دژخیمی خونخوار چون ابو جهل به شهادت رسید و او نخستین زن شهید در اسلام است.^۱

۵. اُمّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست اُمّ خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد. ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق ﷺ بودیم که اُمّ خالد با دست بریده شده آمد، حضرت فرمود: «ای ابابصیر! آیا میل داری سخن اُمّ خالد را بشنوی؟» عرض کردم: آری و به آن شادمان می گردم. اُمّ خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت ﷺ نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت ...^۲

۶. حبابه والیه

شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن ﷺ شمرده است و ابن داود او را از اصحاب امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر ﷺ می داند. برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم - تا امام رضا ﷺ - شمرده اند، هم چنین گفته شده است که امام رضا ﷺ، ایشان را در پیراهن شخصی خود کفن کرد. سن او به هنگام مرگ بیش از ۲۴۰ سال بود. او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد و بار دوم با معجزه امام هشتم بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت، با خاتم خود، بر آن نقش زدند.^۳

۱. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳، ۱۰۸، ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

۳. تنقیح المقال، ج ۲۳، ص ۷۵.

حبابه والبيه می گوید: ... به امیر مؤمنان عرض کردم: خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد. دلیل امامت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «آن سنگ ریزه را نزد من بیاور». آن را به حضور حضرت آوردم. علی علیه السلام با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ، نقش بست و به من فرمود: «ای حبابه! هر کس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهر کند، او امامی است که پیروی از او واجب است. امام کسی است که هر چیز را بخواهد، می داند».

من پی کار خود رفتم، تا امیر المؤمنین علیه السلام از دنیا رفت. آن گاه خدمت امام حسن علیه السلام آمدم که بر جای علی علیه السلام نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند؛ چون مرا دید، فرمود: «ای حبابه والبيه!» عرض کردم: بلی ای سرور من! فرمود: «آن چه همراه داری بیاور». من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم. آن بزرگوار، مانند علی علیه السلام با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست.

سپس به حضور امام حسین علیه السلام که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، آمدم مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود: «دلیل آن چه تو می خواهی موجود است. آیا نشانه امامت را می خواهی؟» گفتم: آری، ای آقای من! فرمود: «آن چه با خود داری بیاور!» من آن سنگ کوچک را به او دادم؛ انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست.

پس از امام حسین علیه السلام، خدمت امام سجاد علیه السلام رسیدم و به قدری پیر شده بودم که ریشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم. آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت. از دریافت نشانه امامت ناامید شدم. آن حضرت با انگشت سبابه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت. گفتم: ای آقای من! از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود: «نسبت به آن چه گذشته است، آری و آن چه مانده است نه» یعنی ما به گذشته علم داریم؛ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم. آن گاه به من فرمود: «آن چه با خود داری بیاور». من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد. پس از گذشت زمانی، به حضور امام باقر علیه السلام آمدم، آن حضرت نیز بر آن سنگ مهر زد. بعد از او نزد امام صادق علیه السلام آمدم و آن جناب نیز آن را مهر کرد. پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم؛ آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم، مهر آن حضرت نیز بر آن

نقش بست. حبابه پس از آن، نه ماه زنده بود.^۱

۷. قنواء دختر رشید هجری

هر چند در خصوص شخصیت این زن در کتاب‌های شیعه و سنی، سخنی به میان نیامده است و به اصطلاح مهمل است؛^۲ ولی از جریانی که در خصوص شیوه اسارت و شهادت پدر بزرگوارش، به دست ابن زیاد به وقوع پیوست او ایشان آن را نقل کرد، میزان صلابت و پایداری در عقیده و پای بندی او به اسلام و تشیع و علاقه او به امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار می شود.

ابو حیان بجلي می گوید: از قنواء دختر رشید هجری پرسیدم: از پدرت چه حدیث و روایتی شنیده‌ای؟ گفت: پدرم از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: «ای رشید! صبر تو چگونه است، هنگامی که پسر خوانده بنی امیه (ابن زیاد) تو را به نزد خود بخواند و دو دست و دو پا و زبانت را قطع کند؟» عرض کردم: آیا پایان کارم بهشت است...؟ فرمود: «ای رشید! در دنیا و آخرت به همراه من هستی».

قنواء می گوید: به خدا سوگند، پس از مدتی ابن زیاد پدرم را احضار کرد و از او خواست تا از علی علیه السلام بیزاری بجوید؛ ولی او هرگز این کار را نکرد. ابن زیاد گفت: علی علیه السلام کیفیت قتل تو را چگونه توصیف کرده است؟ پدرم پاسخ داد: دوست من علی علیه السلام مرا چنین آگاه ساخت که تو مرا به بیزاری از علی علیه السلام می خوانی، ولی من اجابت نمی کنم؛ سپس دو دست و دو پا و زبانت را قطع می کنی. ابن زیاد گفت: به خدا سوگند، خلاف پیشگویی علی را در حق تو اجرا می کنم. آن گاه دستور داد دو دست و دو پایش را قطع کنند و زبانش را سالم باقی گذارند. قنواء می گوید: من پدرم را به دوش کشیدم و در راه به او گفتم: ای پدر! آیا احساس درد و زجر می کنی؟ فرمود: خیر، فقط به مقدار فشاری که جمعیت بر من وارد کند، احساس ناراحتی می کنم. چون پدرم را برداشتم و از کاخ ابن زیاد بیرون بردم، مردم به گرد او جمع شدند. پدرم از فرصت استفاده کرد و گفت: قلم و دوات و کاغذ بیاورید تا برای شما حوادثی را بازگو کنم؛

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ تنفیح المقال، ج ۳، ص ۷۵.

۲. اعیان الشیعه، ۳۲، ص ۶.

ولی چون این خبر به ابن زیاد رسید، دستور داد زبانش را نیز قطع کنند و پدرم در همان شب به شهادت رسید.^۱

نقش زنان در دوران پیامبر ﷺ

با توجه به این که زنان در حکومت حضرت مهدی (عج) همان نقشی را دارند که در دوران صدر اسلام داشته‌اند، به اختصار، نقش زنان را در آن روزگار بررسی می‌کنیم. هر چند در روایت اشاره شده است که: «یداوین الجرحی و یقمن علی المرضی؛ زخمیان را مداوا کرده، و از بیماران پرستاری می‌کنند». ولی شاید این نمونه‌ای از مهم‌ترین خدمات زنان در روزگار پیامبر ﷺ باشد؛ زیرا آنان فعالیت‌های دیگری هم داشته‌اند و همین نقش را در زمان حضرت مهدی (عج) خواهند داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر ﷺ انجام می‌دادند، در زمان حضرت قائم (عج) نیز انجام خواهند داد».

زنان در جنگ‌های پیامبر ﷺ، وظایف دیگری هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، آشپزی، نگه داری وسایل رزمندگان، تهیه دارو، رساندن مهمات، تعمیر تجهیزات، انتقال شهدا، شرکت در جنگ‌های دفاعی، تشویق رزمندگان برای عزیمت به جبهه، تشویق آنان در صحنه نبرد و ... را عهده دار بودند.

تشبیه زنان دوران مهدی (عج) به زنان دوران پیامبر ﷺ به وسیله امام صادق علیه السلام ما را بر آن داشت که برخی از فعالیت‌های آنان را در صدر اسلام یادآور شویم.

بعضی از زنانی که در این فعالیت‌ها نقش مهمی داشتند، عبارتند از:

۱. امّ عطیه؛ او در هفت غزوه شرکت کرد. مداوای زخمیان از جمله خدمات وی بود.^۲
- امّ عطیه می‌گوید: یکی از وظایف من نگهبانی از وسایل سربازان بود.^۳
۲. امّ عماره (نسبیه)؛ رشادت‌های او در جنگ اُحُد به قدری بود که مورد ستایش و

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۵، شرح حال رشید؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۳، ص ۸۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۷،

ص ۱۹۰؛ اعیان الشیعه، ج ۳۲، ص ۶؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۴۰.

۲. ابو عوانه، مسند، ج ۴، ص ۳۳۱.

۳. واقعی، مغازی، ج ۱، ص ۲۷۰.

تقدیر فراوان پیامبر ﷺ قرار گرفت.^۱

۳. امّ ابیه؛ او جزو شش زنی بود که راهی قلعه خيبر شد. پیامبر به آنان فرمود: «به دستور چه کسی به این جا آمده اید؟» امّ ابیه می گوید: چون آثار خشم را بر چهره آن حضرت مشاهده کردیم، گفتیم: ما با مقداری دارو به منظور مداوای زخمیان آمده ایم. آن گاه حضرت، با ماندن مادر آن جا موافقت کرد. شغل مادر این جنگ مداوای زخمیان و پختن غذا بود.

۴. امّ ایمن؛ در جنگ ها، زخمیان را مداوا می کرد.^۲

۵. حمّنه؛ به زخمیان آب می رساند و آنان را مداوا می کرد. او شوهر، برادر و دایی خود را در جبهه نبرد از دست داد.^۳

۶. ربیعه دختر معوذ؛ زخمیان را مداوا می کرد.^۴ او می گوید: با رسول خدا عازم نبرد شدیم و شهدا را به مدینه انتقال دادیم.

۷. امّ زیاد؛ او از جمله شش زنی بود که به منطقه جنگ خيبر برای مداوای زخمیان رفت.^۵

۸. امیه دختر قیس؛ پس از هجرت مسلمان شد. او می گوید: با گروهی از زنان بنی غفار به حضور پیامبر رسیده، عرض کردیم: ما یل هستیم در خدمت شما برای معالجه زخمیان و کمک به رزمندگان، به سوی خيبر حرکت کنیم.

پیامبر به نشانه خشنودی فرمود: «با عنایات الهی حرکت کن.»^۶

۹. لیلای غفاریه؛ می گوید من زنی بودم که با پیامبر ﷺ برای مداوای زخمیان به جنگ می رفتم.^۷

۱۰. امّ سلیم؛ در جنگ احد به رزمندگان آب می رساند و با این که حامله بود؛ در جنگ

۱. کنز العمال، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲. الاصابه، ج ۴، ص ۴۳۳.

۳. ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۲۴۱.

۴. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۱؛ بخاری، صحیح، ص ۱۴، ص ۱۶۸.

۵. الاصابه، ج ۴، ص ۴۴۴.

۶. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۰۵.

۷. نقش زنان در جنگ، ص ۲۲.

حنین شرکت کرد.^۱

۱۱. معاذة غفاریه؛ بیماران را پرستاری و زخمیان را معالجه می کرد.^۲

۱۲. امّ سنان اسلمیه؛ هنگام عزیمت به جنگ خیبر به پیامبر عرض کرد: دوست دارم با شما حرکت کنم و در میدان جنگ به معالجه زخمیان و مداوای بیماران و یاری مجاهدان پردازم و از وسایل ایشان نگه داری و تشنگان را سیراب کنم. حضرت ﷺ فرمود: «رواست؛ با همسر من امّ سلمه حرکت کن».^۳

۱۳. فاطمة زهرا؛ محمد بن مسلمه می گوید: در جنگ احد زنان به جست و جوی آب پرداختند و ایشان چهارده نفر بودند که فاطمه نیز با ایشان بود.^۴
زنان، آب و غذا را بر پشت خویش حمل می کردند و به درمان زخمیان می پرداختند و به آنان آب می دادند.^۵

۱۴. امّ سلیط؛ عمر بن خطاب می گوید: امّ سلیط در جنگ احد، مشک های آب را برای ما حمل می کرد و به تعمیر وسایل و تجهیزات می پرداخت.^۶

۱۵. نسیمه؛ او همراه شوهر و دو پسرش در جنگ احد شرکت کرد و مشک آبی برداشت و زخمیان را سیراب می کرد. آن گاه که جنگ شدت گرفت، او نیز به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه را متحمل شد.^۷

۱۶. انیسه؛ او در جنگ احد، به حضور پیامبر ﷺ رسید و گفت: ای رسول خدا! فرزندم عبدالله بن سلمه، از رزم آوران بدر، اینک در جنگ احد شهید شده است؛ دوست دارم او را به مدینه انتقال دهم و در آن جا به خاک بسپارم تا مزارش نزدیک (خانه ام) باشد و با وی انس گیرم.

پیامبر ﷺ به او اجازه داد. انیسه، پیکر پاک فرزند شهید خود را به همراه یکی دیگر از شهدای اسلام به نام مجدر بن زیاد در عبایی پیچیده، آنان را به وسیله شتر

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۴۲۵.

۲. اعلام النساء، ج ۵، ص ۶۱.

۳. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۱۰.

۴ و ۵. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۶. بخاری، صحیح، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۷. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.

به مدینه حمل کرد.^۱

این گوشه‌ای از فعالیت و نقش زنان در جبهه اسلام به فرماندهی رسول خدا ﷺ بود. شاید همیاری زنان در امور نظامی و پشتیبانی برای آن بود که از نیروهای رزمنده در نبرد و جنگ رو در رو با دشمن، حداکثر استفاده بشود. زنان دوران حکومت حضرت مهدی (عج) نیز با همین هدف، نقش زنان دوران پیامبر ﷺ را ایفا می‌کنند.

در آن دوران یا پیش از آن، زنان نقش‌های گوناگونی دارند؛ تبلیغات علیه دجال و برحذر داشتن مردم از وی، از جمله نقش‌ها و وظایف آنان است.

ابوسعید خدری می‌گوید: هر جا دجال قصد می‌کند به آن جا برود زنی به نام لثیبه (طیبه) پیش از او خود را به آن جا می‌رساند و می‌گوید: دجال به سوی شما می‌آید؛ از او دوری جوئید و از عاقبت کارش بر حذر باشید!^۲

۱. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۰۶؛ ر.ک: حجة الاسلام محمد جواد طبسی، نقش زنان.

۲. ابن حمّاد، فنن، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲.

رهبر قیام

پیرامون انقلاب و قیام حضرت مهدی (عج) تاکنون مطالبی را بازگو کرده ایم. در این فصل، خصوصیات جسمی، اخلاقی و کرامات آن حضرت را با استفاده از روایات، مورد بحث قرار می دهیم.

الف) خصوصیات جسمی

۱. سن و چهره

عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا ﷺ گفتم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن و شمه ای از حالات او را بیان فرما. پیامبر ﷺ فرمود: «او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است؛ به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند؛ رنگ چهره اش به عرب ها شباهت دارد؛ قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید؛ صورتش چون پاره ماه می درخشد؛ زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گاه که آکنده از ظلم و ستم شود. بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه شهرهای کفر، چون قسطنطنیه، روم و... را می گشاید...»^۱

امام حسن مجتبی ﷺ می فرماید: «... خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را در روزگار غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایانش او را از چهره جوانی کم تر از چهل سال ظاهر می کند.»^۲

۱. ابن طاروس، ملاحم، ص ۱۴۲.

۲. کمان الدین، ج ۱، ص ۳۱۵؛ کفایة الاثر، ص ۲۲۴؛ اعلام الوری، ص ۴۰۱؛ الاحتجاج، ص ۲۸۹.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «زمانی که حضرت قائم (عج) ظهور می کند، مردم او را انکار می کنند و کسی بر او درنگ نمی کند؛ جز آنان که خداوند در عالم ذر^۱ از آنان پیمان گرفته است. آن حضرت در چهره جوانی کامل و موفق - معتدل - ظاهر می شود»^۲.

امیر مؤمنان می فرماید: «هنگامی که مهدی (عج) قیام می کند، سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود»^۳.

مروی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: نشانه و علامت قائم شما به هنگام قیام و ظهور چیست؟ امام فرمود: «نشانه اش این که سن حضرت زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان می نماید؛ به گونه ای که اگر کسی به او نظر کند، می پندارد او در سن چهل سالگی یا کم تر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی کند تا زمانی که اجلش فرارسد»^۴.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به طور حتم، ولی خدا صد و بیست سال همانند ابراهیم خلیل عمر خواهد کرد و به چهره و رخسار جوانی کامل و سی ساله ظاهر خواهد شد»^۵.

مرحوم مجلسی می گوید: شاید مراد مدت حکومت و سلطنت حضرت باشد یا این که عمر حضرتش به همان مقدار بوده است؛ اما خداوند آن را طولانی کرده است.

مراد از کلمه موفق، معتدل بودن اعضاست و کنایه از این که در سنین متوسط و یا آخر سنین جوانی است»^۶.

درباره سن حضرت به هنگام ظهور، اقوال دیگری نیز هست. ارطبات می گوید: حضرت مهدی (عج) شصت ساله است.^۷ ابن حمّاد می گوید: حضرت مهدی (عج)

۱. عالم ذر - عالم پیش از آفرینش انسانها بر روی زمین است که خداوند در آن عالم، از انسانها درباره پروردگاری خودش اقرار گرفت؛ ﴿وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾؛ ای رسول ما به یاد آور هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می دهیم. ﴿﴾ برخی مفسران گفته اند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در عالم روح و گواهی آنان به توحید خدا و پروردگاری او در عالم ملک و ملکوت تا آن که دیگر نگویند ما از این واقعه (قیامت با یکتایی خدا) غافل بودیم؛ اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۲. نعمانی، غیبه، ص ۱۸۸؛ عقد الدرر، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷؛ تنبیح الموده، ص ۴۹۲.

۳. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۴.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ اعلام النوری، ص ۴۳۵؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۷. ملاحم، ابن طاووس، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۶.

هیجده ساله است.^۱

۲. مشخصات بدنی

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: از پدر شما شنیده‌ام که امام زمان (عج) سینه‌ای گشاده و کتف‌هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: «ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشید؛ ولی برایش بلند بود؛ به طوری که بر زمین می رسید. من نیز آن را پوشیدم؛ ولی بر قامت بلند بود؛ ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است؛ به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده‌اند».^۲

ریان پسر صلت می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «من امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ آن‌گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چگونه می توانم صاحب آن امر باشم، در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟ حضرت قائم کسی است که وقتی ظهور می کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌ها می شکنند و از جا کنده می شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست».^۳

ب) کمالات اخلاقی

حضرت مهدی (عج) مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه‌ای است. از آن‌جا که معصومین علیهم السلام انسان‌های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند، اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حد دارا می باشند.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «مهدی (عج) دانستارین، بردبارترین و پرهیزگارترین

۱. ابن حماد، فتن، ص ۱۰۲.

۲. بصائر الدرجات، ج ۴، ص ۱۸۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۰ و ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ اعلام الوری، ص ۴۰۷؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸.

مردمان است. او از همه انسان‌ها بخشنده‌تر، شجاع‌تر و عابدتر است».^۱

۱. ترس از خدا

کعب می‌گوید: خشوع و ترس حضرت مهدی (عج) در برابر خداوند، مانند خشوع عقاب در برابر دو بالش است.^۲ شاید مقصود کعب این باشد که هر چند عقاب پرنده‌ای قدرتمند است، اما این نیرو بستگی تمام به میزان یاری بال‌هایش دارد؛ اگر بال‌ها لحظه‌ای او را یاری نکنند، از آسمان به زمین سقوط می‌کند. حضرت مهدی نیز هر چند قدرتمندترین رهبران الهی است، ولی این قدرت از ذات حق تعالی است. اگر خداوند، لحظه‌ای حضرتش را یاری نکند، توان ادامه فعالیت را ندارد. از این رو، حضرتش در برابر ذات الهی، کمال خشوع و خضوع و ترس را دارد.

طبق نقل ابن طاووس^۳ خشوع حضرت در برابر خداوند به خشوع دو طرف انتهای نیزه تشبیه شده است. سرعت عمل و دقت نشانه‌گیری در کار نیزه بستگی به دو سر آن که همانند دو بال هستند، دارد و اگر یک سرش کج باشد، نیزه به خطا می‌رود. شاید منظور این است که قدرت مهدی (عج) از خداوند است و بستگی تمام به یاری حق دارد.

۲. زهد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چرا در ظهور حضرت مهدی تعجیل می‌کنید؟ خدا می‌داند که پوشاک او سخت و خشن، خوراکش نان جو و حکومتش، حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر».^۴

عثمان بن حمّاد می‌گوید: در مجلس امام صادق علیه السلام حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابی طالب لباسی سخت می‌پوشید که ارزش آن چهار درهم بود؛ اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید! حضرت در پاسخ فرمود: «علی علیه السلام در زمانی آن

۱. بنایع الموده، ص ۴۰۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۷.

۲. ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۰؛ عقد الدرر، ص ۱۵۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۰۱.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳.

۴. نعمانی، غیبة، ص ۲۳۳ و ۲۳۴، باکمی تفاوت؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

لباس را می پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی گرفت. بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن دوران است. هنگامی که قائم ما قیام کند، نظیر لباس علی علیه السلام را می پوشد و از سیاست و خط مشی آن حضرت پیروی می کند.^۱

ج) لباس

در روایات از لباس مخصوصی برای حضرت قائم (عج) به هنگام ظهور یاد شده است؛ گاهی از پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن گفته شده و گاه از پیراهن یوسف علیه السلام به عنوان لباس حضرت به هنگام ظهور نام برده شده است.

یعقوب پسر شعیب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا نمی خواهی پیراهنی را که حضرت قائم به هنگام ظهور، بر تن دارد به تو نشان دهم؟» عرض کردم: البته مایلم آن را ببینم. حضرت، صندوقچه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی بیرون آورد و آن را باز کرد و در گوشه آستین چپ آن لکه خونی بود.

امام علیه السلام فرمود: «این پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله است و در روزی که چهار دندان پیشین حضرت را (در جنگ احد) شکستند، آن را بر تن داشت و حضرت قائم (عج) در حالی که این پیراهن را بر تن دارد، قیام می کند. من آن خون را بوسیدم و بر دیده خود نهادم. آن گاه حضرت لباس را پیچیده و برداشت.»^۲

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «می دانی پیراهن یوسف چه بود؟» گفتم: خیر، فرمود: «چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشاند تا گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون وفات او فرارسید، آن را در جلد دعایی نهاد و به بازوی فرزندش اسحاق آویخت. او نیز آن را به یعقوب داد. آن گاه که یوسف متولد شد، یعقوب آن را در بازوی یوسف قرار داد. بر یوسف نیز حوادثی گذشت تا این که عزیز مصر شد. چون یوسف آن را در آن جاز جلد بیرون آورد، یعقوب علیه السلام بوی آن را شنید و این سخن خداوند در قرآن است که در حکایت یوسف از قول یعقوب می فرماید: «و من بوی یوسف را استشمام می کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید»^۳ و آن

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹، و ج ۴۷، ص ۵۵.

۲. نعمانی، غیبه، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲؛ حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۵۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۳. یوسف (۱۲) آیه ۹۴.

همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است».

عرض کردم: قربانت کردم؛ آن پیراهن به دست چه کسی رسیده است؟ فرمود: «به دست اهل آن است؛ پیراهن همراه قائم ماست؛ آن‌گاه که ظهور کند». سپس فرمود: «هر پیامبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث برده است، همه آنها به محمد ﷺ رسیده است».^۱

د) اسلحه

رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می‌کند و زمانی که مأموریت ظهورش فرا می‌رسد، شمشیری همراه دارد که به وی ندا می‌دهد: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خود را بکش».^۲

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به هنگام ظهور، پیراهن پیامبر ﷺ را که در جنگ احد پوشیده بود و عمامه و زره آن حضرت را که بر قامت او آراسته است، می‌پوشد و ذوالفقار (شمشیر) پیامبر ﷺ را در دست می‌گیرد و شمشیر می‌کشد و در مدت هشت ماه از کشته بی‌دینان، پشته‌ها می‌سازد».^۳

جابر جعفی می‌گوید، امام باقر ﷺ فرمود: «امام مهدی (عج) از مکه بین رکن و مقام به همراه وزیر و سی صد و اندی (سیزده) نفر از یارانش ظهور می‌کند؛ در حالی که عهد و دستور العمل پیامبر ﷺ و پرچم و اسلحه آن حضرت با اوست. آن‌گاه نداکننده‌ای از آسمان مکه به نام و ولایت حضرتش ندا می‌دهد؛ به طوری که تمامی اهل زمین آن نام را می‌شنوند و اسم حضرت، اسم پیامبر ﷺ است».^۴

ه) چهره‌شناسی امام

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) این است که شخصیت درونی انسان‌ها را از چهره‌شان می‌شناسد و افراد صالح را از ناصالح تشخیص می‌دهد و مفسدان را با همان شناخت به سزای اعمالشان می‌رساند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۷.
۲. کفایة الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۹؛ عوالم، ج ۱۵، بخش ۳، ص ۲۶۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۳.
۳. نعمانی، غیبة، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ ر.ک: ارشاد، ص ۲۷۵.
۴. الاصول الستة عشر، ص ۷۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم، قیام می کند، احدی نمی ماند، مگر آن که حضرت او را می شناسد: که فردی صالح و نیک است یا منحرف و فاسد».^۱

نیز می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دشمنان ما را از چهره های شان می شناسد. آن گاه آنان را از پیشانی (سر) و پاهای شان می گیرد (و دستگیر می کند) و خود با یارانش، آنان را با شمشیر به قتل می رسانند».^۲

هم چنین می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، دوستانش را به کمک قدرت تشخیصی که دارد، از دشمنانش می شناسد».

معاویه دهنی می گوید: امام صادق علیه السلام در رابطه با آیه مجرمین از چهره های شان شناخته می شوند، آن گاه از سر و قدم های شان گرفته می شوند،^۳ فرمود: «ای معاویه! دیگران درباره آن چه می گویند؟» عرض کردم: می پندارند که خداوند، روز قیامت، گناهکاران را از قیافه شان می شناسد و از موهای جلوی سر و پاهای شان می گیرند و آنان را در آتش می اندازد. امام فرمود: «خداوند چه نیازی دارد که مجرمان را از چهره شان بشناسد و حال آن که آنان را آفریده است». عرض کردم: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند به او علم سیماشناسی عطا می کند و حضرت دستور می دهد، کافران را از سر و پا گرفته و با شمشیر ضربات سختی بر آنان بزنند».^۴

(و) کرامات

در آخر الزمان هر چند مردم برای روی کار آمدن دولتی قدرتمند و در عین حال پشتیبان ستمدیدگان، لحظه شماری می کنند، ولی به بسیاری از دولت هایی که روی کار می آیند، خوش بین نیستند و سخن هر حزب و گروهی را نمی پذیرند و اصولاً کسی را قادر

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ خرائج، ج ۲، ص ۹۳۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و ج ۵۲، ص ۳۸۹.

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷؛ ر.ک: نعمانی، غیبه، ص ۲۴۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶؛ ارشاد، ج ۵، ص ۳۶؛ اعلام الوری، ص ۴۳۳؛ کشف الغم، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ﴾ (آن روز) بدکاران به سیمای شان شناخته می شوند. پس سوی پیشانی آنان یا پاهای شان بگیرند ﴿الرَّحْمَنُ (۵۵) آیه ۴۱.

۴. اختصاص، ص ۳۰۴؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۲۸؛ بصائر الدرجات، ص ۳۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۴۳۱؛ المحجة، ص ۲۱۷؛ ينابيع المودة، ص ۴۲۹.

نمی‌دانند که بتواند نظم را به جامعه جهانی بازگرداند و دنیای پر آشوب را سامان بخشد. از این رو، مدعی بازگشت نظم به جامعه و گسترش امنیت در جهان، باید دارای توانی فوق‌توان دیگر انسان‌ها باشد و اثبات این مطلب نیاز به نشان دادن کرامات و کارهای خارق‌العاده دارد و شاید برای این است که حضرت مهدی (عج) در آغاز ظهور، دست به یک سلسله کرامات و معجزات می‌زند؛ به پرنده در حال پرواز اشاره می‌کند و او فوراً فرود می‌آید و در دست حضرت قرار می‌گیرد. چوب خشک را در زمین بایر فرو می‌برد و آن چوب بی‌درنگ سبز می‌شود و شاخ و برگ می‌دهد.

با این کارها به مردم ثابت می‌شود که سروکار آنان با شخصیتی است که آسمان و زمین به امر خداوند در اختیار و تحت فرمان اوست. این کرامات نویدی برای مردمی است که سال‌ها و بلکه قرن‌ها خود را زیر فشار و قهر آسمان و زمین می‌دیدند. مردمی که از بالای سر، مورد تهاجم هواپیماها و موشک‌ها قرار گرفته، میلیون‌ها قربانی داده‌اند و قدرتی را نمی‌یافتند که مانع آن همه تجاوزات گردد؛ ولی اینک خود را در برابر شخصیتی می‌بینند که آسمان و زمین و آن چه در آنهاست در اختیار اویند.

مردمی که تا دیروز، چنان در قحطی به سر می‌بردند که حتی برای تهیه نیازهای اولیه زندگی، رنج‌ها و مشکلاتی را متحمل می‌شدند و در اثر خشکسالی و کمبود زراعت، در محاصره اقتصادی شدیدی قرار گرفته بودند، امروز در برابر شخصیتی قرار گرفته‌اند که با اشاره‌ای زمین را سبز و خرم می‌کند و آب و باران را جاری می‌سازد.

مردمی که دچار بیماری‌های بی‌درمان شده‌اند، با کسی رو به رو می‌شوند که حتی بیماری‌های غیر قابل درمان را نیز علاج می‌کند و مردگان را زنده می‌بخشد. این‌ها معجزات و کراماتی هستند که حکایت از توانایی، صداقت و حق بودن گفته‌های این رهبر آسمانی دارد. کوتاه سخن آن که جهانیان باور می‌کنند که این نوید دهنده با هیچ یک از مدعیان پیشین شباهتی ندارد و او همان رهایی بخش واقعی و ذخیره الهی و مهدی موعود است.

کرامات مهدی (عج) گاهی برای رزمندگانش روی می‌دهد که بر ایمانشان می‌افزاید و اعتقادشان را استوارتر می‌گرداند و گاه برای دشمنان و یا تردید کنندگان است که سبب ایمان و اعتقاد آنان به حضرت می‌شود.

اینک به بخشی از آن معجزات و کرامات اشاره می‌کنیم:

۱. سخن گفتن پرنده

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوزاده هزار نفر رزمنده را به همراه دارد، برخورد می‌کند؛ حسنی در مقام احتجاج بر می‌آید و خود را سزاوارتر به رهبری می‌داند. حضرت در پاسخ او می‌گوید: «من مهدی هستم». حسنی می‌پرسد: آیا دلیل و نشانه‌ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به پرنده‌ای که در آسمان در حال پرواز است، اشاره می‌کند و آن پرنده فرود می‌آید و در دستان حضرت قرار می‌گیرد. آن‌گاه به قدرت خداوند لب به سخن می‌گشاید و بر امامت حضرت مهدی (عج) گواهی می‌دهد.

برای اطمینان بیشتر سید حسنی، امام علیه السلام چوب خشکی را به زمین فرو می‌برد؛ آن چوب سبز می‌شود و شاخ و برگ می‌دهد. بار دیگر، پاره سنگی را از زمین بر می‌دارد و با یک فشار آن را خرد کرده، همانند خمیر نرم می‌کند.

سید حسنی با دیدن آن کرامات به حضرت ایمان می‌آورد. خود و همه نیروهایش تسلیم امام علیه السلام می‌شوند و حضرت او را به عنوان فرمانده نیروی خط مقدم می‌گمارد.^۱

۲. جوشش آب و آذوقه از زمین

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که امام علیه السلام در شهر مکه ظهور می‌کند و قصد حرکت به کوفه را دارد، به نیروهایش اعلام می‌کند که کسی آب و غذا و توشه راه با خود برندارد. حضرت علیه السلام سنگ موسی علیه السلام را که به وسیله آن دوازده چشمه آب زلال از زمین جوشاند، همراه دارد. در مسیر راه هر جا توقف می‌کنند، آن سنگ را نصب می‌کند و از زمین چشمه‌های آب می‌جوشد. هر کس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می‌گردد و هر کس تشنه باشد، سیراب می‌شود.

تهیه آذوقه و آب بین راه سپاهیان به همین ترتیب است تا هنگامی که به شهر نجف برسند؛ در آن جا با نصب آن سنگ، برای همیشه از زمین آب و شیر می‌جوشد که گرسنه و

۱. عقد الدرر، ص ۹۷، ۱۳۸، ۱۳۹؛ القول المختصر، ص ۱۹؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۵۸.

تشنه‌ای را سیر می‌کند»^۱.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه او خواهد بود. پس به امر حضرت در بین سپاهیان اعلام می‌شود که کسی زاد و توشه برای خود و علوفه برای چهارپایان بر ندارد. برخی از همراهان می‌گویند: او می‌خواهد ما را به هلاکت بیندازد و مرکب‌های مان را از گرسنگی و تشنگی نابود کند. اصحاب با حضرت حرکت می‌کنند. به اولین جایی که می‌رسند، حضرت سنگ را بر زمین می‌کوبد و آب و غذا برای نیروها و علوفه برای حیوانات بیرون می‌آید و از آن استفاده می‌کنند تا به شهر نجف می‌رسند»^۲.

۳. طی الارض و نداشتن سایه

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند، زمین از نور خداوند روشن می‌شود و زمین زیرپای مهدی به سرعت حرکت می‌کند (و او با سرعت، مسیرها را می‌پیماید) و اوست که سایه نخواهد داشت»^۳.

۴. وسیله انتقال

امام باقر علیه السلام به شخصی به نام سوره فرمود: «ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت و رام را برگزیند. او ابر رام برگزید و ابر سخت برای حضرت صاحب علیه السلام ذخیره شد».

سوره پرسید: ابر سخت چیست؟ حضرت فرمود: «ابرهایی که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. هرگاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می‌شود و با آن به سوی آسمان بالا می‌رود و آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۳۸؛ خرائج، ج ۲، ص ۶۹۰؛ نورالثقلین، ج ۱،

ص ۸۴؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵ و ج ۵۲، ص ۳۲۴.

۲. کمال الدین، ص ۶۷۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. کمال الدین، ص ۳۷۲؛ کفایة الاثر، ص ۳۲۳؛ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطين، ج ۲،

ص ۳۳۶؛ منابع الموده، ص ۴۸۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷؛ رک: کفایة الاثر، ص ۳۲۴؛

احتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹؛ اعلام الوری، ص ۴۰۹؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳.

را می‌پیماید؛ همان زمین‌هایی که پنج عدد آن مسکونی و دو تای دیگر ویران است».^۱
 امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند، ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام
 مخیر کرد. او ابر رام را برگزید و آن ابری است که در آن رعد و برق وجود نداشت و اگر
 ابر سخت را برمی‌گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت؛ زیرا خداوند، ابر سخت را برای
 حضرت قائم (عج) ذخیره کرده است».^۲

۵. کندی حرکت زمان

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «چون امام زمان علیه السلام ظهور کند، به سوی کوفه حرکت می‌نماید.
 در آن جا هفت سال حکومت می‌کند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماسست. پس از
 آن، خداوند هر چه اراده کند، انجام می‌دهد». گفته شد چگونه سال‌ها طولانی می‌شود؟
 امام فرمود: «خداوند به منظومه (و فرشته اداره کننده آن) دستور می‌دهد که از سرعت
 خود بکاهد. از این رو، روزها و سال‌ها طولانی می‌شود».
 گفته شد: می‌گویند اگر کم‌ترین تغییری در حرکت آنها پدید آید، آنها به هم می‌ریزند و
 فاسد می‌شوند. امام فرمود: «این سخن افراد مادی‌گرا و کافر به خداست؛ ولی مسلمانان
 (که عقیده به خداوند گرداننده آنها دارند) چنین سخنی را نمی‌توانند بگویند».^۳

۶. قدرت تکبیر

کعب دربارۀ گشودن شهر قسطنطنیه به دست مهدی (عج) می‌گوید: حضرت، پرچم را
 به زمین فرو می‌برد و به سوی آب می‌رود تا برای نماز صبح وضو بگیرد؛ آب از حضرت
 دور می‌شود. امام علیه السلام پرچم را بر می‌دارد و به دنبال آب حرکت می‌کند تا آن‌که از آن ناحیه
 می‌گذرد. آن‌گاه پرچم را در زمین فرو می‌برد و سپاهیان را فرا می‌خواند و می‌فرماید:
 «ای مردم! خداوند دریا را برای شما شکافت؛ هم‌چنان‌که آن را برای بنی اسرائیل
 شکافت». پس سپاهیان از دریا می‌گذرند و رو به روی شهر قسطنطنیه قرار می‌گیرند.
 سپاهیان ندای تکبیر سر می‌دهند و دیوارهای شهر به لرزه درمی‌آید.

۱. مفید، اختصاص، ص ۱۹۹؛ بصائر الدرجات، ص ۴۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

۲. اختصاص، ص ۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲؛ غایة المرام، ص ۷۷.

۳. مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۴۰۰.

بار دیگر تکبیر می‌گویند و دوباره دیوارها می‌لرزد. بار سوم که صدا به تکبیر بلند می‌کنند، دیوارهایی که میان دوازده بُرج مراقبت هستند، فرو می‌ریزند.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) جلوی قسطنطنیه فرود می‌آید. در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد. حضرت هفت تکبیر می‌گوید و دیوارها فرو می‌ریزد و با کشتن تعداد بسیاری از رومیان، آن‌جا به تصرف حضرت مهدی (عج) در می‌آید و گروهی نیز به اسلام رو می‌آورند.»^۲

امیر مؤمنان علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «... سپس حضرت مهدی و یارانش به حرکت خود ادامه می‌دهند و بر هیچ دژی از دژهای رومیان نمی‌گذرند، مگر آن‌که با گفتن «لا إله إلا الله» دیوارهای آن فرو می‌ریزد تا آن‌که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود می‌آیند. در آن‌جا چند تکبیر می‌گویند و ناگهان خلیجی که در مجاورت آن شهر است، خشک می‌شود و آب‌هایش در زمین فرو می‌رود و دیوارهای شهر نیز فرو می‌ریزد. از آن‌جا به سوی شهر رومیه حرکت می‌کنند و چون به آن‌جا می‌رسند، مسلمانان سه تکبیر می‌گویند و شهر چون رمل و شن نرم - که در برابر تند بادهای قرار گرفته باشد - از هم می‌پاشد.»^۳

نیز آن حضرت می‌فرماید: «... مهدی (عج) به پیش روی خود ادامه می‌دهد تا این‌که به یکی از شهرهای مشرف به دریا می‌رسد. لشکریان حضرت تکبیر سر می‌دهند و در پی آن دیوارهای شهر از هم گسیخته شده، فرو می‌ریزند.»^۴

۷. عبور از آب

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پدرم فرمود: هنگامی که حضرت قائم قیام کند ... سپاهیان را به شهر قسطنطنیه می‌فرستد. آن‌گاه که به خلیج برسند، جمله‌ای بر روی پاهای خود می‌نویسند و از روی آب می‌گذرند. رومیان چون این معجزه و عظمت را می‌بینند، به یک دیگر می‌گویند: وقتی سپاهیان امام زمان این‌چنین باشند، خود حضرت چگونه خواهد بود! از این رو، درها را بر روی آنان می‌گشایند و سپاهیان حضرت وارد شهر شده،

۱. عقد الدرر، ص ۱۳۸.

۲. العلل المتناهیة، ج ۲، ص ۸۵۵؛ عقد الدرر، ص ۱۸۰.

۳. عقد الدرر، ص ۱۳۹.

۴. الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۶۱.

در آن جا فرمانروایی می کنند»^۱.

۸. شفای بیماران

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی (عج) پرچم‌ها را به اهتزاز در می آورد و معجزات خود را آشکار می کند و به اذن خداوند چیزهایی را از نیستی به وجود می آورد. بیماران دچار پستی و خوره را شفا می دهد و مردگان را زنده، و زندگان را می میراند»^۲.

۹. عصای موسی در دست

امام باقر علیه السلام می فرماید: «عصای موسی متعلق به آدم بوده است که به شعیب (پیامبر) رسیده و پس از او به موسی بن عمران داده شده است. آن عصا نزد ماست و به تازگی که من آن را دیدم، هنوز سبز بود؛ مانند روزی که از درخت جدایش کردند. چون از آن عصا سؤال شود، سخن می گوید و آن برای قائم ما آماده است و آن چه موسی با آن کرد، حضرت قائم نیز با آن انجام می دهد و هر چه بدان عصا دستور داده شود، انجام می دهد و هر جا افکنده شود، جادوها را می بلعد»^۳.

۱۰. ندای ابر

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان ظهور می کند. بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هر جا برود، آن ابر نیز می رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدایی رسا و آشکار، ندا می دهد، این مهدی است»^۴.
سرانجام طبق فرموده امام صادق علیه السلام: «هیچ معجزه‌ای از معجزات پیامبران و اوصیا نمی ماند، مگر آن که خداوند عزوجل آن را به دست قائم ما انجام می دهد تا حجت بر دشمنان تمام گردد»^۵.

۱. نعمانی، غیبة، ص ۱۵۹؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲. الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ۳۵۱؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۲.

۴. تاریخ موالید الاثمه، ص ۲۰۰؛ کشف الغممة، ج ۳، ص ۲۶۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱،

ص ۲۴۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۱۵؛ نوری، کشف الاستار، ص ۶۹.

۵. خاتون آبادی، اربعین، ص ۶۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰۰.

سپاهیان لاهم (عج)

نیروهای حضرت مهدی (عج) از ملیت‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند و به هنگام قیام، با شیوه خاصی فراخوانی می‌شوند. افرادی که از پیش برای فرماندهی تعیین شده‌اند، هدایت لشکریان و عملیات جنگی را به عهده می‌گیرند. سپاهیان که با شرایط خاصی در ارتش مهدی (عج) پذیرفته می‌شوند، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود هستند. تعدادی در کادر اولیه حضور دارند و گروهی به ارتش حضرت می‌پیوندند و از گروهی به عنوان گارد حفاظت نام برده شده است.

در این فصل روایات مربوط به این موضوع را ملاحظه می‌فرمایید:

الف) فرماندهان سپاه

در روایات، نام افرادی را می‌بینیم که یا عملیات نظامی خاصی و یا فرماندهی تعدادی از لشکریان به آنان نسبت داده شده است. در این قسمت به نام‌ها و عملکرد برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت عیسی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرماید: «... آن‌گاه مهدی (عج)، حضرت عیسی را به جانشینی خود، در عملیات تهاجمی علیه دجال برمی‌گزیند. عیسی علیه السلام برای یافتن و سرکوبی دجال حرکت می‌کند. دجال که همه جهان را در سلطه خود دارد و کشاورزی و نسل بشری را نابود کرده است، مردم را به خویش می‌خواند و هر کس او را بپذیرد، مورد

لطف قرار می‌گیرد و اگر خودداری ورزد، او را می‌کشد. سراسر جهان، جز مکه، مدینه و بیت المقدس را درهم نوردیده است و همه فرزندان نامشروع از شرق و غرب جهان پیرامونش گرد آمده‌اند.

دجال به سوی حجاز حرکت می‌کند و عیسی علیه السلام در گردنه «هرشا» به او می‌رسد و فریادی هولناک بر او می‌کشد و ضربه‌ای سخت بر او فرود می‌آورد و او را در شعله‌های آتش ذوب می‌کند؛ آن سان که سرب در آتش ذوب می‌شود.^۱

فرود آوردن ضربه‌ای که ذوب شدن دجال را در پی دارد، شاید در اثر به کارگیری مدرن‌ترین سلاح‌های آن روز باشد و ممکن است حکایت از اعجاز حضرت عیسی کند. در ویژگی حضرت عیسی علیه السلام آمده است: او چنان اُبّه‌تی دارد که چون دشمن او را می‌بیند، به یاد مرگ می‌افتد؛ چنان‌که گویی عیسی قصد جانش را کرده است.^۲

۲. شعیب بن صالح رضی الله عنه

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «سفیانی و صاحبان پرچم‌های سیاه با یک‌دیگر رو در رو می‌شوند، در حالی که میان آنان جوانی از بنی‌هاشم است که در کف دست چپ او خال سیاهی است و در پیشاپیش لشکریان او شخصی از قبیله بنی تمیم به نام شعیب بن صالح است».^۳

حسن بصری می‌گوید: در سرزمین ری، شخصی به نام شعیب بن صالح که چهارشانه، سبزینه و بدون ریش است، خروج می‌کند. لشکری چهارهزار نفری تحت امر دارد که لباس‌های شان سفید و پرچم‌های شان سیاه است و آنان پیشقراول سپاهیان مهدی اند.^۴

عمار یاسر می‌فرماید: شعیب بن صالح، پرچمدار حضرت مهدی است.^۵

شبلنجی می‌گوید: فرمانده لشکریان پیشرو حضرت مهدی (عج)، مردی از قبیله بنی تمیم است که محاسن کمی دارد و او را شعیب بن صالح می‌نامند.^۶

۱. الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. ابن حمّاد، فتن، ص ۱۶۱.

۳. ابن حمّاد، فتن، ص ۸۶؛ عقد الدرر، ص ۱۲۷؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸.

۴. ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۳؛ عقد الدرر، ص ۱۳۰؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۰.

۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۳؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.

۶. نور الابصار، ص ۱۳۸؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.

محمد بن حنفیه می گوید: از خراسان سپاهی حرکت می کند که کمربندهای سیاه و پیراهن سفید پوشیده اند؛ جزو پیشقراولان سپاه، فرماندهای به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است که از قبیله تمیم است. آنان سپاهیان سفیانی را شکست داده، گریزان می کنند و در بیت المقدس فرود می آیند و زمینه حکومت حضرت مهدی را پایه ریزی می کنند.^۱

۳. اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و عبدالله بن شریک

ابو خدیجه می گوید: امام صادق علیه السلام می فرمود: «من از خدا خواستم که (فرزندم) اسماعیل را پس از من بر جای گذارد؛ ولی خداوند نخواست و درباره او مقام دیگری به من بخشید؛ وی نخستین کسی است که با ده نفر از یارانش ظهور می کند و عبدالله بن شریک یکی از آن ده نفر است که پرچم دار اوست».^۲

امام باقر علیه السلام می فرمود: «گویا عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه مشکی بر سر نهاده، دو طرف عمامه اش بین شانه هایش افتاده، با سپاهی چهار هزار نفری پیش روی قائم ما از دامنه کوه بالا می روند و همواره تکبیر می گویند».^۳

۴. عقیل و حارث

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی (عج) لشکر را حرکت می دهد تا آن که وارد عراق می شود؛ در حالی که سپاهیان، پیشاپیش و پشت سر او حرکت می کنند و فرمانده نیروهای پیشرو، مردی به نام عقیل است و فرماندهی سپاهیان پشت سر را مردی به نام حارث عهده دار است».^۴

۵. جبیر بن خابور

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرموده است: «این شخص - جبیر - در جبل الاهواز

۱. ابن حماد، فتن، ص ۸۴؛ ابن المنادی، ص ۴۷؛ دارمی، سنن، ص ۹۸؛ عقد الدرر، ص ۱۲۶؛ ابن طاووس، فتن، ص ۴۹.

۲. الايقاظ من ההجعه، ص ۲۶۶؛ ر.ک: کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۷؛ ابن داود، رجال، ص ۲۰۶.

۳. الايقاظ من ההجعه، ص ۲۶۶؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۱.

۴. الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.

به همراه چهار هزار نفر - در حالی که سلاح‌ها را از نیام کشیده‌اند - منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهور کند. آن‌گاه این شخص همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید.^۱

۶. مفضل بن عمر

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «تو با چهل و چهار نفر دیگر با حضرت قائم (عج) خواهید بود. تو در سمت راست حضرت علیه السلام امر و نهی می‌کنی و مردم در آن زمان بهتر از امروز از تو اطاعت می‌کنند.»^۲

۷. اصحاب کهف

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «اصحاب کهف برای یاری مهدی (عج) خواهند آمد.»^۳

(ب) ملیت سپاهیان

نیروهای حضرت مهدی (عج) از ملیت‌های گوناگونی تشکیل می‌شوند. در روایات،

۱- خرافج، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۶؛ مستدرکات علم رجال الحدیث ۲: ۱۱۸.

در باره جبیر بن خابور با وجود پژوهش فراوان در کتاب‌های شیعه و سنی جز مطلب زیر، مطلب دیگری یافت نشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «جبیر بن خابور، گنجینه دار معاویه بود. او مادر پیری داشت که در شهر کوفه زندگی می‌کرد. روزی جبیر به معاویه گفت: دلم برای مادرم تنگ شده است؛ اجازه بده تا از او دیدار کنم تا کمی از حقوقی که برگردن من دارد، ادا کنم.

معاویه گفت: در شهر کوفه چه کار داری؟ در آن‌جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است و اطمینان ندارم که تو را نفریند. جبیر گفت: من با علی کاری ندارم. من می‌خواهم به دیدار مادرم بروم و حق او را به‌جا آورم. جبیر پس از کسب اجازه عازم سفر شد. آن‌گاه که به شهر کوفه رسید چون امیرالمؤمنین علیه السلام پس از جنگ صفین پیرامون شهر کوفه دیده‌بان گماشته بود و رفت و آمدها را کنترل می‌کردند دیده بانان او را دستگیر کردند و به شهر آوردند. علی علیه السلام به او فرمود: «تو یکی از گنجینه‌های خداوندی. معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم.» جبیر گفت: سوگند به خدا که چنین گفته است.

حضرت فرمود: «تو مالی همراه داشته‌ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده‌ای.» جبیر این مطلب را نیز تصدیق کرد. سپس امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام دستور داد تا از وی پذیرایی کند. روز بعد علی علیه السلام به یاران خود فرمود: «این شخص در جبل‌الاهواز...» (ادامه مطلب در متن کتاب است).

۲. دلائل الامامة، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

۳. حصینی، الهدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۰۱.

افراد دیگری هم چون: داود رقی و نجم بن اعین، حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز هستند که در روایات، به زنده شدن دوباره آنان و حضورشان در زمان امام قائم (عج) اشاره شده است که مادر بخش آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

سخنان گوناگونی در این باره وجود دارد. گاه از عجم‌ها به عنوان سپاهیان حضرت نام می‌برند که غیر عرب را در بر می‌گیرد. برخی روایات نام شهرها و کشورهای را ذکر می‌کنند که سپاهیان از آن‌جا به یاری حضرت می‌شتابند و گاهی سخن از قوم خاصی مانند توبه‌کنندگان بنی اسرائیل، مؤمنان مسیحی و انسان‌های وارسته رجعت یافته است که به یاری حضرت می‌آیند.

در این فصل برخی روایات را در این زمینه یادآور می‌شویم:

۱. ایرانیان

از روایات فهمیده می‌شود که تعداد قابل توجهی از سپاهیان مخصوص و ارتش مهدی (عج) از ایرانیان هستند و از آنان با تعبیرهای، اهل ری، اهل خراسان، گنج‌های طالقان، قمی‌ها، اهل فارس و ... یاد شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه - که از خراسان قیام کرده‌اند - در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که حضرت مهدی (عج) در شهر مکه ظهور می‌کند، با آن حضرت بیعت می‌کنند».^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «یاران حضرت قائم (عج) سی صد و سیزده نفرند و از فرزندان عجم (غیر عرب) می‌باشند».^۲

عبدالله بن عمر می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند قدرت شما (مسلمانان) را از عجم‌ها قرار می‌دهد؛ آنان شیرانی هستند که هرگز از رزمگاه نمی‌گریزند. شما (عرب‌ها) را می‌کشند و دارائی‌های تان را می‌برند».^۳

حدیثی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی به همین مضمون نقل می‌کند.^۴ البته در دلالت این روایت جای اندیشه و اشکال است. بر پایه روایات، روزی فرا می‌رسد که ایرانیان برای گسترش اسلام و بازگرداندن عرب‌ها به اسلام، بر آنان شمشیر می‌کشند و مخالفان را گردن می‌زنند. وضعیت عرب‌ها در آن روزگار بسیار ناخوشایند است و روزهای سخت

۱. ابن حماد، فتن، ص ۸۵؛ عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹.

۲. نعمانی، غیبة، ص ۳۱۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

۳. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۳۶۶.

۴. عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۳۸۵؛ المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۶۸؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۴؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۴۵.

و ناگواری را در پیش دارند.

هر چند عجم به غیر عرب گفته می شود، ولی به طور قطع ایرانیان را نیز در بر می گیرد. بر اساس روایاتی دیگر، در زمینه سازی عملیاتی که پیش از ظهور و به هنگام قیام حضرت مهدی صورت می گیرد، ایرانیان نقش اساسی دارند و تعداد فراوانی از جنگ آوران را تشکیل می دهند.

در خطبه ای که علی علیه السلام درباره یاران مهدی (عج) و ملیت آنها، ایراد کرده است، نام برخی از شهرهای ایران ذکر شده است.

اصبغ بن نباته می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای ایراد کرد و در ضمن آن، حضرت مهدی (عج) و یارانش را - که همراه حضرت قیام می کنند - بر شمرده و فرمود: «از اهواز یک نفر؛ از شوشتر یک نفر؛ از شیراز سه نفر به نام های حفص، یعقوب و علی؛ از اصفهان چهار نفر به نام های موسی، علی، عبدالله و غلفان؛ از بروجرد یک نفر به نام قدیم؛ از نهاوند یک نفر به نام عبدالرزاق؛ از همدان^۱ سه نفر به نام های جعفر، اسحاق و موسی؛ از قم ده نفر که هم نام اهل بیت رسول خدا هستند (و در حدیثی دیگر هیجده نفر ذکر شده است)؛ از شیروان یک نفر؛ از خراسان یک نفر به نام درید و نیز پنج نفر که هم نام اصحاب کهف هستند؛ از آمل یک نفر؛ از جرجان یک نفر؛ از دامغان یک نفر؛ از سرخس یک نفر؛ از ساوه یک نفر؛ از طالقان بیست و چهار نفر؛ از قزوین دو نفر؛ از فارس یک نفر؛ از ابهر یک نفر؛ از اردبیل یک نفر؛ از مراغه سه نفر؛ از خوی یک نفر؛ از سلماس یک نفر؛ از آبادان سه نفر؛ از کازرون یک نفر».

پس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سی صد و سیزده نفر از یاران مهدی (عج) به تعداد یاران بدر را برای من بر شمرده و فرمود: خداوند آنان را، در کم تر از یک چشم به هم زدن از مشرق و مغرب زمین، در کنار کعبه گرد می آورد».^۲

چنان که مشاهده می کنید از سی صد و سیزده نفر سپاه مخصوص حضرت مهدی (عج) - که در آغاز قیام همراه آن حضرت هستند - هفتاد و دو نفر از شهرهای کنونی ایران می باشند و اگر طبق نقلی که دلائل الامامه^۳ طبری آمده است، محاسبه شود، یا نام

۱. احتمال دارد که منظور قبیله همدان از قبایل عرب باشد.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۶.

۳. دلائل الامامه، ج ۳۱۶.

شهرهایی که در آن روزگار از ایران بوده است، آورده شود، تعداد ایرانیان از این نیز بیش تر می شود.

در این روایت گاهی نام شهری دوبار آمده است یا این که نام چند شهر از یک کشور آمده است و آن گاه نام همان کشور نیز ذکر شده است.

در صورتی که روایت به طور صحیح نقل شده باشد، شاید نمایانگر تقسیمات و نام گذاری آن روزگار است و تقسیمات جغرافیایی این عصر نمی تواند ملاک تفسیر و فهم این روایت قرار گیرد؛ زیرا نام شهرها تغییر یافته، گاهی نام یکی از شهرها، در روزگار کنونی بر کشوری گفته می شود.

نکته دیگر این که با تطبیق دادن نام شهرها بر نقشه جغرافیایی کنونی جهان، شاید بتوان نتیجه گرفت که یاوران حضرت در سراسر جهان پراکنده هستند و ممکن است واژه افرنجه - که در روایت آمده است - اشاره به مغرب زمین باشد. اگر این تطبیق و سخن صحیح باشد، روایت با جمله «لو خلیت قلبت» مصداق و معنا پیدا می کند؛ زیرا زمین در هیچ دورانی از افراد نیک تهی نمی گردد و گرنه سرنگون و نابود می گردد.

در روایاتی دیگر از شهرهای به خصوصی نیز نام برده شده است که در این جا به ذکر چند روایت درباره شهرهای قم، خراسان و طالقان بسنده می کنیم:

قم

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خاک قم، مقدس است ... مگر نه این که آنان یاران قائم ما هستند و دعوت کننده به حق ما می باشند؟»^۱

عفان بصیری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی چرا شهر قم را به نام قم نامیدند؟» عرض کردم: خدا و رسولش و شما بهتر می دانید. فرمود: «زیرا مردم قم پیرامون قائم گرد می آیند و با او می مانند و پایداری می کنند و به او یاری می رسانند»^۲.

خراسان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «... در خراسان گنج هایی است که از جنس

۱. عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام: «تربة قم مقدسة ... أما وأنهم أنصار قائمنا و دعاة حقنا...»؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

طلا و نقره نیست؛ بلکه مردانی هستند که عقیده به خدا و رسولش، آنان را در کنار هم دیگر گرد خواهد آورد.^۱ شاید مقصود این است که آنان در اعتقاد راستین به خدا و رسولش مشترکند. یا این که همه را خداوند در یک روز در مکه گرد خواهد آورد.

طالقان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خوشا به حال طالقان! زیرا خداوند در آن جا گنج هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیستند؛ بلکه مردانی مؤمن هستند که خداوند را به حق شناخته اند و آنان یاوران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان می باشند».^۲

۲. عرب ها

روایات مربوط به شرکت عرب ها در قیام حضرت مهدی (عج) بر دو دسته اند: برخی بر عدم شرکت آنان در انقلاب مهدی (عج) دلالت دارد و تعدادی از روایات، برخی از شهرهای کشورهای عربی را نام می برد که از آن جا افرادی به پشتیبانی از حضرت قیام می کنند.

روایاتی که دلالت بر عدم شرکت عرب ها دارد، در صورت صحیح بودن سند، قابل توجیه است؛ زیرا ممکن است در سپاهیان مخصوصی - که در آغاز قیام همراه حضرت خواهند بود - عرب ها شرکت نداشته باشند؛ چنانچه شیخ حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداة روایات را این گونه شرح داده است و درباره شهرهای عربی نیز که در روایات نام برده شده است، شاید از آن جا سپاهیان غیر عربی - که در آن جا سکونت دارند - به یاری حضرت بشتابند؛ نه کسانی که اصالت عربی دارند و یا مراد حکومت ها و دولت های عربی است. به این دسته روایات توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از عرب ها بپرهیزید؛ زیرا آینده بد و خطرناکی در پیش دارند؛ مگر نه این است که کسی از آنان همراه حضرت مهدی قیام نمی کند».^۳

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۷؛ روضة الواعظین، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱؛ شافعی، بیان، ص ۱۰۶؛ ینابیع المودة، ص ۹۱.

۳. طوسی، غیبة، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

شیخ حرّ عاملی می گوید: شاید مراد از این سخن امام صادق علیه السلام آغاز قیام حضرت علیه السلام است یا کنایه از کمی شرکت آنان است

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بزرگان و انسان‌های شریفی از سرزمین شام (سوریه) به حضرت مهدی (عج) می پیوندند و نیز کسانی که از قبایل و سرزمین‌های گوناگون اطراف شام هستند؛ آنان چنانند که گویی دل‌های‌شان پاره‌های آهن است. آنان پارسایان شب و شیراز روزند»^۱.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سی صد و سیزده نفر، به عدد یاران جنگ بدر، در میان رکن و مقام (در کعبه) با حضرت مهدی (عج) بیعت می کنند. در میان آنان بزرگانی از مردم مصر و نیکانی از شام و نیکانی از مردم عراق به چشم می خورند. حضرت فرمانروایی خواهد کرد، آن مقدار که خدا بخواهد»^۲.

نیز امام باقر علیه السلام درباره شهر کوفه می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند و به کوفه بیاید، خداوند از پشت کوفه (نجف) هفتاد هزار انسان صدیق و راستگو را برمی انگیزد. آنان از یاران و اصحاب حضرتش خواهند بود»^۳.

۳. پیروان ادیان گوناگون

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارتند از: بیست و هفت نفر از قوم موسی - آنان که به حق قضاوت می کنند -، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری^۴ و مالک اشتر»^۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «روح مؤمنان، آل محمد صلی الله علیه و آله را در کوه‌های رضوی می بینند و از غذای آنان می خورند و از نوشیدنی‌های آنان می آشامند؛ در مجالس آنان شرکت

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲. طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۴۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۸.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۴۳؛ ینایع الموده، ج ۲، ص ۴۳۵؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۴۵۶.

۴. نامش سماک بن خرشه انصاری است. مرحوم مامقانی درباره‌اش می فرماید: من او را حسن الحال می دانم...

(تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۸).

۵. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

می‌جویند و با ایشان هم سخن می‌شوند تا روزگاری که قائم ما اهل بیت قیام کند. در آن هنگام که خداوند آنان را بر می‌انگیزد؛ آنان گروه‌گروه، دعوت حضرت را می‌پذیرند و همراه حضرت می‌آیند. در آن روزگار صاحبان عقاید باطل به شک و تردید دچار می‌شوند و گروه‌ها و احزاب و مدعیان طرفداری و پیروی، از هم می‌پاشند و مقربان درگاه الهی (و مؤمنان) نجات می‌یابند.^۱

ابن جریج می‌گوید: شنیده‌ام هنگامی که دوازده قبیله از بنی اسرائیل پیامبران خود را کشتند و کافر شدند، یک قبیله از این رفتار پشیمان شد، و از کرده خویش بیزاری جستند و از خداوند درخواست جدایی میان آنان با دیگر قبایل کردند. خداوند کانالی در زیرزمین گشود که آنان به مدت یک سال و نیم در آن حرکت می‌کردند تا این که از پشت سرزمین چین سر در آوردند و هنوز در آن جا به سر می‌برند. آنان مسلمان هستند و به قبله ماروی می‌آورند.^۲

برخی می‌گویند: جبرئیل در شب معراج، پیامبر اکرم ﷺ را نزد آنان برد و حضرت ده سوره از سوره‌های مکی قرآن را برای آنان خواند. آنان ایمان آوردند و رسالت حضرتش را تصدیق کردند. پیامبر ﷺ به آنان دستور داد در همان جا اقامت داشته باشند و شنبه (که روز تعطیلی یهودیان است) کار را رها کنند و نماز را به پا دارند و زکات بدهند. آنان نیز پذیرفتند و این وظایف را انجام دادند.^۳ و فریضة دیگری واجب نشده بود.

ابن عباس می‌گوید: در تفسیر آیه مبارکه ﴿وَقَلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جُنَابِكُمْ لَافِيًا﴾^۴ و پس از آن به بنی اسرائیل فرمان دادیم که در آن سرزمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرارسد، همه شما را باز مبعوث گردانیم. گفته‌اند که مراد از وعده آخری، ظهور حضرت عیسی ﷺ است که بنی اسرائیل همراه آن حضرت قیام می‌کنند؛ ولی اصحاب ما روایت کرده‌اند که آنان به همراه حضرت قائم آل محمد ﷺ قیام می‌کنند.^۵

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۳۱؛ الایقاظ، ص ۲۹۰؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸.

۲ و ۳. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.

۴. الاسراء (بنی اسرائیل) (۱۷) آیه ۱۰۴.

۵. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.

در تفسیر آیه شریفه ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾؛ گروهی از قوم موسی به (دین) حق هدایت گردیده، به آن دین باز می‌گردند (مردم را هم به دین اسلام و قرآن دعوت می‌کنند) ﴿...﴾. مرحوم مجلسی می‌فرماید: در این که این امت چه کسانی هستند، اختلاف نظر است.

برخی چون ابن عباس می‌گویند: آنان قومی هستند که در آن سوی چین زندگی می‌کنند و میان سرزمین آنان و چین، بیابانی از شن روان فاصله شده است. آنان هرگز در حکم خدا، دگرگونی و تبدیل پدید نمی‌آورند.^۲

امام باقر علیه السلام در وصف آنان می‌فرماید: «آنان مالی را مخصوص به خود نمی‌دانند، بدون این که برادر ایمانی‌شان را در آن شریک بدانند. آنان نیز شب استراحت می‌کنند و روز بیدارند و به کشاورزی اشتغال دارند. ولی کسی از ما (مردم) به سرزمین آنان نمی‌رسد و فردی از آنان به سرزمین ما (مردم) نمی‌آید و آنان بر حق هستند».^۳

درباره آیه شریفه ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾؛ برخی از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم، از آنان عهد گرفتیم که پیرو (کتاب) و رسول خدا باشند. آنان از آن چه (در انجیل) پند داده شدند، نصیب بزرگی را از دست دادند (و با حق مخالفت کردند) ﴿...﴾. امام صادق علیه السلام فرمود: «نصارا این راه و رسم را متذکر خواهند شد و گروهی از آنان همراه حضرت قائم (عج) خواهند بود».^۵

۴. جابلقا و جابرسا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند در شرق زمین، شهری به نام جابلقا دارد که دارای دوازده هزار در از طلاست. فاصله هر دری از دیگری، یک فرسنگ است. بر روی هر یک از درها بُرجی وجود دارد که یک لشکر دوازده هزار نفری را در خود جای داده است. آنان تجهیزات، سلاح و شمشیر خود را آماده کرده‌اند و منتظر ظهور حضرت قائم می‌باشند. نیز خداوند شهری را در غرب زمین به نام جابرسا (با همان خصوصیات) دارد

۱. اعراف (۷) آیه ۱۵۹.

۲ و ۳. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.

۴. مانده (۵) آیه ۱۴.

۵. کافی، ج ۵، ص ۳۵۲؛ التهذیب، ج ۷، ص ۴۰۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴؛ منابع الموده، ص ۴۲۲.

و من حجت خدا بر آنان هستم».^۱

روایات متعدّد دیگری نیز بر این که شهرها و سرزمین‌های دیگری در جهان وجود دارد که هرگز مردم آن، خدا را معصیت نمی‌کنند. برای آگاهی بیشتر به جلد ۵۴ کتاب بحار الانوار رجوع کنید.

از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان لشکریان و پایگاه‌هایی به‌طور آماده دارد که به هنگام ظهور، وارد پیکار می‌شوند؛ ولی از برخی روایات فهمیده می‌شود که آنان سال‌ها پیش، از دنیا رفته‌اند و برای یاری حضرتش، خداوند آنان را دوبار زنده کرده، به دنیا باز می‌گرداند و آنان رجعت می‌کنند.^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نجم فرزندان اعیان از کسانی است که در رجعت (دوباره زنده شده) جهاد می‌کنند».^۳ نیز دربارهٔ حمران و میسر می‌فرماید: «گویا حمران بن اعیان و میسر بن عبدالعزیز را می‌بینم که شمشیر به دست گرفته، بین صفا و مروه (در کعبه) برای مردم خطبه می‌خوانند».^۴

آیه الله خوئی در معجم الرجال الحدیث، «یخبطان الناس» را به زدن با شمشیر تفسیر می‌کند.

هم‌چنین امام صادق علیه السلام به داود علیه السلام رقی نگاه کرد و فرمود: «هر کس که می‌خواهد مردی از یاران حضرت قائم را ببیند، به این مرد بنگرد. (یعنی این مرد از یاران حضرت است که دوباره زنده خواهد شد)».^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۳۴ و ج ۲۶، ص ۴۷.

۲. شیعه بر این عقیده است که در همین دنیا و پس از ظهور حضرت مهدی (عج) امامان معصوم و گروهی از مؤمنان و گروهی از کافران دوباره زنده می‌شوند و به دنیا باز می‌گردند. در این باره ده‌ها روایت وارد شده است. مرحوم آیه الله والد علیه السلام در جلد دوم الشیعه و الرجعه به گستردگی در این باره سخن گفته است. اخیراً این کتاب را حجة الاسلام میرشاولد به نام ستاره درخشان ترجمه و منتشر کرده است و از این جانب نیز پانزده سال پیش جزوه‌ای به نام رجعت از نظر شیعه منتشر شده است که با استفاده از نوشته‌ها و سخنان مرحوم والد می‌باشد.

۳. الايقاظ من ההجعه، ص ۲۶۹.

۴. کشی، رجال، ص ۴۰۲؛ الخلاصه، ص ۹۸؛ فهائی، رجال، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الايقاظ، ص ۲۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۵۹.

۵. دربارهٔ موثق بودن داود، علمای رجال بحث‌های گسترده‌ای کرده‌اند. برخی این روایت را ضعیف شمرده و بعضی آن را موثق دانسته‌اند. روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «منزلت و مقام داود نزد من، همانند موقعیت مقداد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است». تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۱۴.

۶. الايقاظ، ص ۲۶۴.

ج) تعداد سپاهیان

دربارهٔ تعداد لشکریان و یاران امام زمان (عج) روایات گوناگونی در دسترس است. برخی روایات، تعداد آنان را سی صد و سیزده نفر یادآور شده‌اند و برخی روایات، از ده هزار نفر و بیش تر سخن می‌گویند. در این جا یادآوری دو نکته ضروری است:

الف) سی صد و سیزده نفر - که در روایات آمده است - نیروهای ویژه‌ای هستند که در آغاز قیام همراه آن حضرت خواهند بود. آنان در حکومت جهانی امام زمان (عج) از کارگزاران می‌شوند؛ چنانچه مرحوم اربلی در کشف النعمه فرموده است: از این روایت (روایت ده هزار نفر) استفاده می‌شود که تعداد یاران حضرت در عدد سی صد و سیزده محدود نمی‌شود؛ بلکه این تعداد، نفراتی هستند که در آغاز قیام، همراه حضرت هستند.

ب) تعداد چهارهزار، ده هزار نفر و ... - که در برخی روایات گفته شده است - آمار کل نیروهای ارتش مهدی (عج) نیست؛ بلکه - هم‌چنانکه از روایات نیز استفاده می‌شود - هر یک از این ارقام، نمایانگر تعداد نیروهایی هستند که در برهه‌ای از زمان ظهور حضرت علیه السلام و یا در پیکار خاصی در گوشه‌ای از جهان شرکت دارند. شاید هم مطلب دیگری باشد که ما آن را نمی‌دانیم که با ظهور حضرت، روشن خواهد شد.

۱. نیروهای مخصوص

یونس پسر ظبیان می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که ایشان نامی از یاران حضرت قائم به میان آورد و فرمود: «آنان سی صد و سیزده تن هستند و هر یک خود را در میان سی صد نفر می‌بیند».^۱

از این که حضرت می‌فرماید: «هر یک خود را در میان سی صد نفر می‌بیند»، دو احتمال تصور می‌شود: ۱. این که توان جسمی هر یک از آنان برابر سی صد نفر باشد؛ چنانکه توان هر یک از مؤمنان در آن روزگار برابر نیروی چهل مرد است. ۲. هر کدام از آنان، سی صد نفر نیرو دارند و خود را در میان سی صد نیرو تحت فرمان می‌بینند. بنابراین احتمال، آنان حدود سی صد گردان نیروی نظامی را فرماندهی می‌کنند و محتمل است که همان

ظاهر لفظ مراد باشد؛ یعنی هر یک خود را جزء آن عده می داند؛ چنان که بعضی گفته اند. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «آنان که از بستر خود برای یاری امام قائم علیه السلام ناپدید می شوند، سی صد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند که صبح آن شب (صبح روز بعد) در مکه گرد می آیند.»^۱

امام جواد علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امام زمان (عج) از سرزمین تهامه (مکه) ظهور می کند. او گنج هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیست؛ بلکه آنها اسب هایی نیرومند و مردانی نامور به تعداد اصحاب بدر هستند. آنان سی صد و سیزده نفرند که از سراسر جهان به دور او گرد می آیند. کتاب مَهر کرده ای با حضرت است که تعداد یارانش با نام، شهر، نوع نژاد، مشخصات و کنیه آنان در آن نوشته شده است. آنان همه در فرمانبرداری از مهدی (عج) می کوشند.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مردم مانند پرندگان در اطرافش گرد می آیند تا این که سی صد و چهارده مرد - که در بین آنان زنانی نیز هستند - گرد می آیند و آن حضرت بر هر ستمگر و فرزند ستمگری پیروز می گردد و عدالت چنان می شود که مردم آرزو می کنند: ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند.»^۳

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی (عج) با سی صد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر، بدون آگاهی و وعده قبلی ظهور می کند؛ در حالی که آنان چون ابری پاییزی پراکنده اند؛ آنان شیران روز و نیایشگران شب هستند.»^۴

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «به زودی سی صد و سیزده نفر به مسجد شما (مکه) می آیند. مردم مکه می دانند که این افراد نسبتی با پدران و اجدادشان ندارند (و جزو مردم مکه نیستند). هر کدام از آنان شمشیری دارد که بر روی آن کلمه ای ثبت است که از آن کلمه هزار کلمه (مشکل) گشوده و حل می شود.»^۵

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۵۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹ و ج ۴، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

۳. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.

۴. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ج ۳۱.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

در برخی از روایات، نام برخی از آنان گفته شده است که به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر - یکی از اصحاب آن حضرت - فرمود: «تو و چهل و چهار مرد دیگر، جزو یاران و همراهان حضرت قائم هستید».^۱

شاید مراد از چهل و چهار نفر، کسانی باشند که از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند. نیز آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، بیست و هفت تن از پشت کعبه بیرون می‌آیند و بیست و پنج تن از قوم موسی - که همگی قاضیان به حق و عادل هستند - زنده می‌شوند و نیز هفت تن از اصحاب کهف، یوشع و صی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر به دنیا باز می‌گردند».^۲ در بعضی از روایات، مقداد بن اسود نیز ذکر شده است.

طبق روایات فرشتگان جا به جاکننده، مردگان نیکان را به اماکن مقدسی مانند خانه خدا منتقل می‌کنند.^۳ بنابراین، شاید این مردگان از آن دسته‌ای باشند که اجسادشان به کنار کعبه انتقال داده شده است و رجعت و دوباره زنده شدن آنان نیز از همان جا خواهد بود. طبق نقل دیگری، این مکان پشت شهر کوفه، یعنی شهر نجف است که باز معنای روایت صحیح می‌شود؛ زیرا اجسادشان به آن جا، یعنی نجف اشرف انتقال داده شده است.

شایسته ذکر است که این افراد، سابقه مبارزه در ابعاد سیاسی و نظامی را با طاغوت‌های روزگار خویش داشته‌اند؛ به خصوص سلمان فارسی، ابودجانه، مالک اشتر و مقداد که در جنگ‌های صدر اسلام شرکت کرده، رشادت‌های بسیاری از خود نشان داده‌اند و گروهی از آنان سابقه فرماندهی نیز داشته‌اند.

۲. ارتش مهدی (عج)

ابوبصیر می‌گوید: مردی از اهالی کوفه، از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با حضرت قائم علیه السلام قیام می‌کنند؟ مردم می‌گویند: همراهان حضرت به تعداد سربازان بدر یعنی

۱. دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

۲. روضة الواعظین، ص ۲۶۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵.

۳. درر الاخبار، ج ۱، ص ۲۵۸.

سی صد و سیزده نفرند. امام علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی ظهور نمی کند، مگر با ارتشی قوی و نیرومند و ارتش قدرتمند کم تر از ده هزار نیروی رزمنده نخواهد داشت»^۱.
نیز آن حضرت می فرماید: «هنگامی که خداوند به حضرت قائم (عج) اجازه قیام دهد، سی صد و سیزده تن با او بیعت می کنند. آن حضرت در مکه توقف می کند تا این که عدد اصحابش به ده هزار نفر برسد. آن گاه به سوی مدینه حرکت می نماید»^۲.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مهدی حدّ اقل با لشکر دوازده هزار نفری و حدّ اکثر پانزده هزار نفری ظهور می کند. رعب و ترس از نیروی نظامی او، پیشاپیش سپاهیان در حرکت است. هیچ دشمنی با ایشان روبه رو نمی شود، جز این که شکست می خورد. آن حضرت و سپاهیان در راه خدا به سرزنش کسی نمی اندیشند. شعار لشکریانش این است: بمیران، بمیران»^۳.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «امام زمان (عج) ظهور نمی کند، مگر آن که حلقه و تعداد آنان کامل گردد». راوی پرسید: تعداد آنان چند نفر است؟ حضرت فرمود: «ده هزار نفر»^۴.
شیخ حرّ عاملی می گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان (عج) صد هزار نفر است.^۵

۳. گارد حفاظت

کعب می گوید: مردی از بنی هاشم، در بیت المقدس منزل می کند. تعداد نیروهای محافظ وی دوازده هزار نفرند و در روایت دیگری می گوید: تعداد محافظان وی سی و شش هزار نفرند و بر سر هر یک از بزرگ راه های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می شوند.^۶

البته کلمه حرس که در روایت است، به معنای اعوان و کمک نیز آمده است و این معنا

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۳۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸؛ ج ۱، ص ۳۴۰؛ العدد القویه، ص ۶۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۸.

۲. المستجاد، ص ۵۱۱.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۵.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۳۰۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵.

۵. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ۳۶۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۹۰.

۶. ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۶؛ عقد الدرر، ص ۱۴۳.

با عنوان حدیث مناسب نیست؛ چون ممکن است مقصود یاران و اعوان حضرت باشد.

د) اجتماع سپاهیان

چنان که پیش تر گفته شد، لشکریان حضرت مهدی (عج) از گوشه و کنار جهان گرداگرد او جمع می شوند. درباره شیوه آگاهی سپاهیان از قیام و گرد هم آمدن آنان در مکه، روایات به شیوه های گوناگونی اشاره دارد. بعضی شب در بستر خود به خواب رفته اند و صبحگاهان خود را در محضر امام علیه السلام می بینند. برخی با طی الارض - پیمودن مسافت طولانی در مدتی بسیار کوتاه - به حضرت می پیوندند و گروهی پس از آگاهی از قیام به وسیله ابرها نزد حضرت می آیند.

به روایتی در این باره توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که به حضرت مهدی (عج) اذن خروج و قیام داده شود، خداوند را به نام عبری آن می خواند. در آن هنگام یارانش - که سی صد و سیزده نفرند و همانند ابرهای پاییزی پراکنده اند - مهیا می شوند و آنان همان صاحبان پرچم ها (و فرماندهان) هستند. برخی از آنان شب هنگام در حالی که در بستر آرمیده اند، ناپدید می شوند و به هنگام صبح خود را در مکه می بینند و برخی به هنگام روز سوار بر ابرها دیده می شوند. آنان با نام خود و پدر و فامیل و شهرت شناخته می شوند».^۱

مفضل بن عمر می گوید: عرض کردم: فدایت شوم؛ کدام دسته از نظر ایمان در مرتبه برتری قرار دارند؟ حضرت فرمود: «آنان که بر فراز ابرها در حرکت خواهند بود، همان ناپدید شدگانند که در شأن آنان این آیه مبارک فرود آمده است: ﴿أَئِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾^۲ هر کجا باشید، خداوند همگی شما را خواهد آورد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان جمع می شود و دنیا به روی آنان گشوده می گردد و مردان و زنان فارس، آنان را خدمت می کنند. زمین کم تر از یک چشم به هم زدن، زیر پای شان طی می گردد؛ به گونه ای که هر یک از

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۷؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶۸؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۳؛ المحجّة، ص ۱۹.

۲. بقره (۲) آیه ۱۴۸.

آنان می توانند، شرق تا غرب زمین را در یک لحظه سپری کند. آنان از این دنیا نیستند و دنیا نیز در آنان بهره و سهمی ندارد.^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: «شیعیان و یاران مهدی (عج) از سراسر زمین به سوی او حرکت می کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می شود و باطنی الارض به امام علیه السلام می رسند و با او بیعت می کنند.»^۲

عبدالله پسر عجلان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام سخن از قیام حضرت مهدی (عج) به میان آمد. به حضرت عرض کردم: چگونه از ظهور حضرت آگاهی می یابیم؟ فرمود: «صبح می کنید، در حالی که زیر بالش خود، نامه ای را می بینید که در آن نوشته شده است: پیروی از مهدی کار معروف و خوبی است.»^۳

امام رضا علیه السلام می فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه شهرها، نزد او گرد می آورد.»^۴

نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «در حالی که جوانان شیعه، بر پشت بامها خوابیده اند، ناگهان آنها را گروه گروه در یک شب و بدون وعده قبلی نزد حضرت می آورند. آن گاه همگی صبحگاه نزد حضرت گرد می آیند.»^۵

ه) شرایط پذیرش و آزمایش سپاهیان

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «یاران مهدی (عج) - که سی صد و سیزده نفرند - به سوی او می روند و او را که پنهان شده است، می یابند و می پرسند: آیا تو مهدی موعود هستی؟ می فرماید: «آری، یاران من!» آن گاه دوباره خودش را از آنان پنهان می کند و به مدینه می رود. یاران حضرت چون آگاهی می یابند، به سوی شهر مدینه به راه می افتند و آن گاه که به شهر مدینه می رسند، امام پنهانی به شهر مکه باز می گردد و یارانش برای پیوستن به حضرت به مکه می روند. بار دیگر امام علیه السلام به شهر مدینه می رود و چون یاران

۱. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۴۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۲؛ ترجمه جلد ۱۳، بحار الانوار، ص ۹۱۶.

۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۵. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۹۸.

مدینه می‌رسند، حضرت به سوی مکه حرکت می‌کند و این رفتار سه بار تکرار می‌شود». امام علیه السلام یاران را این گونه می‌آزماید تا از میزان پیروی ایشان آگاه گردد. پس از آن، در میان صفا و مروه - در کعبه - ظاهر می‌شود و خطاب به یارانش چنین می‌گوید: «من به کاری دست نمی‌زنم، مگر آن که شما با من بر شرایطی بیعت کنید و بر آن پای بند باشید و چیزی از آن را تغییر ندهید؛ من نیز هشت چیز را متعهد می‌شوم». یارانش در پاسخ امام علیه السلام همگی می‌گویند: ما به طور کامل تسلیم هستیم و از تو پیروی می‌کنیم و هر شرطی را که قرار دهید، می‌پذیریم. بفرمایید آن شرایط چیست؟

حضرت به سوی کوه صفا در مکه به راه می‌افتد و یاران نیز در پی او می‌روند. در آن جا خطاب به آنان می‌فرماید: «با شما بر این شرایط پیمان می‌بندم: ۱. از میدان رزم نگریزید. ۲. دزدی نکنید. ۳. عمل نامشروع انجام ندهید. ۴. کارهای حرام انجام ندهید. ۵. کار منکر و زشت انجام ندهید. ۶. کسی را جز به حق نزنید. ۷. زر و سیم نیندوزید. ۸. جو و گندم احتکار نکنید. ۹. مسجدی را ویران نسازید. ۱۰. به ناحق شهادت ندهید. ۱۱. مؤمنی را خوار و کوچک نکنید. ۱۲. ربا نخورید. ۱۳. در سختی‌ها و مشکلات پایداری کنید. ۱۴. فرد خداپرست و یکتاپرستی را لعنت نکنید. ۱۵. شراب ننوشید. ۱۶. لباس زربافت نپوشید. ۱۷. لباس ابریشم و حریر بر تن نکنید. ۱۸. شخص فراری را تعقیب نکنید. ۱۹. خون حرامی را نریزید. ۲۰. به منافق و کافر انفاق نکنید. ۲۱. لباس خز نپوشید. ۲۲. خاک را بالش خود قرار دهید (شاید به این معنا باشد که فروتن و متواضع باشید). ۲۳. از کارهای ناشایست پرهیزید. ۲۴. به معروف امر کنید و از منکر باز دارید.

اگر به این شرایط، پای بند شوید و رفتار کنید، بر من واجب است که جز شما را به عنوان یاور برنگزینم و نپوشم مگر آن چه شما می‌پوشید و نخورم جز، آن چه شما می‌خورید و بر مرکبی که شما سوار می‌شوید، سوار شوم و هر جا که شما باشید، با شما باشم و هر جا که رهسپار شوید، با شما بیایم و به نیروی کم خرسند و خشنود باشم و زمین را از عدل و داد آکنده سازم؛ آن سان که از ستم و جور پر شده است و خدا را به گونه‌ای که شایسته است، پرستش نمایم. من به آن چه گفتم، وفادار خواهم بود و شما نیز به عهد خود وفا کنید».

اصحاب می‌گویند: راضی شدیم و به آن چه فرمودی با تو بیعت می‌کنیم. آن گاه امام علیه السلام

با تک تک یاران (به نشانه بیعت) مصافحه می‌کند.^۱

البته باید توجه داشت که حضرت، این شرایط و آزمایش را با نیروهای ویژه انجام می‌دهد؛ زیرا آنان در حکومت امام علیه السلام از کارگزاران خواهند بود و آنانند که با کردار خوب خود، در گسترش عدالت در جهان نقش مؤثری دارند.

ضمناً، سند این روایت مورد تأمل است؛ چون از خطبه البیان است که برخی آن را ضعیف دانسته‌اند؛ هر چند بعضی دیگر از بزرگان در مقام دفاع از آن برآمده، آن را تقویت کرده‌اند.^۲

و) ویژگی‌های سپاهیان

در روایات برای اصحاب و یاران مهدی (عج) ویژگی‌های بسیاری گفته شده که به پاره‌ای از آنها بسنده می‌کنیم:

۱. عبادت و پارسایی

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت می‌فرماید: «آنان مردانی شب‌زنده‌دار هستند

۱. الشيعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۵۷؛ عقد الدرر، ص ۹۶.

۲. مرحوم والدهم در پاورقی جلد اول الشيعة و الرجعة، درباره خطبة البیان چنین فرموده‌اند: ما این خطبه را از کتاب دوحة الانوار شیخ محمد یزدی نقل کرده‌ایم؛ ولی منحصر به این کتاب نیست، بلکه در کتاب‌های دیگری نیز درج شده است. چنانچه آقا بزرگ طهرانی در جلد ۷ الذریعة نام چند کتاب را ذکر می‌کند:

۱. قاضی سعید قمی در شرح حدیث غمامه م، ۱۱۰۳ هـ. ق؛

۲. محقق قمی در جامع الشتات، ص ۷۷۲؛

۳. نسخه‌ای در کتابخانه امام رضا علیه السلام به تاریخ ۷۲۹ هـ. ق؛

۴. نسخه‌ای به خط علی بن جمال الدین به تاریخ ۹۲۳ هـ. ق؛

۵. خلاصة الترجمان؛

۶. معالم التنزیل.

این خطبه عبارتی دارد که با توحید نمی‌سازد، ولی در همه نسخه‌ها این عبارات نیست و بدون شک از ساخته‌های غلات می‌باشد.

اقا عبارتی هم چون: «انا مورق الاشجار و مثمر الثمار» مانند آن در روایت دیگر فراوان است؛ هم چون «بنا اثمرت الاشجار و اینعت الثمار، و جرت الأنهار و بنا تنزل الغيث و تثبت عشب الأرض» و در زیارت مطلقه چنین آمده است: «وبکم تثبت الأرض أشجارها و بکم تخرج الأشجار و أثمارها...». و در زیارت رجبیه: «أنا سائلکم و أملكکم فیما إلیکم التفویض و علیکم التعویض، فیکم یجبر المهیض و یشفی المریض و...».

بنابراین، هر عبارتی که مخالف ظاهر قرآن بود و قابل تأویل و توجیه صحیحی نبود، معصومین از آن بری و منزّه هستند؛ افا جعلی بودن عبارات این خطبه، سبب نادرستی همه خطبه شریف نمی‌شود.

که شب را در حال قیام - به پرستش می پردازند - و به هنگام نماز، زمزمه‌ای مانند زنبور عسل دارند و صبح هنگام در حالی که بر اسب‌های خود سوارند، برای انجام مأموریت می‌روند. آنان پارسایان شب و شیران روزند و از ترس خدا، حالت خاصی پیدا کرده‌اند. خداوند به وسیله آنان، به امام حق یاری می‌رساند.^۱

و نیز آن حضرت می‌فرماید: «گویا قائم آل محمد (عج) و یارانش را در پشت شهر کوفه می‌بینم. گویی پرندگان بر بالای سر آنان بال گسترده‌اند. زاد و توشه‌شان پایان یافته و لباس‌های‌شان مندرس و ژنده است و سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است. آری، آنان شیران روز و نیایشگران شبند. دل‌های‌شان مانند پاره‌های آهن، محکم و استوار است. هر کدام از آنان نیروی چهل مرد را داراست. کسی جز کافر و منافق آنان را نمی‌کشد. خداوند در قرآن از آنان این‌گونه یاد کرده است: ﴿إِنَّ ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾^۲ در این مطلب، هوشمندان را آیت و عبرت بسیار است»^۳.

۲. عشق به امام و فرمانبرداری از او

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «صاحب امر را در برخی از این درّه‌ها (ذی طوی) غیبتی خواهد بود. دو شب پیش از ظهورش، نزدیک‌ترین پیشخدمتش، به دیدار برخی از یاران حضرت می‌رود و از ایشان می‌پرسد: شما در این جا چند نفرید؟ می‌گویند: چهل تن. می‌گوید: چگونه خواهید بود، اگر پیشوای خود را ببینید؟ پاسخ می‌دهند: به خدا سوگند، اگر در کوه‌ها زندگی کند، همراه او خواهیم بود و همان‌گونه زندگی خواهیم کرد»^۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یاران حضرت (عج) دست‌های خود را بر زین مرکب امام علیه السلام می‌کشند و با این کار، درخواست برکت می‌کنند. دور حضرت حلقه می‌زنند و در جنگ‌ها جسم و جان خود را سپر بلای او می‌کنند و هر چه از آنان بخواهد، اجابت کرده، انجام می‌دهند»^۵.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. حجر (۱۵) آیه ۷۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۴. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

نیز آن حضرت در توصیف یاران مهدی (عج) می فرماید: «او مردانی دارد که گویا دل های شان از پاره آهن است ... آنان در برابر حضرت از یک کنیز نسبت به مولا و مالک خود، فرمانبردارتر و در برابر او امرش تسلیم هستند».^۱

رسول خدا ﷺ می فرماید: «خداوند برای حضرت مهدی (عج) از گوشه و کنار جهان به تعداد اهل بدر، جنگجو گرد می آورد. آنان در فرمانبرداری از حضرتش بسیار کوشا و مصمم هستند».^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا می بینم که حضرت قائم (عج) و یارانش در نجف (کوفه) مستقر شده اند (و چنان ثابت و استوارند) که گویی پرنده بر سر آنان نشسته است».^۳

جنگاوران چنان منظم، بی حرکت و تسلیم محض در برابر حضرت می ایستند که گویی پرنده بر سرشان نشسته است که اگر کوچک ترین حرکتی از خود نشان دهند، پرنده پرواز می کند.

۳. سپاهیان قدرتمند و جوان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «یاران مهدی (عج) همه جوانند و پیر و کهنسال در میان آنان وجود ندارد، جز تعداد اندکی که مانند سرمه برای چشم و نمک برای غذا لازم هستند. البته کم ترین چیز مورد نیاز در غذا نمک است».^۴

امام صادق علیه السلام می فرماید: «منظور لوط پیامبر، از این سخن خود که به دشمنان گفت: "ای کاش نیروی قدرتمندی علیه شما داشتم یا به استوانه ای محکم پناه می بردم"، نیرویی همانند نیروی مقتدر مهدی موعود (عج) و یاران او بود که یک تن از آنان، توان چهل مرد را دارد. آنان دل هایی استوارتر از پاره های آهن دارند و چون از برابر کوه ها بگذرند، صخره ها به لرزه درآیند. شمشیرها را غلاف نمی کنند تا آن هنگام که خداوند

۱. همان جا.

۲. همان، ص ۳۱۰.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵.

۴. طوسی، غیبه، ص ۲۸۴؛ نسعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷.

بخواهد و خشنود شود»^۱.

امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «آن گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می کند و دل های شان را چون پاره های آهن محکم و استوار می نماید و به هر کدام از آنان قدرت چهل مرد را می بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می شوند»^۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در حکومت مهدی (عج) شیعیان ما، فرمانروایان و بزرگان زمین خواهند بود و هر کدام از آنان، قدرت چهل مرد را داراست»^۳.

امام باقر علیه السلام فرمود: «در دل شیعیان ما (امروز) از دشمنان ترس انداخته شده است؛ ولی روزگاری که حکومت ما فرارسد و امام مهدی (عج) ظهور کند، هر یک از شیعیان ما، از شیر بی باک تر و از نیزه برنده تر خواهند شد. آنان دشمنان ما را با پا لگدمال می کنند و با دست می کشند»^۴.

عبدالملک بن اعین می گوید: هنگامی که از خدمت امام باقر علیه السلام برخاستم، به دستم تکیه دادم و گفتم: آرزو داشتم، ظهور حضرت قائم علیه السلام را در روزگار جوانی، (روزهایی که توان جسمی داشتم) درک کنم. امام علیه السلام فرمود: «آیا به این خشنود نیستید که دشمنان شما یک دیگر را بکشند، ولی شما در خانه های تان در امان باشید؟ اگر امام علیه السلام ظهور کند، به هر یک از شما توان چهل مرد داده می شود و دل های تان همانند پاره های آهن می گردد؛ به گونه ای که اگر با آن دل ها به کوه بزنید، کوه ها را می شکافد و از جا می کند و شما رهبران زمین و امانت داران آن خواهید بود»^۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به هنگام فرا رسیدن امر ما (حکومت حضرت مهدی) خداوند، ترس را از دل شیعیان ما برمی دارد و در دل های دشمنان ما جای می دهد. در آن

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۲۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۷۲؛ بنایع الموده، ص ۴۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۶.

۳. مفید، اختصاص، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۴. مفید، اختصاص، ص ۲۴؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۴؛ بنایع الموده، ص ۴۴۸، ۴۸۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ۳۷۲.

۵. کافی، ج ۸، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

هنگام هر یک از شیعیان ما از نیزه بُرنده تر و از شیر شجاع تر می شود. یک شیعه، دشمن خود را با نیزه هدف می گیرد و با شمشیر می زند و زیر پای خود لگدمال می کند.^۱

هم چنین آن حضرت می فرماید: «یاران مهدی (عج) مردانی هستند که دل های آنان مانند آهن سخت و محکم است. هرگز شک و شبهه ای در ذات خدا، بر آن دل ها راه نمی یابد. آنان از سنگ ها سخت ترند. اگر به آنان مأموریت داده شود تا کوه ها را از جای برکنند و جا به جا کنند، این کار را به سرعت انجام می دهند و اگر مأموریت سرکوبی و نابودی شهری به آنان داده شود، آن را ویران می سازند (در سرعت عمل و قاطعیت چنانند که) گویی عقاب هایی بر اسب ها نشسته اند».^۲

۴. سپاهیان محبوب

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا یاران مهدی (عج) را می بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده اند و هیچ چیز در جهان نیست که فرمانبردار و تسلیم محض آنان نباشد. درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز در پی خشنودی آنان هستند. آنان به قدری محبوبیت دارند که جایی از زمین بر جای دیگر فخر و مباهات می کند و می گوید: امروز یکی از یاران مهدی (عج) بر من گام نهاد و از این جا گذشت».^۳

۵. عاشقان شهادت

امام صادق علیه السلام درباره ویژگی های یاران حضرت قائم (عج) می فرماید: «آنان از ترس خدا، بیمناکند و آرزوی شهادت دارند. خواسته شان این است که در راه خدا کشته شوند. شعارشان ای خونخواهان حسین علیه السلام است. چون حرکت می کنند و رعب و ترس از آنان در دل دشمن به فاصله یک ماه در حرکت است».^۴

۱. خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ رک: حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۴؛ کشف الغممه، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ینابیع المودة، ص ۴۴۸؛ مانند این روایت از امام باقر علیه السلام رسیده است: بصائر الدرجات، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

جنگ‌های حضرت

از آن جا که هدف از قیام حضرت مهدی (عج) برپایی حکومت الهی در سراسر جهان و نابودی ستم و ستمگر در جهان است، طبعاً حضرت برای دستیابی به این هدف، بادشواری‌ها و موانعی رو به رو خواهد شد که باید با انجام عملیات نظامی آن موانع را از سر راه بردارد و کشورها را یکی پس از دیگری بگشاید تا بر شرق و غرب جهان چیره گردد و حکومت عدل الهی را در زمین پی ریزد. در این فصل روایاتی در این باره را به نظر شما می‌رسانیم.

الف) پاداش مجاهدان و شهیدان

چون هدف از جنگ‌ها در زمان حضرت مهدی (عج) نابودی مفسدان و ستمگران برای تشکیل حکومت اسلامی در جهان می‌باشد، شرکت در جنگ در رکاب حضرت قائم (عج) نیز از پاداشی چند برابر برخوردار است؛ به گونه‌ای که اگر رزمنده‌ای یک نفر از دشمن را نابود سازد، پاداش بیست و یا بیست و پنج شهید را دارد. اگر خود به فیض شهادت دست یابد، پاداش دو شهید نصیب او می‌گردد. هم‌چنین جانبازان و زخمیان آن افزون بر مقامات معنوی از ارزش ویژه‌ای در دولت امام زمان (عج) برخوردارند و خانواده شهیدان نیز ارزش ویژه‌ای دارند.

امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان می‌فرماید: «اگر شما چنان باشید که ما سفارش کرده‌ایم و از امر ما سرپیچی نکنید، اگر در آن حال کسی از شما پیش از ظهور قائم ما بمیرد، شهید خواهد بود و اگر حضرت را درک کند و در رکاب او به شهادت برسد، پاداش دو شهید را

دارد و اگر یکی از دشمنان ما را بکشد، پاداش بیست شهید را خواهد داشت»^۱.
در این روایت، ارزش نابودی دشمن را به مراتب از شهید شدن بالاتر می‌داند؛ زیرا کشتن دشمنان، خشنودی خدا، آسایش بندگان و عزت اسلام را در پی دارد؛ ولی رسیدن به فیض شهادت، شهید را به کمال می‌رساند. از این رو، رزمندگان در جبهه باید بیش‌تر در اندیشه دشمن باشند، تا به شهادت رسیدن.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شهادت در رکاب امام زمان (عج) پاداش دو شهید را دارد»^۲.
در کافی چنین آمده است: «رزمنده امام، اگر دشمن ما را بکشد، پاداش بیست شهید را دارد و کسی که همراه قائم ما به شهادت برسد، پاداش بیست و پنج شهید برای او است»^۳.
امیر مؤمنان علیه السلام درباره شیوه رفتار امام زمان (عج) با شهیدان و خانواده آنان می‌فرماید: «حضرت قائم (عج) پس از عملیات) روانه کوفه می‌شود و در آنجا اقامت می‌گزیند... و هیچ شهیدی نمی‌ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می‌پردازد و برای خانواده‌اش حقوق و مستمری قرار می‌دهد»^۴.

این روایت نمایانگر رسیدگی حضرت به خانواده شهیدان است.

ب) تجهیزات جنگی

به‌طور قطع نوع سلاحی که حضرت قائم (عج) در نبردها به کار می‌گیرد با دیگر سلاح‌های آن روزگار تفاوت اساسی دارد و واژه سیف که در روایات آمده است، شاید کنایه از اسلحه است نه این که مراد خصوص شمشیر باشد؛ زیرا اسلحه امام به گونه‌ای است که با به‌کارگیری آن دیوارهای شهر فرو می‌ریزد یا شهر پودر شده، تبدیل به دود می‌گردد و دشمن با یک ضربه، همانند نمک آب شده، چون سرب ذوب می‌گردد.
طبق روایتی، سلاح سربازان حضرت از آهن است؛ ولی چنان است که اگر بر کوه فرود آید، آن را به دو نیم می‌کند.

۱. طوسی، امالی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ بشارة المصطفی، ص ۱۱۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ۳۱۷.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰؛ ر.ک: طوسی، امالی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ برقی، محاسن، ص ۱۷۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴. عباشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

شاید دشمن نیز از اسلحه آتش‌زا استفاده کند؛ زیرا که امام علیه السلام لباسی را می‌پوشد که ضد گرماست و آن لباسی است که جبرئیل علیه السلام آن را از آسمان برای ابراهیم علیه السلام آورد تا از آتش نمرود رهایی یابد و آن لباس در اختیار حضرت بقیة الله است و اگر چنین نبود - یعنی اسلحه و صنعت پیشرفته در اختیار دشمن نبود - شاید ضرورتی برای پوشیدن آن لباس وجود نمی‌داشت. هر چند که شاید جنبه اعجاز آن منظور باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، شمشیرهای نبرد فرود می‌آید، شمشیرهایی که بر هر کدام، نام و نام پدر یک رزمنده نوشته شده است».^۱

حضرت صادق علیه السلام درباره گروهی از یاران مهدی (عج) می‌فرماید: «یاران مهدی علیه السلام شمشیرهایی از آهن دارند؛ ولی جنس آن غیر از آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه زند، آن را دو نیم می‌کند. حضرت قائم (عج) با آن سپاهیان و تجهیزات به جنگ هند، دیلم، کردها، رومیان، بربر، فارس و بین جابرسا و جابلقا می‌رود».^۲

وسایل دفاعی نیروهای مهدی (عج) به گونه‌ای است که اسلحه دشمن بر آنان کارگر نیست. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «یاران مهدی علیه السلام اگر با سپاهییانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته‌اند، درگیر شوند، آنان را در لحظه‌ای نابود می‌کنند و هرگز سلاح دشمن در آنان تأثیر نمی‌کند».^۳

ج) جهان‌گشایی امام برای نجات بشر

درباره عملیات نظامی حضرت مهدی (عج) و گشودن شهرها و کشورها، روایات بر دو گونه است: بعضی روایات سخن از گشودن شرق و غرب، جنوب و قبله و سرانجام همه جهان به میان آورده است و برخی روایات دیگر، به گشودن سرزمین‌های معینی از جهان اشاره دارد.

جای شک و تردید نیست که حضرت همه جهان را تحت سیطره و حکومت خود می‌آورد؛ ولی این که چرا از بعضی شهرها نام برده شده است، شاید به لحاظ اهمیتی باشد

۱. نعمانی، غیبة، ص ۲۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲.
۲ و ۳. بصائر الدرجات، ص ۱۴۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳؛ تبصرة الولی، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.

که آن شهرها در آن روزگار پیدا خواهند کرد. این اهمیت برای این است که آنها از قدرت‌های آن روزگار به حساب می‌آیند و سرزمین‌هایی از جهان را تحت نفوذ خود دارند یا آن سرزمین‌ها منطقه پهناوری هستند که بخش بزرگی از جمعیت را در خود جای داده‌اند و یا این که قبلهٔ آمال پیروان یکی از مذاهب و ادیان می‌باشند؛ به طوری که اگر آن شهر سقوط کند، همهٔ پیروان آن آیین تسلیم می‌شوند یا به سبب اهمیت نظامی و استراتژیکی آن است؛ به طوری که با سقوط آن، عملیات دشمن مختل شده، زمینه برای تهاجم نیروهای حضرت فراهم می‌گردد.

برگزیدن شهر مکه به عنوان نقطهٔ آغاز قیام، پس برگزیدن عراق و کوفه به عنوان مرکزیت سیاسی - نظامی حکومت و حرکت به سوی شام و گشودن بیت المقدس، شاید تأییدی بر این سخن باشد؛ زیرا امروزه اهمیت سیاسی، مذهبی و نظامی این سه سرزمین بر کسی پوشیده نیست.

دستهٔ اول از روایات دربارهٔ تسلط حضرت بر سراسر جهان است که برخی عبارتند از: حضرت رضای علیه السلام از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی مرا به معراج بردند ... عرض کردم: پروردگارا! آیا اینان (امامان) پس از من جانشینان من خواهند بود؟ ندا آمد: ای محمد! آری، اینان دوستان و برگزیدگان و حجت‌های من پس از تو بر بندگانم می‌باشند و جانشینان و بهترین بندگانم پس از تو خواهند بود. به عزت و جلالم سوگند، دین و آیینم را به وسیلهٔ آنان به افراد بشر غالب می‌سازم و کلمهٔ الله را به وسیلهٔ آنان برتری می‌بخشم و به وسیلهٔ آخرین آنان، زمین را از وجود سرکشان و گنهکاران پاک می‌کنم و فرمانروایی شرق و غرب را به او می‌دهم».^۱

در تفسیر آیهٔ شریفه **﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾**^۲ آنان که اگر در زمین حاکمشان گردانیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند. امام باقر علیه السلام فرمود: «این آیه مربوط به آل محمد صلی الله علیه و آله و آخرین امامان است. خداوند شرق و غرب زمین را در اختیار و نفوذ حضرت مهدی (عج) و یارانش قرار می‌دهد».^۳

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۶۶؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۶.

۲. حج (۲۲) آیه ۴۱.

۳. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۹۶؛ منابع الموده، ص ۴۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «مهدی از فرزندان من است و به دست او خداوند شرق و غرب زمین را می گشاید».^۱

رسول خدا ﷺ می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، خداوند دین را به جایگاه اصلی اش باز می گرداند و پیروزی های درخشانی برای او و به دست او انجام می دهد. در آن روزگار کسی بر روی زمین نمی ماند، مگر آن که مسلمان باشد و کلمه لا إله إلا الله را بر زبان داشته باشد».^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم از ماست و گسترش فرمانروایی آن حضرت شرق و غرب را فرا می گیرد».^۳

نیز می فرماید: «هنگام قیام حضرت قائم (عج)، خداوند اسلام را بر همه ادیان پیروز می کند».^۴

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «حضرت مهدی (عج)، لشکریانش را به سراسر زمین گسیل می دارد».^۵

رسول خدا ﷺ می فرماید: «اگر از زندگانی و پایان دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، ... خداوند مهدی (عج) را می فرستد و به وسیله او، عظمت را به دین باز می گرداند و پیروزی های درخشانی برای او و به دست او انجام می دهد. در آن روزگار کسی بر کره خاکی نیست جز آن که ذکر لا إله إلا الله بر زبان دارد».^۶

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: رسول خدا ﷺ می فرمود: «ذوالقرنین، بنده ای شایسته بود که خداوند، او را بر بندگانش حجت قرار داد. وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوا دستور داد؛ ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد؛ به طوری که آنان گمان بردند که مرده است. پس از مدتی نزد قومش بازگشت؛ ولی باز بر سمت دیگر سرش ضربه ای زدند».

۱. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ بنایع الموده، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲. عقد الدرر، ص ۲۲۲؛ فرائد فوائد الفکر، ص ۹.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الفصول المهمه، ص ۲۸۴؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰.

۴. بنایع الموده، ص ۴۲۳.

۵. القول المختصر، ص ۲۳.

۶. عیون أخبار الرضا، ص ۶۵؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۶؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۸.

در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می‌کند. خدای عزوجل، برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد و از هر چیز، وسیله‌ای برای او قرار داد و او را به شرق و غرب جهان رساند. خداوند متعال، رفتار و روش او را پیرامون امام غائب علیه السلام - که از فرزندان من است - جاری می‌کند و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند و هیچ آبگاہ و منزلی در کوه و بیابان باقی نمی‌ماند که ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد، جز آن که او گام می‌نهد. خداوند برای او گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن، او را یاری می‌دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که قبل از قیام پر از جور و ستم شده است»^۱.

دسته دیگری از روایات به گشودن شهرهای مخصوصی اشاره دارد که به گفتن چند روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم:

امیر مؤمنان علیه السلام درباره حرکت مهدی (عج) به سوی شام می‌فرماید: «به دستور حضرت مهدی (عج)، امکانات حمل و نقل لشکریان فراهم می‌شود. پس از این فرمان، چهارصد کشتی ساخته می‌شود و در کنار ساحل عکا پهلو می‌گیرند. از سویی، کشور روم با صد صلیب - که همراه هر صلیب ده هزار نفر نیرو است - بیرون می‌آیند و بانیزه‌ها (و سلاح) خود طرسوس را می‌گشایند. حضرت با سپاهیان‌ش به آن‌جا می‌رسند و از آنان به قدری می‌کشند که آب فرات تغییر رنگ می‌دهد و ساحل از اجساد آنان، بوی تعفن می‌گیرد. (باشنیدن این خبر) کسانی که در کشور روم مانده‌اند، به انطاکیه می‌گریزند»^۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند ... لشکری به قسطنطنیه می‌فرستد. چون آنان به خلیج برسند، جمله‌ای بر روی پاهای خود می‌نویسند و از روی آب می‌گذرند»^۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر از دنیا جز یک روز نماند، به‌طور حتم، خداوند مردی از عترت مرا می‌فرستد که همنام من است و پیشانی او می‌درخشد، او قسطنطنیه و جبل دیلم را می‌گشاید»^۴.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ۳۳۶؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ر. ک: ابن حماد، فتن، ص ۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰، ۲۶۲؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰.

۲. ابن حماد، فتن، ص ۱۱۶؛ عقد الدرر، ص ۱۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۴. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۳؛ شافعی، بیان، ص ۱۳۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹ و ج ۱۹، ص ۶۶۰.

حذیفه می گوید: «قسطنطنیه، دیلم و طبرستان گشوده نمی شود، مگر به دست مردی از بنی هاشم».^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، قسطنطنیه، چین^۲ و کوه های دیلم را گشوده، مدت هفت سال فرمانروایی می کند».^۳

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی و یارانش حرکت می کنند تا این که وارد قسطنطنیه می شوند و به جایی که پادشاه روم سکونت دارد می روند و سه گنج را از آنجا بیرون می آورند؛ گنجی از جواهرات، گنجی از طلا، و گنجی از نقره، آن گاه حضرت اموال و غنیمت ها را بین لشکریان تقسیم می کند».^۴

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم، سه پرچم را برای (عملیات در) سه نقطه آماده می سازد؛ پرچمی را به قسطنطنیه^۵ گسیل می دارد و خداوند آنجا را برای او می گشاید؛ پرچم دیگری را برای چین می فرستد و آنجا نیز حضرت گشوده می گردد و پرچم سوم را برای کوه های دیلم^۶ می فرستند و آنجا به تصرف نیروهایش در می آید».^۷

حذیفه می گوید: بلنجر^۸ و کوه های دیلم گشوده نمی گردد، مگر به دست مردی از آل محمد علیهم السلام.^۹

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... سپس حضرت مهدی (عج) با هزار کشتی از شهر قاطع به سوی شهر قدس شریف رهسپار می شود و از عکا، صور، غزه و عسقلان^{۱۰} وارد

۱. ابن ابی شیبہ، مصنف، ج ۱۳، ص ۱۸.

۲. صین (چین) به آسیای شرقی گفته می شود و شامل شوروی سابق، هند، نپال، برمه، ویتنام، ژاپن و دریای چین و کره می شود (المنجد).

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۲؛ الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴. الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۲.

۵. قسطنطنیه شهری در ترکیه است، که در قرن هفتم قبل از میلاد ساخته شده و مدتی پایتخت امپراتوری روم بوده است؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۴۷؛ اعلام المنجد، ص ۲۸.

۶. دیلم نام سرزمینی در بخش کوهستانی گیلان که در شمال قزوین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۹۹؛ اعلام المنجد، ص ۲۲۷؛ پرهان قاطع، ج ۱، ص ۵۷۰.

۷. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۳۲، حدیث های شماره: ۱، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۶.

۸. خزر (شوروی سابق)؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۹۹؛ اعلام المنجد، ص ۲۱۴.

۹. عقد الدرر، ص ۱۲۳ به نقل از: ابن المنادی، ملاحم.

۱۰. شهری در شام، از توابع فلسطین و بر روی ساحل دریاست. این نقطه، بین دو شهر غزه و بیت جبرین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۶۷۳.

سرزمین فلسطین می‌گردد، اموال و غنیمت‌ها را بیرون می‌آورد. سپس حضرت مهدی (عج) وارد قدس شریف شده، در آنجا فرود می‌آید و همان‌جا اقامت می‌گزیند تا زمانی که دجال ظاهر شود.^۱

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور می‌کند، به همراه او شمشیری است که آن را از نیام می‌کشد و خداوند به دست او سرزمین‌های روم^۲، چین، تُرک^۳، دیلم، سند، هند^۴، کابل، شام، و خزر را می‌گشاید.^۵ ابن حجر می‌نویسد: ... اولین پرچمی را که حضرت مهدی (عج) برای جنگ می‌بندد، به تُرک روانه می‌کند.^۶

شاید منظور از سیف مختلط که در روایت ثمالی آمده است، کنایه از سلاح خاصی باشد که در دسترس حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرد؛ زیرا برای گشودن همه سرزمین‌ها - که نیاز به توان تهاجمی فوق‌العاده‌ای دارد - سلاحی مناسب لازم است که برتر از همه سلاح‌ها باشد؛ به ویژه اگر بگوییم که آن حضرت فعالیت‌های گوناگونی را از طریق عادی انجام می‌دهند.

درباره گشودن هند، کعب می‌گوید: فرمانروایی که در بیت المقدس می‌باشد، سپاهی را به هند گسیل می‌دارد و آن‌جا را می‌گشاید. آن‌گاه آن سپاه، وارد خاک هند می‌شوند و گنج‌های آن‌جا را برای فرمانروای بیت المقدس می‌فرستند و او نیز آن‌جا را تزیین می‌کند و پادشاهان هند را به صورت اسیر نزد او می‌آورند. شرق و غرب زمین برای آنان گشوده می‌شود و نیروها در هند حضور خواهند داشت تا هنگامی که دجال خروج کند.^۷

۱. عقد الدرر، ص ۲۰۱.

۲. روم اکنون پایتخت ایتالیاست. در آن روزگار مرکز حکومتی بود که پادشاهانی با نام رسمی قیصر بر آن حکومت می‌کردند و بر بخش بزرگی از جهان تسلط داشتند. به طوری که گستره نفوذ آنان از دریای مدیترانه، شمال آفریقا، یونان، ترکیه، سوریه، لبنان تا فلسطین را در بر می‌گرفت و همه این سرزمین‌ها را روم می‌نامیدند.

۳. ترکستان در قاره آسیا قرار گرفته و بین چین و شوروی تقسیم شده است و شامل سین کیانگ از چین و ترکمنستان، ازبکستان، تاشکند، تاجیکستان، قرنجیر، قزاقستان است؛ اعلام المنجد.

۴. شبه جزیره‌ای به شکل مثلث در جنوب آسیا است و شامل جمهوری هند، پاکستان، بوتان و نپال می‌باشد؛ برهان قاطع، ج ۱، ص ۷۰۳؛ اعلام المنجد، ص ۵۴۲.

۵. نعمانی، غیة، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۶. القول المختصر، ص ۲۶.

۷. عقد الدرر، ص ۹۷، ۳۱۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۱؛ حنفی، برهان، ص ۸۸.

حذیفه می گوید: پیامبر ﷺ فرمود: «ظاهر فرزند اسماء با بنی اسرائیل جنگید و آنان را به اسارت گرفت و بیت المقدس را به آتش کشید و مقدار هزار و هفت صد (یا نه صد) کشتی طلا و جواهرات را از آن جا به شهر رومیه آورد. به طور حتم، حضرت مهدی (عج) آنها را از آن شهر بیرون برده، به بیت المقدس باز می گرداند».^۱

هر چند قیام حضرت مهدی (عج) از مکه آغاز می شود، ولی سرزمین حجاز^۲ را پس از ظهور می گشاید. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مکه ظاهر می شود و خداوند، سرزمین حجاز را می گشاید و حضرت هر کس از بنی هاشم را که در زندان است، آزاد می سازد».^۳

امیر مؤمنان علیه السلام درباره گشودن خراسان می فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می دهد تا این که خراسان^۴ را می گشاید و پس از آن دوباره به شهر مدینه باز می گردد».^۵

آن حضرت درباره گشودن ارمینیه^۶ به دست حضرت مهدی (عج) می فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می دهد تا این که به ارمینیه می رسد. چون مردم آن سرزمین او را می بینند، یکی از راهبان دانشمند را برای مذاکره، خدمت حضرت می فرستند. راهب به امام علیه السلام می گوید: آیا مهدی تو هستی؟ حضرت می فرماید: آری، منم؛ آن که نامم در انجیل آمده است و بشارت داده شده که در آخر زمان، ظهور می کنم. او پرسش هایی را مطرح می کند و امام علیه السلام پاسخ می دهد.

راهب مسیحی، اسلام می آورد؛ ولی ساکنان ارمینیه، سرپیچی و تمرّد می کنند. پس از آن سپاهیان حضرت وارد شهر می شوند و پانصد هزار نفر از نیروهای مسیحی را

۱. عقد الدرر، ص ۲۰۱؛ شافعی، بیان، ص ۱۱۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹.

۲. حجاز از شمال به خلیج عقبه، از مغرب به دریای سرخ، از مشرق به نجد و از جنوب به عسیر محدود می شود؛ اعلام المنجد، ص ۲۲۹ و به نقل حموی، از اعماق صنعا در یمن، تا شام را حجاز می نامند، و تبوک و فلسطین نیز جزو آن است؛ معجم البلدان.

۳. ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۴۱؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ القول المختصر، ص ۲۳.

۴. خراسان در آن روزگار به سرزمین هایی از ایران، افغانستان و شوروی گفته می شد؛ اعلام المنجد، ص ۲۶۷.

۵. الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.

۶. ارمینیه در آسیای صغیر و محدود به کوه های آراارات، قفقاز، ایران، ترکیه و رود فرات می باشد و روزگاری حکومتی مستقل داشت و پس از انقراض امپراتوری بیزانس، این سرزمین بین ایران، روس، و عثمانی ها تقسیم شد؛ المنجد، ص ۲۵.

نابود می سازند و خداوند با قدرت بی پایانش شهر آنان را بین آسمان و زمین معلق می کند؛ به طوری که پادشاه و اطرافیانش که در بیرون شهر مستقر شده اند، شهر را در وسط آسمان و زمین آویزان می بینند.

پادشاه از مینیه از ترس می گریزد و به اطرافیانش نیز دستور می دهد به پناهگاهی پناه برند. در بین راه، شیری راه را بر آنان می بندد و آنان هراسان، سلاح ها و اموالی را که به همراه دارند، می اندازند و سربازان حضرت که در تعقیب آنان می باشند، اموال را می گیرند و بین خود تقسیم می کنند؛ به طوری که به هر یک، صد هزار دینار می رسد.^۱

بخش دیگری از جهان گشایی های حضرت در شهرهای زنج است. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: «حضرت مهدی (عج) به پیشروی خود ادامه می دهد تا این که به شهر زنج کبری می رسد. در آن شهر هزار بازار است و در هر یک از بازارها، هزار مغازه وجود دارد و حضرت آن شهر را می گشاید.^۲ حضرت پس از گشودن آن جا، عازم شهری به نام قاطع - که به صورت جزیره و بر روی دریاست - می شود.^۳

حضرت باقر علیه السلام درباره اعزام لشکریان مهدی (عج) به سراسر جهان می فرماید: «گویا حضرت قائم (عج) را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد.^۴ نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی (عج) لشکریان خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگر را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید.^۵

(د) سرکوبی شورش ها

پس از ظهور حضرت مهدی (عج) و گشودن شهرها و کشورهای گوناگون، برخی از شهرها و قبایل به رویارویی با حضرت می پردازند که به وسیله لشکریان امام علیه السلام سرکوب می شوند و گروهی کج اندیش، سخن حضرت را در برخی مسائل نمی پذیرند و به

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ر.ک: عقد الدرر، ص ۲۰۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹.

۴. مفید، ارشاد، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱.

سرکشی علیه حضرت دست می‌زنند که دوباره به وسیله لشکریان حضرت سرکوب می‌گردند. به روایاتی در این زمینه توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سیزده شهر و طایفه هستند که مردم آن با حضرت قائم (عج) به نبرد می‌پردازند و حضرت با آنان می‌جنگد. آنان عبارتند از: مردم مکه، مدینه، شام، بنی‌امیه، بصره، دمنسیان، کردها، و اعراب قبایل: بنی‌ضبه^۱، غنی^۲، باهله^۳، ازد و سرزمین ری»^۴.

امام باقر علیه السلام دربارهٔ پرخاش گروهی به سخنان مهدی (عج) می‌فرماید: «وقتی حضرت مهدی (عج) پاره‌ای از احکام را بیان می‌دارد و دربارهٔ برخی از سنت‌ها سخن می‌گوید، گروهی به عنوان اعتراض و قیام علیه حضرت، از مسجد بیرون می‌روند. حضرت به یارانش دستور تعقیب آنان را صادر می‌کند. سپاه حضرت، در محلهٔ تمارین بر آنان دست می‌یابد و آنان را اسیر کرده، نزد حضرت می‌آورند. امام علیه السلام دستور می‌دهد که همگی را سر ببرند و این آخرین شورش و حرکتی است که علیه حضرت رخ می‌دهد»^۵.

دربارهٔ شورش در رمیله و سرکوبی آن، فرزندان ابی‌یعفور می‌گویند: به حضور امام صادق علیه السلام آمدیم، در حالی که گروهی از یارانش نیز در خدمت ایشان بودند. حضرت، به من فرمود: «آیا قرآن خوانده‌ای؟» عرض کردم: آری؛ ولی به همین قرائت متعارف.

۱. ضبه نام روستایی در حجاز است که در راه شام در ساحل دریا قرار گرفته است. در کنار آن، روستای حضرت یعقوب به نام «بدا» قرار دارد.

بنی‌ضبه قبیله‌ای است که در جنگ جمل به پشتیبانی از دشمنان علی علیه السلام برخاستند و بیش‌تر اشعار و رجزهایی که در جنگ جمل خوانده شد، متعلق به قبیلهٔ ضبه و ازد بود. آنان در آن جنگ گداگرد شتر عایشه را گرفتند و از او حمایت کردند؛ سمعانی، انساب، ج ۴، ص ۱۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۰ و ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. غنی قبیله‌ای است که در «هار» در سرزمین جزیرهٔ العرب - میان موصل و شام - زندگی می‌کردند و به شخصی به نام غنی بن‌عصر منسوب هستند؛ سمعانی، انساب، ج ۴، ص ۳۱۵.

۳. باهله طایفه‌ای منسوب به باهله بن‌عصر می‌باشد. عرب‌ها در آن روزگار از پیوند با این قبیله خودداری می‌ورزیدند؛ زیرا افراد شرافتمند و محترمی در میان آنان نبود و طایفه باهله مردمی پست بودند. حضرت علی علیه السلام پیش از حرکت به صفین به آنان فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که من از شما و شما از من خشمگین هستید، پس بیایید، حقوق خود را دریافت کنید و از کوفه به دیلم کوچ کنید؛ سمعانی، انساب، ج ۱، ص ۱۲۷۵؛ وقعة صفین، ص ۱۱۶؛ النبی و التفریب، ص ۳۴۹؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۷۲؛ الغارات، ج ۲، ص ۲۱.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۲۹۹؛ بصائر الدرجات، ص ۳۳۶؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳ و ج ۴۸، ص ۸۴.

۵. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

فرمود: «مقصود من هم، همین قرائت بود». گفتم: منظور از این پرسش چیست؟ فرمود: «حضرت موسی مطالبی را برای قوم خود گفت، ولی آنان تاب و توان آن را نداشتند و علیه حضرت - در مصر - قیام کردند؛ موسی علیه السلام نیز با آنان جنگید و آنان را به قتل رساند. حضرت عیسی علیه السلام نیز مطالبی را برای قوم خود بازگو کرد و آنان نیز تحمل نکرده، علیه او - در شهر تکریت - دست به شورش زدند. عیسی علیه السلام نیز به رویارویی با آنان برخاست و نابودشان کرد. این است معنای سخن خداوند که می فرماید:

﴿فَأَمَّت طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾^۱ طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند و ما ایمان آورندگان را نصرت دادیم و بر دشمنانشان پیروز کردیم.

حضرت قائم (عج) نیز هنگامی که ظهور کند، سخنانی برای شما می گوید که تاب و توان پذیرش آن را نخواهید داشت. از این رو، علیه حضرت در شهر رمیله قیام می کنید و با او می جنگید. حضرت نیز به رویارویی با شما می پردازد و شما را به قتل می رساند و این شورش آخرین قیام علیه حضرت است.^۲

۵) پایان جنگ‌ها

با پی ریزی نظام الهی و حکومت جهانی امام عصر (عج) و فروپاشی قدرت‌های شیطانی، شعله‌های جنگ فرو می نشیند و دیگر قدرتی نمی ماند که بتواند با ارتش مهدی (عج) به رویارویی برخیزد. از این رو، ساز و برگ نظامی در بازارها بدون تقاضا می ماند و در نتیجه ارزان و بی خریدار می شود.

علی علیه السلام می فرماید: «... و جنگ‌ها نیز به پایان می رسد».^۳

کعب می گوید: روزها به پایان نمی رسد تا این که مردی از قریش، در بیت المقدس فرود می آید... و جنگ‌ها نیز به پایان می رسد».^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه‌ای دربارهٔ دجال و کشته شدنش فرمود: «پس از آن بهای

۱. صف (۶۱) آیه ۱۴.

۲. بصائر الدرجات، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ج ۴۷، ص ۸۴ و ج ۱۴، ص ۲۷۹.

۳. ابن حنّاد، فتن، ص ۱۶۲؛ المعجم الصغیر، ص ۱۵۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۰۴.

۴. عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ ر.ک: عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱.

یک اسب، چند درهم (پول نقره) خواهد بود»^۱.

ابن مسعود می گوید: از نشانه های قیامت این است که زن و اسب گران می شود؛ سپس ارزان می گردد و تا روز قیامت نرخ آن گران نمی شود.^۲

شاید مقصود از گرانی زن پیش از ظهور امام زمان (عج)، کنایه از این باشد که در اثر نامساعد بودن اوضاع اقتصادی، اداره و نگه داری یک زن و تشکیل خانواده بسیار مشکل می شود؛ چنان که در اثر کثرت جنگ ها و نیاز به مرکب، تهیه اسب (و تجهیزات جنگی) دشوار و گران می شود؛ ولی با پایان جنگ ها - پس از قیام حضرت قائم (عج) - جنگ افزارها ارزان می شود و در اثر بهبود وضع اقتصادی، دشواری های ازدواج و زندگی از بین می رود و گویا زن ارزان می شود.

زمخشری نقل می کند: یکی از نشانه های قیام - مهدی (عج) - این است که از شمشیرها، به جای داس استفاده می کنند»^۳.

چون در آن روزگار دیگر جنگی نیست؛ در نتیجه از صنایع و ابزاری که در خدمت جنگ قرار داشت، برای پیشرفت کشاورزی بهره برداری می کنند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می فرماید: «... نرخ گاو بالا می رود و نرخ اسب ناچیز می شود»^۴.

شاید این روایت نیز همین گونه تفسیر شود؛ زیرا از گاو در کشاورزی استفاده می شود و گوشت و شیر آن قابل مصرف است؛ ولی از اسب بیش تر به عنوان ابزار جنگی بهره برداری می کرده اند.

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.

۲. المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۴۲ و مانند این مطلب را در عقد الدرر، ص ۳۳۱، از «خارجة بن الصلت» نقل شده است.

۳. الفائق، ج ۱، ص ۳۵۴.

۴. ابن حماد، فتن، ص ۱۵۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۲.

اهدادهای غیبی

هر چند در روایات بسیاری، جنگ‌های پس از ظهور حضرت مهدی (عج) به نیروهای رزمی‌ای نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می‌شتابند، اما پیروز شدن بر تمام جهان، با توجه به پیشرفت علم و صنایع نظامی قبل از ظهور حضرت، کاری دشوار و محال است؛ مگر به رهبری شخصی که از سوی خداوند یاری می‌شود، انجام گیرد.

اهدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه برمی‌دارد و یا به وسیله رعب و ترس است که خداوند در دل دشمن ایجاد می‌کند و یا این که خداوند ملائکه را به یاری حضرت می‌فرستد. در برخی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت و اشیایی که در آن است نیز به عنوان وسیله‌ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی (عج) نام برده شده است. در این فصل به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف) رعب و ترس، سلاح امام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما اهل بیت با ترس و رعب یاری می‌شود».^۱
نیز می‌فرماید: «خداوند، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می‌دهد: فرشتگان، مؤمنان

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵ و ج ۱۴، ص ۳۵۴.

و رعب (ترس انداختن در دل دشمن)»^۱.

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ترس و وحشت - از قدرت مهدی (عج) - پیشاپیش سپاهیانش به فاصله یک ماه و از پشت سر آنها به فاصله یک ماه در حرکت است»^۲.

همچنین آن حضرت می فرماید: «ترس و رعب در پیشاپیش پرچم حضرت مهدی (عج) به فاصله یک ماه و از پشت سر نیز به فاصله یک ماه و از سمت راست به فاصله یک ماه و از سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است»^۳.

از این روایات استفاده می شود که وقتی حضرت مهدی (عج) جایی را قصد کند، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده، توان رویارویی و ایستادگی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می دهد. هم چنین وقتی لشکریان از جایی حرکت می کنند، کسی جرأت شورش ندارد؛ زیرا دشمن از لشکریان حضرت دچار وحشت می شود. این تفسیر و توجیه با ظاهر بعضی از روایاتی که پیش تر گفته شد، منافات دارد.

ب) فرشتگان و جتیان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... خداوند، حضرت مهدی (عج) را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می کند»^۴.

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا هم اکنون، حضرت قائم (عج) را در پشت شهر نجف می بینم؛ هنگامی که بر آن نقطه از جهان دست یافته است. او بر اسبی سیاه که خال های سفیدی دارد و میان چشمانش پاره های سفیدی می درخشد، سوار می شود (و شهرهای جهان را می گشاید). هیچ شهری در جهان بر جای نمی ماند، جز آن که مردمش می پندارند، مهدی (عج) در میان آنان و در شهرشان می باشد. آن گاه که او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به اهتزاز در آورد، سیزده هزار و سیزده فرشته - که سال ها منتظر ظهورش بوده اند - به زیر پرچمش گرد می آیند (و آماده نبرد می شوند). همان فرشتگانی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. نعمانی، غیبه، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

۴. حصینی، الهدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.

که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان، همراه بودند.

همچنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می شتابند؛ آن فرشتگانی که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند تا در رکاب حسین علیه السلام بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین علیه السلام را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام می چرخند و اشک می ریزند.^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا هم اکنون حضرت قائم و یارانش را می بینم... که فرشته جبرئیل در سمت راست مهدی علیه السلام و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آنان به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند، او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می رساند.»^۲

نیز آن حضرت می فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و آله یاری دادند، هنوز به آسمان بازنگشته اند تا این که حضرت صاحب الامر علیه السلام را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می باشد.»^۳

امام صادق علیه السلام می فرماید: «برای حضرت قائم (عج) نه هزار و سی صد و سیزده فرشته فرود می آید؛ آنان همان فرشتگانی هستند که همراه حضرت عیسی علیه السلام بوده اند؛ هنگامی که خداوند او را به آسمان برد.»^۴

علی علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی (عج) با سه هزار فرشته یاری می شود؛ آنان بر چهره و پشت دشمنان می کوبند.»^۵

در تفسیر آیه شریفه ﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾^۶ امر خدا فرارسید، پس درباره آن

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۰۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۰؛ العدد القویه، ص ۷۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۸۸؛ القول المختصر، ص ۲۱.

۳. انبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ نور الثقلین، ج ۱۲، ص ۳۸۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.

۴. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۹؛ رک. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۱.

۵. ابن حماد، فتن، ص ۱۰۱؛ شافعی، بیان، ص ۵۱۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۳؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۷؛

کنز العمال، ج ۴، ص ۵۸۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۲.

۶. نحل (۱۶) آیه ۱.

شتاب نکنید. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این امر الله، امر ماست؛ یعنی خداوند برای قیام مهدی فرمان داده است که برای آن شتاب نکنیم؛ زیرا خداوند، صاحب امر ما را با سه لشکر از فرشتگان، مؤمنان و رعب پشیمانان می کند و ما به حقیقت می رسیم».^۱

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، خداوند به فرشتگان دستور می دهد تا بر مؤمنان سلام دهند و در مجالس آنان شرکت کنند و اگر یکی از مؤمنان با حضرت کاری داشت، امام علیه السلام برخی از فرشتگان را مأمور می کند که آن شخص را به دوش گیرند و نزدش بیاورند و هرگاه نیازش برطرف شد، او را به جایگاه نخستینش بازگردانند.

برخی از مؤمنان بر روی ابرها حرکت می کنند و برخی دیگر به همراه فرشتگان در آسمان پرواز می کنند و گروهی دیگر به همراه فرشتگان راه می روند و گروهی نیز بر فرشتگان سبقت می گیرند. برخی از مؤمنان را فرشتگان به عنوان قاضی قرار می دهند و مؤمن نزد خداوند با ارزش تر از فرشته است؛ به گونه ای که برخی از مؤمنان را حضرت بر صد هزار فرشته به عنوان قاضی می گمارد».^۲

شاید قضاوت این مؤمنان در میان فرشتگان برای رفع اختلاف آنان در مسائل علمی و موضوعات باشد و این گونه اختلافات با عصمت فرشتگان منافاتی ندارد.

ج) فرشتگان زمین

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره میراث علم و اندازه آن پرسیدم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «خداوند، دو شهر یکی در شرق زمین و دیگری در غرب آن دارد، در آن دو شهر گروهی سکونت دارند که نه ابلیس را می شناسند و نه از آفرینش او آگاهی دارند. هر چند مدت یک بار با آنان دیدار می کنم. آنان درباره مسائل مورد نیاز خود و چگونگی دعا از ما می پرسند و ما به آنان می آموزیم. هم چنین آنان درباره زمان ظهور حضرت قائم (عج) می پرسند. آنان عبادت و کوشش بسیاری در پرستش خداوند دارند. آن شهر درهایی دارد که بین هر یک از لنگه های آن صد فرسنگ فاصله است. آنان

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ج ۱، ص ۲۵۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

۲. دلائل الامامة، ص ۲۴۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

پرستش، تمجید، دعا و کوشش بسیاری دارند. اگر آنان را ببینید، کردار و رفتار خود را در برابر آنان کوچک می‌شمارید. وقتی برخی از آنان به نماز می‌ایستند، یک ماه در حال سجده هستند. خوراک آنان ستایش خداست و لباسشان برگ و رخسارشان از نور می‌درخشد. اگر بایکی از ما (امامان) رو به رو شوند، گرداگرد او را می‌گیرند و خاک جای پای او را برمی‌دارند و به آن تبرک می‌جویند. در هنگام نماز، زاری و ناله‌ای دارند که از صدای طوفان سهمگین‌تر است. گروهی از آنان - از روزی که به انتظار حضرت قائم (عج) بوده‌اند - هرگز سلاح خود را بر زمین نگذاشته‌اند و وضع آنان همین گونه بوده است. آنان همواره از خدا می‌خواهند که صاحب الامر علیه السلام را به آنان بنمایاند.

هر یک از آنان، هزار سال زندگانی می‌کند و آثار فروتنی و پرستش و تقرب به خداوند عزوجل، در رخسار آنان آشکار است. وقتی نزد آنان نمی‌رویم، می‌پندارند ما از ایشان خشنود نیستیم و زمانی را که ما به دیدارشان می‌رویم، در نظر می‌گیرند و در همان زمان به انتظار ما می‌نشینند و هرگز از کار خسته نمی‌شوند.

همان گونه که به آنان آموختیم، قرآن می‌خوانند و پاره‌ای از قرائت‌ها که به آنان آموخته‌ایم، اگر بر مردم خوانده شود، آن را نمی‌پذیرند. مطالبی را که از قرآن می‌پرسند، وقتی پاسخ می‌دهیم، سینه‌ها (و فکر و اندیشه) را برای گرفتن آن چه می‌شنوند، باز می‌کنند. برای ما از خداوند، طول عمر می‌خواهند تا ما را از دست ندهند. آنان می‌دانند، آن چه را از ما می‌آموزند، منتی از خداوند بر آنان است.

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، آنان به همراه حضرت خواهند بود و از دیگر سپاهیان امام علیه السلام پیشی می‌گیرند و از خداوند می‌خواهند دینش را به وسیله آنان یاری نماید.

اجتماع آنان متشکل از پیر و جوان است. اگر یک جوان، پیری را ببیند، به احترام او همانند غلام می‌نشیند و بدون اجازه‌اش از جا بر نمی‌خیزد. از راهی که خودشان بهتر می‌دانند، بر اندیشه‌های امام علیه السلام آگاه می‌شوند. اگر امام به آنان دستوری دهد، تا آخر بر آن پابرجا هستند؛ مگر این که حضرت خودش کار دیگری به آنان واگذار کند.

اگر به جنگ مردم شرق و غرب روند، همگی را در لحظه‌ای نابود می‌کنند و هرگز اسلحه بر آنان تأثیر نمی‌کند. شمشیرها و سلاح‌هایی از آهن دارند؛ اما آلیاژش غیر از آهن

است. اگر با شمشیر بر کوهی بزنند، آن را دو نیم می‌کنند و از جا برمی‌دارند. امام علیه السلام این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، کرد، روم، بربر، فارس، جابرسا و جابلقا - دو شهر در شرق و غرب - می‌فرستد.

بر هیچ یک از پیروان ادیان وارد نمی‌شوند، مگر آن که آنان را به اسلام دعوت می‌کنند و به یکتاپرستی و نبوت پیامبر و ولایت ما اهل بیت می‌خوانند. پس هر کس اجابت کرد، او را رها می‌کنند و هر کس نپذیرفت، او را به قتل می‌رسانند؛ به گونه‌ای که در شرق و غرب زمین کسی نمی‌ماند، مگر آن که ایمان می‌آورد.^۱

از چشم اندازی که درباره این سپاهیان آمده است، چنین فهمیده می‌شود که شاید آنان همان فرشتگانی باشند که در زمین بر جای مانده‌اند و منتظر قیام حضرت قائم (عج) هستند.

(د) تابوت موسی علیه السلام

در کتاب غایة المرام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «به هنگام ظهور حضرت قائم (عج)، حضرت عیسی علیه السلام فرود می‌آید و کتاب‌ها را از انطاکیه گردآوری می‌کند. خداوند برای او، از چهره ﴿إِرم ذات العماد﴾^۲ پرده برمی‌دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می‌سازد. حضرت، دارائی‌های کاخ را گردآوری می‌کند و آن را بین مسلمانان تقسیم می‌نماید و تابوتی را - که خداوند به «ارمیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود - خارج می‌سازد.

آن چه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذشته‌اند، در آن تابوت موجود است و نیز الواح و عصای موسی و قبای هارون و ده صاع از غذایی که بر بنی اسرائیل فرود می‌آمد و مرغ‌های بریانی که بنی اسرائیل، برای آیندگان خود ذخیره کرده‌اند،

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۴۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳؛ تبصرة الولی، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.

۲. اشاره به این آیه شریفه است: ﴿إِرم ذات العماد﴾ التي لم یخلق مثلها فی البلاد؛ ای رسول خدا! آیا ندیدی که خدای تو مردم شهر ازم را که صاحب قدرت و عظمت بودند، چگونه کیفر داد؟ در صورتی که مانند آن شهر در استحکام و بزرگی در جهان نبود. فجر (۸۹) آیه ۸. مقصود این حدیث آن است که چنین شهر پرشکوه و با عظمتی برای عیسی علیه السلام دوباره آشکار می‌شود و این شهر مخفی، پدیدار می‌گردد.

در آن می‌باشد. آن‌گاه به کمک آن تابوت شهرها را می‌گشاید؛ همان‌گونه که پیش از او نیز چنین کردند.^۱

ینابیع المودة، این مطلب را با اندکی تغییر به حضرت مهدی (عج) نسبت می‌دهد و می‌گوید «حضرت مهدی (عج) از غاری در سرزمین انطاکیه، کتاب‌هایی را بیرون می‌آورد و کتاب زبور داود را از دریاچه طبرستان بیرون می‌آورد. در آن کتاب، یادگارهای خاندان موسی و هارون موجود است و فرشتگان آن را بر دوش می‌کشند و الواح و عصای موسی علیه السلام در آن است».^۲

۱. غایة المرام، ص ۶۹۷؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰؛ الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ر.ک: ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، ۵۴۱.

۲. ینابیع المودة، ص ۴۰۱؛ ابن حماد، فتن، ص ۹۸؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۷؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۷.

شیوه رفتار امام علیه السلام با دشمنان

پس از قرن‌ها انتظار و تحمل رنج، سرانجام روزگار ستم و تاریکی‌ها به سر آمده، پرتو خورشید سعادت، نمایان می‌گردد و شخصیت بزرگی که با یاری الهی، بنای زدودن آثار ستم و جور را دارد، ظهور می‌کند. آن حضرت، دست به اصلاحات گسترده و دگرگونی‌های بنیادی در دو بُعد معنوی و مادی می‌زند و جامعه بشری را چنان سامان می‌بخشد که خشنودی خداوند را در پی داشته باشد.

در این میان، اگر اشخاص، احزاب و گروه‌هایی بخواهند با ایجاد مشکلات، مانع این قیام عظیم شوند یا با اخلاص‌گری حرکت قیام او را کند نمایند، دشمنان سرسخت بشریت و دین الهی محسوب می‌شوند و کیفر آنان جز نابودی به دست قدرتمند حضرت مهدی نخواهد بود.

افراد اخلاص‌گر در انقلاب امام، کسانی هستند که دستشان به خون بشریت آلوده است یا انسان‌های بی‌تفاوتی هستند که در برابر جنایات تجاوزگران، سکوت پیشه کرده، ولی در برابر حضرت، پرچم مخالفت بر می‌دارند و یا کج فهمانی هستند که درک خود را بر سخن حضرت برتری می‌دهند. طبیعی است که باید آنان با قاطعیت تمام سرکوب شوند تا جامعه بشری برای همیشه از شر آنان مصون بماند. از این رو، روش و سیاست حضرت مهدی (عج) با آنان بسیار قاطعانه و بدون اغماض است.

در این فصل به بررسی دو مطلب اساسی که از روایات فهمیده می‌شود، می‌پردازیم:

الف) قاطعیت امام علیه السلام در رویارویی با دشمنان

آنچه در این قسمت مورد نظر است، این که حضرت در برخورد با دشمنان،

از یک نوع مجازات استفاده نمی‌کند؛ بلکه برخی از آنان را در جنگ نابود می‌سازد و حتی فراریان و زخمیان آنان را نیز تعقیب می‌کند. گروهی را اعدام نموده، خانه‌هایشان را ویران می‌کند و گروهی را تبعید می‌نماید و دست برخی را قطع می‌کند.

۱. جنگ و کشتار

زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا روش و سیاست حضرت قائم (عج) همانند روش پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود؟ امام علیه السلام فرمود: «هرگز، هرگز؛ ای زراره! او سیاست پیامبر صلی الله علیه و آله (در برخورد با دشمنان) را در پیش نمی‌گیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ملایمت و نرمی و مهربانی رفتار می‌کرد تا دل‌ها را به دست آورد و مردم با آن حضرت اُلفت گیرند؛ ولی حضرت قائم (عج)، سیاست قتل را در پیش می‌گیرد و طبق دستوری که دارد، رفتار می‌کند و توبه کسی را نمی‌پذیرد. پس وای بر کسی که با او مخالفت کند».^۱

حسن بن هارون می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. معلی بن خنیس از حضرت پرسید: آیا هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، برخلاف روش امیر مؤمنان علیه السلام در برخورد با مخالفان رفتار می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود: «آری؛ علی علیه السلام ملایمت و نرمش را در پیش گرفت؛ چون می‌دانست پس از او دشمنان بر یاران و شیعیانش چیرگی پیدا می‌کنند؛ ولی سیاست حضرت قائم (عج) قهر و غلبه و به اسارت گرفتن آنان است؛ زیرا می‌داند که پس از او کسی بر شیعیان تسلط نخواهد یافت».^۲

حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، جز خون ریختن (و کشتن دشمنان) و عرق کردن^۳ (در اثر جنگ و تلاش زیاد) و خوابیدن بر زمین اسب‌ها (به سبب پیکارهای فراوان) نخواهد بود».^۴

مفضل می‌گوید: امام صادق علیه السلام یادی از حضرت قائم (عج) به میان آورد. من عرض کردم:

۱. نعمانی، غیبة، ص ۲۳۱؛ عقد الدرر، ص ۲۲۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۲. برقی، محاسن، ص ۳۲۰؛ کافی، ج ۵، ص ۳۳؛ علل الشرائع، ص ۱۵۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۱.

۳. شاید مراد از «العرق» رگ، و کنایه از گردن زدن باشد.

۴. نعمانی، غیبة، ص ۲۸۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۳.

امیدوارم که برنامه و حکومت حضرت به آسانی برقرار شود. حضرت فرمود: «خیر؛ چنان نمی شود مگر آن که سختی های بسیاری را ببینید».^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: «علی علیه السلام فرمود: برای من روا بود که فراریان را به قتل برسانم و زخمیان را بکشم؛ ولی دست به این کار نازدم؛ برای این که اگر شیعیان قیام کردند، زخمیانشان را به قتل نرسانند؛ ولی برای حضرت قائم (عج) جایز و رواست و زمینه وجود دارد که فراریان را به قتل برساند و زخمیان را نابود گرداند».^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید: «اگر مردم می دانستند که حضرت قائم (عج) چه برنامه ای دارد و چه کارهایی انجام می دهد، اکثر آنان آرزو می کردند که هرگز آن حضرت را نبینند؛ زیرا حضرت کشتار زیادی می کند و به یقین اولین کشتار را در قبیله قریش خواهد داشت. پس از قریش نخواهد گرفت جز شمشیر و به آنان نخواهد داد مگر شمشیر. حضرت مهدی (عج) کار را به جایی می رساند که بسیاری از مردم می گویند. این شخص از آل محمد علیهم السلام نیست و اگر از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، رحم می کرد».^۳

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی (عج) با برنامه ای نو، سنتی جدید و قضاوتی تازه قیام می کند. بر عرب ها روزگار بسیار سختی خواهد بود و شایسته شأن و موقعیت او جز کشتن دشمنان نیست».^۴

۲. اعدام و تبعید

عبدالله مغیره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، پانصد نفر از قریش را ایستاده اعدام می کند. سپس پانصد نفر دیگر را به همین گونه اعدام می نماید و این کار شش بار تکرار می شود». عبدالله می پرسد: آیا تعدادشان به این اندازه می رسد؟ حضرت فرمود: «آری؛ خودشان و دوستانشان».^۵

۱. نعمانی، غیبه، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۳.

۲. نعمانی، غیبه، ص ۲۳۱؛ ر.ک: التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۴.

۳. نعمانی، غیبه، ص ۲۳۱؛ عقد الدرر، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.

۵. مفید، ارشاد، ص ۳۶۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ كشف الغممة، ج ۳، ص ۲۵۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، ۳۴۹.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، بر یک یک ناصبیان، ایمان را عرضه می کند، اگر به حقیقت، آن را بپذیرند، آنان را رها می سازد و گرنه هر کس که ایمان را نپذیرفت، گردنش را می زند یا از او جزیه می گیرد - چنان که امروز از اهل ذمه می گیرند - و او را به روستاها و آبادی های دور تبعید می کند».^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، دشمنان ما را از چهره های شان تشخیص می دهد. آن گاه آنان را از سر و پاهای شان می گیرد و با شمشیر به آنان می زند (و آنان را نابود می کند)».^۲

۳. قطع دست

هر وی می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: حضرت قائم پیش از هر کاری به چه چیز خواهد پرداخت؟ حضرت فرمود: «در آغاز به سراغ بنی شیبه می رود و دست های آنان را قطع می کند؛ چون آنان دزدان خانه خدایند».^۳

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، بنی شیبه را دستگیر کرده، دست های شان را قطع می کند و آنان را در میان مردم می گرداند و اعلام می کند که اینان دزدان خانه خدا هستند».^۴

نیز می فرماید: «نخستین رویارویی، برخورد حضرت با بنی شیبه است. دست های آنان را قطع می کند و بر کعبه می آویزد و از سوی حضرت اعلام می شود که اینان دزدان خانه خدایند».^۵

شیبه، در فتح مکه مسلمان گشت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را کلیددار خانه کعبه کرد و طایفه بنی شیبه تا مدت ها کلیددار و پرده دار خانه خدا بودند.^۶

مرحوم مامقانی می گوید: بنی شیبه از دزدان خانه خدایند و این شاء الله دست های شان

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۰؛ مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷؛ المحجّه، ص ۴۲۹.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

۴. علل الشرائع، ج ۲، ص ۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۵. نعمانی، غیبه، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ۳۶۱.

۶. اسد الغابة، ج ۳، ص ۷، ۳۷۲.

به این جرم، قطع می‌شود و بر دیوار کعبه آویزان می‌گردد.^۱

ب) برخورد با گروه‌های مختلف

هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام می‌کند، با گروه‌ها و دسته‌های گوناگونی برخورد خواهد کرد. برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلامند و گروهی هر چند به ظاهر مسلمانند، ولی منافقانه رفتار می‌کنند و یا از مقدس‌نماهای کج‌فهمی هستند که با حضرت مخالفت می‌نمایند و یا پیرو فرقه‌های باطل می‌باشند. امام علیه السلام با هر یک ستیز خاصی دارد که با نقل روایاتی آن را بازگو می‌کنیم:

۱. قوم عرب

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آن‌گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ نظامی) نخواهد بود».^۲

نیز آن حضرت در حالی که با دست به گلوی خود اشاره می‌کرد، فرمود: «میان ما و عرب راهی جز بریدن سرها نمانده است».^۳ شاید مراد، زمامداران و فرمانروایان خود سر آنان است و یا مراد پیروان مذهب دیگر اسلامی باشد.

امام صادق علیه السلام در زمینه ستیز با قریش می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قیام کند... قریش را هدف قرار می‌دهد. از آنان نمی‌ستاند جز شمشیر و به آنان نمی‌دهد جز شمشیر».^۴

شاید مراد از «از قریش نمی‌گیرد مگر شمشیر» این باشد که قریش از حضرت فرمانبرداری نمی‌کنند و در اخلاص‌گری و ایجاد مشکلات می‌کوشند و به‌طور مستقیم و غیر مستقیم سبب پیکار و جنگ با حضرت می‌شوند و حضرت نیز جز اسلحه، روش دیگری را مناسب نمی‌بیند.

۱. تنبیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲ و ۳. نعمانی، غیبة، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۴. نعمانی، غیبة، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۲. اهل کتاب

عبدالله بن بکیر از امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه ﴿وَلَهُ أَسْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^۱ هر آن که در آسمان و زمین است چه از روی اختیار یا اجبار مطیع فرمان خداست ﴿سؤال کرد.

امام فرمود: «این آیه درباره قائم (عج) فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئیان، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آن چه فرد مسلمان مأمور به انجام آن است، رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می زند تا آن که در شرق و غرب جهان، یک کافر بر جای نماند.»

عبدالله بن بکیر پرسید: قربانت گردم، در روی زمین مردم بسیاری هستند؛ چگونه حضرت می تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟
امام کاظم علیه السلام فرمود: «وقتی خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را بسیار اندک می گرداند.»^۲

شهر بن حوشب می گوید: حجاج به من گفت: ای شهر! در قرآن آیه ای است که مرا خسته کرده است (و معنای آن را نمی فهمم). گفتم: کدام آیه؟ گفت: آن جا که خداوند می فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾^۳ هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که قبل از مرگش ایمان می آورد ﴿و مکرر اتفاق افتاده است که فردی نصرانی یا یهودی را پیش من می آورند و گردنش را می زنم و آن گاه به لب هایش خیره می شوم، ولی حرکتی نمی کند تا این که نفس او قطع می شود.

شهر بن حوشب می گوید: به او گفتم: معنای آیه، این نیست که تو پنداشتی؛ بلکه مراد این است که وقتی پیش از قیامت، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و به

۱. آل عمران (۳) آیه ۸۴.

۲. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. نساء (۴) آیه ۱۵۹.

حضرت قائم (عج) اقتدا کند. در آن هنگام هیچ یهودی و نصرانی نمی ماند، مگر آن که پیش از مرگ به او ایمان می آورد.

حجاج پرسید: این تفسیر را از کجا فرا گرفته ای و چه کسی آن را به تو آموخته است؟
گفتم: این تفسیر را امام باقر علیه السلام فرمود. حجاج گفت: از چشمه ای زلال به دست آورده ای.^۱
رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «قیامت برپا نمی شود، مگر آن که با یهود بجنگید. آن گاه یهودیان (شکست خورده) می گریزند و پشت سنگ ها پنهان می شوند؛ ولی سنگ فریاد می زند: ای مسلمان! ای بنده خدا! این یهودی پشت من پنهان شده است.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «... یهودیانی که با دجال هستند، می گریزند و پنهان می شوند؛ ولی درختان و سنگ ها فریاد برمی آورند: ای روح الله! این یهودی است.
حضرت نیز آنان را می کشد و کسی را بر جای نمی گذارد.»^۳

البته از روایات دیگری فهمیده می شود که ستیز و رویارویی حضرت با اهل کتاب همیشه یکسان نبوده، بلکه در مواردی با دریافت جزیه به آنان اجازه می دهد به دین خودشان بر جای بمانند و با گروهی به بحث و مناظره پردازد و آنان را با این روش به اسلام دعوت می کند و ممکن است بگوییم در آغاز قیام با آنان به بحث می پردازد و با کسانی که حق را پنهان سازند، می جنگد.

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حضرت قائم (عج) تا پایان زندگانی در مسجد سهله (کوفه) خواهد ماند؟ فرمود: «آری». پرسیدم: اهل ذمه، در نظرش چگونه خواهند بود؟ فرمود: «با آنان از راه مسالمت آمیز وارد می شود؛ هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می کرد. آنان در حال خواری جزیه می پردازند.»^۴

ابن اثیر می گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه ای نمی ماند که جزیه پردازد.^۵

۱. تفسیر قمی، ص ۱۴۶؛ احتفای الحق، ج ۱۳، ص ۳۳۲؛ العرائس الواضحه، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹.
ابن اثیر می گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه ای نمی ماند که جزیه پردازد. شاید مراد این باشد که اهل ذمه یا اسلام می آوردند یا کشته می شدند. البته روایاتی نیز برخلاف این معنا وارد شده است؛ نهایی، ج ۵، ص ۱۹۷.
۲. احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۹۸، ۵۲۰.
۳. احمد، مسند، ج ۳، ص ۳۶۷؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۰۳؛ ر.ک: ابن حنبل، فتن، ص ۱۵۹؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۹.
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.
۵. نهایی، ج ۵، ص ۱۹۷.

ابن شوذب می‌گوید: بدین علت به حضرت قائم (عج) مهدی می‌گویند که به سوی یکی از کوه‌های شام هدایت می‌شود و در آن جا اسفار تورات را خارج می‌سازد و با آن با یهودیان به بحث و مناظره می‌پردازد و گروهی از آنان به دست حضرت اسلام می‌آورند.^۱

۳. فرقه‌های باطل و منحرف

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وای به حال مرجئه! فردا هنگامی که قائم ما قیام کند. به چه کسی پناه خواهند برد؟» راوی گفت: می‌گویند، در آن هنگام که ما و شما در برابر عدالت یکسان خواهیم بود؟ فرمود: «هر یک از آنان توبه کند، خدا از او می‌گذرد و اگر در درون خود نفاق و دورویی داشته باشد، خداوند جز او کسی را تبعید و آواره نمی‌کند و اگر چیزی از آن نفاق را آشکار سازد، خداوند خونس را خواهد ریخت». سپس فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، هم‌چنان که قصاب، گوسفندش را سر می‌برد، آنان را خواهد کشت و با دست به گردن مبارکش اشاره کرد».

راوی گفت: می‌گویند که اگر حضرت ظهور کند، همه کارها و فعالیت‌ها به نفع حضرت خواهد بود و ایشان خونی نمی‌ریزد. امام علیه السلام فرمود: «خیر؛ به خدا سوگند (این چنین نخواهد شد) تا این که ما و شما خون آنان را بریزیم و عرق را از خویش پاک کنیم» و با دست مبارک به پیشانی اشاره کرد.^۲

امیر مؤمنان علیه السلام پس از شکست خوارج به هنگام گذشتن از کشتگان آنان فرمود: «آن کس شما را به کشتن داد که شما را فریفت».

پرسیده شد: او کیست؟ فرمود: «شیطان و نفس‌های پلید» اصحاب گفتند: خداوند، ریشه آنان را تا پایان دنیا قطع کرد.

حضرت پاسخ داد: «خیر؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنان در صلب‌های مردان و رحم زنان خواهند بود و پی در پی خروج خواهند کرد تا آن‌که به سرکردگی شخصی به نام اشمط بین رودهای دجله و فرات خروج کنند. در آن روزگار مردی از اهل بیت ما به جنگ او می‌رود و او را به هلاکت می‌رساند و از آن پس هیچ قیامی از

۱. عقد الدرر، ص ۴۰.

۲. نعمانی، غیبه، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۷.

خوارج تا روز قیامت نخواهد بود».^۱

نیز آن حضرت درباره فرقه بتریه^۲ می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، به سوی کوفه رهسپار می شود. در آنجا تعداد ده هزار نفر - که آنان را بتریه می نامند، در حالی که سلاح بر دوش گرفته اند - جلو حضرت را می گیرند و می گویند: از همان جا که آمده ای، بازگرد؛ زیرا ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. حضرت شمشیر می کشد و همگی را از دم تیغ می گذراند».^۳

۴. مقدس نماها

امام باقر علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی (عج) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آنجا شانزده هزار نفر از بتریه مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند؛ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های آنان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره های شان در اثر شب زنده داری زرد شده است و نفاق سراپای شان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند: ای فرزند فاطمه! از همان راه که آمده ای بازگرد، زیرا به تو نیازی نداریم».

حضرت مهدی (عج) در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند. در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی شود».^۴

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام می فرمود: «مشکلاتی که صاحب این امر، هنگام ظهور، از مردم می بیند، به اندازه ای مشکلات پیامبر صلی الله علیه و آله یا بیش تر از آن است».^۵

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. بتریه یکی از فرقه های زیدیه از پیروان کثیرالنوی می باشند. آنان عقاید مشابهی با سلیمانیه یکی دیگر از فرقه های زیدیه دارند. در اسلام و کفر عثمان توقف و تردید دارند. در مسائل اعتقادی مشرب اعتزال و در فروع فقهی بیش تر پیرو ابوحنیفه هستند. گروهی از آنان نیز پیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند؛ بهجة الآمال، ج ۱، ص ۹۵؛ ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳. ارشاد، ص ۳۶۴؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۳۵۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۴. دلائل الامامة، ص ۲۴۱؛ طوسی، غیبة، ص ۲۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۹۸.

۵. نعمانی، غیبة، ص ۲۹۷؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲؛ بشارة الاسلام، ص ۲۲۲.

فضیل می گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، بیش از آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله از جاهلان دوران جاهلیت ناراحتی دید، از جاهلان رنج و ناراحتی خواهد دید». پرسیدم: چگونه و چرا؟ فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله در روزگاری مبعوث شد که مردم سنگ و چوب و بت های تراشیده شده را می پرستیدند، ولی قائم ما در روزگاری قیام می کند که با قرآن علیه حضرت احتجاج می کنند و آیات را علیه آن حضرت تأویل می نمایند»^۱.

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت قائم (عج) آن قدر از انسان ها می کشد تا ساق پا را خون فرا می گیرد. شخصی از فرزندان پدرش به حضرت اعتراض شدید می کند و می گوید: مردم را از خود دور می کنی؛ هم چنان که گوسفندان را رم می دهند! آیا این روش، طبق دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟

یکی از یاران حضرت از جای برمی خیزد و می گوید: سکوت می کنی یا گردنت را بزنم!؟

حضرت عهد و پیمانی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه دارد، بیرون می آورد و ارائه می کند»^۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، گروهی از دین و ولایت خارج می شوند؛ در صورتی که پنداشته می شد که آنان از پیروان حضرت می باشند. نیز افرادی ولایت حضرت را می پذیرند؛ در صورتی که مانند آفتاب پرستان و ماه پرستان بودند»^۳.

۵. ناصبی ها

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند. اگر به اسلام - که همان ولایت اهل بیت است - اقرار کردند، آنان را رها می کند و گرنه به قتل می رسند، یا آنان را به پرداخت جزیه - هم چنان که اهل ذمه می پردازند - ملزم می کند»^۴.

۱. همان جا.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.

۳. نعمانی، غیبة، ص ۳۱۷؛ طوسی، غیبة، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳، ۳۲۹.

۴. تفسیر فرائد، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، بر یک یک ناصبیان ایمان را عرضه می کند؛ اگر پذیرفتند، آنان را رها می سازد و گرنه گردنشان را می زند، یا از آنان جزیه می گیرد. چنان که امروز از اهل ذمه جزیه می گیرند و آنان را از شهرها به روستاها (و کشتزارها) تبعید می کنند».^۱

مرحوم مجلسی می گوید: شاید این حکم مربوط به آغاز قیام باشد؛ زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جزایمان پذیرفته نمی شود و اگر نپذیرند، کشته می شوند.^۲

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رفتار امام مهدی (عج) با ناصبی ها و کسانی که با شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود: «ای ابا محمد! در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خون های شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد؛ ولی امروز خونشان بر ما و شما حرام است. پس کسی تو را فریب ندهد و بدان روزگاری که قائم ما قیام کرد، حضرت برای خدا و رسولش و برای ما انتقام خواهد گرفت».^۳

۶. منافقان

در تفسیر آیه ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾^۴ اگر شما عناصر کفر و ایمان از یک دیگر جدا می گشتید، همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می ساختیم، امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، در صُلب کافران و منافقان، امانت هایی از مؤمنان دارد. حضرت قائم ما ظهور نمی کند، مگر آن که آن امانت ها را خداوند از صُلب آنان بیرون آورد (و آن مؤمنان متولد شوند). پس از آن، حضرت کافران و منافقان را به قتل می رساند».^۵

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان، حدّ خدا را جاری می کند».^۶

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۳.

۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۴. فتح (۴۸) آیه ۲۵.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۱؛ المحجّه، ص ۲۰۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷.

۶. التهذيب، ج ۶، ص ۱۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۲؛ ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۴۵۵.

امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی (عج) را برانگیزد. آن حضرت به انتقام خون من از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد».^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «چون حضرت قائم قیام کند ... به کوفه می‌آید و در آن جا همه منافقان را (که به امامت حضرت عقیده ندارند) به قتل می‌رساند و کاخ‌های آنان را ویران می‌کند و با جنگجویان آنان می‌جنگد و آن قدر از آنان می‌کشد تا خداوند خشنود گردد».^۲

۷. شیطان

وهب بن جمیع می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: ﴿فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۳ (خداوند فرمود): آری، به تو (شیطان) مهلت داده خواهد شد تا به وقت معین و روز معلوم ﴿﴾، این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «آیا پنداشته‌ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می‌کند (و اجازه قیام می‌دهد)، حضرت به مسجد کوفه می‌رود. در آن هنگام شیطان در حالی که بازانوان خود راه می‌رود، به آن جا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز!

حضرت مهدی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد».^۴

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳. حجر (۱۵) آیه ۳۸.

۴. عباسی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴.

علامه سید محمد حسین طباطبائی، روایت دیگری را به همین مضمون از تفسیر قمی آورده، در دنباله آن می‌فرماید: روایات وارد شده از اهل بیت علیهم السلام در تفسیر اکثر آیات قیامت که گاهی آیات را به ظهور حضرت مهدی (عج) و گاهی به رجعت و گاهی به قیامت تفسیر می‌کند، شاید بدین لحاظ است که این سه روز در ظاهر شدن حقایق شریکند؛ هر چند از حیث شدت و ضعف با هم اختلاف دارند؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۸۴؛ الرجعة فی احادیث الفرقین .

فصل هفتم

احیای سنت محمدی صلی الله علیه و آله

در زمینه احکام جدید و قضاوت‌های حضرت مهدی و اصلاحاتی که حضرت انجام می‌دهد، روایات بسیاری وجود دارد؛ احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری ندارد. قانون ارث برادر در عالم ذر، کشتن شرابخوار، کشتن فرد بی‌نماز، اعدام دروغگو، تحریم سود گرفتن از مؤمن در معاملات، نابودی مناره‌های مساجد و برداشتن سقف مساجد از آن جمله است. روش‌هایی که حضرت در کارها و امور اتخاذ می‌کند - که در فصل قبل گذشت - نیز از این‌گونه است.

در روایات از این تغییرات با عباراتی مانند قضای جدید، سنت جدید، دعای جدید و کتاب جدید نام برده شده است که ما آن را جز زنده کردن سنت محمدی نمی‌دانیم؛ ولی دگرگونی‌ها به اندازه‌ای چشمگیر است که وقتی مردم با آن رو به رو می‌شوند، با تعبیر «او دین جدیدی آورده است» یاد می‌کنند.

در صورتی که صدور این روایات از معصومین ثابت شود، توجه به چند نکته در این باره ضروری است:

۱. برخی از احکام الهی هر چند از سوی خداوند پایه ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم می‌شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می‌کند.

۲. با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف‌گران، دگرگونی‌ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و حضرت قائم (عج) پس از ظهور آنها را تصحیح و

تعدیل می‌کند.

در کتاب القول المختصر آمده است: بدعتی را بر جای نمی‌گذارد و سنتی نمی‌ماند مگر آن که آن را احیا می‌کند.^۱

۳. چون فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده‌اند با حکم واقع مطابقت ندارد؛ هر چند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است؛ ولی در حکومت امام زمان (عج)، حضرت، احکام واقعی را بیان می‌فرماید.

۴. برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه به صورت غیر واقعی اعلام شده است که در روزگار حضرت، تقیه برداشته می‌شود و حکم واقعی بیان می‌گردد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، تقیه از بین می‌رود و حضرت، شمشیر را از نیام بیرون می‌کشد و از مردم جز شمشیر نمی‌گیرد و به آنان جز شمشیر نمی‌دهد».^۲

درباره موارد بالا به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم:

امام صادق (ع) ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید: «بر شما (مسلمانان) است که تسلیم (امر ما) باشید و امور را به ما بازگردانید و به انتظار حکومت ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و شما بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخنگوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد - به همان شکلی که بر محمد (ص) نازل شده است -، دانشمندان شما این رفتار حضرت را، انکار کرده، مورد اعتراض قرار می‌دهند و بر دین خدا و راه او استوار و پابرجا نمی‌شوید، مگر در سایه شمشیر؛ شمشیری که بالای سر شما باشد.

خداوند، سنت امت‌های پیشین را بر این مردم قرار داده؛ ولی آنان، سنت‌ها را تغییر داده، و دین را تحریف کردند. هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر این که از شکل وحی شده‌اش تحریف گشته است. خدا تو را رحمت کند. به هر چه فراخوانده می‌شوی،

۱. قيل: «لا یتروک بدعة إلا أزالها ولا سنة إلا أحيها»؛ القول المختصر، ص ۲۰.

۲. تأویل الآيات الظاهرة، ج ۲، ص ۵۴۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴.

بپذیر تا آن کس که دین را تجدید می‌کند، فرارسد».^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ظهور کند، مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به سوی (اسلام) هدایت می‌نماید، در حالی که اسلام کهنه و نابود شده، مردم از آن گمراه گشته‌اند».^۲

از این روایت فهمیده می‌شود که امام دین جدیدی را به جهان عرضه نمی‌کند؛ بلکه چون مردم از اسلام واقعی منحرف شده‌اند، حضرت دوباره به آن دین دعوت می‌کند؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دعوت کرد.

امام صادق علیه السلام به برید فرمود: «ای بریدا! به خدا سوگند، هیچ حریمی برای خداوند نماند، مگر این‌که آن را دریدند و هرگز به کتاب خدا و سنت پیامبرش در این جهان عمل نشد و از روزی که امیر مؤمنان رحلت کرد، هرگز حدّ خداوند در بین مردم جاری نگشت». آن‌گاه فرمود: «به خدا سوگند روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد، مگر آن که خداوند مردگان را زنده و زندگان را بمیراند و حق را به صاحبش بازگرداند و آیین خود را - که برای خود و پیامبرش پسندیده است - برپا دارد. بر شما بشارت باد، بشارت باد شما را. به خدا سوگند که حق فقط و فقط در دست شماست».^۳

این روایت نشان می‌دهد که دگرگونی‌ها برای غیر شیعه بیش‌تر چشمگیر است؛ هر چند برخی از موارد برای آنان نیز تازگی دارد.

در این فصل، دگرگونی‌ها و اصلاحات در روزگار امام زمان (عج) را در سه قسمت: احکام جدید، اصلاحات و تجدید بناها و قضاوت‌های تازه بیان می‌کنیم:

الف) احکام جدید

۱. اعدام زناکار و منع کننده از زکات

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «در اسلام به حکم خدا دو خون حلال است، ولی کسی به آن حکم نمی‌کند تا این‌که خداوند، قائم اهل بیت علیهم السلام را بفرستد.

۱. کشی، رجال، ص ۱۳۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۶؛ العوالم، ج ۳، ص ۵۵۸.

۲. مفید، ارشاد، ص ۳۶۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۳. التهذیب، ج ۴، ص ۹۶؛ ملاذ الاخیار، ج ۶، ص ۲۵۸.

او به حکم خدا حکم خواهد کرد و بیینه و شاهدهی نمی طلبد. حضرت زناکار محصن را (مرد زن دار و زن شوهر دار) را سنگسار می کند و کسی که زکات نمی دهد گردنش را می زند.^۱

امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، در سه مورد چنان حکم می کند که کسی پیش از او آن گونه حکم نکرده است. آن حضرت پیرمرد زناکار را اعدام می کند و کسی را که مانع زکات می شود، به قتل می رساند و ارث برادر را به برادر مقامی (که در عالم ذر با هم برادر بودند) می دهد.^۲

علامه حلی درباره حکم اعدام منع کننده زکات می فرماید: در همه عصرها، مسلمانان بر وجوب زکات اتفاق نظر داشته اند و زکات را یکی از پایه های پنج گانه اسلام می دانند. در نتیجه کسی که واجب بودنش را نپذیرد و مسلمان فطری باشد و بین مسلمانان بزرگ شده باشد، او را بدون توبه دادن اعدام می کنند و اگر این فرد، مسلمان ملی باشد تا سه بار پس از ارتداد، توبه اش می دهند و پس از آن اعدام می شود، این احکام در صورتی است که فرد علم و آگاهی به وجوب آن داشته باشد؛ ولی اگر وجوب آن را نداند، حکم به کفرش نمی شود.^۳

مجلسی اول، در شرح این روایت، ضمن بیان وجوهی می فرماید: شاید مراد این باشد که حضرت در این دو مورد بر طبق علم خود حکم و قضاوت می کند و نیازی به شاهد نخواهد داشت؛ چنان که این روش در دیگر قضاوت های حضرت نیز می باشد ولی راز اختصاص دادن به این دو مورد به لحاظ اهمیت آن است.^۴

۲. قانون ارث

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «خداوند، ارواح را دو هزار سال پیش از بدن ها آفرید. هر یک از آنها که با دیگری در آسمان ها آشنا شد، در زمین نیز با هم آشنا خواهند بود و هر کدام که

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۰۳؛ الفقیه، ج ۲، ص ۱۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵.

۲. صدوق، خصال، باب ۳، ص ۱۳۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵.

۳. تذکرة الفقهاء، ج ۵، ص ۷. کتاب زکات؛ رک: مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۱۴.

۴. روضة المتقین، ج ۳، ص ۱۸.

از دیگری بیگانه بوده است، در زمین نیز چنان خواهد بود. هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، به برادر دینی ارث می دهد و ارث برادر نسبی را قطع می کند و این است معنای قول خداوند در سوره مؤمنون: ﴿فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾^۱ پس هنگامی که در شیپور صور دمیده شود، هیچ نسبی بین آنان نخواهد بود و هرگز از علت آن جويا نخواهند شد^۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند دو هزار سال پیش از آن که پیکرها را بیافریند، بین ارواح برادری برقرار کرد. هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کند، برادرانی که بینشان برادری برقرار شده است، از یک دیگر ارث می برند و برادران نسبی که از یک پدر و مادر هستند از یک دیگر ارث نمی برند»^۳.

۳. کشتن دروغگویان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، نخست به سراغ دروغگویان شیعه می رود و آنان را به قتل می رساند»^۴.
احتمال دارد که مراد از این افراد، منافقان یا مدعیان مهدویت و بدعت گذاران در دین باشد که سبب انحراف مردم شدند.

۴. پایان حکم جزیه

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خداوند، دنیا را به پایان نمی رساند، مگر آن که حضرت قائم از ما قیام کند و دشمنان ما را نابود سازد و دیگر جزیه را نپذیرد و صلیب و بت ها را بشکند و دوران جنگ و خونریزی به پایان رسد و مردم را برای دریافت مال و ثروت فراخواند و اموال را در بین آنان یکسان تقسیم کند و در میان مردم به عدالت رفتار نماید»^۵.

۱. مؤمنون (۲۳) آیه ۱۰۱.

۲. دلائل الامامة، ص ۲۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۲۰؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۴۰۲.

۳. الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۴؛ صدوق، عقاید، ص ۷۶؛ حصینی، هدایه، ص ۶۴، ۸۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۹؛ روضة المتقین، ج ۱۱، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۹ و ج ۱۰۱، ص ۳۶۷.

۴. کشی، رجال، ص ۲۹۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۱.

۵. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶.

پیامبر خدا ﷺ درباره شکستن صلیب‌ها و کشتن خوک‌ها - که به معنای پایان یافتن دوران مسیحیت و حکم جزیه است - می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به عنوان فرمانروایی دادگر ظهور می‌کند و صلیب‌ها را می‌شکند و خوک‌ها را می‌کشد و دستور می‌دهد، کارگزارانش مال و ثروت را برداشته، در شهرها بگردند تا هر کس نیازمند است، از آن بردارد؛ ولی کسی پیدا نمی‌شود که اظهار نیازمندی کند».^۱

شاید این حدیث کنایه از پایان دوران مسیحیت و اهل کتاب باشد.

۵. انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین ﷺ

هروی می‌گوید: به حضرت رضا ﷺ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! نظرتان درباره این سخن امام صادق ﷺ که می‌فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند، بازماندگان از قاتلان امام حسین ﷺ به کیفر کردار پدرانشان کشته می‌شوند» چیست؟ حضرت رضا فرمود: «این سخن صحیح است».

گفتم: پس این آیه قرآن ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾؛ گناه کسی را به پای کسی نمی‌نویسند، چه معنایی دارد؟

فرمود: «آن چه خداوند می‌فرماید: صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام حسین ﷺ، به کردار پدرانشان خرسند هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است.

و حضرت قائم (عج) که فرزندان قاتلان امام حسین ﷺ را هنگام ظهورش نابود می‌سازد؛ برای این است که آنان از کردار پدرانشان خشنود هستند».

گفتم: قائم شما از چه طایفه‌ای شروع می‌شود؟ فرمود: «از بنی شیبه شروع می‌کند و دست‌های آنان را قطع می‌نماید؛ زیرا آنان دزدان خانه خدا در مکه معظمه هستند».^۳

۱. عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ القول المختصر، ص ۱۴.

۲. کتف (۱۸) آیه ۹.

۳. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ الثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵.

۶. حکم رهن و وثیقه

علی می گوید: پدرم، سالم از امام صادق علیه السلام درباره حدیث «کسی که به رهن و سپردن وثیقه، از برادر مؤمن خود مطمئن تر باشد من از او بی‌زام»؛ سؤال کردم. امام صادق علیه السلام فرمود: «این مطلب در دوران قائم ما اهل بیت است».^۱

۷. سود تجارت

سالم می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن از مؤمن برای برادر مؤمنش حرام و ریاست؟ حضرت فرمود: «این مطلب در هنگامی است که قائم ما اهل بیت ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد».^۲

مجلسی اول پس از قوی دانستن سند این روایت، می فرماید: از این روایت به دست می آید، روایاتی که سود گرفتن از مؤمن را مکروه دانسته، آن را ربا می خوانند، مبالغه نیست و ممکن است در حال حاضر مکروه باشد، ولی در زمان حضرت قائم (عج) حرام گردد.^۳ ولی مجلسی دوم ضمن مجهول خواندن این روایت می گوید: شاید حرمت در این دو مورد، مقید به زمان قیام حضرت حجّت باشد.^۴

۸. کمک برادران دینی به یک دیگر

اسحاق می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد و آن گاه فرمود: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می شود و باید آنان را تقویت و کمک کنند».^۵

۹. حکم قطایع

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن گاه که قائم ما قیام کند، قطایع (و مالکیت اموال غیر منقول) از

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۰۰؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

۲. روضة المتقین، ج ۷، ص ۳۷۵.

۳. ملاذ الاخیار، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

۴. صدوق، مصادقة لآخوان، ص ۲۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵.

بین می‌رود؛ به گونه‌ای که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.^۱
 قطایع که همان مالکیت‌های بزرگ مانند روستاها، اراضی بسیار و قلعه‌هاست و پادشاهان و قدرتمندان آنها را به نام خود ثبت می‌کنند، همگی در روزگار امام زمان (عج) به آن حضرت تعلق دارد.

۱۰. حکم ثروت‌ها

معاذبن‌کثیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شیعیان ما در فراخی بوده، آزادند از این‌که آن‌چه را به دست می‌آورند، در راه خیر و نیکی مصرف کنند؛ ولی هنگامی‌که قائم ما قیام کند، بر هر گنجینه‌داری، اندوخته‌اش حرام می‌شود؛ مگر آن‌که آن را به خدمت آن حضرت آورد و از آن در جنگ با دشمن، یاری و کمک بگیرد و این است سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛^۲ کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده»^۳.

ب) اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد

۱. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن

اصبغ بن نباته می‌گوید: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام ورود به مسجد کوفه - که در آن هنگام باخزف و گل پخته ساخته شده بود - فرمود: «وای بر کسی که تو را ویران کرد! وای بر کسی که زمینه ویرانی تو را آسان کرد! وای بر آن که تو را با گل و خاک پخته بنا کرد و جهت قبله نوح علیه السلام را تغییر داد!» آن‌گاه ادامه داد: «خوشا به حال کسی که شاهد ویرانی تو در روزگار حضرت قائم از اهل بیت می‌باشد! آنان نیکان امت هستند که همراه نیکان عترت می‌باشند»^۴.

۱. قرب الاسناد، ص ۵۴، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹ و ج ۹۷، ص ۵۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳، ۵۸۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۳۴.

۲. توبه (۹) آیه ۳۶.

۳. کافی، ج ۴، ص ۶۱؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۲۳؛ عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۸۷؛ المحججه، ص ۸۹؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۴۱؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۳؛ مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

۴. طوسی، غیبة، ص ۲۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

هم چنین آن حضرت می فرماید: «بی گمان هنگامی که قائم ما قیام کند، مسجد کوفه را ویران کرده، قبله آن را تعدیل می کند».^۱

۲. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف

ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می سازد و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، مگر این که کنگره و اشراف آن را ویران می کند و با حالت سادگی و بدون اشراف، آن را بر جای می گذارد و هر مسجدی را که در مسیر جاده قرار گیرد، ویران می سازد».^۲

شاید مراد، چهار مسجدی باشد که سران لشکر یزید، پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شکرانه کشتن آن حضرت در کوفه ساختند و بعدها به «مساجد ملعونه» معروف شدند. هر چند این مساجد اکنون موجود نیست، ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت، آنها را دوباره بسازند.^۳

امام باقر علیه السلام درباره این مساجد می فرماید: «در کوفه به دلیل شادی از کشتن، حسین علیه السلام چهار مسجد ساخته شد که عبارتند از: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شیب بن ربیع».^۴

۳. ویران کردن مناره‌ها

ابوهاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که ایشان فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دستور می دهد، مناره‌ها و مقصوره‌هایی^۵ که در مساجد است، ویران شود». با خود گفتم: چرا حضرت چنین می کند؟ امام عسکری علیه السلام روبه من کرد و فرمود: «چون اینها بدعت و نوآوری‌هایی است که پیامبر و امامی آن را

۱. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۹ و ج ۱۲، ص ۲۹۴.
۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، ۵۵۶؛ الشیعة و الرجعة، ج ۲، ص ۴۱۰؛ ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴.
۳. مهدی موعود، ص ۹۴۱؛ الغارات، ج ۲، ص ۳۲۴، پاورقی.
۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۹.
۵. محلی از مسجد که برای خلیفه یا امام جماعت می ساختند تا در حال نماز در آنجا بایستند و از دسترس دشمن دور باشند؛ فرهنگ فارسی عمید.

نساخته است»^۱.

مرحوم صدوق طبق روایتی می‌گوید: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام گذشتن از مسجدی - که مناره‌اش بلند بود - دستور داد آن مناره را ویران کنند.^۲

مجلسی اول می‌فرماید: از این روایات، حرمت ساختن مناره‌های بلند به دست می‌آید؛ زیرا اشراف داشتن و مسلط شدن بر خانه‌های مسلمانان حرام است. ولی اکثر فقها این روایت را بر کراهت حمل کرده‌اند.^۳ به نقل از مسعودی و طبرسی: وی دستور می‌دهد منبرها را ویران کنند.^۴

۴. تخریب سقف مساجد و منبرها

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نخستین چیزی که حضرت مهدی (عج) از آن آغاز می‌کند سقف مساجد است. آنها را ویران می‌کند و سقف‌هایی مانند عریش^۵ موسی علیه السلام بر آن قرار می‌دهد».^۶

این روایت بر استجاب حمل شده است؛ زیرا نبودن مانع و حائل بین نمازگزار و بین آسمان مستحب است و نبودن حایل یکی از اسباب قبولی نماز و استجابت دعاست.

۵. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حضرت قائم (عج)، ساختمان مسجد الحرام را ویران می‌کند

۱. طوسی. غیبه، ص ۱۲۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۴۲۷؛ اعلام الوری، ص ۳۵۵؛ کشف الغممه، ج ۳، ص ۲۰۸؛

اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۵ و ج ۵۲، ص ۳۲۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۹، ۳۸۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. روضة المتقین، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴. اثبات الوصیه، ص ۲۱۵؛ اعلام الوری، ص ۳۵۵.

۵. عریش سایبانی است که برای محافظت خود از گرما و آفتاب می‌سازند و به نقل از طریحی آن را از سقف خرما می‌سازند و تا پایان فصل خرما، در آن به سر می‌برند. تخریب آن شاید بدین دلیل است که مساجد پیش از ظهور امام علیه السلام از حالت سادگی بیرون آمده، جنبه تشریفاتی به خود می‌گیرد. ویرانی منابر نیز به دلیل آن است که دیگر جنبه ارشاد و هدایت مردم را ندارد؛ بلکه به وسیله‌ای برای تقویت فرمانروایان ستمگر و خائن و توجیهی برای نفوذ دشمنان در سرزمین‌های اسلامی تبدیل شده است.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۸؛ روضة المتقین، ج ۲،

و آن را به ساختمان نخستین و اندازه اصلی اش باز می گرداند. مسجد پیامبر ﷺ را نیز پس از ویران کردن، به اندازه اصلی اش باز می گرداند و کعبه را در جایگاه اصلی اش می سازد.^۱

هم چنین آن حضرت می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، خانه خدا را به اندازه نخستین آن باز می گرداند^۲ و با مسجد پیامبر ﷺ و مسجد کوفه نیز چنین می کند».

ج) قضاوت

امام صادق ﷺ می فرماید: «پس از ظهور حضرت مهدی (عج)، خداوند بادی می فرستد تا در هر سرزمینی ندا کند: این مهدی است که به روش داود و سلیمان قضاوت می کند و بر حکم خود گواهی نمی طلبد».^۳

امام باقر ﷺ می فرماید: «حضرت قائم (عج) احکام و قضاوت هایی دارد که حتی برخی از یاران و کسانی که در رکابش شمشیرها زده اند، به آن احکام اعتراض می کنند و آن قضاوت حضرت آدم ﷺ است و حضرت نیز گردن معترضان را می زند. سپس به روش دیگری قضاوت می کند که قضاوت داود است؛ ولی گروه دیگری از یارانش اعتراض می کنند و حضرت گردن آنان را نیز می زند.

برای بار سوم حضرت به شیوه ابراهیم ﷺ قضاوت می کند و باز هم گروهی از یارانش - که در رکابش شمشیر زده اند - اعتراض می کنند و حضرت آنان را نیز اعدام می کند. آن گاه امام زمان (عج) به روش محمد ﷺ رفتار می کند و دیگر کسی بر حضرت اعتراض نمی کند».^۴

سازمان های بزرگ و با عظمت با نام و نشان های گوناگون و اساسنامه های پرزرق و برق که از حمایت محرومان و حقوق بشر سخن می گفتند، در بین بشریت چنان

۱. ارشاد، ص ۳۶۴؛ طوسی، غیبه، ص ۲۹۷؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۷۱؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.
۲. حدود آن را مرحوم صدوق و مجلسی بیان کرده اند؛ ر.ک: روضة المتقین، ج ۲، ص ۹۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۰۰؛ مجلسی این حدیث را موثق می داند؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۹.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹.

رفتار کرده‌اند که گویی جز دشمنی با بشریت کار دیگری ندارند. سرانجام حکومت مهدی وارث جهانی است که در آن ستمگران با همه توان به جنگ و نبرد با بشریت پرداخته، تعداد بسیاری از انسان‌ها را کشته‌اند و آنان که زنده مانده‌اند نیز از حکومت‌های دیگر ناامید شده، به حکومتی که وعده‌های خویش را محقق می‌سازد، پناه می‌آورند و این حکومت، همان حکومت مهدی آل محمد علیهم‌السلام است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «حکومت و دولت ما، آخرین دولت است و هیچ حزب، گروه و خاندانی نمی‌ماند که دارای حکومت باشد، مگر این که پیش از ما، حکومتشان بر روی کار می‌آید و این برای آن است که اگر روش و سیاست حکومت ما را دیدند، نگویند، ما هم اگر زمامدار امور می‌شدیم، این چنین رفتار می‌کردیم و این معنای سخن خداوند است که فرمود: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ و عاقبت کار از آن پرهیزکاران است»^۲.

(د) حکومت عدل

عدالت، واژه‌ای است آشنا که همگان آن را دوست دارند و در پی آنند. عدالت چیزی است که از هر کس صادر شود، نیکو و زیباست و از مسؤولان و فرمانروایان زبیده‌تر؛ ولی جای تأسف است که در روزگاران بسیاری، جز نام، نشان دیگری از عدالت نمی‌توان یافت و بشریت جز در روزگاران اندکی - آن هم در حکومت مردان الهی - عدالت را مشاهده نکرده است.

استعمارگران برای استثمار بیش‌تر و نفوذ حاکمیت خود، به اشکال گوناگون از این واژه مقدس سوء استفاده می‌کنند و با تبلیغ این شعار جذاب، گروهی را به دور خود گرد می‌آورند؛ ولی دیری نمی‌پاید که رسوا شده، ادامه حکومت خود را جز با به کارگیری زور و بی‌عدالتی نمی‌بینند.

نظر مرحوم طبرسی

مرحوم طبرسی درباره زنده کردن سنت به وسیله حضرت مهدی (عج) سخنانی دارد

۱. اعراف (۷) آیه ۱۲۷.

۲. ارشاد، ص ۳۴۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

که به ذکر آن می پردازیم:

اگر پرسیده شود همه مسلمانان معتقدند که پس از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله دیگر پیامبری نخواهد آمد، ولی شما شیعیان عقیده دارید که چون قائم قیام کند، جزیه را از اهل کتاب نمی پذیرد و هر کس را که بیش از بیست سال داشته باشد و احکام دینش را نداند، به قتل می رساند و مساجد و زیارتگاه های دینی را ویران می سازد و به روش حضرت داود - که برای صدور حکم شاهد نمی خواست - حکم می کند و مانند اینها که در روایات شما وارد شده است و این عقیده موجب نسخ دیانت و ابطال احکام دینی است و در حقیقت شما با این عقیده، نبوت و پیامبری را پس از خاتم پیامبران اثبات نموده اید؛ هر چند نام آن را پیامبری نگذارید، پاسخ شما چیست؟

می گوییم: ما از آن چه در این پرسش گفته شده - که قائم، جزیه را از اهل کتاب نمی پذیرد و کسانی را که به سن بیست سالگی برسند و احکام دین خود را ندانند، به قتل می رساند - آگاهی نداریم و بر فرض هم که در این خصوص روایتی رسیده باشد، نمی توان آن را به طور قطع پذیرفت. ممکن است منظور از ویران سازی برخی از مساجد و زیارت گاه های دینی، مساجد و زیارت گاه هایی باشد که برخلاف تقوا و دستور خدا ساخته شده است که البته کاری مشروع خواهد بود و پیامبر هم چنین کاری را انجام داد. این که قائم، مانند فرزندان داود حکم می کند و در صدور حکم شاهد و دلیل نمی خواهد، این هم مطلبی است که نزد ما قطعی و یقینی نیست و اگر درست باشد، آن را بدین گونه باید تأویل کرد که در مواردی که خودش به حقیقت قضایا و ماهیت دعوا علم دارد، طبق علمش حکم می کند؛ زیرا هرگاه امام یا قاضی به مطلبی یقین پیدا کرد، لازم است که موافق با علمش قضاوت کند و دیگر شاهد و دلیلی نمی خواهد و این نکته موجب نسخ دیانت نیست. هم چنین این سخن که گفته اند: قائم جزیه نمی گیرد و گوش به گواهی شاهد و گواه نمی دهد، در صورتی که درست باشد، باعث منسوخ گشتن دیانت نخواهد بود؛ زیرا نسخ آن است که دلیلش متأخر از حکم منسوخ باشد و هم زمان با هم نیاید و اگر هر دو دلیل با هم آمدند، نمی توانند یکی ناسخ دیگری باشد؛ هر چند در معنا مخالف آن باشد؛ مثلاً اگر فرض کردیم که خداوند فرمود: «روز شنبه تا فلان وقت را در خانه به سر برید و پس از آن وقت آزاد هستید». به این سخن نسخ نمی گویند؛ زیرا دلیل

رافع، همراه دلیل موجب است.

چون این معنا روشن گشت و دانستیم که پیامبر به آگاهی ما رسانده است که قائم از فرزندان من است و از دستورات او پیروی کنید و هر حکمی می‌کند بپذیرید، بر ما واجب است از وی پیروی کنیم و هر گونه قائم در میان ما حکم کرد، رفتار نماییم. پس اگر ما حکم او را بپذیرفتیم - هر چند با برخی از احکام پیشین فرق داشته باشد - احکام دین اسلام را منسوخ ندانسته‌ایم؛ زیرا چنان‌که گفتیم نسخ احکام در موضوعی که دلایلش وارد شده باشد، متحقق نمی‌شود.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳؛ روایاتی هم از اهل سنت به همین مضامین وارد شده است.

بخش سوم

حکومت

دولت حق

اداره سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. آری، امام علیه السلام برای اداره سرزمین‌ها و زیرانی را می‌گمارد که پیشینه مبارزاتی داشته، در تجربه و عمل، پایداری و قاطعیت از خود نشان داده‌اند.

استاندارانی با شخصیتی قوی، اداره روش امور استان‌ها را به عهده می‌گیرند که جز مصالح کشور اسلامی و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. روشن است، کشوری که مسئولانش دارای این ویژگی‌ها باشند، بر دشواری‌ها پیروز می‌شود و ویرانی‌های حکومت‌های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می‌گردد و وضع به گونه‌ای دگرگون می‌شود که زندگان آرزوی زندگی دوباره مردگان را می‌نمایند.

باید توجه داشت که حضرت صلی الله علیه و آله هنگامی زمام امور را به دست می‌گیرد که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی‌هاست و میلیون‌ها معلول و بیمار جسمی و روانی وجود دارد. هاله‌ای از ویرانی‌ها بر دنیا سایه افکنده است و ناامنی همه جا را فرا گرفته است. شهرها در اثر جنگ و نبرد به ویرانه‌ای تبدیل گشته است و نابودی کشتزارها در اثر آلودگی محیط زیست، کمبود ارزاق را به دنبال داشته است.

از سویی، مردم جهان، دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را دیده‌اند که مدعی بوده‌اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می‌توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امنیت و بهبودی وضع اقتصادی را به ارمغان آورند؛ ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاورند.

کمونیسم متلاشی شد، مائوئیسم مغضوب سران خود قرار گرفت و دمکراسی غربی

جز شعاری مردم فریب چیزی بیش نبود.

سرانجام روزگاری فرا می‌رسد که عدل و عدالت به دست توانای مرد الهی در روی زمین مرده از ستم پیاده می‌شود. او آن‌چنان در اجرای این شعار «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً؛ زمین را پر از عدل و قسط می‌کند». جدی و مصمم است که آثار آن در همه جا نمایان می‌شود.

حضرت، حکومت را به گونه‌ای سازماندهی می‌کند و مردم را به گونه‌ای تربیت می‌نماید که دیگر واژه ستم از ذهن‌ها رخت بر می‌بندد و به تعبیر روایات، دیگر کسی به دیگری ستم نمی‌کند؛ حتی حیوانات نیز دست از تعدی و ستم بر می‌دارند و گوسفند همنشین گرگ می‌گردد.

ام سلمه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: «مهدی (عج) چنان عدالتی در جامعه برپا می‌کند که زندگان آرزو می‌کنند، کاش مردگانشان زنده می‌بودند و از آن عدالت بهره‌مند می‌گردیدند».^۱

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿واعلموا أن الله يحيى الأرض بعد موتها﴾^۲ بدانید و آگاه باشید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند، می‌فرماید: «خداوند زمین را با حضرت قائم (عج) زنده می‌گرداند. آن حضرت در زمین به عدالت رفتار می‌کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می‌نماید؛ پس از آن که در اثر گسترش ستم مرده بود».^۳

نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند، به طور حتم عدالت مهدی (عج) به درون خانه‌ها و اتاق‌های‌شان نفوذ می‌کند؛ هم‌چنان‌که سرما و گرما در آن وارد می‌شود».^۴ از این روایت استفاده می‌شود که با وجود خواسته‌گرویی و حتی مخالفت آنان، عدالت همه جهان را بدون استثنا در بر می‌گیرد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿الذين إن مكناهم فى الأرض أقاموا الصلاة...﴾^۵ آنان که وقتی در زمین حاکمیتشان بخشیم نماز را برپا می‌دارند و... می‌فرماید: «این آیه در شأن مهدی و

۱. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ الاذاعه، ص ۱۱۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۴.

۲. بقره (۲) آیه ۲۵۱.

۳. کمال الدین، ص ۶۶۸؛ المخجه، ص ۴۲۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲؛ ينابيع المودة، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۱۵۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۵. حج (۲۲) آیه ۴۱.

یارانش فرود آمده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می‌کند و حاکم می‌گرداند؛ به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نمی‌شود».^۱

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «آن‌گاه که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، ترازوی عدالت را در جامعه برقرار می‌کند و از آن پس، کسی به دیگری ستم نمی‌کند».^۲

نیز امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «حضرتش در میان کشاورزان و مردم به عدالت رفتار می‌کند».^۳

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و عرض کرد: این پانصد درهم زکات اموال را از من تحویل بگیر! امام علیه السلام فرمود: «خودت آن را داشته باش و به همسایگان و بیچارگان و نیازمندان مسلمان بده». پس فرمود: «هنگامی که مهدی ما اهل بیت قیام کند، اموال را یکسان تقسیم می‌کند و به عدالت با آنان رفتار می‌نماید. پس هر کس که از او پیروی کند، از خدا پیروی کرده است و کسی که نافرمانی او کند، خدا را سرکشی نموده است و بدین سبب نام حضرتش را مهدی گذارده‌اند که به امور و مسائلی پنهان هدایت می‌شود».^۴

عدالت در روزگار مهدی (عج) چنان فراگیر می‌شود که حتی اولویت‌های شرعی رعایت می‌گردد و کسانی که می‌خواهند واجبات خود را انجام دهند، بر کسانی که در صدد انجام مستحبات هستند، در بهره‌گیری از امکاناتی که برای آن منظور است، مقدم هستند. مثلاً در روزگار حضرت قائم (عج) که اسلام و حکومت الهی در سراسر جهان برقرار می‌شود، طبیعی است که شعایر الهی نیز با شکوهی وصف ناشدنی برگزار می‌شود.

حج ابراهیمی یکی از شعایر الهی است که بر اثر گسترش حکومت اسلامی، دیگر مانعی برای رهسپاری به سوی حج بر جای نمی‌ماند و مردم برای انجام حج، مانند سیلی خروشان به سوی کعبه می‌شتابند و در نتیجه گرداگرد کعبه شلوغ شده، برای همه حج گزاران کفایت نمی‌کند. امام علیه السلام دستور می‌دهد که اولویت را به کسانی دهند که حج واجب بر عهده دارند و به سخن امام صادق علیه السلام این نخستین جلوه گاه عدالت مهدی موعود است.

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ المحججه، ص ۱۴۳؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.
۲. کمال الدین، ص ۳۷۲؛ کنایة الاثر، ص ۲۷۰؛ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ینایع الموده، ص ۴۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ غایة المرام، ص ۶۹۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۴.
۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶.
۴. عقد الدرر، ص ۳۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم (عج) آشکار می شود، این است که اعلام می کند، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جامی آورند و حجر الاسود را استلام می کنند و طواف مستحبی انجام می دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند واگذار کنند»^۱.

الف) حکومت بردلها

بدیهی است، حکومتی که در مدتی کوتاه، بر دشواریها چیره گردد و نابسامانیها را از بین ببرد و با برچیدن ناامیدی از دلها، بذر امید در آنها بکارد، از پشتیبانی مردمی برخوردار خواهد شد. نظامی که آتش جنگها را خاموش کند و امنیت و آسایش را چنان به جامعه بازگرداند که حتی حیوانات نیز از آن بهره مند شوند، این چنین حکومتی، حکومت بردلها خواهد بود و آرزوی انسانها این است که در چنان حکومتی زندگی کنند. از این رو، در روایات از پیوند مردم با امام و علاقه آنان به حکومت آن حضرت با سخنان دلپذیری یاد شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «شمارا به مهدی، مردی از قریش بشارت می دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خوشنودند»^۲.

نیز آن حضرت می فرماید: «مردی از امت من قیام می کند که مردم زمین و آسمان او را دوست می دارند»^۳.

صبح می گوید: در روزگار حضرت مهدی (عج) خردسالان آرزو می کنند که ای کاش بزرگ بودند و بزرگسالان آرزوی کودکی و خردسالی می نمایند»^۴.

شاید برای این آرزوی خردسالی می کنند که دوست دارند زمان بیش تری را در حکومت آن حضرت به سر برند و خردسالان آرزوی بزرگسالی دارند، زیرا می خواهند مکلف باشند و در اجرای برنامه های حکومت الهی حضرت ولی عصر (عج) نقش داشته باشند و به پاداش اخروی دست یابند.

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

۲. منابع الموده، ص ۴۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

۳. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۴۹۶؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۳؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۴. ابن حماد، فتن، ص ۹۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۸؛ القول المختصر، ص ۲۱؛ متقی هندی، برهان، ص ۸۶؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰.

حکومت حضرت چنان تأثیری دارد که حتی مردگان نیز از آن بهره می‌برند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند که در نتیجه ظهور و حکومتش هیچ مرده‌ای در گور نمی‌ماند، مگر این که گشایش و برکاتی در گور برایش پدید می‌آید و آنان به دیدار یکدیگر می‌روند و قیام قائم را به یک دیگر مژده می‌دهند».^۱

در کامل الزیارات^۲، «الفرحة» به معنای شادی و خوش حالی آمده است و آوردن واژه میت در روایت، شایسته دقت است؛ زیرا می‌توان نتیجه گرفت که این گشایش و آسایش همگانی است و ویژه گروه خاصی از ارواح نیست. اگر این روایت را در کنار روایاتی که می‌فرماید: «روح کافران در بدترین شرایط در زنجیر و زندان به سر می‌برند» بگذاریم، معنای این روایت روشن می‌گردد؛ زیرا گویا با ظهور امام، حکم آزادی از عذاب به آنان داده می‌شود و یا حالت «گشایش و رحمتی که در رفتار فرشتگان عذاب نیست»، دگرگون شده برای مدتی هر چند کوتاه به احترام تشکیل حکومت الهی بر روی زمین، از شکنجه روح کافران و منافقان دست می‌کشند.

ب) پایتخت حکومت

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابا محمد! گویا می‌بینم که قائم آل محمد با خانواده‌اش در مسجد سهله فرود آمده است». گفتم: آیا خانه او مسجد سهله است؟ فرمود: «آری؛ همان‌جا که منزلگاه ادریس پیامبر بوده است و هیچ پیامبری برانگیخته نشده، مگر آن‌که در آن مسجد نماز گزارده است. کسی که در آن اقامت کند، مانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن‌که دلش به سوی آن مسجد است. هر شب و روزی که می‌گذرد، فرشتگان الهی به آن مسجد پناه می‌برند و خدا را می‌پرستند. ای ابا محمد! اگر من هم نزدیک شما بودم، هیچ نمازی را جز در آن مسجد به جا نمی‌آوردم.

آن‌گاه که قائم ماقیام کند، خداوند انتقام رسولش و همه ما را از دشمنان خواهد گرفت».^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۰.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۰؛ راوندی، قصص الانبیاء، ص ۸۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ۳۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۴.

امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد کرد و فرمود: «آن خانه صاحب ما (حضرت مهدی) است؛ زمانی که با خاندانش در آن جا سکونت گزینند».^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مهدی (عج) قیام می‌کند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آن جا قرار می‌دهد».^۲

نیز آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند و به کوفه برود، هیچ مؤمنی نیست، مگر آن که در آن شهر در کنار مهدی (عج) سکونت می‌گزیند یا به آن شهر می‌آید».^۳
حضرت امیر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «روزگاری فرا رسد که این جا (مسجد کوفه) نمازگاه و مصلاهی مهدی (عج) گردد».^۴

ابوبکر حضرمی می‌گوید: به امام باقر علیه السلام یا به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش با فضیلت‌تر است؟ فرمود: «ای ابابکر! سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده‌اند و از آن جا عدالت الهی پدیدار می‌گردد و قائم خداوند و قیام‌کنندگان پس از او از همان جا خواهند بود. آن جا جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است».^۵

محمد بن فضیل می‌گوید: قیامت بر پانمی‌شود تا این که همه مؤمنان در کوفه گرد آیند.^۶
رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) نه یا ده سال حکومت می‌کند و خوشبخت‌ترین مردم نسبت به او مردم کوفه هستند».^۷

از مجموع روایات چنین فهمیده می‌شود که شهر کوفه پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان (عج) است.

ج) کارگزاران دولت مهدی (عج)

طبیعی است که در حکومتی که امام مهدی (عج) رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ ارشاد، ص ۳۶۲؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱؛ ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۴۷۵.
۲. راوندی، قصص الانبیاء، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.
۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۵؛ اندکی تفاوت.
۴. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲.
۵. کامل الزیارات، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.
۶. طوسی، غیبه، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.
۷. فضل الکوفه، ص ۲۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۰۹؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۷۱۹؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۱.

و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو، می‌بینیم در روایات ترکیب دولت امام مهدی (عج) را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر ﷺ بیان می‌کند که نام برخی از آنان بدین گونه است: حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان.

از حضرت عیسی علیه السلام در روایات با واژه‌های گوناگونی مانند وزیر، جانشین، فرمانده و مسؤول در حکومت یاد شده است.

عیسی علیه السلام به حضرت مهدی (عج) می‌گوید: همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام؛ نه امیر و فرمانروا.^۱

حضرت عیسی علیه السلام وزیر حضرت قائم و پرده دار و جانشین آن حضرت است.^۲ ... آن‌گاه عیسی فرود می‌آید و مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (عج) می‌شود و اصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهند بود.^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، هفده تن را از پشت کعبه زنده می‌گرداند که عبارتند از: پنج تن از قوم موسی علیه السلام؛ آنان که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می‌کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر».^۴ در روایتی تعداد آنان بیست و هفت نفر گفته شده است و قوم موسی را چهارده نفر بیان می‌کند^۵ و در روایت دیگری از مقدار نام برده شده است.^۶

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۳؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۰.

۲ و ۳. غایب المرام، ص ۶۹۷؛ حلیه الابراز، ج ۲، ص ۶۲۰.

۴. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۲؛ دلائل الامامة، ص ۲۷۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۹؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ کشف الغممه، ج ۳، ص ۲۵۶؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.

۵. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

۶. مقدار از باران پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. در بزرگی شأن او همین بس که طبق یکی از روایات، خداوند به سبب هفت نفر - که یکی از آنان مقدار است - به شما رزق و روزی می‌دهد و به شما یاری می‌رساند و باران می‌فرستد.

او در موضوع خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام پافشاری داشت و کوشش فراوان کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «خداوند مرا فرمان داد تا چهار تن را دوست بدارم: علی علیه السلام، مقدار، ابوذر و سلمان». در روایت

دیگر آمده است: «بهشت مشتاق مقدار است». (معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۱۴).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «... سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرند و قبیله همدان^۱ وزیران او خواهند بود».^۲

باز هم در این باره چنین آمده است: «مردان الهی با مهدی (عج) همراه هستند؛ مردانی

→ او دوبار هجرت کرد و در جنگ‌های گوناگونی شرکت جست و در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ما سخن بنی اسرائیل به حضرت موسی را به تو نمی‌گوییم؛ بلکه می‌گوییم در کنار تو و در رکابت با دشمن می‌جنگیم. مقدار در روزگار حکومت امیر علیه السلام جزء شرطة الخمیس بود.

سرانجام مقدار در هفتاد سالگی در سرزمینی به نام «جرف» در فاصله سی میلی از مدینه به سرای جاودانه شتافت و پیکرش را مردم بر دوش گرفته و تا بقیع تشیع کردند و در آن جا به خاک سپردند. (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۵؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۰۹).

۱. همدان قبیله‌ای بزرگ در یمن است. آنان پس از جنگ تبوک، نمایندگانی را به حضور پیامبر فرستادند و حضرت در سال نهم امیرمؤمنان علیه السلام را به یمن فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. پس از قرائت پیام پیامبر صلی الله علیه و آله همه آنان اسلام آوردند. علی علیه السلام در نامه‌ای خیر اسلام آوردن طایفه همدان را به پیامبر نوشت و در آن نامه سه بار بر همدان درود فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خواندن نامه به شکرانه این خبر، سجده شکر به جای آورد. (کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۶، ۲۹، ۳۰).

علی علیه السلام در مدح آنان چنین سروده است: «همدانیان صاحبان دین و اخلاق نیکند، دینشان، شجاعت آنان و قهرشان بر دشمنان به هنگام رویارویی، آنان را زینت بخشیده است. اگر من دربان بهشت می‌بودم، به همدانیان می‌گفتم: به سلامت به آن وارد شوید». (عقد الفرید، ج ۴، ص ۳۳۹؛ وقعة صفین، ص ۲۷۴).

آن حضرت در پاسخ به تهدیدات معاویه، توانایی و نیرومندی قبیله همدان را به رخ او کشید و فرمود: «هنگامی که مرگ را مرگی سرخ یافتم، پس طایفه همدان را بسیج کردم و آنان نیز قبیله حمیر را». (وقعة صفین، ص ۴۳).

هنگامی که علی علیه السلام مردم را برای جنگ با معاویه بسیج می‌کرد، فردی به حضرت اعتراض کرد. و چون ممکن بود در گردآوری سپاه اختلال پدید آید شاهدان واقعه با مشفت و لگد به زندگانی او پایان دادند و حضرت دیه او را پرداخت. (همان، ص ۹۴، ۹۵).

طایفه همدان یکی از سه طایفه‌ای بود که بالاترین تعداد رزمندگان لشکر حضرت علی علیه السلام را تشکیل می‌دادند. (همان، ص ۲۹۰).

در یکی از پیکارهای صفین آنان در جناح راست، پایداری بی‌مانندی از خود نشان دادند؛ به ویژه هشت صد تن از جوانان همدان که تا پای جان پایداری کردند و صد و هشتاد نفر از آنان شهید و زخمی شدند و یازده فرمانده از آنان به شهادت رسید. پرچم از دست هر یک از آنان که به زمین می‌افتاد، دیگری آن را به دست می‌گرفت و در پیکار با رقیب خود «آزد» و «بُجیله» سه هزار از آنان را کشتند.

هنگامی که در یکی از شب‌های جنگ صفین، معاویه با چهار هزار نفر قصد شیبخون زدن به لشکر علی علیه السلام داشت، طایفه همدان از آن آگاهی یافت و تا صبح به صورت آماده باش به نگرهبانی پرداخت. (همان، ص ۲۵۲، ۳۲۹، ۳۳۰).

روزی معاویه با لشکریانش وارد جنگ با این طایفه شد؛ ولی او نیز با شکستی چشمگیر میدان نبرد را ترک کرد و گریخت. معاویه، طایفه «عک» را به پیکار با آنان فرستاد و همدانیان چنان بر آنان هجوم آوردند که معاویه چاره‌ای جز دستور عقب‌نشینی نداشت. علی علیه السلام از آنان خواست تا سپاهیان سرزمین حمص را سرکوب کنند. همدانیان بر آنان یورش بردند و پس از نبردی دلاورانه آنان را شکست داده تا نزدیکی جایگاه و چادر معاویه به عقب راندند.

طایفه همدان همیشه فرمانبردار آن حضرت بودند و هنگامی که با برافراشتن قرآن‌ها بر نیزه در میان لشکریان علی علیه السلام اختلاف نظر پدید آمد، فرمانده این قبیله به حضرت گفت: ما هیچ اعتراضی نداریم و هر دستوری بدهی، اجرا می‌کنیم. (همان، ص ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۲۰).

که به دعوت او پاسخ گفته‌اند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران و دولتمردان اویند که بار سنگین مسؤولیت‌های حکومت را بر دوش دارند.^۱

ابن عباس می‌گوید: اصحاب کهف، یاران مهدی هستند.^۲

حلبی می‌گوید: اصحاب کهف همگی از نژاد عربند و جز به عربی سخن نمی‌گویند. آنان وزیران مهدی هستند.^۳

از روایات و سخنان بالا نتیجه می‌گیریم که بار سنگین حکومت و اداره سرزمین‌های پهناور اسلامی را نمی‌توان به دوش هر کس نهاد؛ بلکه افرادی باید این مسؤولیت را بپذیرند که بارها آزمایش شده، شایستگی خود را در آزمایش‌های گوناگون به اثبات رسانده باشند. از این رو، می‌بینیم که در رأس وزیران حکومت مهدی (عج)، حضرت عیسی علیه السلام قرار دارد که یکی از پیامبران اولوالعزم است. هم‌چنین از جمله مسؤولان برجسته حکومتی او سلمان فارسی، مقداد، ابودجانة و مالک اشتر می‌باشند که شایستگی سرپرستی کارها را در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام داشته‌اند و قبیله همدان که برگ‌های درخشانی را در تاریخ اسلام و در روزگار حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام به خود اختصاص داده‌اند، از مسؤولان این حکومتند.

(د) مدت حکومت

درباره مدت حکومت مهدی (عج)، روایات گوناگونی از طریق شیعه و اهل سنت وجود دارد. برخی از روایات، روزگار حکومت امام علیه السلام را به هفت سال محدود می‌کنند. برخی احادیث دیگر هشت، نه، ده و بیست سال را یادآور می‌گردند و برخی اخبار، حتی تا هزار سال را نیز یادآور گشته‌اند. آنچه مسلم است این که حکومت حضرت مهدی (عج) کم‌تر از هفت سال نیست و در برخی احادیث که از ائمه علیهم السلام رسیده است، بر آن تأکید فراوانی شده است.

شاید بتوان گفت: مدت حکومت هفت سال است؛ ولی سالیان آن با سال‌های روزگار ما متفاوت است؛ چنان‌که در بعضی از روایات آمده است:

۱. نورالابصار، ص ۱۸۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ به نقل از «فتوحات مکیه».

۲. الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۱۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۰؛ العطر الوردی، ص ۷۰.

۳. السیره الحلیه، ج ۱، ص ۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

«حکومت حضرت، هفت سال است و هر سالی به مقدار ده سال از سال‌های شما می‌باشد. پس سالیان حکومت آن حضرت به اندازه هفتاد سال شما خواهد بود».^۱
 حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی هفت سال حکومت می‌کند که هر سال آن روزگار، ده سال شما خواهد بود».^۲

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مهدی (عج) از ماست... و هفت سال سرپرستی کارها را به دست می‌گیرد».^۳

نیز می‌فرماید: «آن حضرت هفت سال بر این امت حکومت می‌کند».^۴
 هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «مدّت عمر - حکومت - مهدی (عج) هفت سال، اگر کوتاه باشد و گرنه هشت یا نه سال خواهد بود».^۵ نیز آمده است: «حضرت مهدی (عج) نه سال در این جهان حکومت می‌کند».^۶

جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام پرسید: «امام زمان (عج) چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «از روز قیام تا هنگام وفات، نوزده سال طول می‌کشد».^۷
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت مهدی (عج) بیست سال حکومت می‌کند و گنج‌ها را از زمین بیرون آورده، سرزمین‌های شرک را می‌گشاید».^۸

نیز می‌فرماید: «مهدی (عج) از فرزندان من است و بیست سال حکومت می‌کند».^۹

-
۱. مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱؛ الفصول المهمة، ص ۳۰۲؛ الايقاظ، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۱.
 ۲. عقد الدرر، ص ۲۲۴، ۲۳۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۲۴.
 ۳. الفصول المهمة، ص ۳۰۲؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۳۵؛ دلائل الامامة، ص ۲۵۸؛ حنفی، برهان، ص ۹۹؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۰؛ عقد الدرر، ص ۲۰، ۲۳۶؛ شافعی، بیان، ص ۵۰، حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷؛ کثر العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۲؛ ینابيع المودة، ص ۴۳۱؛ غایة المرام، ص ۶۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.
 ۴. عقد الدرر، ص ۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.
 ۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۰؛ کشف الاستار، ج ۴، ص ۱۱۲؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴.
 ۶. ابن طاووس، طرائف، ص ۱۷۷.
 ۷. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۲۶؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۳۱؛ اختصاص، ص ۲۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.
 ۸. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۲۲۱؛ العلل المتناهیة، ج ۲، ص ۸۵۸؛ دلائل الامامة، ص ۲۳۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱؛ ر.ک. طبرانی، معجم، ج ۸، ص ۱۲۰؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۵۳؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۴؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۸۳.
 ۹. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۷۱؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱، ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۶؛ دلائل الامامة، ص ۲۳۳؛ عقد الدرر، ص ۲۳۹؛ ینابيع المودة، ص ۴۳۲.

هم چنین آمده است: آن حضرت (عج) ده سال حکومت می کند.^۱

حضرت علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که مهدی (عج) چند سال فرمانروایی خواهد کرد؟ فرمود: «سی یا چهل سال فرمانروای مردم خواهد بود».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی (عج) از فرزندان من است و عمری برابر عمر ابراهیم خلیل الرحمن خواهد داشت و در هشتاد سالگی ظهور می کند و چهل سال فرمانروایی می نماید».^۳

نیز آن حضرت فرمود: «مدت فرمانروایی حضرت قائم (عج) نوزده سال و چند ماه است».^۴

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم (عج) سی صد و نه سال حکومت می کند؛ چنان که اصحاب کهف نیز در غار همین اندازه ماندند».^۵

مرحوم مجلسی علیه السلام می فرماید: روایاتی را که درباره مدت حکومت امام علیه السلام آمده است باید به احتمالات زیر توجه کرد: برخی روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سال ها و روزهایی است که ما با آشناییم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.^۶

مرحوم آیه الله طبسی - پدر بزرگوارم - پس از گفتن این روایات، روایت هفت سال را ترجیح می دهد؛ ولی می فرماید: بدین معنا که هر سالی به قدرت خدا، به اندازه ده سال از سالیان ما خواهد بود.^۷

۱. نورالابصار، ص ۱۷۰؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۲۲۵؛ رک: فضل الکوفه، ص ۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۱؛
ینایع الموده، ص ۴۹۲.

۲. ابن حماد، فتن، ص ۱۰۴؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۴.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ و ج ۵۳، ص ۳.

۵. طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴.

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۷. الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۲۲۵.

رشد دانش و فرهنگ اسلامی

حکومتی که در رأس آن رهبری مانند مهدی (عج) است که درهای دانش بر روی او گشوده است، آن هم نه تنها به آن اندازه که بر پیامبران و اولیا گشوده بوده است، بلکه بیش از سیزده برابر آن چه آنان از دانش بهره داشته‌اند، طبیعاً از نظر علمی پیشرفتی شگفت‌انگیز خواهد داشت و دگرگونی چشمگیری در جهان دانش و فرهنگ و صنعت پدید خواهد آورد.

به سخن دیگر، درک دانش و علمی که امام عصر علیه السلام بر روی مردم می‌گشاید، قابل سنجش با پیشرفتی که بشر از نظر علمی داشته است، نیست و مردم نیز استقبال بیش‌تری به فراگیری دانش نشان خواهند داد تا جایی که حتی زنان جوان که هنوز سنی از آنان نگذشته است، آن‌چنان به کتاب خدا و مبانی مذهب آشنا می‌شوند که به آسانی، حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می‌کنند.

در بُعد صنعت و تکنیک نیز پیشرفت شگفت‌انگیزی انجام خواهد گرفت. هر چند روایات، جزئیات این پیشرفت را بازگو نکرده است، ولی مجموع، روایاتی که در این باره آمده است، نمایانگر دگرگونی شگرفی در این زمینه است. مانند روایاتی که می‌گوید: شخصی در مشرق برادرش را در مغرب می‌بیند، حضرت را به هنگام سخنرانی، همه جهانیان می‌بینند، یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می‌گویند و سخن یک دیگر را می‌شنوند، چوب تعلیمی و بند کفش با انسان سخن می‌گویند، اشیای درون خانه به انسان گزارش می‌دهند، برای مسافرت بر روی ابر سوار شده، از این سو به آن سو پرواز می‌کنند و نمونه‌های زیادی از این گونه که هر چند برخی از آنها شاید اشاره به اعجاز داشته باشد،

ولی با توجه به همه روایات، آن دگرگونی را می‌توان دریافت.

روایات، جهان را در روزگار امام عصر^{علیه السلام} جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می‌کند و به‌طور کلی صنعت در آن روزگار با صنعت کنونی فرسنگ‌ها فاصله خواهد داشت؛ چنان‌که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین، تفاوت چشمگیری دارد.

فرق بنیادین پیشرفت در روزگار حضرت مهدی (عج) با جهان کنونی در این است که در روزگار ما پیشرفت علم و صنعت در جهت سقوط فرهنگ و اخلاق جامعه بشری است و هر چه انسان‌ها از نظر دانش پیشرفت می‌کنند، از انسانیت بیش‌تر فاصله می‌گیرند و به فساد و تباهی و کشتار رو می‌آورند؛ ولی در روزگار مهدی (عج) این شرایط درست بر عکس شرایط کنونی است و بشر در عین این‌که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می‌گردد.

در حکومت مهدی (عج) با اجرای برنامه‌های آسمانی، آن‌چنان انسان‌ها از نظر شخصیت پرورش می‌یابند که گویی آنان غیر از انسان‌هایی هستند که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند. آنان که تا دیروز برای درهم و دیناری، خون نزدیک‌ترین افراد خود را می‌ریختند، در حکومت آن حضرت پول و ثروت آن‌چنان در نظرشان بی‌ارزش و خوار می‌گردد که درخواست کردن آن را نشانه‌ای از پستی و دنائت طبع می‌دانند.

اگر تا دیروز حسد و کینه و دشمنی بر آنان چیره بود، در حکومت آن حضرت، دل‌ها به هم نزدیک می‌شود تا جایی که گویی یک جان می‌گردند که در چند کالبد قرار گرفته است. انسان‌هایی که بی‌اراده و سست و ضعیف بودند، دل‌های‌شان قوی و محکم‌تر از آهن سخت می‌شود.

آری، حکومت آن حضرت باعث رشد و تکامل خرده‌ها و اخلاق است و آن روزگار، روز تکامل یافتن استعدادهاست. آن‌چه تا دیروز رخ می‌داد، در اثر کوتاه فکری بشر بود و در نظام الهی مهدی (عج) بشریت به نهایت بلوغ خود می‌رسد و اخلاق، اندیشه، آرزو و ... رنگ کمال و رشد به خود می‌گیرد و این وعده، همان وعده بزرگی است که در حکومت عدل مهدی (عج) تحقق می‌یابد. ارمغانی که هیچ حکومتی در هیچ روزگاری نتوانسته است که آن را به جامعه بشری هدیه کند.

الف) شکوفایی دانش و صنعت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف [با حرف های دیگر] آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد. و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد».^۱

به نقل راوندی در خرائج «جزءاً» بدل از صرفاً می باشد.

از این روایت استفاده می شود که بشر هر چه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی (عج) به یک باره بیش از دوازده برابر رشد و گسترش می یابد و با اندکی دقت درمی یابیم که در روزگار آن حضرت، دانش چه پیشرفت شگفت انگیز و خیره کننده ای خواهد داشت.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «دانش گاهی به کتاب خداوند عزوجل و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در قلب مهدی ما می روید؛ چنان که گیاهی در بهترین کیفیت خود رشد می کند. هر کس از شما که تا روزگار ظهور حضرتش باقی بود و او را ملاقات کرد، به هنگام دیدار با ایشان بگوید: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و گنجینه دانش، و جایگاه رسالت»^۲

نیز آن حضرت می فرماید: «این امر (حکومت جهانی اسلام) در شأن کسی است که سن او (به هنگام امامت) از همه ما کم تر و یاد او از همه ما دل نشین تر است. خداوند علم و دانش را به او می دهد و هرگز او را به خودش وا نمی گذارد».^۳

آن حضرت در سخن دیگری می فرماید: «امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ماست».^۴

در این روایت راز پیشرفت و کمال بشریت گفته شده است؛ زیرا پیشوایی می تواند

۱. خرائج، ج ۲، ص ۸۴۱؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ العدد القویه، ص ۶۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۱؛ حلیة الابرار، ج ۳، ص ۶۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶ و ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۳. عقد الدرر، ص ۴۲.

۴. مثالب النواصب، ج ۱، ص ۲۲۲.

جامعه را به سوی خوشبختی و کمال رهبری کند که دارای سه چیز باشد: قانونی الهی که بشر را به سوی کمال هدایت کند؛ دانشی که در جهت رفاه زندگی بشر به کار گرفته شود و قدرت و اسلحه‌ای که مفسدان و موانع تکامل بشریت را از سر راه بردارد و حضرت ولی عصر^{علیه السلام} به این چند چیز مجهز است. بنابراین، بر جهان حکومت می‌کند و انسان‌ها را علاوه بر این که به رشد علمی و تکنیکی می‌رساند، به تکامل اخلاقی و انسانی نیز می‌رساند.

در این جا به برخی از روایات که نشان دهنده رشد و پیشرفت صنعت و دانش در روزگار حضرت مهدی (عج) است، اشاره می‌کنیم:

امام صادق^{علیه السلام} پیرامون چگونگی ارتباط در روزگار امام عصر^{علیه السلام} می‌فرماید: «در روزگار حضرت قائم (عج) مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب زمین است می‌بیند. هم‌چنین مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است مشاهده می‌کند».^۱

این روایت با توجه به اختراع تلفن‌های تصویری، بیش‌تر قابل درک است؛ روشن نیست که آیا همین روش ارتباطی به گونه‌ای گسترش می‌یابد که در همه جهان، مردم بتوانند از آن استفاده کنند یا این که سیستم پیشرفته‌تری جای آن را می‌گیرد و یا این که مطلب دیگری فوق همه اینهاست.

نیز آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) حضرت با شیعیانش سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و حضرت را می‌بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودش مستقر است».^۲

مفضل بن عمر از امام صادق^{علیه السلام} پرسید: در چه بقعه و مکانی حضرت مهدی ظاهر می‌شود؟

حضرت پاسخ داد: «هیچ بیننده‌ای نیست که به هنگام ظهور، حضرت را ببیند و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ حق الیقین، ج ۱، ص ۲۲۹؛ بشارة الاسلام، ص ۳۴۱.
۲. کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۷؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲؛ منتخب الانوار المضية، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

دیگران او را نبینند (یعنی به هنگام ظهور همه او را می‌بینند) و اگر کسی جز این مطلب را ادعا کند، تکذیبش کنید.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویا حضرت قائم (عج) را می‌بینیم، در حالی که زره پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد ... و اهل سرزمینی نماند، مگر این که حضرت را ببینند؛ به گونه‌ای که گویی حضرتش با آنان در کشورشان است.»^۲

از این روایت دانسته می‌شود که در روزگار حضرت مهدی (عج) مردم با وسیله‌ای جز آنچه اکنون وجود دارد، حضرت را می‌بینند؛ زیرا در روایت آمده است: «مردم به گونه‌ای او را می‌بینند که گویی حضرت در میان آنان و در کشورشان به سر می‌برد» و در این باره دو احتمال وجود دارد: ۱. سیستم پنخش تصویر سه بعدی در آن روزگار در سراسر جهان گسترش می‌یابد. ۲. سیستم پیشرفته‌تری جایگزین آن می‌گردد که به وسیله آن، حضرت را می‌بینند یا آن که حدیث اشاره به اعجاز امام دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره چگونگی حمل و نقل در آن روزگار می‌فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای‌شان طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به روی‌شان باز می‌گردد ... زمین در کم‌تر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌گردد؛ به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد شرق تا غرب زمین را در ساعتی ببینند، این کار را انجام می‌دهند.»^۳

درباره پیشرفت وسایل اطلاعاتی به هنگام ظهور حضرت و در حکومت امام زمان (عج) روایاتی آمده است که به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، قیامت بر پا نمی‌شود تا این که کفش یا چوب‌تعلیمی یا عصای شخصی به او خبر دهد که خانواده او پس از خارج شدنش از خانه، چه کاری انجام داده است.»^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۱۹؛ نعمانی، غیبة، ص ۳۰۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۵؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷۰.

۳. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۴۴۹؛ احتقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

۴. احمد، مسند، ج ۳، ص ۸۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۸؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۸۱.

امام باقر علیه السلام درباره اطلاعات در روزگار حضرت مهدی (عج) می فرماید: «آن حضرت بدین سبب مهدی نام گرفت که به امور مخفی هدایت می شود تا جایی که افرادی را گسیل می دارد تا شخصی را - که مردم او را مجرم و گناهکار نمی دانند - به قتل برسانند. میزان آگاهی حضرت از مردم به اندازه ای است که اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید: بیم آن دارد که مبادا، دیوارهای خانه اش گزارش و شهادت دهند»^۱. این روایت ممکن است به پیشرفت خیره کننده سیستم اطلاعاتی در روزگار حضرت اشاره داشته باشد که البته حکومتی که بر سراسر جهان سیطره دارد، نیاز به تشکیلات و سیستم پیچیده اطلاعاتی نیز دارد. هم چنین ممکن است مراد همان ظاهر عبارت باشد که خود دیوار گزارش می دهد.

ب) گسترش فرهنگ اسلامی

در حکومت مهدی (عج) مردم به گونه بی سابقه ای به اسلام روی می آورند و روزگار خفقان و سرکوب دین داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، در همه جا آوای اسلام طنین انداز است و آثار مذهب تجلی می کند. به تعبیر برخی از روایات، اسلام در هر خانه، کوخ و چادری رخنه می کند؛ چنان که سرما و گرما در آن نفوذ می نماید. چون نفوذ سرما و سرما اختیاری نیست و هر چند از نفوذ آن جلوگیری کنند، باز هم نفوذ کرده و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. اسلام نیز در این روزگار به همه جا، شهر و روستا و دشت و بیابان و با وجود مخالفت قلبی برخی از آنان، رخنه کرده، آنان را تحت تأثیر قرار می دهد و دگرگون می سازد.

در چنین شرایطی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی، بی سابقه خواهد بود. استقبال مردم از آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه چشمگیر خواهد شد و مساجد کنونی و حتی مساجدی که در آینده ساخته می شود، بر طرف کننده نیاز آنان نخواهد بود. آن چه در روایت است مبنی بر این که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده می شود، خود دلیل روشنی بر اندازه پذیرش مردم نسبت به مظاهر

۱. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

دینی است. این مطلب با توجه به این که به هنگام ظهور امام، جمعیت جهان در اثر کشتار کاهش می‌یابد، قابل توجه است.

در آن شرایط نقش اداره یا وزارتخانه‌ای که مسئولیت امور فرهنگی و دینی را دارد، بسیار بزرگ است و به تناسب جمعیت، مساجدی ساخته می‌شود و حتی در جایی لازم می‌شود مسجدی بسازند که پانصد در داشته باشد و یا در روایت هست که کوچک‌ترین مساجد کوفه در آن روزگار، همان مسجد کوفه کنونی است که این مسجد اکنون یکی از بزرگ‌ترین مساجد جهان است.

در این جا به گسترش آموزش قرآن و معارف، مساجد و رشد معنویت و اخلاق کریمانه از دیدگاه روایات در حکومت حضرت مهدی (عج) می‌پردازیم:

۱. آموزش قرآن و معارف اسلامی

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «گویا شیعیانم را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می‌دهند».^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویا می‌بینم که شیعیان علی علیه السلام قرآن‌ها را در دست دارند و مردم را آموزش می‌دهند».^۲

اصبغ بن نباته می‌گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «گویا عجم (نژاد غیر عرب) را می‌بینم که چادرهای شان در مسجد کوفه برافراشته شده است و به مردم قرآن می‌آموزند؛ به همان گونه که فرود آمده است».^۳

این روایت، هویت آموزش دهندگان را روشن می‌کند که از عجم هستند و به گواهی لغت‌شناسان^۴ مراد از عجم در این جا فارس‌ها و ایرانیان هستند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «در روزگار حضرت مهدی (عج) به اندازه‌ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه‌اش، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند».^۵

۱ و ۲. نعمانی، غیبة، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۳. الارشاد، ص ۳۶۵؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵.

۴. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۱.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. ساختن مساجد

حبه عرنی می گوید: امیر مؤمنان به سوی سرزمین «حیره»^۱ رهسپار شد و فرمود: «... به طور حتم، در شهر حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در داشته باشد و دوازده امام جماعت عادل در آن نماز جماعت برگزار کنند. گفتم: ای امیرالمؤمنین! این گونه که توصیف می کنی، آیا مسجد کوفه، گنجایش مردم را خواهد داشت؟ فرمود: «چهار مسجد در آن جا ساخته می شود که مسجد کوفه (فعلی) از همه آنها کوچک تر خواهد بود. و این مسجد (حیره که پانصد در دارد) و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می گیرند، احداث خواهد گشت». آن گاه حضرت^۲ به سوی رودخانه بصرین و رودخانه غربین اشاره کرد.

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می دهد ... تا این که در قسطنطنیه و نزدیک آن مساجد بسیاری ساخته می شود».^۳

مفضل می گوید: حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، در بیرون از شهر کوفه (ظهرالکوفه)، مسجدی خواهد ساخت که هزار در خواهد داشت».^۴

شاید مراد از ظهرالکوفه که در روایت آمده است، شهر نجف اشرف باشد؛ چون دانشمندان از نجف به ظهرالکوفه تعبیر کرده اند.

۳. رشد معنویت و اخلاق

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مردم در روزگار مهدی (عج) به عبادت و دین

۱. حیره، شهری در یک فرسنگی کوفه بود که در زمان ساسانیان در آنجا ملوک لخمی سلطنت داشتند و دست نشانده ایران بودند. خسرو پرویز در سال ۶۱۲ م. این سلسله را منقرض و حاکم برای آن تعیین کرد. بعد از آن که حیره به دست مسلمانان افتاد، به علت بنای کوفه تنزل یافت و قبل از قرن دهم م. و قرن چهارم ه. به کلی از میان رفت؛ فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۴۷۰.

۲. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۲؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۵۸؛ ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۳. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۲.

۴. الارشاد، ص ۳۶۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۹۵؛ الثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ۳۳۷.

روی می‌آورند و نماز را با جماعت برگزار می‌کنند».^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می‌شود؛ به گونه‌ای که فرد نمازگزار روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه سوار بر مرکبی تیزرو می‌شود، ولی بدان نمی‌رسد».^۲

شاید این کنایه از افزایش و تراکم جمعیت باشد که مانع شرکت و حضور به هنگام او در نماز جمعه می‌گردد و این که همه نمازگزاران در یک جا گرد می‌آیند و بیش از یک نماز جمعه، برگزار نمی‌شود، شاید بر اثر یکی شدن این سه شهر باشد؛ زیرا از نظر شرعی برگزاری بیش از یک نماز جمعه در یک شهر جایز نیست.

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، شخص شب را به صبح می‌رساند، در حالی که نادان، ترسو و بخیل است و به هنگام صبح، داناترین مردم، شجاع‌ترین آنان و بخشنده‌ترین انسان‌هاست و پیروزی پیشاپیش امام در حرکت خواهد بود».^۳

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند ...، کینه‌های بندگان نسبت به یک دیگر از دل‌های‌شان زدوده می‌گردد».^۴

نیز پیامبر مکرم اسلام در این باره می‌فرماید: «... در آن روزگار کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌ها زدوده خواهد گشت».^۵

درباره نابودی فساد اخلاقی و انحراف، پیشوای دوم شیعیان می‌فرماید: «خداوند در آخر الزمان مردی را برمی‌انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی‌ماند مگر این که اصلاح گردد».^۶

یکی از ویژگی‌های روزگار حضرت مهدی (عج) این است که حرص و طمع از میان می‌رود و روح بی‌نیازی در انسان‌ها پدیدار می‌شود.

۱. عقد الدرر، ص ۱۵۹.

۲. طوسی، غیبه، ص ۲۹۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ۳۳۷.

۳. وافی، ج ۲، ص ۱۱۳، به نقل از: فتوحات مکیه.

۴. خصال، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۰۵۱.

۵. عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۲؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.

۶. من الریح، ج ۲، ص ۴۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴؛ به نقل از: امیرالمؤمنین علیه السلام.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «زمانی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، خداوند، غنا و بی نیازی را در دل بندگان می نهد؛ به گونه ای که حضرت اعلام می کند، هر کس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید؛ ولی برای آن، کسی پیشقدم نمی شود».^۱

نکته جالب توجه در این روایت، این است که در حدیث واژه «عباد» به کار رفته است؛ یعنی این دگرگونی روحی به گروه ویژه ای اختصاص ندارد؛ بلکه این دگرگونی درونی در همه انسانها پدید می آید.

همچنین آن حضرت می فرماید: «شما را به مهدی (عج) بشارت می دهم که به سوی مردم برانگیخته می گردد؛ در حالی که زلزله ها و اختلاف بر مردم چیره است. آن گاه زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ستم و جور شده است و ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می گردند.

خداوند، دل های امت محمد ﷺ را سرشار از بی نیازی می کند؛ به گونه ای که منادی ندا می دهد، هر کس به مالی نیاز دارد؛ بیاید (تا نیازش رفع شود) ولی جز یک نفر کسی نمی آید. آن گاه حضرت مهدی (عج) به او می فرماید: «نزد خزینه دار برو و بگو مهدی دستور داده است که به من مال و ثروت بدهی». خزانه دار می گوید: دو دستی پولها را جمع کن. او نیز پولها را در دامن خود می ریزد؛ ولی هنوز از آن جا بیرون نرفته است که از رفتار خویش پشیمان می گردد و با خود می گوید: چه شد که من طمعکارترین امت پیامبر ﷺ شدم! آیا کسی که سبب غنا و بی نیازی آنان گشت، از بی نیاز کردن من ناتوان است. آن گاه باز می گردد تا اموال را بازگرداند؛ اما خزانه دار نمی پذیرد و می گوید: ما چیزی را که بخشیدیم پس نمی گیریم!».^۲

در روایت جمله یملاً قلوب أمة محمد به کار رفته است که شایسته دقت است؛ زیرا غنا و بی نیازی مطرح نیست؛ بلکه استغنا و بی نیازی روح مطرح است و ممکن است انسان فقیر باشد، ولی روحی بی نیاز داشته باشد. در این روایت، جمله یملاً قلوب آمده است که می رساند قلب های آنان پر از حس بی نیازی است و افزون بر آن از نظر مالی نیز در وضعیت خوبی به سر می برند.

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۸۶؛ الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۲۷.
۲. احمد، مسند، ج ۳، ص ۳۷، ۵۲؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۳۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۴۶.

دربارهٔ رشد خرد، کمال اخلاقی و قوت قلب مردم در روزگار حضرت مهدی (عج) روایاتی رسیده است که به بازگویی چند روایت بسنده می‌کنیم:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می‌گذارد و خرده‌های شان را جمع کرده (تمرکز می‌بخشد و رشد می‌دهد) اخلاقشان را کامل می‌کند».^۱ در بحار الانوار «أحلامهم» یعنی آرزوهای شان^۲ آمده است.

امام زمان (عج) چون دستورات اسلامی را به‌طور کامل اجرا می‌کند، باعث رشد فکری مردم می‌شود و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «برای به کمال رساندن اخلاق مردم مبعوث شدم» تحقق می‌یابد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «خداوند از نسل این دو (حسن و حسین علیهما السلام) شخصی را برمی‌انگیزد که دزهای گمراهی را می‌گشاید و دل‌های سیاه قفل خورده را تسخیر می‌نماید».^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند... و دستش را بر سر بندگان خدا می‌گذارد. آن‌گاه هیچ مؤمنی نمی‌ماند، مگر این که، دلش از پاره‌های بزرگ آهن و سندان محکم‌تر می‌شود و توان چهل مرد را دارد».^۴

مردم در روزگار حضرت قائم (عج) فریبندگی دنیا را باور کرده، همهٔ گرفتاری‌ها و گناهان را از آن می‌دانند و از نظر ایمان و تقوا به حدی می‌رسند که دیگر دنیا مایهٔ فریب آنان نمی‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «زمین بهترین چیزهایی که در دل دارد، بیرون می‌ریزد؛ مانند پاره‌های طلا و نقره. آن‌گاه قاتل می‌آید و چنین می‌گوید: برای اینها دست به قتل زدم و کسی که قطع رحم کرده است؛ می‌گوید: این باعث قطع رحم شده بود. دزد می‌گوید: برای این دستم بریده شد. پس همگی طلا را رها می‌کنند و چیزی از آن بر نمی‌دارند».^۵

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۵؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۸، ۴۹۵.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۹.

۵. مسلم، صحیح، ج ۲، ص ۷۰۱؛ ترمذی، صحیح، ج ۳۴، ص ۴۹۳؛ ابویعلی، مسند، ج ۱۱، ص ۳۲؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۳۸.

زید زراد می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بیم آن داریم که از مؤمنان نباشیم. فرمود: «چرا؟» عرض کردم: چون در میان خود، کسی را نمی‌یابیم که برادر دینی خود را بر درهم و دینارش برتری دهد و می‌بینیم که درهم و دینار در نزد ما برتری دارد بر برادر مؤمنی که میان ما و او را دوستی و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام پیوند زده است. حضرت فرمود: «خیر، شما مؤمن هستید؛ ولی ایمانتان کامل نمی‌گردد، مگر آن که قائم ما ظهور کند. در آن هنگام، خداوند در شما بردباری و شکیبایی پدید می‌آورد و آن‌گاه مؤمن کامل خواهید شد.»^۱

اهمیت

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) شرایط ناامنی بر جهان چیره است، یکی از بنیادی‌ترین کارهای حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. در حکومت حضرت مهدی (عج) با برنامه ریزی دقیقی که انجام می‌شود، در مدت کوتاهی امنیت در همه زمین‌ها به جامعه باز می‌گردد و مردم در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می‌دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است.

راه‌ها به گونه‌ای امن می‌شود که زنان جوان از جایی به جای دیگر، بدون همراه داشتن محرمی، سفر می‌کنند و از هر گونه تعرض و سوء نظر در امان هستند.

مردم در امنیت کامل قضایی به سر می‌برند؛ به گونه‌ای که دیگر کسی از این که ممکن است حقتش پایمال شود، کوچک‌ترین بیمی ندارد. برنامه‌ها و قوانین به گونه‌ای طرح‌ریزی و اجرا می‌شود که مردم خود را در امنیت کامل مالی و جانی می‌بینند. دزدی از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت مالی تا جایی فراگیر می‌شود که اگر کسی دست در جیب دیگری ببرد، هرگز احتمال دزدی داده نمی‌شود و کار او توجیه می‌گردد.

چنان ناامنی از جامعه رخت برمی‌بندد و جایش را به امنیت می‌دهد که حیوانات و جانداران را نیز در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که گوسفند و گرگ در کنار هم زندگی می‌کنند و کودکان با عقرب و گزندگان همبازی می‌شوند؛ بدون این که آسیبی ببینند.

الف) امنیت عمومی

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «هنگامی که عیسی بن مریم از آسمان به زمین

آید و دجال را به قتل رساند...، چوپان به گوسفندان خود می‌گوید: برای چرا به فلان مکان بروید و در این ساعت بازگردید! گله گوسفندی میان دو کشتزار می‌شوند؛ ولی هرگز به خوشه‌ای از آن تعدی نمی‌کنند و شاخه‌ای از آن را با پای خود نمی‌شکنند.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «... زمین را از عدالت پر می‌کند تا جایی که مردم به فطرت خویش باز می‌گردند. نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کنند.»^۲ ابن عباس درباره گسترش امنیت در روزگار مهدی (عج) می‌گوید: حتی در آن عصر، گرگ، گوسفند را نمی‌درد و شیر، گاو را از بین نمی‌برد و مار به انسان آسیبی نمی‌رساند و موش، انبانی را نمی‌جود و به آن دستبرد نمی‌زند.^۳

امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند، آسمان باران‌های خود را می‌بارد و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می‌شوند و با انسان‌ها کاری ندارند تا جایی که زنی از عراق به شام می‌رود؛ بدون این که درنده‌ای او را نگران سازد و یا از درنده‌ای بترسد.»^۴ نیز آن حضرت می‌فرماید: «لشکر مهدی (عج) ارتش «أعور دجال» را نابود می‌سازد زمین را از وجود آن پاک می‌کند. از آن پس، مهدی فرمانروایی شرق و غرب زمین را به دست می‌گیرد و از جابلقا تا جابرسا را می‌گشاید و بر همه کشورهای چیره می‌شود و حکومت و فرمانروایی او تثبیت می‌گردد.»^۵

آن حضرت با مردم به عدالت رفتار می‌کند تا جایی که گوسفند در کنار گرگ به چریدن مشغول است و کودکان با عقرب بازی می‌کنند؛ بدون این که آسیبی به آنان برسد. بدی‌ها از بین می‌رود و نیکی‌ها بر جای می‌ماند.

در روایتی آمده است: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که حضرت عیسی فرود آید... و گرگ در گله‌ای از گوسفند، همانند سگ گله باشد و شیر در گله شتر، گویی بچه شتر

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.

۲. ابن حماد، فتن، ص ۹۹؛ متقی هندی، برهان، ص ۷۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰؛ ر. ک: عقدالدور، ص ۱۵۶؛ النول المختصر، ص ۱۹؛ سفارینی، لوائح، ج ۲، ص ۱۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۱؛ بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۱۸۰.

۴. صدوق، خصال، باب ۴۰۰، ص ۲۵۵؛ الامامة و التبصرة، ص ۱۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۵. ینایع الموده، ص ۴۲۲؛ المحججه، ص ۴۲۵؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

یا جفت آن است»^۱.

حدیفه می‌گوید: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «به هنگام ظهور حضرت قائم ...، پرندگان در لانه‌های خود تخم‌گذاری می‌کنند و ماهیان در دریا»^۲.
شاید منظور این باشد که آنها احساس امنیت می‌کنند و بدون دغدغه خاطر در لانه و محل زندگی خود تخم‌گذاری می‌کنند.

ابو امامه باهلی می‌گوید: روزی پیامبر خدا ﷺ برای ما خطبه خواند و در پایان آن فرمود: «پیشوای مردم در آن روزگار مردی صالح است ... در آن عصر به گوسفند و گاو تعدی نمی‌شود و کینه‌ها از سینه‌ها زدوده می‌گردد. افسار را از دهان حیوانات برمی‌دارند (و حیوانات به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند تا چه رسد به این که انسان‌ها به حقوق یک‌دیگر تجاوز کنند). کودک دستش را در دهان درنده می‌گذارد، ولی حیوان آزاری به او نمی‌رساند. بچه حیوان در جلو شیر و درنده انداخته می‌شود و به او آسیبی نمی‌رسد و شیر در میان گله شتر، همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان، مانند سگ گله است»^۳.
شاید این روایت کنایه از امنیت کامل و پیدایش جو اطمینان به یک‌دیگر باشد.

نیز آن حضرت می‌فرماید: «روزگاری که عیسی بن مریم به زمین فرود آید و دجال را به قتل رساند، مارها و عقرب‌ها آشکارند و به کسی آزاری نمی‌رسانند»^۴.

از این احادیث اندازه امنیت مالی و جانی در روزگار حضرت مهدی (عج) به خوبی روشن می‌گردد؛ زیرا چوپانی که گله خود را به بیابان می‌فرستد، از دستبرد انسان‌ها و تعدی درندگان به آنها آسوده خاطر است. انسانی که به سفر می‌رود یا در بین جانوران موذی زندگی می‌کند، از آزار و اذیت آنها در امان است؛ به گونه‌ای که گویا قانون احترام به حقوق دیگران حتی برای حیوانات درنده و حشرات نیز پذیرفته شده است و همه در برابر آن خاضع و تسلیم هستند. شاید مقداری از امنیت بدین سبب باشد که در روزگار آن حضرت نعمت‌های الهی فراوان است و چون همه جانداران نیز از آن نعمت‌ها بهره‌مندند

۱. عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱؛ رک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۴۳۷، ۴۳۸؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۲.

۲. اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۳. طیالسی، مسند، ج ۱۰، ص ۳۳۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.

۴. ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.

و احساس امنیت می‌کنند، به کسی آسیب نمی‌رسانند.

امنیت عمومی در عصر امام زمان (عج) چنان فراگیر می‌شود که حتی اگر کسی به خواب رود، اطمینان دارد که او را بیدار نمی‌کنند و مزاحم خواب او نمی‌گردند. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «امت مهدی به آن حضرت پناه می‌برند؛ چنان‌که زنبورهای عسل به ملکه خود پناه می‌آورند. آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که (پیش از آن) پر از ستم و جور شده بود؛ به حدی که مردم به فطرت نخستین خود باز می‌گردند. شخص خوابیده را از خوابش بیدار نمی‌کنند و خون کسی ریخته نمی‌شود».^۱

ب) امنیت راه‌ها

درباره امنیت راه‌ها در حکومت حضرت مهدی (عج) روایات بسیاری رسیده است که به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم:

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «حکومت مهدی (عج) به گونه‌ای است که دو زن شبانه حرکت کرده، مسافرت می‌کنند و از بی‌عدالتی و ستم‌هراسی ندارند».^۲ نیز آن حضرت می‌فرماید: «به یقین خداوند، این امر (دین خود) را به پایان می‌رساند؛ به گونه‌ای که شخص سواره در شب از صنعا به حضر موت مسافرت می‌کند و جز خدا، از کسی ترس ندارد».^۳

شاید گفتن نام این دو سرزمین به لحاظ داشتن بیابان‌های ترسناک باشد که گاهی از آن به مفازه تعبیر شده است و به دلیل تفأل زدن به پیروزی و جان سالم به در بردن از آن بیابان‌ها می‌باشد.

امام باقر ﷺ می‌فرماید: «به خدا سوگند، یاران مهدی آن اندازه می‌جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نورزند و تا آن‌جا که پیرزنی سالخورده و ناتوان از

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰ و در ص ۶۳، بانندی تفاوت؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۵۴.

۲. المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

۳. المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۷۲؛ جامع الاصول، ج ۷، ص ۲۸۶؛ بیہقی، سنن، ج ۹، ص ۱۸۰.

این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعرض او نشود.^۱

شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید: چرا آرزوی ظهور حضرت قائم علیه السلام را داشته باشیم؟ آیا در دوران غیبت مقام والایی داریم؟ حضرت فرمود: «سبحان الله! آیا دوست نداری که امام، عدالت را در جهان بگستراند و امنیت را در راهها برقرار کند و با حکم منصفانه با ستمدیده رفتار نماید و به او یاری رساند؟»^۲

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: روزی ابوحنیفه نزد امام صادق علیه السلام آمد. حضرت خطاب به او فرمود: «این آیه که می فرماید: ﴿سَيُرَوُّ فِيهَا لِيَالِي وَ أَيْاماً آمَنِينَ﴾^۳ در زمین شبانه روز سیر کنید در حالی که در امان باشید. ﴿در باره چه سرزمینی است؟»

ابوحنیفه گفت: گمان دارم بین مکه و مدینه باشد.

حضرت به یارانش رو کرد و فرمود: «آیا می دانید که مردم در بین این راه، مورد تعرض راهزنان قرار می گیرند و اموال آنان به غارت برده می شود و افراد امنیت ندارند و کشته می گردند؟»

اصحاب پاسخ دادند: آری، چنین است و ابوحنیفه سکوت کرد.

حضرت بار دیگر از او پرسید: «این آیه که خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ دَخَلَ كَان آمناً﴾^۴ هر کس در آن وارد شود، در امان خواهد بود. ﴿در باره کدام نقطه از زمین است؟»

ابوحنیفه گفت: کعبه است.

امام فرمود: «آیا می دانی که حجاج بن یوسف ثقفی کعبه را برای سرکوبی ابن زبیر به منجنیق بست و او را کشت. آیا او در جای امن بود؟»

ابوحنیفه سکوت کرد و دیگر سخن نگفت.

چون او از جلسه بیرون رفت؛ ابوبکر حضرمی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم!

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۲؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ منابع الموده، ص ۴۲۳؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲. سفید، اختصاص، ص ۲۰؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۷؛ در بحار الانوار، «ینصر المظلوم» به جای «ینصف المظلوم» آمده است؛ ر.ک: الفائق، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. سباء (۳۴) آیه ۱۸.

۴. آل عمران (۳) آیه ۹۷.

پاسخ این دو پرسش چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابابکر! مراد از آیه اول، همراهی با قائم ما اهل بیت است. نیز سخن خداوند که فرمود: "هر کس در آن وارد شود در امان است" یعنی کسی که دست بیعت به او دهد و در بیعت حضرتش وارد شود و از یاران و اصحاب حضرتش گردد، در امان خواهد بود».

علی بن عقبه از پدرش نقل می‌کند: روزگاری که حضرت قائم ظهور می‌کند، به عدالت حکم می‌نماید و ستم در حکومتش برچیده می‌شود و به سبب وجود آن حضرت راه‌ها و جاده‌ها امن می‌گردد.^۱

قتاده می‌گوید: حضرت مهدی (عج) بهترین انسان‌هاست... در زمان او زمین از چنان امنیتی برخوردار می‌گردد که زنی به همراه پنج زن دیگر، بدون همراه داشتن مردی، به حج می‌روند و از چیزی ترس ندارند.^۲

عدی بن حاتم می‌گوید: به یقین روزی فرا می‌رسد که زنی ناتوان، به تنهایی از حیره (در نزدیکی نجف) به زیارت خانه خدا می‌رود و از کسی جز خدا نمی‌ترسد.^۳

ج) امنیت قضایی

یکی از اموری که پس از ظهور امام (عج) مطرح است، مجازات افرادی است که جهان را سراسر ناامن کرده، میلیون‌ها کشته و زخمی و معلول بر جای گذاشته‌اند و نابسامانی‌های مادی و معنوی را پدید آوردند. آنان جنایتکارانی هستند که جهان را به آن وضعیت اسفبار کشانده‌اند.

پس از ظهور حضرت، تعقیب، دستگیری و محاکمه آنان امری حتمی است؛ زیرا اجرای حدود الهی، یکی از واجبات مهم به شمار می‌رود؛ به ویژه در روزگار حضور امام معصوم و حضرت بقیه الله در زمین که طبق کتاب خدا و به دور از هر گونه هواهای نفسانی، حدود اجرا می‌شود.

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴.

۲. ابن حماد، فتن، ص ۹۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۱۵۱؛ القول المختصر، ص ۲۱.

۳. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۹۱.

در آن عصر برای سرپرستی این وظیفه مهم، از افرادی استفاده می‌شود که علاوه بر تسلط کامل بر مبنای اسلامی و فقهی، از نظر پیشینه نیز کم‌ترین ایراد و اشکالی بر آنان وارد نباشد. در روایات به تسلط آنان به کارهای قضایی و پیشینه و ویژگی‌های فردی آنان اشاره شده است که به بازگویی چند روایت در این زمینه می‌پردازیم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد. پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می‌کنند ... و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه و مالک اشتر».^۱

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا جز این گروه (سی صد و سیزده نفر) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: «آری، مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نجبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود».^۲

در بحارالانوار آمده است: آنان یاوران مهدی و حاکمان روی زمین خواهند بود.^۳ صادق اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «آن‌گاه که حضرت قائم (عج) قیام کند، برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می‌کند و به او می‌فرماید: «برنامه کار تو در دست تو است و چنان‌چه در هنگام انجام وظیفه، مشکلی پیش آمد که حکم آن را ندانستی، به کف دست بنگر و بر طبق آن چه در آن می‌یابی، رفتار نما»».^۴

ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست، کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی و کسب تکلیف برای رفع مشکل باشد یا اشاره به مهارت خیره‌کننده مسؤولان بر کار داشته باشد که با یک نگاه می‌توانند اظهار نظر کنند و شاید به وسیله

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵. به نقل از: عیاشی، تفسیر، و به نقل از: روضة الواعظین، ص ۲۶۶، امام بیست و هفت نفر را از پشت کعبه بیرون می‌آورد.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۲۰۲؛ دلائل الامامة، ص ۳۰۷، با اندکی تفاوت.

۳. دلائل الامامة، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۴. نعمانی، غیبة، ص ۳۱۹؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵ و ج ۵۳، ص ۹۱.

معجزه مشکل حل شود که عقل بشر از فهم آن ناتوان است.
امام باقر علیه السلام می فرماید: «پس از ظهور مهدی (عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی ماند، مگر آن که حضرت آن را باز می ستاند و به صاحب حق می دهد».^۱
امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به حکم و قضاوت داود پیامبر، قضاوت می کند و به شاهد و برهان نیازی ندارد. خداوند (احکام الهی را) به او الهام می کند و او نیز بر طبق دانش خود رفتار می نماید و بر طبق آن قضاوت می کند».^۲

جعفر فرزند سیار شامی می گوید: اندازه و حدود پس گیری حقوق از بین رفته (در روزگار مهدی (عج) بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد، حضرت آن را باز می ستاند و به صاحبش باز می گرداند».^۳

البته این گونه رفتار کردن با حقوق مردم، شایسته دادگاه‌هایی است که در حکومت مهدی (عج) باشند و قاضیان آن افرادی مانند: سلمان، مالک اشتر، بزرگانی از قوم موسی و ... باشند و رهبری دستگاه قضایی نیز با خود حضرت باشد. طبیعی است که دیگر جای نگرانی از نبود شدن حقوق، باقی نمی ماند؛ هم‌چنان‌که جمله «اگر زیر دندان دیگری حقی از کسی باشد باز می ستاند»، گویای این حقیقت است.

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲. روضة الواعظین، ص ۲۶۶؛ بصائر الدرجات، ج ۵، ص ۲۵۹.

۳. ابن حماد، فتن، ص ۹۸؛ عقد الدرر، ص ۳۶؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸؛ القول المختصر، ص ۵۲.

اقتصاد

حکومت اگر پشتوانه‌ای از سوی خداوند داشت و احکام و مقررات الهی را در جامعه اجرا کرد، مردم نیز به برکت آن دگرگون می‌گردند و به تقوا و نیکی روی می‌آورند و در نتیجه نعمت‌های خداوند، از همه سوی بر بندگان سرازیر می‌شود.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾^۱ اگر مردم شهر و دیار ایمان آورند و تقوا پیشه سازند، ما درهای برکات زمین و آسمان را بر آنان می‌گشاییم.

در حکومت مهدی (عج) که مردم به اطاعت خداوند روی می‌آورند و بر فرمان حجت خدا گردن می‌نهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتش بر بندگان خدا مضایقه کنند. از این رو، باران‌های موسمی شروع به باریدن می‌کند، رودخانه‌ها پر از آب می‌شود، زمین‌ها حاصلخیز می‌گردد و کشاورزی شکوفا می‌گردد، باغ‌ها سرسبز و پر از میوه می‌شود، بیابان‌هایی مانند مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده است، به یک باره به نخلستان تبدیل می‌گردد و دامداری گسترش می‌یابد.

اقتصاد جامعه شکوفا گشته، فقر و تنگدستی رخت بر بسته، آبادانی همه جا به چشم می‌خورد و بازرگانی رونقی شایان توجه می‌یابد.

در خصوص شکوفایی اقتصادی در روزگار امام عصر علیه السلام روایات بسیاری رسیده است که در هر زمینه به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم:

الف) شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی

آنچه از روایات در این زمینه استفاده می‌شود، این است که در اثر بهبود وضع اقتصادی، فقر و تهیدستی از جامعه بشری ریشه کن می‌شود و به شخص نیازمند به اندازه‌ای مال و ثروت داده می‌شود که توان بردن آن را نداشته باشد و وضعیت عمومی جامعه چنان بهبود می‌یابد که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج می‌افتند.

۱. تقسیم اموال و بخشش دارایی‌ها

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت المال را به گونه‌ای یکسان در میان مردم قسمت کرده، به عدالت در میان مردم رفتار می‌کند.

ثروت‌های روی زمین (مانند خمس و زکات) و ثروت‌های زیرزمین (مانند گنج‌ها و معادن) نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: «بیایید و بگیرید آن چه را که برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خونریزی و گناهان دست می‌زدید. او چنان اموال می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است».^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در آخر الزمان، خلیفه‌ای ظهور می‌کند که مال را بدون شمارش می‌بخشد».^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در روزگار ناامیدی و پیدایش فتنه‌ها، شخصی به نام مهدی ظهور می‌کند که بخشش‌های او بر مردم؛ گوارا خواهد بود».^۳

بخشش مهدی (عج) پدران و بدون منت است. بنابراین، گوارا می‌باشد. برخلاف بخشش دیگران که به قیمت بندگی، یا دین فروشی یا گرو گذاشتن آبرو تمام می‌شود.

نیز آن حضرت می‌فرماید: «شخصی از قریش پدیدار می‌گردد ... و در میان مردم، اموال را تقسیم می‌کند و به سنت پیامبرشان رفتار می‌نماید».^۴

۱. علل الشرائع، ص ۱۶۱؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۳۷؛ عقد الدرر، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۷.

۲. ابن حنّاد، فتن، ص ۹۸؛ ابن ابی شیبّه، مصتف، ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ احمد، مسند، ج ۳، ص ۵؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۲۴.

۳. شافعی، بیان، ص ۱۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۴۸؛ الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۲۰۷.

۴. ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۸.

در روایتی دیگر می‌فرماید: «مهدی گنج‌های زیرزمین را بیرون آورده، اموال را میان مردم تقسیم می‌کند و اسلام شکوه دوباره خود را باز می‌یابد».^۱

هم‌چنین می‌فرماید: «در آخرین دوران امت من، خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را مشت‌مشت به مردم می‌دهد و آن را نمی‌شمارد».^۲

عبدالله بن سنان می‌گوید: پدرم به امام صادق علیه السلام گفت: من مقداری از زمین‌های خراجی را در اختیار دارم و در آنها کشت و زرع کرده‌ام. حضرت قدری ساکت ماند؛ آن‌گاه فرمود: «اگر قائم ما قیام کند، سهم تو از زمین بیش از این است».^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت‌المال را به گونه‌ای یکسان تقسیم می‌کند و در بین مردم به عدالت رفتار می‌نماید».^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آخرین امامان، هم نام من است. او ظاهر می‌شود و جهان را پر از عدل می‌کند. در حالی که اموال بر هم انباشته شده است، شخصی از او درخواست مال می‌کند. امام (عج) می‌فرماید: "خودت از این اموال بردار"».^۵

۲. ریشه کن شدن فقر از جامعه

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند ... اموال و زکات‌ها را در کوچه‌ها می‌برند؛ ولی کسی پیدا نمی‌شود که حاضر به دریافت آنها باشد».^۶

نیز آن حضرت می‌فرماید: «مهدی (عج) در امت من خواهد بود و در حکومت او مال و ثروت بر هم انباشته خواهد شد».^۷

این حدیث کنایه از رفع نیازمندی‌های جامعه است؛ به گونه‌ای که اموال از موارد

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹.

۲. عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱ ص ۳۷۲؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۲۴؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ بغوی، مصابیح السنه،

ج ۲، ص ۱۳۹؛ شافعی، بیان، ص ۱۲۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۸۵؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۴۹.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰؛ بحار الانوار، ص ۳۷۹؛ رک: احمد، مسند، ج ۳، ص ۲۱؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۵۵.

۶. عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ المستجاد، ص ۵۸، در روایت چنین آمده است: «بطاف بالمال فی الحواء؛ مال را در خانه‌های

محلّه می‌گردانند». حواء = خانه‌های نزدیک به هم و در یک محلّه را می‌گویند.

۷. حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۴.

مصرف بیش‌تر می‌گردد. به سخن دیگر، دولت حضرت مهدی (عج) نه تنها کسری بودجه ندارد، بلکه در آمد آن بر بودجه‌اش فزونی دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند... زمین گنج‌های خود را بیرون ریخته، آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن را بر روی زمین می‌بینند و دارندگان زکات سراغ کسی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به او بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم - از فضل و بخشش خداوند - از دیگران بی‌نیاز می‌گردند».^۱

علی بن عقبه نقل می‌کند: در آن روزگار، کسی جایی را برای دادن صدقات و صرف پول در راه نیک نمی‌یابد؛ زیرا بی‌نیازی همه مؤمنان را فرا گرفته است».^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مردم مالیات خود را بر گردن گذاشته، به سوی مهدی می‌روند. خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی‌نیازی به سر می‌برند و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را در بر نمی‌گرفت، با آن بی‌نیازی، سرکشی می‌کردند».^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) سالی دو بار عطایایی به مردم می‌دهد. آن حضرت ماهی دو بار حقوق می‌دهد و بین مردم یکسان رفتار کرده، به گونه‌ای که فرد نیازمند به زکات، در جامعه یافت نمی‌شود. دارندگان زکات، سهم فقیران را نزد آنان می‌آورند؛ ولی آنان نمی‌پذیرند. به ناچار اموال را در کیسه‌های مخصوص پول می‌گذارند و در محله‌های شیعه می‌چرخانند؛ ولی آنان می‌گویند ما را به درهم‌های شما نیازی نیست».^۴

از روایات بالا دو نکته دانسته می‌شود: نخست این که مردم در حکومت حضرت مهدی (عج) چنان از نظر فکری رشد می‌کنند که بدون زور و فشار به وظایف خود در همه

۱. مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲. مفید، ارشاد، ص ۳۴۴؛ المستجد، ص ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ ر.ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۵۳، ۲۷۲، ۳۱۳ و ج ۳، ص ۵؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۴. نعمانی، غیبه، ص ۲۳۸؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ ابن ابی شیبہ، مصنف، ج ۳، ص ۱۱۱؛ احمد، مسند، ج ۴، ص ۳۰۶؛ بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۱۳۵؛ مسلم، صحیح، ج ۲، ص ۷۰.

ابعاد عمل می‌کنند. یکی از آن وظایف، پرداخت مالیات درآمد به دولت اسلامی است. اگر همه مسلمان‌ها خمس درآمد و زکات اموال خود را به حکومت اسلامی پرداخت کنند، رقم بزرگی را پدید می‌آورد و دولت بر هر گونه اقدام اصلاحی و خدمات همگانی قادر می‌شود.

دوم این که هر چند بخشش آن حضرت در آن روزگار بی‌حساب است و مردم به شیوه‌های گوناگونی درآمدهایی دارند که آنان را بی‌نیاز می‌کند، ولی آن چه بیش‌تر نظر را جلب می‌کند، بلند طبعی و روح بی‌نیازی در آنان است؛ زیرا چه بسیارند انسان‌های ثروتمندی که طبعی گرسنه و روحی آزمند دارند و چه بسا انسان‌هایی که در عین فقر، از طبعی بزرگ و روحی غنی برخوردارند. مردم در عصر امام زمان (عج) از غنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می‌آید.

۳. رسیدگی به محرومان و مستضعفان

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «... در آن عصر، مهدی (عج) ظهور می‌کند و او از فرزند این شخص (علی بن ابی طالب علیه السلام) است. خداوند به دست او، دروغ را نابود می‌کند و روزگار سخت را از بین می‌برد و ریسمان بردگی و بندگی را از گردن‌های تان برمی‌دارد».^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «آن‌گاه که امام زمان (عج) ظهور کند، هیچ برده مسلمانانی باقی نمی‌ماند، مگر آن که حضرت او را خریده، در راه خدا آزاد می‌کند و هیچ بدهکاری نمی‌ماند، مگر آن که حضرت بدهی او را می‌پردازد».^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وقتی مهدی (عج) ظهور می‌کند، به سوی شهر مدینه می‌رود و هر کس از بنی‌هاشم را که در آن‌جا زندانی باشد، آزاد می‌کند».^۳ سپس ابن‌ارطاة می‌گوید: او به کوفه می‌رود و بنی‌هاشم را از زندان‌های آن‌جا آزاد می‌سازد.

طاووس یمانی می‌گوید: ویژگی مهدی (عج) این است که نسبت به فرمانروایان و کارگزاران خود سختگیر است و در بخشش مال دستی باز دارد و نسبت به بیچارگان و

۱. طوسی، غیبه، ص ۱۱۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

۲. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۳. ابن‌حماد، فتن، ص ۸۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷؛ منقی هندی، برهان، ص ۱۱۸.

بینوایان و مسکین‌ها مهربان و با عطف است.^۱

ابورؤبه می‌گوید: مهدی به دست خود به بینوایان عطایایی می‌بخشد.^۲

احتمال دارد منظور این باشد که حضرت در عطا و بخشش، به محرومان و بینوایان توجه ویژه‌ای دارد و به آنان اموال بیش‌تری می‌بخشد و افزون بر حقوقی که هر مسلمان از بیت‌المال دارد، به آنان هر مقدار که صلاح بدانند، می‌بخشد.

ب) عمران و آبادانی

هنگامی که به عظمت و اهمیت عمران و آبادانی در حکومت امام زمان (عج) پی می‌بریم که میزان ویرانی را پیش از ظهور در نظر بگیریم. آری، جهانی که گرفتار جنگی ویرانگر شده، طعمه هواهای نفسانی قدرت‌طلبان گشته، مدت‌ها در آتش جنگ سوخته، کشته‌ها و ویرانی‌هایی به جای گذاشته است، نیاز بیش‌تری به آبادانی دارد و حکومت مهدی (عج) به اصلاح آن ویرانی‌ها می‌پردازد و عمران و آبادانی را در سراسر جهان چشمگیر می‌کند.

علی علیه السلام می‌فرماید: «مهدی (عج) یاران خود را به سرزمین‌های گوناگون می‌فرستد. یارانی را که در آغاز قیام با او عهد و پیمان بستند، به سوی شهرها روانه می‌سازد و آنان را به عدل و احسان سفارش می‌نماید. هر یک از آنان فرمانروای سرزمینی می‌گردد و پس از آن، همه شهرهای جهان با عدل و احسان آباد می‌گردد».^۳

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «در زمان حکومت مهدی (عج) در روی زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، مگر آن که آباد می‌گردد».^۴

نیز آن حضرت می‌فرماید: «پس از آن که حضرت مهدی (عج) وارد کوفه می‌شود... گروهی را مأمور می‌کند تا از پشت آرامگاه امام حسین علیه السلام (بیرون شهر کربلا) رودخانه‌ای به سوی غریین حفر کنند تا آب به سوی شهر نجف سرازیر شود و بر روی آن رودخانه،

۱. عقد الدرر، ص ۱۶۷.

۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸؛ عقد الدرر، ص ۲۲۷.

۳. الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الفصول المهمة، ص ۲۸۴؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۵۲؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ نورالثقلین، ج ۲،

ص ۲۱۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

پل هایی می سازند»^۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند ...، خانه های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می گردد»^۲.

این روایت از گسترش آبادانی شهر کوفه خبر می دهد که از یک سو به حیره - که اکنون حدود شصت کیلومتر از کوفه دور است - و از سوی دیگر، به کربلا متصل می شود که آن نیز همین مقدار از کوفه فاصله دارد.

حبه عرنی می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام به شهر حیره رفت و در آن جا در حالی که با دستش به کوفه اشاره می کرد، فرمود: «به طور حتم خانه های شهر کوفه به شهر حیره متصل می شود و تا اندازه ای رشد می کند که هر یک ذراع^۳ (متر) از زمین این دو شهر به دینارها و قیمت گرانی خرید و فروش می شود»^۴.

شاید گسترش کوفه و گرانی زمین آن بدین دلیل باشد که آن جا پایتخت حکومت اسلامی خواهد بود و طبق روایاتی، مؤمنان به آن جا خواهند رفت.

هم چنین در روزگار حضرت مهدی (عج) راه ها و جاده ها گسترش می یابد و مقررات ویژه ای در این زمینه وضع می شود. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«هنگامی که حضرت قائم قیام کند، به شهر کوفه می رود... آن گاه هیچ مسجدی بر روی زمین نمی ماند که شرفه (ایوان و کنگره داشته باشد یا بر خانه های دیگر مشرف باشد) مگر آن که آن را ویران می سازد و آن را به شکلی قرار می دهد که مشرف نباشد و راه های اصلی را گسترش می دهد»^۵.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، به آگاهی دارندگان مرکب می رساند که از میان جاده و خیابان حرکت کنند؛ چنان که به افراد پیاده دستور می دهد که

۱. مفید، ارشاد، ص ۳۶۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۰؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰؛ المستجاد، ص ۵۸۰؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱ و ج ۹۷، ص ۳۸۵.
۲. طوسی، غیبه، ص ۲۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ۳۳۷ و ج ۹۷، ص ۳۸۵؛ در ارشاد مفید چنین آمده است: «اتصلت بیوت أهل الكوفة بنهری کربلا»؛ ر.ک: روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلام الوری، ص ۴۳۴؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۶؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱؛ المحجّه، ص ۱۸۴.
۳. هر ذراع بین پنجاه تا هفتاد سانتیمتر است؛ المنجد.
۴. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.
۵. مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

از دو سوی خیابان حرکت نمایند. پس هر سواره‌ای که از کنار خیابان حرکت کرد و به کسی آسیب رساند، او را به پرداخت دیه و خون بها ملزم می‌کند و چنانچه فردی پیاده در میان خیابان حرکت کرد و دچار آسیب شد، حق گرفتن دیه را ندارد.^۱

از این روایت می‌فهمیم که شهرها چنان گسترش می‌یابد و وسائل عبور و مرور چنان فراوان می‌گردد که نه تنها برای وسائل نقلیه، بلکه برای عابران پیاده نیز قانون وضع می‌شود.

آری، حکومتی که از دانش و صنعت بهره می‌گیرد و راه‌های اصلی را گسترش می‌دهد و خیابان‌های پهناور احداث می‌کند، به یقین در کنار آن برای رانندگی نیز قوانینی با ضمانت اجرایی قوی وضع می‌کند.

ج) کشاورزی

یکی از بخش‌هایی که در حکومت امام زمان (عج) دگرگونی شایان توجه پیدا می‌کند، بخش کشاورزی و دامداری است. پس از آن که مردم طعم تلخ کمبود باران و خشکسالی‌های پی‌پی و کمبود مواد غذایی و نابودی کشتزارها را چشیده‌اند و زمانی که از دام و دامپروری خبری نیست و برای تهیه لقمه نانی گاهی باید گران بهاترین چیز یعنی ناموس و آبرو را فدا کرد، دگرگونی شگفت‌انگیزی در کشاورزی و دامداری پدید می‌آید و مواد غذایی در جامعه فراوان می‌گردد.

پیش از ظهور امام اگر گاهی باران می‌بارید، ولی زمین پذیرای آن نبود و گاهی که زمین پذیرای آن بود، باران نمی‌بارید و محصولات کشاورزی نابود می‌گشت و گاهی نیز باران نا به هنگام محصولات را از بین می‌برد. در زمان حضرت وضعیت بارندگی دگرگون می‌گردد. نخست بارانی می‌بارد که مردم در سراسر زندگانی ندیده‌اند و پس از آن نیز به موقع رحمت الهی بر انسان‌ها سرازیر می‌شود و در نتیجه نعمت‌های خداوند بر انسان‌ها فراوان می‌شود؛ به گونه‌ای که گویی محصول ده‌ها سال را در یک روز گرد می‌آورند و در روایات آمده است که از یک من (سه کیلوگرم) گندم، صد من محصول به عمل می‌آید.

۱. التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۸۱؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۶، ص ۶۸۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵.

روایات از باریدن بیست و چهار باران خبر می دهند که پس از ظهور فرو می ریزند و در پی آن برکات بسیاری شامل حال مردم می شود. سبزی و خرمی، کوه و دشت و صحرا را فرا می گیرد و بیابان های بایر و همیشه خشک، اثری از خشکی نخواهند داشت و نعمت های الهی آن چنان فراوان می شود که مردم برای مردگان خود آرزوی زندگانی دوباره می کنند.

۱. فراوانی باران

رسول خدا ﷺ فرمود: «آسمان بر آنان باران های فراوانی می بارد».^۱
در روایت دیگری می فرماید: «خداوند برای او (مهدی) برکت را از آسمان فرو می فرستد».^۲

نیز می فرماید: «زمین را عدل و داد فرا می گیرد و آسمان بارانی می بارد و در نتیجه، زمین محصول خود را پدیدار می سازد و امت من در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند».^۳

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «خداوند بزرگ، به سبب وجود ما آفرینش را آغاز کرد و به سبب وجود ما نیز ختم می کند. آن چه را بخواهد، به وسیله ما نابود می گرداند و با ما آن چه را بخواهد، استقرار می بخشد. به وجود ما روزگار سخت را برطرف می سازد و به سبب ما باران فرو می فرستد، پس فریبکاری شما را از راه خدا نفریبد. از روزی که خداوند درهای آسمان را بست، قطره ای باران از آن نیاید و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت خود را فرو می فرستد».^۴

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که روزگار ظهور حضرت قائم فرا رسد، در جمادی الثانی و ده روز از ماه رجب بارانی می بارد که مردم مانندش را ندیده باشند».^۵

۱. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۳۹.

۲. عقد الدرر، ص ۱۶۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱ و ۱۴۱.

۳. المطالب العالیه، ج ۴، ص ۲۴۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۵؛ ر.ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۶۹، ۶۶۳.

۴. من الرحن، ج ۲، ص ۴۲.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

سعید بن جبیر می گوید: در سالی که حضرت مهدی (عج) در آن قیام می کند، بیست و چهار بار باران می بارد که آثار و برکات آن آشکار خواهد بود.^۱

درباره فراوان شدن آب در عصر حضرت قائم (عج)، رسول گرامی اسلام می فرماید: «در دولت او (مهدی (عج)) آب ها فراوان می شود و آب رودخانه ها بالا می آید».^۲

در روایتی دیگر می فرماید: «... رودخانه ها پر از آب می شود و چشمه سارها به جوشش آمده، لب ریز می گردد و زمین چند برابر محصول می دهد».^۳

۲. فراوانی محصولات کشاورزی

رسول خدا ﷺ می فرماید: «خوشا به زندگی، پس از آن دوران که مسیح ع دجال را می کشد؛ زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویدن داده می شود. اگر دانه ای بر روی کوه صفا گذارده شود، حتماً خواهد روید. در آن روزگار، کینه و حسادتی نخواهد بود؛ به گونه ای که اگر شخصی از کنار شیری بگذرد به او آسیبی نمی رساند و اگر بر مار پا گذارد، او را نمی گزد».^۴

نیز آن حضرت می فرماید: «امت من در دوران مهدی (عج) به نعمت هایی می رسند که هرگز مانندش دیده نشده است و هیچ مؤمن یا کافری به چنان نعمتی نرسیده است. آسمان، بارانش را پی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد؛ بلکه آن را بیرون می فرستد».^۵

رسول خدا ﷺ پیرامون آمادگی زمین در عصر مهدی (عج) می فرماید: «زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد، آماده کشت می شود و گیاهانش را می رویاند؛ هم چنان که در زمان حضرت آدم ع بود».^۶

۱. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۶۹.

۲. عقد الدرر، ص ۸۴.

۳. مفید، اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۴. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۴.

۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۱؛ رک: طوسی، غیة، ص ۱۱۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۴.

۶. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۹؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۲؛ عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۳۹۹، با تفاوت.

نیز آن حضرت دربارهٔ برکت محصولات و خوب عمل آمدن آنها می‌فرماید:
 «... یک دانه انار چندین نفر را سیر می‌کند^۱ و یک خوشه انگور را چندین نفر
 می‌خورند (و سیر می‌گردند)»^۲.

علی علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) شرق و غرب زمین را تسخیر می‌کند...
 بدی‌ها و ناراحتی‌ها را برطرف می‌سازد و خیر و نیکی جایگزین آن می‌گردد؛ به طوری که
 یک کشاورز گندم و جواز هر مَن (سه کیلوگرم) گندم، صد مَن محصول به دست می‌آورد؛
 همان‌گونه که خداوند فرمود: ^۳ «در هر سُنْبلی صد دانه به عمل می‌آید و خداوند برای
 هر کس که اراده نماید، زیادتر می‌کند»^۴.

نیز می‌فرماید: «مهدی (عج) کارگزاران خود را در شهرها به عدالت بین مردم سفارش
 می‌کند... کشاورز در آن عصر یک مُد^۵ کشت می‌کند و هفت صد مُد محصول به دست
 می‌آورد؛ چنان‌که خداوند تعالی فرمود و هم‌چنان خداوند این مقدار را بیش‌تر می‌کند»^۶.
 دربارهٔ باروری درختان می‌فرماید: «در زمان مهدی (عج) درختان بار می‌گیرند و
 برکت‌ها فراوان می‌گردد»^۷.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، آسمان، بارانش را فرو می‌ریزد
 و زمین گیاهش را می‌رویاند؛ به گونه‌ای که یک زن از عراق پیاده به شام می‌رود و
 در سراسر راه جز بر سبزی و بوته گام نمی‌گذارد»^۸.

شاید حضرت این منطقه را به عنوان مثال بیان می‌فرماید و باید توجه داشت که
 وضعیت جغرافیایی این منطقه به گونه‌ای است که اکنون در این مسیر جز خارهای بیابانی
 چیز دیگری یافت نمی‌شود. شاید نام بردن از این منطقه برای این باشد که در عصر
 حضرت مهدی (عج) همهٔ زمین‌های بایر، تبدیل به زمین‌های کشاورزی می‌شود.

۱ و ۲. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۵۵، با تفاوت؛ عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱.
 ۳. بقره (۲) آیه ۲۶۱.

۴. الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. مُد، پیمانه‌ای است که در عراق معادل ۱۸ لیتر؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۳۵.

۶. عقد الدرر، ص ۱۵۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷؛ القول المختصر، ص ۲۰.

۷. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۲۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۱؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۱۷.

۸. تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ۳۲۵.

در همین رابطه پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی در امت من ظاهر می شود، زمین محصول، میوه و گل های خود را می رویاند و آسمان بارانش را فرو می ریزد»^۱.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿مدهامتان؛ دو برگ سبز﴾ می فرماید: «بین مکه و مدینه را درخت های خرما به هم متصل می کند»^۲.

نیز آن حضرت می فرماید: «... به خدا سوگند، پس از خروج دجال، کشاورزی خواهد شد و درخت کاشته می شود»^۳.

و به نقل شیخ طوسی در تهذیب «کشاورزی می کنیم و درختان را می کاریم»^۴.

۳. گسترش دام پروری

رسول خدا ﷺ می فرماید: «در روزگار پایانی زندگانی امت من، حضرت مهدی ظهور می کند... و دام و گوسفند فراوان می گردد»^۵.

نیز می فرماید: «در آن عصر گله های دام وجود دارند و به زندگی ادامه می دهند»^۶.
در سخن پیامبر ﷺ نکته ای وجود دارد و آن این که گویا پیش از آن عصر، در اثر کمبود آب و علوفه و گسترش بیماری ها، دام ها نمی توانستند به زندگانی ادامه دهند.

نیز آن حضرت می فرماید: «پس از کشته شدن دجال، خداوند به گله ها برکت می دهد؛ به گونه ای که بچه شتری (که در سن آمادگی برای بارداری است) گروهی از مردم را سیر می کند و گوساله ای، غذای قبیله ای را فراهم می سازد و بزغاله ای، برای سیر کردن گروهی کافی است»^۷.

۱. المناقب و المثالب، ص ۴۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۷۷؛ ر.ک: ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۶؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۹۲؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹، آیه در سورة الرحمن آیه ۶۴ است.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۸۴.

۴. التهذیب، ج ۶، ص ۳۸۴.

۵. حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸؛ عند الدرر، ص ۱۴۴؛ مشقی هندی، برهان، ص ۸۴؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۰.

۶. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۴.

۷. جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۷۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۱۵؛ ج ۱۹، ص ۶۸۱.

۷. ابن حماد، فتن، ص ۱۴۸.

۴. بازرگانی

رشد و گسترش بازرگانی در کشور و جامعه، نشانه شکوفایی اقتصادی و ثروتمند بودن آن جامعه می‌باشد؛ هم‌چنان‌که تعطیل شدن بازارها و کساد بازرگانی نشانه فقر جامعه است. از آن‌جا که در حکومت امام عصر (عج) مردم در وضعیت اقتصادی خوبی به سر می‌برند، بازرگانی رونق می‌گیرد و بازارها فعال می‌شوند.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت (ظهور مهدی (عج)) این است که مال و ثروت همانند سیل در میان مردم به جریان می‌افتد، علم و دانش ظاهر می‌شود و بازرگانی گسترش یافته، شکوفا می‌گردد».^۱

عبدالله بن سلام می‌گوید: مردم پس از خروج دجال، چهل سال زندگی می‌کنند و نخل‌ها می‌نشانند و بازارها بر پا می‌گردد.^۲

۱. ابن قتیبه، عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۲.

۲. ابن ابی شیبہ، مصنف، ج ۱۵، ص ۱۴۲؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۵۴؛ منقح هندی، برهان، ص ۱۹۳.

بهداشت و درمان

یکی از مشکلات جامعه، پیش از ظهور امام زمان (عج)، کاهش بهداشت و درمان است که در نتیجه گسترش بیماری‌هایی واگیر و مرگ‌های ناگهانی را در سراسر جهان در پی دارد. گسترش بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، فلج، کوری، سکت و صدها بیماری خطرناک دیگر آن‌چنان زندگانی مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد که گویی همگان به انتظار مرگ حتمی خود نشسته‌اند و هرگز امیدی به زندگی ندارند. شب که به بستر می‌روند، امید زنده ماندن تا صبح و برخاستن از خواب در آنان نیست و آن‌گاه که از خانه بیرون می‌روند، امیدی به بازگشت خود ندارند.

این اوضاع دلخراش و دردناک، در اثر آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی پدید می‌آید یا افزایش اجساد کشتگان و دفن نشدن آنان و متعفن شدنشان، عامل آن بیماری‌ها می‌شود و یا بر اثر دیگر بیماری‌های روانی و روحی است که از ناامنی و از دست دادن عزیزان پدید می‌آید و شاید نیز معلول همه اینها و چیزهایی است که ما از آن آگاهی نداریم.

حکومت حضرت مهدی (عج) در آن شرایط، نور امیدی در دل انسان‌های بلازده و دردمند آن عصر، برای نابودی آن وضعیت و به ارمغان آوردن تندرستی برای جامعه بشری است و این درست همان چیزی است که حکومت امام زمان (عج) در آن زمینه انجام می‌دهد.

در این جا به بازگویی چند روایت درباره وضعیت بهداشت و درمان، پیش از ظهور می‌پردازیم و آن‌گاه روایاتی را درباره کوشش‌های حضرت حجّت علیه السلام در تأمین بهداشت

و درمان جامعه بیان می داریم:

الف) گسترش بیماری‌ها و مرگ‌های ناگهانی

رسول خدا ﷺ می فرماید: «از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز این است که یک مرد بدون درد و بیماری می میرد».^۱

در روایتی دیگر می فرماید: «در نزدیکی قیامت (ظهور مهدی (عج)) صاعقه‌ها (رعد و برق‌ها که باعث آتش گرفتن و سوختن می شود) فراوان و پیاپی خواهد بود؛ به گونه‌ای که وقتی شخصی نزد خویشاوندان خود یا گروهی می رود و می پرسد، دیروز چه کسی از شما دچار صاعقه شد و سوخت؟ جواب می شنود: فلانی و فلانی...».^۲

صاعقه به معنای بی هوش شدن و از بین رفتن خرد در اثر شنیدن صدای ترسناک و نیز به معنای آتش گرفتن و سوختن آمده است. از این رو، اشخاصی که دچار صاعقه می شوند یا عقلشان را از دست می دهند یا بر اثر آتش صاعقه، سوخته^۳ و تبدیل به خاکستر می شوند. البته ممکن است صاعقه در اثر انفجار گلوله سلاح‌های پیشرفته آن عصر باشد که هم صدای وحشتناک و هم آتشی سوزنده دارند؛ به گونه‌ای که هر کس در نزدیکی آن باشد، به خاکستر تبدیل می گردد و آثاری که بر انسان‌ها به جا می گذارد، جز بیماری نیست و این سه بیماری و بلا تنها از آثار سلاح‌های ویرانگر می باشد.

حضرت رسول ﷺ در روایتی دیگر می فرماید: «به هنگام نزدیک شدن قیامت و رستاخیز، مرگ‌های شدید و در پی آن سال‌های پرزلزله خواهد بود».^۴

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) دو گونه مرگ فراوان می گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید که مرگ سفید، همان گسترش طاعون است».^۵

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از نشانه‌های قیامت و رستاخیز، گسترش بیماری فلج و

۱. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۲۹۸.

۲. احمد، مسند، ج ۳، ص ۶۴؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۳۴.

۳. فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۶۸۸.

۴. المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۵۹.

۵. مفید، ارشاد، ص ۳۵۹؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۲؛

صراط المستقیم، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴۷.

مرگ‌های ناگهانی است»^۱.

امام کاظم علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیدایش مرگ‌های ناگهانی، جذام و بواسیر، از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز است»^۲.

در کتاب بیان الائمه آمده است: از نشانه‌های نزدیک شدن ظهور مهدی (عج) گسترش بیماری وبا و طاعون در سراسر جهان، به ویژه در بغداد و شهرهای پیرامون آن است که در نتیجه گروه بسیاری از مردم نابود می‌گردند.^۳

ب) بهداشت

شکوفایی شگفت‌انگیز دانش‌ها، به ویژه علم بهداشت و درمان در عصر حکومت مهدی (عج) و بهره‌گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه و فرونشستن شعله‌های جنگ و پیدایش آرامش روانی و تأمین بهداشت روحی با اصلاح شدن انسان‌ها و نیز گسترش کشاورزی و دامداری و تأمین تغذیه در حد مطلوب، از جمله عواملی است که بهداشت را در روزگار امام عصر علیه السلام به حد بالا و ایده آل خود می‌رساند و چنان می‌شود که وضعیت جسمی مردم دگرگون می‌گردد و عمر آنان طولانی می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی یک شخص هزار فرزند، نوه و ... خود را می‌بیند و آن‌گاه چشم از جهان فرو می‌بندد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هنگامی که عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمد و دجال را کشت و شب، هنگامی که در صبح آن، خورشید از مغرب طلوع کند (نه از سوی مشرق) تا چهل سال زندگی پربار و آسوده‌ای خواهید داشت و در این مدت نه کسی می‌میرد و نه بیمار می‌شود»^۴.

شاید منظور از این سخن، آن باشد که مرگ‌ها و بیماری‌هایی که پیش از ظهور حضرت، گسترش یافته، در دوران حضرت به اندازه‌ای اندک و ناچیز است که می‌توان آن را در حکم عدم دانست و شاید معنای ظاهری مراد باشد؛ یعنی در این مدت مرگ و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ ابن اثیر، نهایه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، به نقل از: الامامة و التبصرة؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳. بیان الائمه، ج ۱، ص ۱۰۲.

۴. ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.

بیماری وجود نداشته باشد و آن به دلیل مقدم مبارک حضرت بقیه الله الاعظم است. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «در حکومت مهدی (عج) ... عمرها طولانی می شود».^۱ مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند ... مردم در سایه فرمانروایی او، عمری دراز خواهند داشت؛ به گونه ای که برای هر شخص هزار فرزند متولد می شود».^۲

امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل، بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می سازد و قلب های شان را همانند آهن های محکم قرار می دهد و توان و نیروی هر یک از آنان را برابر نیروی چهل مرد می گرداند و آنان فرمانروایان روی زمین و بزرگان آن می شوند».^۳

امام باقر علیه السلام درباره بهداشت محیط زیست در حکومت امام زمان (عج) می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند ... چاه های فاضلاب و ناودان هایی را که در مسیر راه است، از بین می برد».^۴

حفظ بهداشت شهرها و محیط جامعه، از وظایف حکومت هاست. بنابراین، باید از هر عاملی که سبب به خطر افتادن بهداشت محیط زیست می شود، جلوگیری گردد. ریختن فاضلاب خانه ها در کوچه ها و احداث چاه های توالت و دستشویی در بیرون از خانه ها - چنانچه در برخی از شهرها و روستاها مرسوم است - سبب نابودی بهداشت محیط زیست می شود. از این رو، می بینیم که یکی از کارهای حضرت مهدی (عج) جلوگیری از این گونه تخلفات بهداشتی می باشد.

ج) درمان

چون در روزگار حضرت مهدی (عج) بهداشت در حد مطلوب آن وجود دارد،

۱. عقد الدرر، ص ۱۵۹؛ القول المختصر، ص ۲۰.

۲. مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ المستجاد، ص ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۴؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلا الوری، ص ۴۳۲؛ الفصول المهمة، ص ۳۰۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

بیماری‌ها کاهش یافته، تعداد اندکی از افراد به بیماری‌های گوناگون دچار می‌شوند؛ ولی دانش پزشکی نیز در آن عصر در اوج پیشرفت خود می‌باشد و بیماران گوناگون در کوتاه‌ترین مدت معالجه می‌شوند. افزون بر این که حضرت با یاری الهی بیماران غیر قابل درمان را نیز خود بهبود می‌بخشد و می‌توان گفت: در حکومت حضرت بیماری یافت نمی‌شود.

امام حسین علیه السلام درباره حکومت مهدی (عج) می‌فرماید: «هیچ نابینا، زمین‌گیر و دردمندی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می‌سازد».^۱
امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «... آن‌گاه قائم ما که پنهان و مخفی است، ظاهر می‌شود در حالی که جبرئیل پیشاپیش او و کتاب خدا در پیش روی اوست. آن حضرت بیماران پیسی و خوره را شفا می‌بخشد».^۲

از این روایت استفاده می‌شود که حضرت مهدی (عج) خود در درمان بیماری‌های غیر قابل درمان، نقش اساسی دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند».^۳

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کس قائم اهل بیت مرا درک کرد، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می‌یابد و چنان‌که دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می‌گردد».^۴
در کتاب خصال شیخ صدوق آمده است: «روزگار حضرت مهدی (عج) بیماری برطرف می‌شود و آنان (مؤمنان) مانند پاره‌های آهن می‌گردند».^۵

شهادت یا رحلت امام علیه السلام

درباره شهادت یا رحلت حضرت علیه السلام، روایات گوناگونی رسیده ولی با توجه به سخن

۱. خرائج، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
۲. دوحه الانوار، ص ۱۳۳؛ الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۱۷۱.
۳. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳.
۴. نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵؛ به نقل از: خرائج.
۵. صدوق، خصال، ص ۵۰۷.

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام که می‌فرماید: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می‌شود».^۱ می‌توان روایاتی را که دلالت بر شهادت حضرت علیه السلام دارد، بر دیگر روایات ترجیح داد.

در این جا تنها به بازگویی چند روایت بسنده می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام در دنبال آیه شریفه ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾^۲ می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند.

این در حالی است که حضرت حجّت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجّت علیه السلام فرا می‌رسد. پس حضرت امام حسین علیه السلام متولّی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی‌کند».^۳

زهری می‌گوید: حضرت مهدی (عج) چهارده سال زندگی می‌کند؛ سپس به مرگ طبیعی به جوار حق می‌رود.^۴

ارطاة می‌گوید: به من (خبر) رسیده است که حضرت مهدی (عج) چهل سال زندگی می‌کند؛ سپس به مرگ طبیعی در بستر خود می‌میرد.^۵

کعب الاحبار می‌گوید: منصور این امت مهدی است و ساکنان زمین و پرندگان آسمان بر او درود می‌فرستند.

اوست که در جنگ با روم و جنگ‌های عظیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد و این آزمایش بیست سال طول می‌کشد و حضرتش به همراه دو هزار نفر از فرماندهان پرچم‌دار، به شهادت می‌رسند؛ سپس هیچ مصیبتی پس از مصیبت فقدان رسول الله صلی الله علیه و آله بر

۱. کفایة الاثر، ص ۲۲۶؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۲. اسراء (۱۷) آیه ۶.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ تأویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۲۷۸ و ج ۲، ص ۷۶۲، مختصر البصائر، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳ و ج ۵۱، ص ۵۶.

۴. ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۴؛ البدء و التاريخ، ج ۲، ص ۱۸۴؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۶۳.

۵. ابن حمّاد، فتن، ص ۹۹؛ عقد الدرر، ص ۱۴۷؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۷.

مسلمانان گران‌تر از شهادت حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود.^۱
البته سخنان زهری و ارطاة و کعب از نظر ما مورد اعتماد نیست؛ مگر آن که شاهد
صدق داشته باشد.

چگونگی شهادت امام علیه السلام

در الزام الناصب درباره چگونگی شهادت حضرت آمده است: «هنگامی که سال هفتاد
به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم، ایشان را به
شهادت می‌رساند. ویژگی آن زن، این است که همانند مردها محاسن و ریش دارد.
او از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان
پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند. چون حضرت رحلت می‌کند،
امام حسین علیه السلام مراسم غسل، کفن و دفن آن حضرت را عهده دار می‌شود».^۲
البته جز در این کتاب، در جای دیگری به این مطلب - یعنی چگونگی شهادت -
برخورد نکرده‌ام.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حسین علیه السلام با اصحابش - که با او شهید شدند - می‌آیند^۳ و
هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان‌که همراه حضرت موسی هفتاد نفر فرستاده
شدند، آن‌گاه حضرت قائم (عج) انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل، کفن،
حنوط، و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد».
سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت، و یوم یبعث حیاً.

۱. عقد الدرر، ص ۱۴۹.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۰؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۱.

۳. درباره رجعت امام حسین علیه السلام به کتاب ستاره درخشان نوشته مرحوم آیه الله والد مراجعه شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. إثبات الوصيه، على بن حسين مسعودي، ت ۳۴۶ هـ. ق، انتشارات الرضى، قم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۴. إثبات الهداة، محمد بن الحسن حرّ عاملی، ت ۱۱۰۴ هـ. ق، چاپخانه علمیه، قم.
۵. الاحتجاج، احمد بن على بن ابی طالب الطبرسی، قرن ششم هجری، دار النعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ هـ. ق.
۶. إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل، شهيد قاضی نور الله حسینی مرعشی تستری، ت ۱۰۱۹ هـ. ق. (باتعاليق آية الله مرعشی نجفی)، کتابخانه آية الله مرعشی، قم.
۷. الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان، ت ۴۱۳ هـ. ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۸. اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی، ت ۳۸۵ هـ. ق، تلخیص از ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی، دانشگاه مشهد.
۹. الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة، محمد صديق حسن قنوجی بخاری، ۱۳۰۷ هـ. ق، دار الكتب العلمیه، بیروت.
۱۰. الإرشاد، محمد بن محمد بن النعمان، ۴۱۳ هـ. ق، بصیرتی، قم.
۱۱. إرشاد القلوب، ابو محمد الديلمی، مؤسسة الأعلمی، بیروت.
۱۲. إسعاف الراغبین، محمد بن علي الصبّان، ت ۱۲۰۶ هـ. ق، دارالفکر، قاهرة.
۱۳. أسد الغابه، ابن الاثير شیبانی، ت ۶۳۰ هـ. ق، چاپخانه اسلامی، تهران.
۱۴. الاصابة في معرفة الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ت ۸۵۲ هـ. ق، دار الكتاب، بیروت.
۱۵. الأصول الستة عشر، تحقیق حسن مصطفوی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. أعلام المنجد، لويس معلوف اليسوعي، دار المشرق، بیروت.
۱۷. أعلام النساء، عمر رضا كحاله، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۱۸. إعلام الوری بأعلام الهدی، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، ت ۵۴۸ هـ. ق، دار المعرفة، بیروت.

۱۹. أعيان الشيعة، سيد محسن أمين عاملي، دار التعارف، بيروت.
۲۰. اقبال، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى بن جعفر بن طاووس، ت ۵۶۶۴. ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۹۰. ه. ق.
۲۱. الزام الناصب، شيخ على يزدي حائري، قم، ۱۴۰۴. ه. ق.
۲۲. امالى الشجرى (الأمالى النخمييه)، يحيى بن حسين شجرى، ت ۴۷۹. ه. ق، عالم الكتب، بيروت.
۲۳. امالى شيخ طوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسى، ت ۴۶۰. ه. ق، المكتبة الأهليه، بغداد.
۲۴. امالى مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ت ۴۱۳. ه. ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۲۵. الامامة والتبصره، على بن الحسين بن بابويه قمى، ت ۳۲۹. ه. ق، مدرسة الامام المهدي (عج)، قم.
۲۶. الانساب، ابو سعد عبدالكريم تميمى سمعاني، ت ۵۶۳. ه. ق، مؤسسة الكتب الثقافيه، بيروت، ۱۴۰۸. ه. ق.
۲۷. الايقاظ من الهجعه، محمد بن الحسن حرّ عاملي، ت ۱۱۰۴. ه. ق، دارالكتب العلميه، قم.
۲۸. الايام المكيه، نجم الدين طبسى، دانشكده علوم اسلامى قم.
۲۹. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، ت ۱۱۱۱. ه. ق، مؤسسة الوفاء، بيروت.
۳۰. البدء والتاريخ، منسوب به ابو زيد احمد بن سهل بلخى مقدسى، ت ۳۵۵. ه. ق، كتابخانه اسدى، تهران.
۳۱. البرهان فى تفسير القرآن، سيدهاشم بحراني، ت ۱۱۰۷. ه. ق، چاپخانه علميه، قم.
۳۲. البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان، علاء الدين على بن حسام الدين، معروف به متقى هندي، ت ۹۷۵. ه. ق، چاپخانه خيام، قم.
۳۳. برهان قاطع، محمد حسين برهان، ت ۱۰۸۳. ه. ق، نشر خرد، نيما، تهران.
۳۴. بشارة الإسلام، سيد مصطفى آل السيد حيدر كاظمي، ت ۱۳۳۶، كتابخانه نينوى الحديثه، تهران.
۳۵. بشارة المصطفى، ابو جعفر، محمد بن أبى القاسم طبرى، كتابفروشى حيدريه، نجف اشرف.
۳۶. بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد، محمد بن الحسن بن فروخ صفار قمى، ت ۲۹۰. ه. ق، كتابخانه آية الله مرعشى، قم.
۳۷. بهجة الآمال، ملا على عليارى تبريزى، ت ۱۳۲۷. ه. ق، بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور، تهران.
۳۸. بيان الائمة، محمد مهدي نجفى، قم، ۱۴۰۸. ه. ق.
۳۹. البيان فى اخبار صاحب الزمان، محمد بن يوسف بن محمد قرشى، گنجى شافعى، ت ۶۵۸. ه. ق، دار احياء تراث أهل البيت، تهران.
۴۰. تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العتره الطاهره، سيد شرف الدين على حسيني استرآبادى نجفى، قرن ششم، مدرسة الامام المهدي (عج)، قم.
۴۱. تاريخ الامم والملوك، ابو جعفر محمد بن جرير طبرى، ت ۳۱۰. ه. ق، دار المعارف، قاهره.
۴۲. تاريخ بغداد، ابوبكر أحمد بن على خطيب بغدادى، ت ۴۶۳. ه. ق، دار الكتب العلميه، بيروت.
۴۳. تاريخ ما بعد الظهور، سيد محمد صادق صدر، دار التعارف للمطبوعات، بيروت.

٤٤. تبصرة الولی، سیدهاشم بحرانی، ت ١١٠٧ هـ.ق، مؤسسة الأعلمی، بیروت.
٤٥. تحف العقول عن آل الرسول، ابو محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبة حرانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
٤٦. تذکرة الفقهاء، علامه حلی، ت ٧٢٦ هـ.ق، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
٤٧. الترغيب و الترهيب من الحديث الشريف، عبدالعظیم بن عبد القوی المنذری، ت ٦٥٦ هـ.ق، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
٤٨. التصريح بما تواتر في نزول المسيح، محمد انور شاه کشمیری هندی، ت ١٣٥٢ هـ.ق، دار القرآن الکریم، بیروت.
٤٩. التطبيق بين السفينة و البحار بالطبعة الجديدة، سيد جواد مصطفى، آستان قدس رضوی، مشهد. ١٤٠٣ هـ.ق.
٥٠. تفسير الصافي، فيض كاشاني، ت ١٠٩١ هـ.ق، مؤسسة الأعلمی، بیروت.
٥١. تفسير العسكري عليه السلام، منسوب به امام حسن عسكري عليه السلام، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٩ هـ.ق.
٥٢. تفسير العياشي، محمد بن مسعود بن عياش سمرقندی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
٥٣. تفسير فرات الكوفي، فرات بن ابراهيم بن فرات کوفی، کتابفروشی داوری، قم.
٥٤. تفسير قمی، ابوالحسن علی بن ابراهيم قمی، اواخر قرن سوم هجری قمری، کتابفروشی الهدی، نجف اشرف.
٥٥. تفسير نور الثقلين، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، ت ١١١٢ هـ.ق، چاپخانه علمیه، قم.
٥٦. تقريب المعارف، شيخ تقی الدين ابو الصلاح حلی، ت ٤٤٧ هـ.ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ١٤٠٤ هـ.ق.
٥٧. التقريب و التيسير، ابو زکریا يحيى بن شرف النووی، بیروت.
٥٨. تنقيح المقال في علم الرجال، شيخ عبدالله بن محمد حسن بن المولى عبدالله المامقاني النجفي، ت ١٣٥١ هـ.ق.
٥٩. تهذيب الاحكام في شرح المقنعة، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی، ت ٤٦٠ هـ.ق، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
٦٠. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن الحسین بن بابويه، ت ٣٨١ هـ.ق، کتابخانه آية الله مرعشی، قم.
٦١. جامع احاديث الشيعة، سيد حسين بروجردی، ت ١٣٨٠ هـ.ق، مدينة العلم، قم.
٦٢. جامع الاخبار، تاج الدين شعیری، قرن ششم هجری قمری، انتشارات رضی، قم.
٦٣. جامع الاصول من احاديث الرسول، ابوالسعادات مبارک بن محمد معروف به ابن الاثير، ت ٦٠٦ هـ.ق، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
٦٤. الجامع الصحيح، محمد بن عيسى بن سورة ترمذی، ت ٢٩٧ هـ.ق، دار احياء التراث العربی، بیروت.

۶۵. جمع الجوامع (الجامع الكبير)، جلال الدين عبد الرحمن سيوطي، ت ۹۱۱ هـ. ق، چاپ سنگي.
۶۶. الحاوي للفتاوى، جلال الدين عبد الرحمن سيوطي، ت ۹۱۱ هـ. ق، دار كتب العلميه، بيروت.
۶۷. حق اليقين، محمد باقر مجلسي، ت ۱۱۱۱ هـ. ق، جاويدان، تهران.
۶۸. حلية الابرار في فضائل محمد وآله الاطهار، سيدهاشم بن اسماعيل بحراني، ت ۱۱۰۷ هـ. ق، دارالكتب العلميه، قم.
۶۹. حلية الاولياء وطبقات الاصفياء، ابو نعيم اصفهاني احمد بن عبدالله، ت ۴۳۰ هـ. ق، دار الكتاب العربي، بيروت.
۷۰. الخرائج و الجرائح، ابو الحسين سعيد بن هبة الله معروف به قطب الدين راوندي، ت ۵۷۳ هـ. ق، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم.
۷۱. الخصال، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمي، ت ۳۸۱ هـ. ق، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۷۲. خلاصة الاقوال (رجال علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر حلي، ت ۷۲۶ هـ. ق، الرضي، قم.
۷۳. درر الاخبار فيما يتعلق بحال الاحتضار، شيخ محمد رضا طبسي نجفي، ت ۱۴۰۵ هـ. ق، چاپخانه نعمان، نجف اشرف.
۷۴. الدر المنثور في التفسير بالمأثور، جلال الدين سيوطي، ت ۹۱۱ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۷۵. دلائل الامامة، ابو جعفر محمد بن جرير بن رستم طبري، كتابفروشي رضي، قم.
۷۶. دلائل النبوة، احمد بن عبدالله، ابو نعيم اصفهاني، ت ۴۳۰ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۷۷. ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، محب الدين احمد بن عبدالله الطبري، ت ۶۹۴ هـ. ق، كتابفروشي محمدی، قم.
۷۸. الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرك طهراني، ت ۱۳۸۹ هـ. ق، كتابفروشي اسلاميه، تهران.
۷۹. راموز الاحاديث، ضياء الدين احمد بن مصطفى استانبولي، ت ۱۳۱۱ هـ. ق، چاپ هند.
۸۰. رجال ابن داود، حسن بن علي بن داود حلي، ت اوایل قرن هشتم، نجف، ۱۹۷۲ م.
۸۱. رجعت از نظر شيعة، نجم الدين طبسي، چاپخانه علميه، قم، ۱۴۰۰ هـ. ق.
۸۲. الرجعة في احاديث الفريقين، نجم الدين طبسي
۸۳. راهنمای كتب اربعه، محمد مظفري، چاپخانه علميه، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۸۴. روضة المتقين، محمد تقی مجلسي، ۱۰۷۰ هـ. ق، بنياد فرهنگ اسلامي كوشانپور، تهران.
۸۵. روضة الواعظين، محمد بن فتال نيسابوري، ت ۵۰۸ هـ. ق، انتشارات الرضي، قم.
۸۶. رياضين الشريعة، ذبيح الله محلاتي، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
۸۷. ستاره درخشان، شيخ محمد رضا طبسي نجفي، ترجمه سيد محمد مير شاه ولد، انتشارات محمدی، تهران.

- ٨٨ سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ت ١٣٥٩ هـ. ق، انتشارات أسوه، قم.
- ٨٩ سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، ت ٢٧٥ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ٩٠ سنن ابی داود، سلیمان بن الأشعث سجستانی، ت ٢٧٥ هـ. ق، دار احیاء السنة النبویه.
- ٩١ السنن الکبری، ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی، ت ٤٥٨ هـ. ق، دار المعرفه، بیروت.
- ٩٢ سنن الدارمی، ابو محمد عبدالله دارمی، ت ٢٥٥ هـ. ق، دار الفکر، بیروت.
- ٩٣ السیره الحلیه، علی بن برهان الدین حلبی شافعی، ت ١٠٤٤ هـ. ق، بیروت.
- ٩٤ شرح نهج البلاغه، عز الدین ابو حامد بن هبة الله بن ابی الحدید مدائنی، ت ٦٥٥ هـ. ق، چاپخانه بابی حلبی، قاهره.
- ٩٥ الشیعه و الرجعه، شیخ محمد رضا طبسی نجفی، چاپخانه الآداب، نجف اشرف، ١٣٨٥ هـ. ق.
- ٩٦ صحیح البخاری، اسماعیل بن ابراهیم جعفی بخاری، ت ٢٥٦ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ٩٧ صحیح ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، ت ٢٩٧ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ٩٨ صحیح مسلم، ابو الحسین مسلم بن حجاج قشیری نيسابوری، ت ٢٦١ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ٩٩ الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، زین الدین ابو محمد علی بن یونس عاملی نباطی، ت ٨٧٧ هـ. ق، کتابفروشی مرتضویه، تهران.
- ١٠٠ الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی، ت ٩٧٤ هـ. ق، کتابخانه قاهره.
- ١٠١ الطبقات الکبری، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع بصری زهری، ت ٢٣٠ هـ. ق، دار صادر، بیروت.
- ١٠٢ الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، علی بن موسی معروف به سید بن طاوس، ت ٦٦٤ هـ. ق، چاپخانه خیام، قم.
- ١٠٣ العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر حلّی، ت ٧٢٦ هـ. ق، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
- ١٠٤ العطر الوردی، محمد بلیسی شافعی، ت ١٣٠٨ هـ. ق، چاپخانه امیریه، بولاق.
- ١٠٥ عقائد صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، ت ٣٨١ هـ. ق، چاپ سنگی، ١٢٩٢ هـ. ق.
- ١٠٦ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی سلمی شافعی، قرن هفتم هجری قمری، عالم الفکر، قاهره.
- ١٠٧ العقد الفرید، ابن عبد ربه اندلسی، ت ٣٢٧ هـ. ق، دار الکتاب العربی، بیروت.
- ١٠٨ علل الشرایع، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، ت ٣٨١ هـ. ق، کتابفروشی حیدریه، نجف اشرف.
- ١٠٩ العلل المتناهیه، ابو الفرج عبد الرحمن بن الجوزی، ت ٥٩٧ هـ. ق، دارالکتب العلمیه، بیروت، ١٤٠٣ هـ. ق.
- ١١٠ العمده لابن البطریق، یحیی بن الحسن اسدی حلّی معروف به ابن البطریق، ت ٦٠٠ هـ. ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.

۱۱۱. عوالم العلوم، والمعارف والاحوال من الآيات والاشعار والاقوال، شيخ عبدالله بحراني اصفهاني، مدرسة الامام المهدي (عج)، قم.
۱۱۲. عيون الاخبار، عبدالله بن مسلم بن قتيبة دينوري، ت ۲۷۸ هـ. ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
۱۱۳. عيون أخبار الرضا، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه، ت ۳۸۱ هـ. ق، نشر توس، قم.
۱۱۴. الفارات، ابو اسحاق ابراهيم بن محمد ثقفی، ت ۲۸۳ هـ. ق، انجمن آثار ملي، تهران.
۱۱۵. غاية المرام في حجة الخصام عن طريق الخاص والعام، سيدهاشم بن سليمان بحراني، ت ۱۱۰۷ هـ. ق، مؤسسة الاعلمي، بيروت.
۱۱۶. الفقيه، ابو جعفر، محمد بن الحسن طوسي، ت ۴۶۰ هـ. ق، كتابفروشي نينوي، تهران.
۱۱۷. الفقيه، محمد بن ابراهيم نعماني، ت ۳۶۰ هـ. ق، كتابفروشي صدوق، تهران.
۱۱۸. الفائق في غريب الحديث، جار الله، محمود بن عمر زمخشري، ت ۵۸۳ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۱۱۹. الفتاوى الحديثية، احمد بن حجر هيثمي، ت ۹۷۴ هـ. ق، التقدم العلمي، مصر.
۱۲۰. الفتن، ابو عبدالله نعيم بن حماد مروزي، ت ۲۲۸ هـ. ق، خطي، كتابخانه المتحف، انگلستان.
۱۲۱. الفتوحات المكية، محمد بن علي معروف به ابن عربي، ت ۶۳۸ هـ. ق، دار صادر، بيروت.
۱۲۲. فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين والأئمة من ذريتهم عليهم السلام، ابراهيم بن محمد جويني خراساني، ت ۷۳۰ هـ. ق، مؤسسة المحمودي، بيروت.
۱۲۳. فرائد فوائد الفكر، مرعي بن يوسف بن ابي بكر، قرن يازدهم هجري قمری، بنياد معارف اسلامي، قم.
۱۲۴. فردوس الاخبار، ابو شجاع شيرويه بن شهردار بن شيرويه ديلمی، ت ۵۰۹ هـ. ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
۱۲۵. فرهنگ عميد، حسن عميد، جاويدان، تهران.
۱۲۶. الفصول المهمة في معرفة احوال الأئمة، علي بن محمد بن احمد مالكي مكي مشهور به ابن صباغ، ت ۸۵۵ هـ. ق، كتابفروشي دار الكتب، نجف اشرف.
۱۲۷. فضل الكوفة، وفضل اهلها، محمد بن علي بن الحسن علوي حسيني كوفي، ت ۴۴۵ هـ. ق، مؤسسة اهل البيت، بيروت.
۱۲۸. الفقيه (كتاب من لا يحضره الفقيه)، محمد بن علي بن بابويه قمی، ت ۳۸۱ هـ. ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
۱۲۹. قرب الاسناد، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حميري، ت ۳۱۰ هـ. ق، چاپ سنگي، چاپخانه اسلاميه، تهران.
۱۳۰. قصص الانبياء، قطب الدين راوندي، ت ۵۷۳ هـ. ق، بنياد پژوهش های اسلامي، مشهد، ت ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۳۱. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر، احمد بن حجر هيثمي، ت ۹۷۴ هـ. ق، خطي، كتابخانه امير المؤمنين، نجف اشرف.
۱۳۲. كامل الزيارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه، ت ۳۶۷ هـ. ق، چاپخانه مرتضويه، نجف اشرف،

۱۳۵۶ هـ.

۱۳۳. الكامل فی التاريخ، ابوالحسن علی بن ابی المکرّم معروف به ابن الاثیر، ت ۶۳۰ هـ. ق، دار صادر، بیروت.
۱۳۴. کشف الاستار، میرزا حسین نوری، ت ۱۳۲۰ هـ. ق، کتابفروشی نینوی، تهران.
۱۳۵. کشف الحق (الاربعون)، امیر محمد صادق خاتون آبادی، ت ۱۲۰۷ هـ. ق، بنیاد بعثت تهران، ۱۳۶۱ ش.
۱۳۶. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، ت ۶۹۲ هـ. ق، دار الکتاب الاسلامی، بیروت.
۱۳۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، ت ۳۲۹ هـ. ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۱۳۸. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر، ابو القاسم علی بن محمد بن علی (الخزاز)، قرن چهارم هجری قمری، نشر بیدار، قم.
۱۳۹. کمال الدین و تمام النعمة، ابو جعفر محمد علی بن بابویه قمی، ت ۳۸۱ هـ. ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۱۴۰. الکنی والألقاب، شیخ عباس قمی، ت ۱۳۵۹ هـ. ق، کتابخانه صدر، تهران.
۱۴۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علاء الدین علی معروف به متقی هندی، ت ۹۷۵ هـ. ق، مؤسسة الرساله، بیروت.
۱۴۲. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، ت ۸۵۲ هـ. ق، مؤسسة الاعلمی، بیروت.
۱۴۳. لوائح الانوار البهیة، شمس الدین محمد بن احمد سفارینی نابلسی، ت ۱۱۸۸ هـ. ق، مجله المنار، مصر.
۱۴۴. مجمع البحرين، فخر الدین طریحی، ت ۱۰۸۵ هـ. ق، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
۱۴۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن الحسن طبرسی، ت ۵۴۸ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۴۶. مجمع الرجال، زکی الدین عنایة الله بن مشرف الدین قهبائی، قرن یازدهم هجری قمری، چاپخانه ربانی، اصفهان.
۱۴۷. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر هیشمی، ت ۸۰۷ هـ. ق، دار الکتاب العربی، بیروت.
۱۴۸. المحاسن، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، ت ۲۷۴ هـ. ق، دار الکتب الاسلامیة، قم.
۱۴۹. المحجة فیما نزل فی الحجّة، سیدهاشم بحرانی، ت ۱۱۰۷ هـ. ق، مؤسسه الوفاء، بیروت، ت ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۵۰. مختصر اثبات الرجعه، فضل بن شاذان نيسابوری، مجله تراثنا، شماره ۱۵.
۱۵۱. مختصر بصائر الدرجات، عز الدین حسن بن سلیمان حلی، قرن نهم هجری قمری، چاپخانه حیدریه، نجف اشرف.
۱۵۲. مدینه المعاجز، سیدهاشم بحرانی، ت ۱۱۰۷ هـ. ق، چاپ سنگی، تهران.
۱۵۳. مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، ۱۱۱۱ هـ. ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۱۵۴. مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ت ۳۴۶ هـ. ق، دار الاندلس، بیروت.
۱۵۵. المستجد من کتاب الارشاد، حسن بن مطهر حلی، ت ۷۲۶ هـ. ق، کتابخانه آیه الله مرعشی.

۱۵۶. مستدرکات علم رجال الحديث، شيخ علي نمازي، ت ۱۴۰۵ هـ. ق، چاپخانه حيدريه، تهران.
۱۵۷. المستدرک على الصحيحين في الحديث، ابو عبدالله، محمد بن عبدالله معروف به حاکم نيسابوري، ت ۴۰۵ هـ. ق، دار الفكر بيروت.
۱۵۸. مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، ت ۱۳۲۰ هـ. ق، مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
۱۵۹. المسترشد، ابو جعفر، محمد بن جرير بن رستم الطبري، قرن چهارم هجري قمری، چاپخانه حيدريه، نجف اشرف.
۱۶۰. مسند ابو عوانه، يعقوب بن إسحاق اسفرائيني، ت ۳۱۶ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۱۶۱. مسند ابى يعلى الموصلي، احمد بن علي بن المثنى التميمي، ت ۳۰۷ هـ. ق، دار المأمون للتراث، دمشق.
۱۶۲. مسند احمد، احمد بن حنبل، ت ۲۴۱ هـ. ق، دار الفكر، بيروت.
۱۶۳. مسند ابى داود، سليمان بن داود بن الجارود فارسي بصرى، ت ۲۰۴ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۱۶۴. مصابيح السنة، حسين بن مسعود بن محمد الفراء بغوي، ت ۵۱۶ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۱۶۵. مصادقة الاخوان، ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه قمی، ت ۳۸۱ هـ. ق، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم.
۱۶۶. المصنّف، عبدالرزاق بن همام صنعائي، ت ۲۱۱ هـ. ق، المكتب الاسلامي، بيروت.
۱۶۷. المصنّف، عبدالله بن محمد بن ابى شيبة، ت ۲۳۵ هـ. ق، دار السلفيه، بمبئي.
۱۶۸. المطالب العاليه بزوائد المسانيد الثمانية، احمد بن حجر عسقلاني، ت ۸۵۲ هـ. ق، دار المعرفة، بيروت.
۱۶۹. معجم احاديث الإمام المهدي، نجم الدين طيسى با همكارى جمعى از فضلا، نشر معارف اسلامي، قم.
۱۷۰. معجم البلدان، ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله حموي بغدادى، ت ۶۲۶ هـ. ق، دارالتراث العربي، بيروت.
۱۷۱. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خوئي، مدينة العلم، قم.
۱۷۲. المعجم الصغير، سليمان بن احمد طبراني، ت ۳۶۰ هـ. ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
۱۷۳. المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبراني، ت ۳۶۰ هـ. ق، كتابفروشى المعارف، رياض.
۱۷۴. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبراني، ت ۳۶۰ هـ. ق، وزارت اوقاف عراق.
۱۷۵. الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، رضي الدين علي بن موسى بن طاووس، ت ۶۶۴ هـ. ق، مؤسسة الأعلمی، بيروت.
۱۷۶. ملاذ الأخيار، محمد باقر مجلسي، ت ۱۱۱۱ هـ. ق، كتابخانه آية الله مرعشي، قم.
۱۷۷. المنار المنيف في الصحيح و الضعيف، ابن قيم الجوریه، ت ۷۵۱ هـ. ق، مكتب المطبوعات الاسلامية.
۱۷۸. مناقب آل ابى طالب، ابو جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب، ت ۵۸۸ هـ. ق، انتشارات علامه، قم.
۱۷۹. منتخب الاثر في الامام الثاني عشر عليه السلام، شيخ لطف الله صافي، كتابخانه صدر، تهران.
۱۸۰. منتخب الانوار المضيئة، سيد علي بن عبدالكريم نيلى نجفی، قرن نهم هجري قمری، چاپخانه خيام، قم.

۱۸۱. منتخب كنز العمال، علاء الدين متقى هندی، ت ۹۷۵ هـ. ق، دار الفكر، بيروت.
۱۸۲. المنجد، لويس معلوف يسوعی، دار المشرق، بيروت.
۱۸۳. منن الرحمن، محمد بهاء الدين الحارثی، ت ۱۰۳۰ هـ. ق، چاپخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۴۴ هـ.
۱۸۴. منية المرید، زين الدين بن علی بن احمد عاملی، ت ۹۶۵ هـ. ق، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۸ ش.
۱۸۵. منهاج الدموع، شیخ علی قرنی گلپایگانی، مؤسسه مطبوعاتی دین و دانش، قم، ۱۳۴۴ هـ. ق.
۱۸۶. مهدی موعود، محمد باقر مجلسی، ۱۱۱۱ هـ. ق، ترجمه علی دوانی، آخوندی، تهران.
۱۸۷. المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، شیخ جمال الدين ابو العباس، احمد بن فهد حلی اسدی، ۸۴۱ هـ. ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۱۸۸. موارد السجن فی النصوص و الفتاوی، نجم الدين طبسی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۱۸۹. الموطأ، مالک بن انس، ت ۱۷۹ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بيروت.
۱۹۰. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، ت ۱۴۰۲ هـ. ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۱۹۱. النفي والتغريب، نجم الدين طبسی، مجمع الفكر الاسلامی، قم.
۱۹۲. نقش زنان مسلمان در جنگ، محمد جواد طبسی نجفی، چاپخانه طلوع آزادی، ۱۳۶۷ ش.
۱۹۳. نور الابصار، فی مناقب آل النبي المختار ﷺ، شیخ مؤمن بن حسن مؤمن شبلنجی، ت ۱۲۹۰ هـ. ق، دار الفكر، بيروت.
۱۹۴. النهاية فی غریب الحديث والاثر، مبارک بن محمد جزری معروف به ابن الاثیر، ت ۶۰۶ هـ. ق، اسماعیلیان، قم.
۱۹۵. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، ت ۱۱۰۴ هـ. ق، دار احیاء التراث العربی، بيروت.
۱۹۶. وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، ت ۲۱۲ هـ. ق، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۹۷. الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان حسینی حصینی، ت ۳۴۴ هـ. ق، مؤسسه البلاغ، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۱۹۸. ینایع المودة، سلیمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی، ت ۱۲۹۴ هـ. ق، کتابفروشی محمدی، قم.
۱۹۹. يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی ﷺ، کامل سلیمان، دار الکتب اللبنانی، ۱۴۰۲ هـ. ق.